



تفسیر

تفسیر



صنف هشتم
(برای مدارس دینی)

صنف هشتم

کتاب های درسی متعلق به وزارت معارف بوده خرید و فروش آن ممنوع است.

curriculum@moe.gov.af

(برای مدارس دینی)



جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت معارف
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

تفسیر

صنف هشتم

(برای مدارس دینی)

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ. ش.



مؤلفان

– دكتور عبدالصبور فخرى

– محمد عارف عطائي

ايديت علمى

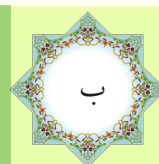
– دكتور فضل الهادى وزين

ايديت زباني

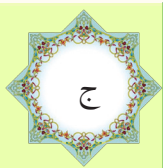
– سيد محمود خليف

إشراف

– دكتور شير على ظريفى رئيس پروژه انكشاف نصاب تعليمى.



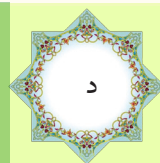
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





سرود ملی

دا وطن افغانستان دی	دا عزت د هر افغان دی
کور د سولې کور د تورې	هر بچی یې قهرمان دی
دا وطن د ټولو کور دی	د بلوڅو د ازبکو
د پښتون او هزاره وو	د ترکمنو د تاجکو
ورسره عرب، گوجر دي	پامیریان، نورستانیان
براهوي دي، قزلباش دي	هم ایماق، هم پشه بان
دا هیواد به تل ځلېږي	لکه لمر پر شنه آسمان
په سینه کې د آسیا به	لکه زړه وي جاویدان
نوم د حق مو دی رهبر	وايو الله اکبر وایو الله اکبر



بسم الله الرحمن الرحيم

پیام وزیر معارف

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على نبيه ورسوله محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين، أما بعد: نصاب تعلیمی معارف اساس نظام تعلیم و تربیه را تشکیل داده و در رشد و توسعه علمی، فکری و سلوکی نسلهای امروز و فردای کشور نقش بنیادی و سرنوشت ساز دارد.

نصاب تعلیمی با گذشت زمان و تحول و پیشرفت در عرصه های مختلف زندگی، مطابق با نیازهای جامعه باید هم از نظر مضمون و محتوا و هم از نظر شیوه و روش تقدیم معلومات تطور و انکشاف نماید.

یکی از عرصه های نصاب تعلیمی که باید مورد توجه جدی برای تجدید نظر و بهبود باشد نصاب تعلیمات اسلامی است، زیرا تعلیمات اسلامی شامل عقاید، احکام و هدایات دین مبین اسلام است که بحیث نظام و قانون مکمل تمام ابعاد زندگی انسان ها را دربر گرفته و بحیث آخرین پیام خالق و پروردگار جهان تا روز قیامت، رسالت رهنمایی و هدایت بشریت را انجام می دهد.

علمای امت اسلامی در طول تاریخ نقش مهمی را در ایجاد، توسعه و غنای سیستم تعلیمات و معارف اسلامی مخصوصاً انکشاف تدریجی نصاب تعلیمی مراکز و مؤسسات علمی جهان اسلام ایفاء کرده اند.

مطالعه دقیق در سیر تطور تاریخی علوم و معارف اسلامی در جهان نشان می دهد که نصاب تعلیمی مدارس و مراکز علمی ما همواره بنا بر ضرورت های جامعه و در تطابق با ثوابت و طبیعت دین اسلام که برای همه انسانها در همه زمانها و مکانها می باشد توسعه یافته است.

کشور عزیز ما افغانستان با تاریخ علمی درخشان، روزگاری مهد علم و دانش و جایگاه بزرگترین مراکز علمی عصر بوده و در شکل گیری تمدن بزرگ اسلامی نقش عظیمی داشته است، وجود هزاران دانشمند و عالم در عرصه های مختلف علم و فرهنگ مخصوصاً در علوم شرعی مانند عقاید، تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه و غیره، گواه واضح آنچه گفته شد می باشد.

همزمان با رشد موج بیداری اسلامی در عصر حاضر، تعلیمات اسلامی در کشور ما شاهد تحول کمی و کیفی بوده و اطفال و جوانان کشور ما با شوق و رغبت فراوان به طرف مدارس و مراکز تعلیمات اسلامی رخ مینمایند.

وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس مسؤولیت و رسالت خویش در مطابقت با احکام قانون اساسی کشور، به منظور رشد و توسعه کیفی و کمی تعلیمات اسلامی و از جمله نصاب تعلیمات اسلامی اقدامات قابل توجه نموده است.

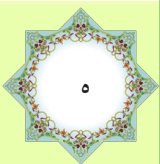
این وزارت با دعوت از علماء، استادان و متخصصین فرهیخته و قابل اعتماد کشور به به سازی نصاب تعلیمی پرداخته و بدون کم و کاست در مضامین و کتابهای مقرر در نصاب تعلیمی رائج مدارس تعلیمات اسلامی، به منظور استفاده خوبتر و بیشتر، کتابهای مقرر را شکل درسی داده و با شرح و توضیح لازم متون و اضافه فعالیتها و ارزیابی و تمارین مناسب، به غنای متون درسی موجود پرداخت.

امیدوارم این خدمت ناچیز وزارت معارف و تلاشهای قابل تمجید علماء و دانشمندان و متخصصان کشور عزیز ما مورد قبول خداوند متعال قرار گرفته و در بهبود و انکشاف هر چه بیشتر تعلیمات اسلامی در افغانستان عزیز مفید واقع شود.

وبالله التوفیق

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف



استادان گرامی و دانش آموزان ارجمند!

ریاست انکشاف نصاب تعلیمی وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان با در نظر داشت اوضاع و احوال کنونی و نیازهای علمی بر این شد تا در امر تالیف و تدریس مضمون تفسیر شریف، امور ذیل مراعات گردد:

- شاگردان سر از صنف هفتم تا صنف دوازدهم یک مرور کامل بر تمام قرآن مجید و تفسیر مختصر آن داشته باشند.
- سعی صورت گرفته که حجم مطالب مندرج در کتابهای تفسیر، با ساعات درسی هر صنف موافق و موازی باشد.
- تسلسل ارتقای سوییۀ شاگردان در نظر گرفته شده، تا کتاب هر صنف به اندازه فهم و درک طلاب باشد.

در روشنایی نکات فوق و طبق مفردات تصویب شده، لازم دیده شد که در صنف هفتم تفسیر جزء اخیر قرآن مجید به زبانهای ملی به شاگردان تعلیم داده شود، تا در قدم اول ترجمه و تفسیر مختصر سوره‌های کوتاه کلام الله مجید را یاد گرفته با روش تفسیری قرآن آشنائی پیدا کنند.

به تعقیب آن در صنف هشتم جزء اول و دوم قرآن پاک ترجمه و تفسیر شود، این کتاب نیز - مانند تفسیر هفتم - به زبانهای ملی تالیف گردد، لیکن تا حدی به تفصیل و تشریح بیشتر.

از صنف نهم به بعد - تا صنف دوازدهم - تالیف به زبان عربی بوده متن تفسیر جلالین شریف به حیث کتاب اساسی انتخاب شود، علاوه بر آن آیات هر درس تفسیر و تحلیل مختصر گردد، تا پیام واضح دروس به طلاب رسانیده شده، معضلات جلالین حل گشته و بالاخره با اضافه کردن دروس و فواید، سؤالها و کارخانه‌گی کتابهای تفسیر شکل و نظم کتب درسی معاصر را احتوا کند.

این اقدام برای آن بوده تا کتاب تفسیر در قالب کتب نصاب انداخته شود، استادان و شاگردان مکلفیت روزمره خود را بدانند، و اعضای نظارت با در نظر داشت هفته‌های سال درسی از پیشرفت منهج مقرر اطمینان حاصل نمایند، که به این طریقه بین اصالت و نوگرایی جمع صورت گرفته است.

قابل توجه است که چون مرور بر همه قرآن مجید لازم دیده شده بود لذا مجال بسط و تفصیل زیاد در این تالیفات نبوده، مؤلفین محترم سعی نمودند تا از ایجاز کار بگیرند، از ذکر اقوال مختلفه و تفاسیر متعدده اجتناب ورزند و در احکام فقهی به ذکر مذهب حنفی اکتفا نمایند. بتوفیق خداوند با اختیار این سبک جدید، شاگردان هم از مسائل نحوی، بلاغی و لغوی قرآن مجید تاحدیکه جلالین شریف احتوا کرده است آگاهی پیدا می‌کنند و هم پیام دعوتی، احکام فقهی و هدایات سرنوشت ساز این کتاب مقدس آسمانی را بگونه خوب می‌آموزند.

امید داریم این کتاب نه تنها برای تدریس در مدارس دینی بهترین گزینه باشد، بلکه در هر خانه و نهاد علمی و مرکز فرهنگی، به طور یکسان، به عنوان یک تفسیر جامع و معتبر مورد استفاده همگان قرار گیرد.

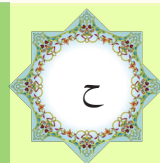


فهرست

شماره درس	عناوین	صفحه
۱	سیر علم تفسیر بعد از صدر اسلام	۱
۲	تعریف قرآن کریم	۳
۳	سوره فاتحه	۷
۴	سوره البقرة	۱۱
۵	سوره البقرة آیات (۱-۵)	۱۳
۶	سوره // // (۶-۱۰)	۱۷
۷	سوره // // (۱۱-۱۶)	۲۱
۸	سوره // // (۱۷-۲۰)	۲۵
۹	سوره // // (۲۱-۲۴)	۲۹
۱۰	سوره // // (۲۵-۲۷)	۳۳
۱۱	سوره // // (۲۸-۳۴)	۳۷
۱۲	سوره // // (۳۵-۴۱)	۴۱
۳۱	سوره // // (۴۲-۴۸)	۴۵
۱۴	سوره // // (۴۹-۵۴)	۴۹
۱۵	سوره // // (۵۵-۶۰)	۵۳
۱۶	سوره // // (۶۱-۶۲)	۵۷
۱۷	سوره // // (۶۳-۶۶)	۶۱
۱۸	سوره // // (۶۷-۷۱)	۶۵
۱۹	سوره // // (۷۲-۷۷)	۶۹
۲۰	سوره // // (۷۸-۸۲)	۷۳
۲۱	سوره // // (۸۳-۸۶)	۷۷
۲۲	سوره // // (۸۷-۸۹)	۸۱
۲۳	سوره // // (۹۰-۹۲)	۸۵
۲۴	سوره // // (۹۳-۹۶)	۸۹



شماره درس	عناوین	صفحه
۲۵	سورة البقرة از آیات (۹۷- ۹۸)	۹۳
۲۶	سورة // // (۹۹- ۱۰۱)	۹۷
۲۷	سورة // // (۱۰۲- ۱۰۳)	۱۰۱
۲۸	سورة // // (۱۰۴- ۱۰۵)	۱۰۷
۲۹	سورة // // (۱۰۶- ۱۰۸)	۱۰۹
۳۰	سورة // // (۱۰۹- ۱۱۰)	۱۱۳
۳۱	سورة // // (۱۱۱- ۱۱۳)	۱۱۷
۳۲	سورة // // (۱۱۴- ۱۱۶)	۱۲۱
۳۳	سورة // // (۱۱۷- ۱۲۰)	۱۲۵
۳۴	سورة // // (۱۲۱- ۱۲۴)	۱۲۹
۳۵	سورة // // (۱۲۵- ۱۲۹)	۱۳۳
۳۶	سورة // // (۱۳۰- ۱۳۳)	۱۳۷
۳۷	سورة // // (۱۳۴- ۱۳۸)	۱۴۱
۳۸	سورة // // (۱۳۹- ۱۴۱)	۱۴۵
۳۹	سورة // // (۱۴۲- ۱۴۳)	۱۴۹
۴۰	سورة // // (۱۴۴- ۱۴۷)	۱۵۳
۴۱	سورة // // (۱۴۸- ۱۵۱)	۱۵۷
۴۲	سورة // // (۱۵۲- ۱۵۷)	۱۶۱
۴۳	سورة // // (۱۵۸- ۱۶۳)	۱۶۵
۴۴	سورة // // (۱۶۴- ۱۶۵)	۱۶۹
۴۵	سورة // // (۱۶۶- ۱۷۱)	۱۷۳
۴۶	سورة // // (۱۷۲- ۱۷۶)	۱۷۹
۴۷	سورة // // (۱۷۷- ۱۸۲)	۱۸۳
۴۸	سورة // // (۱۸۳- ۱۸۵)	۱۸۷
۴۹	سورة البقرة از آیات (۱۸۶- ۱۸۸)	۱۹۱



شماره درس	عناوین	صفحه
۵۰	سورة // // (۱۸۹-۱۹۳)	۱۹۵
۵۱	سورة // // (۱۹۴-۱۹۶)	۱۹۹
۵۲	سورة // // (۱۹۷-۲۰۲)	۲۰۳
۵۳	سورة // // (۲۰۳-۲۰۶)	۲۰۷
۵۴	سورة // // (۲۰۷-۲۱۱)	۲۱۱
۵۵	سورة // // (۱۱۲-۲۱۴)	۲۱۵
۵۶	سورة // // (۱۱۵-۲۱۸)	۲۱۹
۵۷	سورة // // (۲۱۹-۲۲۱)	۲۲۳
۵۸	سورة // // (۲۲۲-۲۲۵)	۳۲۷
۵۹	سورة // // (۲۲۶-۲۲۸)	۲۳۱
۶۰	سورة // // (۲۲۹-۲۳۰)	۲۳۵
۶۱	سورة // // (۲۳۱-۲۳۲)	۲۳۹
۶۲	سورة // // (۲۳۳-۲۳۴)	۲۴۳
۶۳	سورة // // (۲۳۵-۲۳۷)	۲۴۷
۶۴	سورة // // (۲۳۸-۲۴۲)	۲۵۱
۶۵	سورة // // (۲۴۳-۲۴۵)	۲۵۵
۶۶	سورة // // (۲۴۶-۲۴۸)	۲۵۹
۶۷	سورة // // (۲۴۹-۲۵۲)	۲۶۳



درس اول

در مقدمه کتاب تفسیر صنف هفتم در مورد تعریف تفسیر، آغاز علم تفسیر، مفسرین مشهور از صحابه کرام و تابعین و اهمیت علم تفسیر معلومات مختصری را به دست آورده آید، اینک به ادامه همان موضوع به چند مورد دیگر آشنایی شوید:

سیر علم تفسیر

بشریت همواره جهت دانستن هدایت الهی به فهم دقیق قرآن نیاز داشته است؛ این امر سبب گردیده که برخی از علما، تمام یا اکثر وقت خود را در راه دانستن قرآن کریم و تفسیر آن از وجوه مختلف وقف نمایند. در نتیجه این تلاش‌ها در هر عصر وزمانی مفسرانی شهرت یافته اند.

بعد از عصر تابعین تا عصر حاضر هزاران کتاب در تفسیر و علوم قرآن به زبان عربی و دیگر زبانها تألیف شده است که نمایانگر خدمت گزاری مخلصانه مسلمانان به کتاب خداوند - جل جلاله - می باشد. به اتفاق دانشمندان جهان هیچ کتابی مانند قرآن کریم طرف توجه بشریت نبوده و در مورد آن این همه تالیف و تحقیق و تتبع علمی صورت نگرفته است.

از مهمترین کتب تفسیر می توان از تفسیر امام طبری، تفسیر شاه پور اسفراینی، تفسیر کشف الأسرار میبدی، تفسیر کشاف زمخشری، تفسیر کبیر امام فخر الدین رازی، تفسیر بیضاوی، تفسیر نسفی، تفسیر ابن کثیر وغیره نام برد.

انواع تفسیر

با در نظر داشت وسعت علم تفسیر، شیوه های متعدد علمی تحقیق در معانی و حقایق قرآن کریم و روشهای مختلف مفسرین، علم تفسیر به انواع متعدد تقسیم می شود که بعضی آنها بشرح زیر توضیح می دهیم:

۱- تفسیر از نظر محتوی و مضمون

علم تفسیر بر اساس محتوی و مضمون به دو نوع تقسیم می شود، تفسیر نقلی یا تفسیر بالمأثور و تفسیر بالرأی یا تفسیر مبنی بر اجتهاد.

در تفسیر بالمأثور یا تفسیر نقلی به روایت و نقل صحیح اعتماد می شود، که عبارت است از:

- تفسیر قرآن به قرآن.

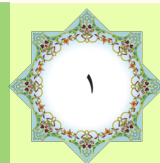
- تفسیر قرآن به سنت؛ زیرا که سنت بیان کننده کتاب خداست.

- تفسیر قرآن به روایات صحابه کرام - رضی الله عنهم؛ زیرا که ایشان از همه مردم به کتاب خدا دانا ترند.

- تفسیر قرآن به گفتار بزرگان تابعین؛ زیرا که آنها اکثر دانش خود را از صحابه کبار فرا می گرفتند.

در واقع تفسیر مبتنی بر نقل و روایت صحیح، بهترین روش تفسیر به شمار می رود؛ زیرا استفاده از قرآن، سنت پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - اقوال صحابه و فهم علمای تابعین در فهم نصوص قرآن کریم ممد واقع شده باعث نجات انسان از کج فهمی ولغزش در دانستن معانی و مفاهیم این کتاب عظیم الشأن می گردد.

تفسیر مبتنی بر رأی آن است که مفسر در بیان نمودن معنا، در روشنی اصول علم تفسیر، قواعد زبان عربی و دیگر علوم شرعی، به فهم ویژه خود اعتماد نموده و احکام و حکمت های قرآن را بر اساس دیدگاه و نظر خویش استنباط کند.



تفسیر مبتنی بر رأی محض، که بر اصلی استوار نباشد بنام تفسیر بالرأی مذموم؛ یعنی تفسیر عقلی ناپسندیده یاد میشود. این نوع تفسیر حرام بوده و تفسیر قرآن کریم به این شیوه جواز ندارد؛ اما اگر کسی در دایره اصول و قواعد زبان عربی، تعلیمات شریعت و اصول تفسیر به این روش؛ یعنی با استفاده از رأی و اجتهاد قرآن را تفسیر کند باکی نیست و از آن بنام تفسیر بالرأی محمود و یا تفسیر به رأی پسندیده یاد می شود.

۲- تفسیر از نظر اسلوب

از نظر اسلوب و روش تفسیر به چهار نوع تقسیم می شود: تفسیر تحلیلی، تفسیر موضوعی، تفسیر اجمالی و تفسیر مقایسوی. در تفسیر تحلیلی مفسر قرآن به تحلیل همه جانبه نص قرآنی پرداخته همه ابعاد آیت را مورد تتبع و تحقیق قرار می دهد. در تفسیر موضوعی مفسر به جمع آوری آیات قرآن در باره یک موضوع مشخص پرداخته آیات مذکور را با شیوه خاص شرح و تفسیر می کند. تفسیر اجمالی عبارت از بیان و شرح آیات قرآن کریم به شیوه آسان، مختصر، عام فهم و قابل استفاده برای همه مردم است؛ اما در تفسیر مقایسوی مفسر قرآن به تتبع و تحقیق در اقوال مفسرین دیگر در مورد آیت و یا آیاتی مشخص می پردازد.

علومى که مفسر به آن نیاز دارد

هر مفسر برای آن که قرآن کریم را درست تفسیر نماید حد اقل بایستی به علوم آتی دست رسی داشته باشد: علوم زبان عربی وقواعد آن (نحو، صرف واشتقاق)، علوم بلاغت (معانی، بیان وبديع)، علم اصول فقه، معرفت اسباب نزول، معرفت ناسخ ومنسوخ، معرفت علم قراءات. علاوه از اینها از موهبه خاص در این راستا بر خوردار باشد.

علمای افغانستان و علم تفسیر

وطن عزیز ما افغانستان با سابقه درخشان و پرافتخار تاریخی و تمدنی، مهد پرورش عده زیادی از قرآن شناسان بزرگ و علمای نامدار تفسیر قرآن کریم است که از جمله آنان می توان؛ بطور مثال شیخ الإسلام خواجه عبد الله انصاری هروی متوفای سال ۴۸۱ هـ ق ابوبکر عتیق سوری آبادی هروی متوفای سال ۴۹۴ هـ ق امام فخر الدین رازی متوفای سال ۶۰۶ هـ ق مولانا حسین واعظ کاشفی متوفای سال ۹۱۱ هـ ق مولانا مراد علی کاموی متوفای سال ۱۲۹۷ هـ ق و دانشمندان معاصر هر یک مولانا سلطان عزیز عزیز و استاد عبدالرؤف مخلص هروی را نام گرفت.



معلم محترم به شرح انواع تفسیر پرداخته و با ارائه مثال اهمیت و فواید هر نوع تفسیر را به شاگردان واضح سازد.



- (۱) تفسیر بالمأثور را تعریف کنید.
- (۲) مراد از تفسیر بالرأی چیست و شرایط آن کدام اند؟
- (۳) تفسیر از نظر اسلوب به چند قسم تقسیم می شود؟
- (۴) بعضی از علومى را که مفسر به آن نیاز دارد نام ببرید.
- (۵) سه تفسیر از تفاسیر مشهور و سه مفسر از مفسرین افغانستان را نام ببرید.



تعریف قرآن کریم

قرآن کلام معجزه خداوند - جل جلاله - بوده که بر محمد فرزند عبدالله خاتم پیامبران - صلی الله علیه وسلم - به واسطه جبرئیل - علیه السلام - نازل گردیده، در مصاحف نگاشته شده و با تواتر به ما نقل گردیده است؛ کتابی که تلاوت آن عبادت شمرده شده با سوره "الفاتحه" آغاز و با سوره "الناس" اختتام یافته است.

نام‌های قرآن کریم

قرآن را نام‌های متعددی است که همه ی آن‌ها بر بلندی مرتبه آن دلالت می‌نمایند و این را نشان می‌دهند که قرآن مطلقاً بهترین کتاب آسمانی به شمار می‌آید. برخی از نام‌های قرآن کریم عبارت اند از: القرآن، الفرقان، التنزیل، الذکر، الکتاب. و درعین زمان برای قرآن اوصاف عدیده ای نقل گردیده است، مانند: نور، هدی، رحمت، شفاء، موعظه، عزیز، مبارک، بشیر و نذیر. تمام نام‌ها و اوصاف قرآن کریم در آیات قرآنی ذکر گردیده است.

چگونه‌گی نزول قرآن کریم

نزول قرآن کریم، به دو شیوه صورت گرفته است که مختصراً به شرح آن می‌پردازیم:

- قرآن کریم در مرحله اول، به طور مجموعی و به یک باره‌گی، در شب قدر، به (بیت العزت)، در آسمان دنیا، نازل گردید. چنانچه قرآن کریم هم در سوره «قدر» به آن اشاره نموده و می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ یعنی: بدرستی ما نازل کردیم قرآن را در شب قدر.
- در مرحله دوم به صورت تدریجی مطابق با نیازها و رویدادها نازل گردید، اولین آیات آن از سوره (العلق) در غار حراء بر پیامبر ﷺ نازل شد و سپس در مدت بیست و سه سال؛ یعنی تا وفات پیامبر ﷺ نزول آن تکمیل گردید.

اولین و آخرین آیات نازل شده

اولین آیاتی که از قرآن کریم نازل گردیده اند عبارت اند از: پنج آیت نخست سوره «العلق» که با آیت آتی آغاز می‌گردد: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ [العلق: ۱]
وآخرین آیتی که نازل گردیده این آیه قرآن مجید است: ﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۸۱]

نزول تدریجی قرآن و حکمت‌های آن

قرآن کریم در بار نخست همه اش به یک باره گی از لوح محفوظ به آسمان دنیا نازل گردیده و سپس در خلال بیست و سه سال، و بر اساس نیازهای زمانی و مکانی، بر پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - به تدریج نازل شده است؛ البته در نزول تدریجی قرآن حکمت‌های عظیمی نهفته است که به چند حکمت عمده آن اشاره می‌نماییم:

۱. استواری قلب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در برابر آزار مشرکین.
۲. لطف و مهربانی بر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در اثنای نزول وحی.
۳. استحکام تدریجی تشریع و قوانین اسلامی.
۴. آسان شدن حفظ و فهم قرآن بر مسلمانان.
۵. هم آهنگی با حوادث و رویدادها و هشدار دادن به هرکاری در وقت و زمان آن.
۶. اثبات مصدر قرآن مجید که از طرف خداوند کریم نازل گردیده است.

جمع آوری قرآن کریم

قرآن کریم به دو شکل گرد آوری شده است: یکی در سینه‌ها، به این معنی که چون آیات و سوره‌های قرآنی نازل می‌گردید پیامبر - صلی الله علیه وسلم - خود آنها را تحت رعایت خاص خداوندی حفظ می‌نمود و به یاران خویش نیز دستور می‌داد که به حفظ آن آیات در جای تعیین شده شان اهتمام ورزند؛ چنانچه آنان به رغبت و شوق کامل به این عمل اقدام می‌کردند. به این ترتیب قرآن کریم در سینه‌ها جمع آوری گردید.

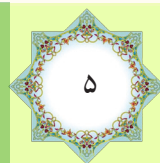


دوم به صورت نوشتاری. حضرت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - تعدادی را به عنوان نویسندگان وحی تعیین کردند که بعد از قرار گرفتن قرآن در سینه ها، آن را در لوحه ها، پوست های حیوانات و سنگ های صاف شده و غیره می نوشتند و با خود شان نگه می داشتند تا از ضیاع و نسیان در امان بماند؛ ولی در زمان خلافت ابو بکر صدیق - رضی الله عنه - وقتی که تعداد زیادی از حافظان قرآن در جنگها علیه مرتدین جان خود را از دست دادند، صحابه کرام بر آن شدند که قرآن کریم را در یک مصحف گرد آوری کنند، از این روی قرآن کریم، به دستور حضرت ابوبکر و زیر سرپرستی زید بن ثابت - رضی الله عنهما - در یک مصحف جمع آوری شد. و بار دیگر در زمان خلافت عثمان بن عفان - رضی الله عنه - وقتی که خیلی از مناطق عجم نشین مشرف به دین اسلام شدند؛ و قرآن کریم به لهجه های مختلف به آنها رسید، زیرا به چند لهجه نازل شده بود. اما آنها لهجه های مختلفه زبان عربی را به خوبی درک نمی کردند و در فهم قرآن و تلاوت آن دچار چند پارچگی گردیدند این امر بار دیگر خلیفه مسلمانان را وادار نمود که تمام قرآن را به یک لهجه (لهجه قریش) جمع آوری نماید.

اعجاز قرآن کریم

خداوند متعال برای هر یک از پیامبران خود معجزه هایی عطا کرده بود تا مؤید صدق نبوت آنها باشد. همان گونه به پیامبر بزرگ اسلام هم معجزه داد تا صدق نبوتش را به اثبات برساند و عمده ترین معجزه آن حضرت قرآن کریم است. قرآن کریم از چندین لحاظ اعجاز خود را به اثبات رساند. قرآن کریم مشرکینی را که در حقانیت قرآن تردید داشتند به چالش فرا خواند و از آنها خواست: اگر در مورد الهی بودن آن تردید دارید پس مانند آن و یا مانند یکی از کوتاه ترین سوره های آن بسازید و اگر میخواهید جن و انس را هم به یاری خویش بخوانید؛ البته مشرکین و مخالفین اسلام، هم در زمان پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و هم بعد از آن تلاش های فراوانی کردند تا مانند قرآن چیزی بسازند؛ ولی همه از آوردن مانند قرآن عاجز ماندند.

علت عاجز ماندن مخالفین قرآن از آوردن مثل آن از یک لحاظ این بود که فصاحت و بلاغت قرآن کریم در بلندترین درجات ممکنه قرار داشت و آنها با وجود شهرت در فصاحت کلام این گونه فصاحت را هرگز نشنیده بودند و نه مانند آن را آورده می توانستند؛ اما قرآن کریم از لحاظ های دیگر



نیز کتابی معجزه آسا است. مثلاً: از لحاظ بیان مسایل غیبی، از لحاظ تأثیر گذاری بر قلوب، از لحاظ کمال قانون گذاری و از لحاظ بیان علوم تجربی و ساینسی.

شان نزول چیست؟

در زمان پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گاهی واقعه رخ می داد و بعد در مورد آن آیات نازل می گردید، و یا سؤالی مطرح می شد که در پاسخ به آن آیات فرود می آمد، این گونه مواردی را که در باره آن یک یا چند آیت نازل شده باشد شان نزول می نامند؛ از این روی اکثر آیات قرآنی دارای اسباب نزول هستند و در این زمینه علما تألیفات مستقلی هم انجام داده اند.



- شاگردان در مورد یکی از دو موضوع ذیل بحث و گفتگو کنند:
- علوم مختلفه که مربوط به قرآن مجید می شود.
 - نزول قرآن مجید و حکمت های نهفته در نزول تدریجی آن.



- ۱) قرآن را تعریف کنید.
- ۲) عمده ترین نام ها و اوصاف قرآن کریم را بیان دارید.
- ۳) قرآن کریم به چند شیوه و شکل جمع آوری شده است؟ شرح کنید.
- ۴) منظور از شان نزول چیست؟
- ۵) در مورد اعجاز قرآن کریم روشنی انداخته جنبه های مختلف آن را بیان کنید.



در مورد جمع آوری قرآن مجید که به چه روشها و چند بار صورت گرفت یک مقاله بنویسید که از یک صفحه کم نباشد.



سوره فاتحه

بسم الله الرحمن الرحيم
 ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (۱) الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۲﴾ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿۳﴾ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ
 ﴿۴﴾ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿۵﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ﴿۶﴾ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ
 وَلَا الضَّالِّينَ ﴿۷﴾

معنای کلمات

{الْحَمْدُ}	ثنا و ستایش.	{اهْدِنَا}	ما را هدایت کن.
{رَبِّ}	پروردگار، مربی و کار ساز.	{صِرَاطَ}	راه، جاده.
{يَوْمِ الدِّينِ}	روز داوری، روز جزا و پاداش.	{أَنْعَمْتَ}	نعمت داده ای، مورد انعام قرار داده ای.
{إِيَّاكَ}	تنها تو را.	{الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ}	آنانکه مورد خشم قرار گرفته اند.
{نَسْتَعِينُ}	کمک می خواهیم.	{الضَّالِّينَ}	گمراهان.

ترجمه

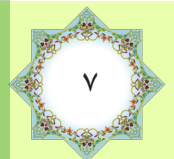
به نام خدایی که بسیار بخشاینده و نهایت با رحم است. همه ستایش ها خدای راست که پروردگار جهانیان است. بسیار بخشاینده و نهایت مهربان است. مالک (متصرف) روز جزا است. (پروردگارا) تنها تو را می پرستیم و تنها از تو کمک می جوییم. ما را به راه راست هدایت فرما. راه کسانی که به ایشان نعمت داده ای، نه (راه) کسانی که برایشان خشم گرفته ای و نه (راه) گمراهان.

معرفی سوره

سوره مبارکه «فاتحه» هفت آیت دارد و قبل از هجرت رسول اکرم ﷺ به مدینه منوره نازل گردیده است. از این جهت از جمله سوره های مکی به شمار می رود. این سوره به خاطر «فاتحه» نامیده شده که در اول قرآن قرار گرفته و با تلاوت آن قرآن آغاز می گردد.

تفسیر اجمالی

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ این سوره با ستایش باری تعالی آغاز شده است. (ال) در ﴿الْحَمْدُ﴾ برای استغراق و شمول است. بنابر این معنایش چنین می شود همه ستایش ها مخصوص الله تعالی بوده و تنها ذات او شایسته ستایش است. زیرا که فقط او خالق، تدبیر کننده و عطاء کننده هر نوع نعمات می باشد. ﴿الْعَالَمِينَ﴾



﴿جمع «عالم» و عالم عبارت است از هر آنچه که غیر از خدا است. و عالم بخاطری به صیغه جمع آمده تا شامل عالم هر جنس مانند: عالم فرشتگان، عالم آدمیان و عالم جنیات گردد. و دلالت کند بر اینکه الله تعالی پروردگار همه عالمیان است.﴾ **الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** در آیت دوم دو صفت از صفات باری تعالی یعنی (رحمن) و (رحیم) ذکر شده است. این هر دو صفت از مصدر «رحمت» مشتق شده و هر دوی آنها دلالت بر مبالغه دارد. یعنی بی نهایت بخشنده و مهربان و بسیار زیاد با رحم. بر اساس همین رحمت عام و بی پایان پروردگار متعال است که در دنیا همه زنده جانها از نعمات بی پایان خداوند متعال بهره مند اند. و همه نعمات دنیوی و اخروی به خداوند متعال مختص است، هر کی را خواهد از آن عطا کند.

برخی از علما گفته اند که معنای **الرَّحْمَنِ** عام تر از **الرَّحِيمِ** بوده این مطلب را می‌رساند که لطف و مهربانی پروردگار متعال در دنیا شامل همه مخلوقات و همه انسانها اعم از کافر و مسلمان شده و هیچ کس از آن محروم نمی‌شود بلکه همه بطور یکسان از خوان نعمت وی روزی می‌خورند و مورد عنایت وی می‌باشند. اما **الرَّحِيمِ** به این معناست که رحمت وی در سرای آخرت مخصوص مؤمنان بوده کافران را در بر نمی‌گیرد. قرآن کریم پس از اینکه الله تعالی را **رَبِّ الْعَالَمِينَ** خواند، بلا فاصله صفات‌های (رحمن و رحیم) او را بیان می‌کند تا به ذهن مخاطب این راز بزرگ را القا کند و به او اطمینان بدهد که آفریدگار جهان را با وجودی که پروردگار همه و تدبیر کننده و اداره کننده همه جهانیان است و همه موجودات، مغلوب و مقهور اراده قهار و غالب اوست و هیچ چیزی در زمین و آسمان بدون اجازه و اذن او رخ نمی‌دهد، اما با وجود آن بی نهایت با رحم و مهربان و بخشنده نیز می‌باشد. بنده با فهم معنای **رَبِّ الْعَالَمِينَ** لبریز از هیبت و احترام و ترس می‌گردد، اما با فهم معنای **الرَّحْمَنِ** و **الرَّحِيمِ** قلبش مشحون از امید و آرامش می‌شود و در نتیجه در یک حالت توازن ذهنی و روانی که از ویژگی‌های عمده مؤمنان مخلص و صالح است، قرار می‌گیرد و قلباً و جسماً، ظاهراً و باطناً به ستایش و پرستش خداوند متعال می‌پردازد و به درگاه عظمت او جبین بنده‌گی می‌ماند.

﴿**مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ**﴾ در این آیت به مالکیت و قدرت بی پایان پروردگار اشاره شده او را مالک و متصرف روز جزا یعنی روز قیامت، می‌خواند. روزی که خداوند همه بنده گان را مورد محاسبه قرار می‌دهد و بر اساس عدالت مطلق در میان آنها داوری می‌کند و یا بر اساس لطف و رحمت، آنها را مورد عفو و بخشش قرار می‌دهد. در آن روز همه قدرت و طاقت از بین می‌رود و تنها او تعالی حاکم و مالک جهان می‌باشد.

﴿**إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ**﴾ این آیت، بندگی را مخصوص باری تعالی و استعانت را منحصر به ذات وی

قرار داده است؛ زیرا در هر دو جمله، مفعول ﴿إِيَّاكَ﴾ را بر فعل ﴿نَعْبُدُ﴾ و ﴿نَسْتَعِينُ﴾ مقدم کرده و مطابق به دستور زبان عربی، تقدم مفعول بر فعل، افاده حصر را می‌نماید. پس معنایش این می‌شود که پرستش و عبادت تنها خاص برای پروردگار متعال بوده، جز او هیچکس و هیچ چیز شایستگی عبادت را ندارد و همچنان نباید بغیر از ذات او از هیچ کسی دیگر کمک و همکاری خواسته شود. زیرا چنانچه در آیت قبلی خاطر نشان گردید، پروردگار همه چیز و توانا بر همه چیز و بخشنده و مهربان مطلق تنها اوست، پس بر بنده گان لازم است که جز او از کسی دیگری کمک نخواهند.

در باره اینکه در این آیت عبادت مخصوص و منحصر برای خداوند متعال دانسته شده، باید اضافه نمود که قبول عبادت در اسلام مشروط به دو شرط می‌باشد: یکی اخلاص است که معنای آن خالص گرداندن نیت برای حصول رضای خداست و دوم متابعت و مطابقت ظاهری آن با شریعت محمدی است.

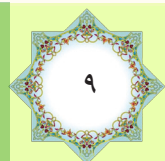
﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾: در این آیت از پروردگار متعال مطالبه شده که ما را به راه راست هدایت کند. منظور از راه راست همان راهی می‌باشد که اسلام پیش روی انسانها گشوده است و آن در حقیقت پیروی از شریعت محمدی در همه ابعاد اعتقادی، فقهی و اخلاقی آن می‌باشد.

﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾: در این آیت یکی از مشخصات راه راست را توضیح می‌دهد و می‌فرماید که آن راه، راه کسانی است که مورد عنایت پروردگار قرار گرفته، از نعمت‌های وی بهره‌مند گردیده‌اند و آنان چهار گروه‌اند که عبارتند از پیامبران، صدیقان، صالحان و شهیدان. چنانچه خداوند تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ﴾ [النساء: ۶۹]

﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾، در این آیت شاخصه دیگری راه راست را بیان کرده می‌فرماید: که آن راه، غیر از راه کسانی است که بر آنها خشم گرفته‌ای و غیر از راه کسانی است که گمراه شده‌اند. مراد از ﴿الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ﴾ یهودیان است که آگاهانه و عالمانه از راه اسلام و راه راست منحرف شدند و رسالت پیغمبر اکرم ﷺ را نپذیرفتند و مورد خشم پروردگار قرار گرفتند. و مراد از ﴿الضَّالِّينَ﴾ نصرانیان است که از روی جهل و ضلالت راه راست را گم کردند و گمراه شدند.



دانش آموزان به دو گروه تقسیم شوند و در روشنائی آیات ذکر شده درس، گروه اول در باره مظاهر قدرت الله تعالی و گروه دوم در باره اشخاص دارای صفات نیک و صفات بد با همدیگر صحبت نمایند.



فواید درس

آیات متذکره حاوی پندها و فواید ذیل است:

- ★ آنکه سزاوار همه ستایش هاست، تنها ذات آفریدگار جهان است.
- ★ از آنجا که خداوند متعال آفریننده همه چیز و مالک همه هستی است و فقط او مهربان، بخشنده، داور و حسابگر مطلق است، لهذا تنها شایسته ستایش اوست و بس.
- ★ بنده خوب و مؤمن با اخلاص، کسی است که همواره ستایش پروردگار متعال را بجا آورد.
- ★ مسلمان باید نیایش خود را با ستایش و ذکر پاکی الله تعالی آغاز نماید.
- ★ عبادت و بندگی تنها باید به درگاه الهی انجام داده شود.
- ★ طلب کمک و استعانت باید تنها از بارگاه الهی صورت بگیرد.
- ★ ما باید همواره به احسانها و نعمت‌های پروردگار معترف بوده و سپاسگذار وی باشیم.
- ★ انسان باید در راه نیکان روان باشد و از رفتن در راه بد کاران، اجتناب ورزد.



۱- کلمات زیر را معنی کنید:

(الحمد)، (العالمین)، (الصراط)، (المستقیم)، (الضالین).

۲- کیست آن ذاتی که تنها سزاوار ستایش است؟

۳- پروردگار و مالک روز جزا کیست؟

۴- شایسته عبادت و بندگی کیست؟

۵- چهار گروهی را که در قرآن راهروان راه راست خوانده شده اند و مورد نعمت پروردگار قرار گرفته اند نام ببرید.



کارخانه‌گی

دانش آموزان در باره صفات (رحمن و رحیم) پروردگار عالم، یک مقاله کوتاه بنویسند.



سورة "البقرة"

شناخت سورة

سورة «البقرة» دارای دوصد و هشتاد و شش (۲۸۶) آیت بوده و مدنی می باشد زیرا که بعد از هجرت نازل گردیده است.

وجه تسمیه سورة "البقرة"

در روایات آمده است که در میان قوم بنی اسرائیل شخصی به گونه مخفیانه و مرموز کشته شد، مردم قاتل را نمی شناختند؛ از این روی در میان شان اختلاف رخ داد و یکدیگر را به قتل متهم کردند، سخن به جایی رسید که به نزد موسی علیه السلام رفتند تا از وی در باره شناسایی قاتل کمک بگیرند. به آن حضرت وحی شد تا به آنها دستور دهد که گاوی را ذبح نمایند و قسمتی از بدن آن گاو را در بدن مقتول بمالند، مقتول به اذن خداوند متعال به سخن آمده و قاتل را برای شان معرفی می نماید؛ ولی یهودیان از عمل بدون چون و چرا خودداری کرده طالب آن شدند که مشخصات و اوصاف آن گاو را برای شان روشن سازد. حضرت موسی علیه السلام بار بار به خداوند جل جلاله رجوع کرده خواهان توضیحات برای قوم خود شد؛ ولی هر بار آنها مسأله دیگری را مطرح میکردند. در نهایت یک گاوی با مشخصات خاص برای شان معرفی شد و آنها گاو را ذبح کردند. بعداً یک قطعه گوشت آن را به بدن مقتول مالیدند و مرده به اذن خداوند به سخن آمد و قاتل خویش را معرفی کرد. چون این واقعه شگفت انگیز از یک جانب صفات لجوجانۀ بنی اسرائیل را بیان می دارد و از جانب دیگر این را افاده می کند که گاو نیز در خدمت انسان است و به خاطر اغراض گوناگون، انسان می تواند آن را ذبح نماید و در نهایت بیان کننده قدرت بزرگ خداوند نسبت به زنده کردن مرده گان است. پس به سبب یاد شدن این داستان معجزه آسا در این سورة مبارکه، نام این سورة از همین واقعه که در آن آمده است گرفته شده و بنام "البقرة" مسمی گردید.

فضیلت سورة

راجع به فضیلت این سورة احادیث متعددی وارد شده است. حدیثی را ابوهریره - رضی الله عنه - روایت کرده که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرموده اند: «خانه های خویش را بسان قبرستان نگردانید، بی هیچ تردیدی، شیطان از خانه یی که در آن سورة بقره خوانده می شود، دوری می گزیند»^(۱). همچنان در حدیث دیگری آمده است که: هر چیزی دارای قلہ یی است و قلۀ قرآن کریم سورة بقره است. هر که در روز، سورة بقره را در خانه اش تلاوت نماید، شیطان (مراد شیطان های سرکش است) سه روز به خانه وی داخل نتواند شد. و هر که این سورة را در شب تلاوت کند شیطان سه شب به خانه اش داخل نتواند شد.^(۲)

خلاصه مطالب سورة

سورة «بقره» از سوره های مطول قرآن کریم به شمار می رود و به طور فشرده می توان مطالب عمده این سورة را در نکات ذیل خلاصه نمود:

- ۱: بیان مبانی عقیده اسلامی (ایمان به خداوند - جل جلاله - ایمان به ملائکه های خدا، ایمان به پیامبران - علیهم السلام - و کتابهای فرود آمده بر آن ها، و ایمان به روز آخرت).
- ۲: بیان صفات مؤمنین، کفار و منافقین.

۱ - حدیث شریف را مسلم در (کتاب صلاة المسافرين) در باب استحباب صلاة النافلة فی بینه، ذکر نموده (۱ / ۵۳۹)
 ۲ - این حدیث شریف را ابن حبان در صحیح خود و برخی از محدثین روایت کرده اند.



- ۳: قصه خلقت انسان، موقف شیطان نسبت به او، سرانجام کار شیطان و خلقت آدم علیه السلام.
- ۴: مخالفت‌های بنی اسرائیل در برابر احکام الهی، وناشکری آنها در برابر نعمات او تعالی، وروی آوردن شان به پرستش گوساله.
- ۵: بیان تکبر یهود ودرخواست‌های نادرست وتعجیز آمیز شان از موسی علیه السلام.
- ۶: بیان اقدام یهود به کشتار انبیا، و عهد شکنی شان با خداوند یکتا که بسبب آن مستحق لعنت گردیدند.
- ۷: بیان داستان ابراهیم علیه السلام.
- ۸: بیان احکام عبادات، اساسات نظام و اخلاق اسلامی؛ (احکام مربوط به نماز، پرداختن زکات، روزه ماه مبارک رمضان، حج بیت الله، احکام جهاد و قتال در راه خداوند جل جلاله، حکمت تبدیلی ماهها، انفاق در راه خداوند - جل جلاله - نیکوئی برای پدر، مادر، اقارب، مستحقین نفقات و برخورد نیک با یتیمان)
- ۹: توضیح بنیادهای نظام خانواده؛ (از قبیل احکام نکاح، طلاق، رضاعت، وعدت).
- ۱۰: بیان مسایل عمومی روابط اجتماعی (حکم قسم‌های بی مورد، سحر، قتل ناحق، قصاص، خوردن اموال مردم بطریق نامشروع، حرمت شراب، قمار، و حرمت جماع با همسر در ایام حیض و...).
- ۱۱: بیان مسایل عمده عقیدتی از لا بلای "آیه الكرسي".
- ۱۲: بیان مسایل مربوط به تزکیه نفس و تربیت و ترهیب از واقعات سخت روز قیامت.
- ۱۳: بیان احکام مربوط به دین (قرض)، شهادت، ادای امانت از لا بلای آیت مداینه..
- ۱۴: ختم سوره با دعائیه؛ (مشمول بر مطالبی چون: توبه، رجوع به خداوند - جل جلاله -، همکاری با برادران مسلمان، و غلبه بر کفار).
- با در نظر داشت مطالب مهم و متنوع سوره «بقره» این سوره برای مسلمانان یک برنامه متکامل زندگی به شمار می‌رود.



در مورد فضیلت سوره مبارکه البقرة و وجه تسمیه آن بین یکدیگر بحث و گفتگو نمایید.



- ۱) سوره بقره دارای چند آیت می‌باشد؟
- ۲) سوره بقره در کجا نازل گردیده است؟
- ۳) چرا سوره بقره به این نام مسمی شده است؟
- ۴) برای اثبات فضیلت سوره بقره یک دلیل بیاورید.
- ۵) در باره خلاصه مطالب سوره بقره پنج نکته ذکر نمایید.



موضوعات اساسی سوره بقره را در یک صفحه تحریر بدارید.

آیه (۱-۵) سوره بقره

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿۱﴾ أَلَمْ يَكُنْ لَكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿۲﴾ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۳﴾ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿۴﴾ أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۵﴾

معنای کلمات

{ذَلِكَ}	اسم اشاره است، که برای مسافت دور استعمال می گردد؛ معادل دری آن: (آن، همان) است.
{الْكِتَابُ}	یعنی قرآن کریم.
{رَيْبٌ}	شک و تردید.
{هُدًى}	رهنمایی.
{الْغَيْبِ}	پوشیده، آنچه به چشم نمی آید و حواس درکش نمی کند.
{يُقِيمُونَ}	اقامه می کنند، برپا میدارند، ادا میکنند.
{رَزَقْنَاهُمْ}	روزی دادیم ایشان را.
{يُنْفِقُونَ}	می بخشند، انفاق می کنند.
{أُنزِلَ}	فرو فرستاده شد.
{يُوقِنُونَ}	یقین می کنند، باور می نمایند.
{الْمُفْلِحُونَ}	رستگاران، کامیاب شده گان.

ترجمه آیات

الف، لام، میم (از حروف مقطعات می باشد و خداوند - جل جلاله - به مرادش از هرکسی داناست) (۱) آن، کتابی است که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و آن] مایه هدایت تقوا پیشگان است (۲) آنان که ایمان می آورند بغيب و بر پا می دارند نماز را و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند (۳) و آنان که ایمان می آورند بدانچه به سوی تو فرود آورده شده و به آنچه پیش از تو فرود آورده شده



بود، و به آخرت یقین دارند (۴) ایشانند برخوردار از هدایتی از سوی پروردگار خویش و آنان همان رستگارانند. (۵)

تفسیر مختصر

این سوره مبارکه با حروف "الم" آغاز گردیده، به حروفی که بلا ترکیب در اول سوره‌های قرآن مجید آمده است حروف مقطعات گویند؛ زیرا جدا جدا تلفظ می‌شوند. عده زیادی از علمای تفسیر حروف مقطعات را از جمله متشابهات می‌دانند که تنها خداوند کریم به راز و معنای آن آگاهی دارد و بس، ما به ظاهر آن ایمان می‌آوریم، و علم و حقیقت آن را به خداوند - جل جلاله - می‌سپاریم.

حروف مقطعات که در آغاز سوره‌های قرآن کریم وارد شده اند به چند قسم هستند: در بعض موارد تنها یک حرف وارد شده است، در جاهای دیگری دو حرف، سه حرف، چهار حرف و یا پنج حرف وارد گردیده اند. به طور کل حروف «مقطعات» در (۲۹) سوره از سوره‌های قرآن کریم وارد شده است. (۱)

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ در این آیت مبارکه به عظمت قرآن کریم اشاره شده است؛ یعنی: آن کتابی کامل است که هیچ کمی و کاستی در آن وجود ندارد، ونسبت به حقانیت آن نباید هیچ شک و تردیدی در ذهن آدمی راه یابد، این کتاب برای پرهیزگاران مایه هدایت می‌گردد؛ آن‌هایی که از پروردگار خویش می‌هراسند.

مفرد کلمه "المتقین" "متقی" است، یعنی پرهیزگار. «متقی» از «اتقاء» گرفته شده به معنی نگه داری نفس. گویا متقیان نیز بوسیله پیروی از اوامر پروردگار و دوری از نواهی اش، میان خود و عذاب الهی حایل ایجاد میکنند و به وسیله آن نفس خود را حفاظت می‌نمایند.

برای کسب تقوی موجودیت پنج چیز ضروری میباشد: ایمان، اطاعت، ترک گناه، توبه و اخلاص. (۲)
در آیات بعدی خداوند کریم صفات پرهیزگاران (متقیان) را بیان می‌کند که پیشاپیش آن صفات، ایمان به غیب است، چنانچه می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ کسانی که به غیب ایمان می‌آورند، به هر آنچه که ضد محسوس و خارج از حواس پنجگانه باشد غیب گویند. پس صفت نخست متقیان ایمان و باور بر اشیایی است که از دایره حواس ایشان خارج باشد، مثل: ذات مقدس الله، اسماء و صفات او، ملائکه‌های او، بهشت و دوزخ و غیر اینها.

صفت دومی ایشان اقامه نماز است ﴿وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾ اقامه، کلمه عربی است که بمعنی انجام دادن

۱ - تفسیر بغوی، و سید طنطاوی، ذیل آیه اول سوره بقره.

۲ - مرجع مذکور.

کامل و صحیح کاری می‌آید. منظور از اقامه نماز در این جا ادا کردن و برپا داشتن آن است که با تمام ارکان، آداب، خشوع و خضوع و علاقمندی گزاریده شود.

صفت سوم متقیان انفاق در راه خداوند است، ﴿وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ به این معنی که متقیان چیزی از مال و دارایی خویش را جهت انجام کارهای نیک بمصرف می‌رسانند؛ با تنگدستان و مساکین کمک می‌نمایند و در دیگر امور خیر خرچ می‌کنند.

صفت چهارم متقیان، ایمان و باور داشتن به برحق بودن قرآن کریم و دیگر کتب آسمانی می‌باشد. در آیت کریمه آمده است: «آنان که بدانچه به سوی تو فرود آورده شده و به آنچه پیش از تو فرود آورده شده بود، ایمان می‌آورند». در این آیت حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - مورد خطاب الهی بوده است؛ یعنی یکی از صفات متقیان آن است که به آنچه بر تو (ای محمد صلی الله علیه وسلم) و آنچه بر انبیای قبل از تو نازل کرده شده ایمان آورند.

این آیت نشان می‌دهد که پیام تمام پیامبران الهی یک چیز بوده و همه به یک راه دعوت می‌کردند. صفت دیگر متقیان ایمان به آخرت می‌باشد؛ چنانچه خداوند جل جلاله می‌فرماید ﴿وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾. منظور از یقین داشتن به آخرت یقین به پاداش اعمال و حساب و کتاب آن روز است.

«یقین» از «ایقان» گرفته شده است؛ یعنی: علم داشتن بی شک و شبهه به چیزی. متقیان به روز آخرت چنان ایمان استوار دارند که هیچ شک و تردیدی در دل‌های شان خطور نمی‌کند. و کسی که به روز آخرت و اوضاع و احوال آن یقین داشته باشد حتماً برای آن روز آماده‌گی می‌گیرد.

بعد از ذکر صفات پنجگانه متقیان خداوند جل جلاله می‌فرماید ﴿أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ یعنی این گروه (متقیان) از طرف پروردگارشان به راه مستقیم اند و تنها همین گروه رستگاران و کامیاب شده گان اند.

فلاح متقیان موصوف در این است که کامیابی دنیا و آخرت را نصیب می‌گردند آنها در دنیا از سکون و آرامش خاص بر خوردارند و چون به خدا و تقدیر خدا ایمان دارند؛ پس بر تنگدستی صابر و بر فراخ دستی شاکر اند و با توکل به خدای بزرگ کار و کوشش را پیشه خویش قرار میدهند و هیچ گاه در زنده‌گی مایوس نمی‌گردند، و در آخرت از نعمت‌های جاوید خداوند برخوردار خواهند بود.

پیامبران الهی همه به یک راه دعوت می‌کردند و نقطهٔ مرکزی دعوت شان یک چیز بوده است. این موضوع را باهم بحث و گفتگو نموده دلایل آن را روشن سازید.

فواید درس

آیات متذکره حاوی پندها و فواید ذیل است:

- ★ قرآن کریم، کتابی عظیم و بی عیب بوده، برای بشریت رهنمای کامل، جامع و بی مانند می‌باشد.
- ★ متقیان بیشتر و بهتر از هر کسی می‌توانند از قرآن کریم رهنمایی حاصل نمایند و زنده گی خود را در روشنی آن سامان بخشند.
- ★ متقی کسی را می‌توان گفت که دارای صفات آتی باشد: به امور غیبی ایمان راسخ داشته باشد، نماز را برپا دارد، از دارایی خود در امور خیر خرج کند، به قرآن و دیگر کتب آسمانی باور داشته باشد، و به روز آخرت متیقن باشد.
- ★ خداوند متعال به کسانی که از چنان صفاتی برخوردارند کامیابی در دنیا و آخرت ارزانی می‌دارد.



- (۱) حروف مقطعات چیست و از آن چه می‌توان دانست؟
- (۲) حروف مقطعات چند قسم اند؟
- (۳) قرآن کریم چگونه کتابی است و چه کسی از آن استفاده اعظمی می‌نماید؟
- (۴) متقی کیست؟ و برای حصول «تقوی» کسب کدام صفات ضروری می‌باشد؟
- (۵) غیب چیست و چرا به این نام یاد شده است؟
- (۶) رستگاری متقیان در چه چیز است؟



کارخانه‌گی

در آیات درس از بعض ارکان ایمان تذکر بعمل آمده، ارکان ایمان را در کتابچه‌های تان بنویسید

آیه (۶-۱۰) سوره بقره

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (۶) خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۷﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿۸﴾ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يُخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسُهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿۹﴾ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿۱۰﴾

معانی کلمات

{كَفَرُوا}	کفر ورزیدند، به اسلام نگریدند.
{سَوَاءٌ}	یکسان است، برابر است،
{أَنذَرْتَهُمْ}	ایشان را بترسانی، بیمشان دهی.
{خَتَمَ اللَّهُ}	خداوند مهر نهاده.
{أَبْصَارِهِمْ}	چشمهای ایشان. بینایی ایشان.
{غِشَاوَةٌ}	پرده، مانع.
{يُخَادِعُونَ}	فریب کاری می کنند.
{مَا يَشْعُرُونَ}	نمی فهمند، احساس نمی کنند.
{زَادَهُمْ}	افزود، زیاد نمود.
{يَكْذِبُونَ}	دروغ می گویند.

ترجمه

آنانی که کفر ورزیدند برابر است برایشان، بترسانی ایشان را یا نترسانی [آنها] نخواهند گروید (مسلمان نخواهند شد) (۶) مهر نهاده است خداوند بر دل‌های آنان و بر شنوایی ایشان و بر دیده گانشان پرده‌یی است (که دیده نمی‌توانند) و آنان را عذابی دردناک است (۷) و برخی از مردم کسانی اند که می‌گویند ایمان آوردیم به خدا و روز بازپسین و نیستند ایشان مؤمنان (۸) فریب می‌دهند [به زعم خود] خدا و مؤمنان را و بحقیقت نمی‌فریبند مگر خود را و نمی‌فهمند (۹) در دل‌های شان بیماری است و خدا بر

بیماری شان افزود و ایشان راست عذاب درد دهنده بسبب آنکه دروغ می گفتند (۱۰)

سبب نزول آیات

امام طبری در تفسیر خویش از حضرت ابن عباس - رضی الله عنهما - و از کلبی نقل نموده که دو آیت نخستین در مورد بزرگان و سران یهود نازل شده، همچون حیی بن اخطب، و کعب بن اشرف و یاوران آنها.^(۱)

تفسیر مختصر

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا...﴾ این آیه کریمه در مورد کافرانی است که با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - سر دشمنی داشتند، در کفر خود چنان سرسخت بودند که بیم دادن در وجود شان اثر نمی کرد. مثل این که از قلبهای ایشان خردمندی و تعقل، از گوشه‌های شان توان شنوایی و از چشم‌های شان توان بینایی زدوده شده باشد. مراد از ختم (مهر) آن است که نور ایمان به دل‌های ایشان راه نمی یابد.

«کفر» دل‌غت به معنی پنهان کردن است؛ اما اصطلاحاً کافر به کسی گفته می شود که به دین مبین اسلام ایمان نیاورد؛ چون اینچنین افراد به دلیل انکارشان از نعمت‌ها و قدرت‌های خداوند کریم، و حقانیت اسلام حقایق و واقعیت‌ها را پنهان می کنند؛ لذا کافر نامیده می شوند.

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ...﴾ این آیه کریمه و آیات بعدی آن حقیقت منافقین و صفات و علامات شان را بیان میکند؛ در این دو آیه مبارکه در مورد منافقین چنین سخن گفته می شود که آنها به زبان، دعوای ایمان داری می کنند لیکن در حقیقت مؤمن نیستند، آنها با مسلمانان نماز می خوانند و بعضی از مناسک اسلامی دیگری را هم انجام میدهند؛ لیکن این نماز و طاعت شان حقیقی و از قلب نیست، منافقین همواره سعی می نمودند تا در صفوف مؤمنان فساد، بدبینی، تبلیغات سوء، اختلاف و چند پارچگی را ایجاد نمایند. از همین روی خداوند جلّ و علا در مورد شان فرمود: ﴿يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾ اینان به زعم فاسد خویش نیرنگ بازی میکنند با خدا و مؤمنان و لی در حقیقت فریب نمی دهند مگر نفس‌های خویش را؛ اما نمی دانند و شعور ندارند که این کار شان بیهوده است.

خداوند در حق آنها فیصله و داوری می کند و سرنوشتی را که در انتظار آنها می باشد بیان می دارد،

۱- تفسیر طبری .

چنانچه در آیت دهم آمده است: ﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾ در دل‌های آن‌ها بیماری است و خدا بر بیماری شان افزود و به [سزای] دروغ گویی شان عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت.

هدف از ازدیاد بیماری در دل‌های منافقان آن است که شک و تردید و نفاق و هراس شان از اسلام و پیشرفت‌های آن فزونی میابد. هر اندازه که مسلمانان پیشرفت میکردند و فتوحات انجام می‌دادند، سبب اندوه بیشتر آن‌ها می‌شد و دشمنی شان شدت بیشتر میافت.

در واقع خطر منافقین از کفار بیش تر است؛ چرا که منافقان در جامعه مسلمانان نمایان می‌گردند؛ به سان مار در آستین عمل می‌کنند و از پشت خنجر می‌زنند. منافقان در هر زمانی وجود دارند. در زمان پیامبر - صلی الله علیه وسلم - هم منافقان وجود داشتند و امروز هم وجود دارند؛ لذا باید بر حذر و هوشیار بود تا این چنین افرادی در جوامع ما راه پیدا نکنند که بیماری‌ها و مشکلات بزرگی را سبب گردند.



در یک بحث آزاد در صنف دو موضوع ذیل را مورد بحث و گفتگو قرار دهید:

- خطرهای نفاق و منافقین.
- معنی و مفهوم مهر نهاده شدن بر قلب‌ها.

فواید درس

از آیات درس مجموعه از درس‌ها و اندرزها را می‌توان آموخت که برخی از آنها به شرح زیر است:

★ بر اساس سنت الهی کسانی که از روی کینه از حق روی می‌گردانند و کفر اختیار می‌نمایند در نتیجه، در دل‌های آن‌ها مهر زده می‌شود که حق به دلشان راه نمی‌یابد.

★ در هر جامعه‌ای منافقان و منافق صفت وجود دارند که باید هوشیارانه با آن‌ها برخورد نمود تا جامعه از شر شان محفوظ بماند.

★ اثر فریب گمراهان و منافقان به خود آنها باز می‌گردد؛ چنانچه گویند: «چاه کن در چاه است» پس لازم است مسلمان به فکر ضرر رساندن به کسی نباشد و روش منافقان را پیروی نکند.



(۱) معانی کلمات ذیل را بیان کنید:

{كَفَرُوا} {سواء} {أَنْذَرْتَهُمْ} {ختم} {يُخَادِعُونَ} {أَلِيم}

(۲) آیات اول و دوم این درس را بعضی از مفسرین در حق چه کسانی وارد دانسته اند؟

(۳) واژه «کفر» را از لحاظ زبان و اصطلاح معنی کنید.

(۴) مراد از آیه مبارکه ﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا﴾ چیست؟

(۵) منافقان در جامعه اسلامی به کدام نوع اقدامات علیه اسلام دست می‌زنند؟



کارخانه‌گی

را جمع به منافقان یک مقاله بنویسید که صفات آن‌ها را توضیح داده و از منافقین صدر اسلام هم تذکر بعمل آمده باشد.

آیه (۱۱-۱۶) سوره بقره

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ﴾ (۱۱) ﴿أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ (۱۲) ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (۱۳) ﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُونَ﴾ (۱۴) ﴿اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾ (۱۵) ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبَحَتِ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾ (۱۶)

معنای کلمات

{مُصْلِحُونَ}	اصلاح آورنده گان.
{أَلَا}	حرف تنبيه است؛ به معنی هوشیار باشید، آگاه باشید.
{إِنَّهُمْ}	إِنَّ: حرف تأکید است که بر جمله اسمیه داخل می شود و معادل دری آن (به تحقیق، بی شک، در حقیقت، قطعاً ... و...) می باشد.
{إِذَا}	هرگاه، وقتی که.
{قِيلَ}	حالت مجهول «قال» است، یعنی: گفته شد.
{آمِنُوا}	صيغة جمع فعل امر از باب «آمَنَ» است. یعنی: ایمان بیاورید.
{السُّفَهَاءُ}	جمع سفیه، بی خرد، ساده لوح، البته کفار و منافقان مؤمنان را متهم به این صفت می کردند.
{لَقُوا}	ملاقى شدند، روبه رو شدند. ولی در این جا بمعنی مضارع می آید: (ملاقى شوند، روبه رو شوند).
{خَلَوْا}	تنها شوند.
{شَيَاطِينِهِمْ}	منظور رهبران و پیشوایان کفار و منافقین می باشد.
{مُسْتَهْزِؤُونَ}	مفرد آن: «مستهزء» است که به معنای تمسخر کننده میاید. می گفتند: ما مسخره می کنیم، ریشخند می زنیم.
{وَيَمُدُّهُمْ}	به آنها فرصت می دهد، به آنها مهلت می دهد، آنها را به حال خودشان رها می کند.
{طُغْيَانِهِمْ}	تمرد شان، سرکشی شان، تجاوزکاری شان از حد.
{يَعْمَهُونَ}	در گمراهی فرو می روند، سرگشته می شوند.

ترجمه آیات

و چون گفته شود به ایشان تباه کاری مکنید در زمین، گویند جزاین نیست که ما اصلاح کننده گانیم (۱۱) آگاه باشید که آنان خود فسادگرانند، لیکن آگاه نمی‌شوند (۱۲) و چون گفته شود ایشان را که ایمان آرید چنانکه ایمان آوردند مردمان، گویند آیا ایمان بیاوریم همان گونه که کم خردان ایمان آورده اند؟! هشدار که خودشان کم‌خردانند ولی نمی‌دانند (۱۳) و چون با کسانی که ایمان آورده اند برخورد کنند می‌گویند ایمان آوردیم [اما] هنگامیکه با شیطانهای خود (سران و رهبران کفر) خلوت گزینند می‌گویند ما با شما ییم، ما فقط [آنان را] ریشخند می‌کنیم (۱۴) خدا [است که] ریشخندشان می‌کند و آنان را در طغیانشان فرو می‌گذارد تا سرگردان شوند (۱۵) ایشان کسانی اند که خریدند گمراهی را به [بهای] هدایت و سود نیافت تجارت ایشان و راه یاب نشدند (۱۶)

تفسیر مختصر

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ...﴾ خداوند متعال به ارتباط صفات و علایم منافقین - که از آیات درس گذشته آغاز یافت - می‌فرماید: هرگاه به منافقین گفته شود که از فساد کاری‌های خود دست بردارید، و از تفرقه افگنی میان مسلمانان، جاسوسی به کفار، خودداری ورزید، از شایعه پراگنی دوری گزینید، در پاسخ می‌گویند: ما اصلاحگر هستیم. ولی، آگاه باشید که آنها خود فساد پیشه‌اند، لیکن، در جهل و نادانی و مغالطه افتاده‌اند و فساد خود را کار درست تلقی می‌نمایند. و این یک نادانی و اشتباه بزرگ است.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ...﴾ هر گاه از این گروه منافق خواسته شود که در ایمان خود درستکار و راستکار باشید چنانچه مسلمانان در ایمان خود صدق و راستی نشان می‌دهند، و با اعتقادات بت پرستی خود قطع رابطه کنید همان گونه که دیگر مسلمانان قطع رابطه کردند. ولی، منافقان بی‌ایمانی و شیطننت خود را توجیه می‌کنند و مسلمانان راستین را کم‌خرد و ساده لوح می‌نامند و خودشان را زیرک و هوشیار و بدین واسطه می‌گویند: «آیا همان گونه ایمان بیاوریم که کم‌خردان ایمان آورده‌اند؟».

منافقان تمام امور را از منظر مادی می‌دیدند؛ لذا ایمان تهی‌دستانی چون بلال، سلمان، زید بن حارثه، عبد الله بن سلام و امثال آنها برایشان بی‌خردی معلوم می‌شد. اما؛ حقیقت امر آن است که بی‌خرد

و نادان همان کسانی اند که به اساس خواسته‌های نفسانی خویش راه کفر و نفاق را اختیار نمودند، و در محبت دنیا غرق شده، آخرت را به فراموشی سپردند.

﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا...﴾ خداوند متعال در آیات چهاردهم و پانزدهم حال منافقان را توصیف کرده عاقبت کار شان را بیان میکند که منافقان وقتی با مسلمانان راستین روبه رو می‌شوند خود را مسلمان گفته و از ایمانداری و تقوی داد سخن می‌زنند، تا شود که از منافع دنیوی، از قبیل فیء و غنیمت برخوردار شوند و یا حداقل، از طرف مسلمانان راستین - که تعداد شان همه روزه فزونی می‌یافت - در امان کامل بسر برند، ولی زمانی که با سران کفر و نفاق تنها می‌شوند، به آن‌ها اطمینان می‌دهند که هنوز برکفر خود باقی اند و در باورهای بت‌پرستی شان تغییری نیامده، و آمد و رفت شان با مسلمانان صرف از روی تمسخر و ریشخند کردن آن‌ها است و بس. خداوند - جل جلاله - در مقابل اعمال زشت و نافرمانی شان به آن‌ها مهلت میدهد تا سرگردان باشند و کیفر تمسخر شان را به آن‌ها می‌دهد؛ به گونه‌ی که در دنیا رسوا گشته و چهره نفاق شان به همگان هویدا می‌گردد و در آخرت هم آتش دوزخ در انتظار شان خواهد بود.

سپس خداوند کریم در آیه بعدی میفرماید: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبَحَتِ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾ یعنی: همین‌ها کسانی اند که گمراهی را در مقابل یا به بهای هدایت خریدند، در نتیجه، داد و ستد ایشان هیچ سودی به بار نیاورد و براه راست ره نیافتند. در این آیه کریمه عملکرد منافقین به تجارت بی سود تشبیه گردیده است که کاملاً ضرر و نقص در آن نهفته باشد، آنها ایمان و اسلام واقعی را که سرمایه بزرگ زنده‌گی است از دست داده در مقابل نفاق را که اعتراف محض زبانی است بر گزیدند یا به عبارت دیگر خریدند؛ پس چون از منافع اخروی محروم گردیدند و در دنیا هم چیزی جز خواری و زبونی نصیب شان نشد، به این علت در این داد و ستد یا خرید و فروش سخت نقصان کردند.



پیرامون یکی از امور ذیل بحث و گفتگو کنید:

- فساد پیشه‌گی در میان مردم و عواقب آن برای خود فساد پیشه و دیگران.
- تناقض در برخورد منافق با مسلمانان و با کفار.
- خداوند منافقان را مجازات می‌کند.

فواید درس

از آیات گذشته فوایدی بدست می‌آید که می‌توان برخی از آنها را در نکات ذیل خلاصه کرد:

★ ایمان واقعی آن است که در کنار اعتراف زبانی و تصدیق قلبی، اعمال انسان نشانی از آن را با خود داشته باشد؛ ایمانی که عمل انسان را تحت کنترل نگیرد و صاحب خود را از کارهای زشت باز ندارد و به کارهای درست و ندارد ایمان ضعیف است.

★ اصلاح در زمین وقتی امکان پذیر است که راه ایمان اختیار گردیده، و از کفر و گناهان دوری شود.

★ منافقان همیشه با پروردگار راه فریب بازی را اختیار می‌نمایند و سعی می‌ورزند میان مسلمانان اختلاف پیدا کرده اندیشه‌های باطل را منتشر سازند، تا در اذهان، نسبت به دین شک و تردید رخ دهد.

★ خردمند کسی است که برای زنده‌گی اخروی تلاش می‌کند، و نادان کسی است که عقل و خردش در گرو مادیات قرار گرفته و پیروی از تعلیمات الهی برایش نادانی تلقی گردد.

★ انسان صالح و پیرو راه مستقیم همیشه همدست صالحان و نیکان بوده، با ایشان محبت قلبی می‌داشته باشد، بالعکس منافقان همیشه با منافقان هم نشین بوده و در پی توطئه گری علیه صالحان می‌باشند.



- (۱) منافقین چگونه در روی زمین فساد را راه اندازی می‌کنند؟
- (۲) خداوند ادعای منافقین را که ما گروه اصلاح گر هستیم چگونه رد نمود؟
- (۳) با چه اندیشه یی منافقان مؤمنان راستین را نادان و کم خرد می‌پنداشتند؟
- (۴) فرق بین برخورد منافقان با مؤمنان راستین و سران کفر چگونه بود؟
- (۵) منافقین برای کسب کدام منافع تظاهر به اسلام می‌کردند؟
- (۶) قرآن مجید عملکرد منافقین را به چه چیزی تشبیه نمود؟



کارخانه‌گی

بعضی از کردارهای منافقانه یی را که منافقین در زمان پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - مرتکب می‌شدند در کتابچه‌های تان بنویسید.

آیه (۱۷-۲۰) سوره بقره

﴿مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ﴾ (۱۷) صُمُّ بُكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿۱۸﴾ أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَّجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿۱۹﴾ يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَّشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲۰﴾﴾

معنای کلمات

{مَثَلُهُمْ}	حالت آنها، وضعیت آنها.
{اسْتَوْقَدَ}	بر افروزد، آتش را بیفروزد.
{فَلَمَّا}	هرگاه، همین که.
{أَضَاءَتْ}	روشن سازد، نورانی گرداند.
{ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ}	خداوند نور و روشنی را از آنها برگیرد.
{صُمُّ}	جمع أصم، بمعنی کر و نا شنوا.
{بُكْمٌ}	جمع أبکم، بمعنی لال و گنگ.
{عُمَىٰ}	جمع أعمى، بمعنی نابینا.
{كَصَيْبٍ}	مانند باران شدید است.
{ظُلُمَاتٍ}	جمع ظلمة، بمعنی تاریکی.
{الصَّوَاعِقِ}	جمع صاعقه، و آن آتشی است که در وقت رعد از آسمان فرود می آید، آذرخش.
{مُحِيطٌ}	احاطه دارد. بگونه یی که یک چیز از تمام جهات در محاصره قرار گرفته توان فرار نداشته باشد.
{يَكَادُ}	نزدیک است.
{يَخْطَفُ}	برباید، اختطاف کند.
{كُلَّمَا}	هرگاهی که، هر وقتی که، به مجرد آن که.
{أَضَاءَ}	روشنی نماید، روشن سازد.
{أَظْلَمَ}	تاریک کند.

ترجمه آیات

مثال آنان همچون مثال آن کسی است که افروخت آتشی را پس چون روشن ساخت آن آتش دور و بر او را دور ساخت خدا نور آن گروه را و رها نمود ایشان را در میان تاریکی‌ها هیچ نمی‌بینند (۱۷) ایشان کرانند، گنگانند، کورانند پس ایشان باز نمی‌گردند (۱۸) یا مثال ایشان مانند [کسانی است که در معرض] باران شدید از آسمان که در آن تاریکی‌ها و رعد و برقی است [قرار گرفته‌اند] در آورند انگشتان خویش را در گوشه‌های خویش بسبب آوازهای پرهول [و] از بیم مرگ و خدا احاطه کننده است بر کافران (۱۹) نزدیک است برق بر باید چشمانشان را؛ هر گاه که بر آنان روشنی بخشد در آن گام زنند و چون راهشان را تاریک کند [بر جای خود] بایستند و اگر خدا می‌خواست برمی‌گرفت شنوایی و بینایی‌شان را؛ هر آئینه خدا بر همه چیز تواناست (۲۰)

تفسیر مختصر

﴿مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ النَّارِ الَّتِي اسْتَوْقَدَ نَارًا...﴾ در این آیات خداوند کریم جهت توضیح حالت منافقان دو مثال می‌آورد: در مثال اول که ضمن این آیه کریمه ذکر شده است حالت منافقان را با کسانی تشبیه می‌کند که در شب تاریک، در یک دشت پهناور در حرکت اند و ناگهان راه خود را گم می‌کنند. ایشان بخاطر پیدا کردن راه، آتش می‌افروزند، زمانی که آتش گرد و پیش شان را روشن می‌سازد، خوشحال گردیده، گام به پیش می‌گذارند، و چون نور آتش خاموش می‌گردد آنها هم سر جای خود ایستاد مانده از حرکت باز می‌استند و سرگردان می‌شوند. منافقان هم این چنین حالت دارند؛ ایشان، از ترس مسلمانان تظاهر به مسلمان بودن می‌کنند، تا در کنار آنها منافعی مادی فراچنگ آورند، لیکن به سبب آنکه ایمان در دل‌های آنها ریشه دار نیست، سودهای موقت ایشان، به رسوایی در دنیا و عذاب درد ناک در آخرت می‌انجامد، البته که این تظاهر مسلمان بودن به حال شان مفید تمام نمی‌شود، و به زودی افشا می‌گردند و محبت موقتی که در دل مسلمانان به دست می‌آورند به زودی از دست می‌رود و دیگر در چشم آنها خوار و نکوهیده می‌نمایند، گویا آتشی را که افروخته بودند خاموش می‌گردد و تاریکی آنها را فرا می‌گیرد.

﴿صُمُّ بَكْمٌ عُمِّي فَهُمْ لَا يَرِجْعُونَ﴾ این آیه مبارکه حقیقت منافقین را واضح می‌سازد، از آنها چنین تصویری را ارائه مینماید که گویا ایشان از شنیدن حق، بحدی ناتوانند مثل این که کر باشند، و از گفتن حق به اندازه ناتوانند انگار که زبان شان لال است، و از دیدن حق چنان ناتوانند مثلیکه کور باشند. البته این به آن معنا نیست که آنها گوش و زبان و چشم ندارند، بلکه منظور آن است که آنها ظاهراً چنان وانمود می‌کنند که گویی حق را نشنیده اند و ندیده اند و توان گفتن آن را ندارند. از همین روی بسوی حق هیچ گامی بر نمی‌دارند و در راه خیر هیچ اقدامی نمی‌کنند.

﴿أَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ...﴾ این مثال دوم حالت منافقان است که حالت شان را به کسانی تشبیه میکند که در باران بسیار شدید و تاریکی‌های متراکم قرار داشته باشند، و در عین زمان باران

شدید با رعد و برق توأم باشد و این باران و صداهاى هولناک آن برای آن‌ها ترس و هراس بزرگى را سبب گردد؛ به گونه یی که از یک طرف صدای دلخراش رعد را می‌شنوند و از طرف دیگر در تاریکی‌های شدید شب غوطه ور شده اند، و چنان می‌انگارند که گویا مرگ فرا رسیده است و از شدت ترس انگشتان خود را در گوش‌های خود می‌گذارند تا از شنیدن صدای رعد جلوگیری نموده از این طریق مرگ را به تأخیر افکنند. حالت منافقان هم این چنین است. آن‌ها را هراسی شدید در خود پیچیده است. آن‌ها توانسته اند که با تظاهر به اسلام خود را از مجازات قریب الوقوع رهایی بخشند و خود و مال خود را به برکت مسلمین در حفظ و حمایه قرار دهند؛ ولی زمانی که از مرگ خبر می‌شوند و از وعیدهای الهی که بوسیله آیات نازل شده مطلع می‌گردند، از ترس لرزه به اندام شان می‌افتد، و حرکاتی از خود نشان می‌دهند که انگار چیزی از آن را ندانسته اند.

﴿يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ...﴾ در این آیه مبارکه اخیر خداوند کریم جهت وضاحت بیشتر مثال قبلی می‌فرماید: نزدیک است که برق قوه بینایی چشمان شان را نابود کند، و باز می‌فرماید: هر گاه که بر آنان روشنی بخشد در آن گام زنند و چون راهشان را تاریک کند [بر جای خود] بایستند، و اگر خدا می‌خواست شنوایی و بینایی شان را برمی‌گرفت. لیکن خداوند کریم چنین نکرد. در قسمت اخیر آیه مبارکه می‌فرماید: بدون شک خدا بر همه چیز تواناست، یعنی هیچ چیز از دایره قدرت الله متعال بیرون نمی‌ماند.

از این آیات مبارکه واضح گردید که منافقان میان گمراهی و پریشانی در کشمکش هستند، آن‌ها در حالی که به حقانیت قرآن کریم و راه اسلام باور ندارند، بخاطر ضمانت حصول فواید دنیوی و خوف تهدید شرعی خود را ناگزیر می‌بینند که در ظاهر به اسلام منقاد باشند و کلمه شهادت را بر زبان آورند، و در جایی که مال غنیمت مطمح نظر باشد، در صف مسلمانان ایستاده شوند، و هرگاه در پیروی اسلام مشقت و خساره دنیوی را حس کنند به جهاد نمی‌روند و از مقابله با دشمن به بهانه‌های مختلف و دروغین عقب نشینی می‌کنند.

در آیات گذشته اوصاف و علایم گروه‌های سه گانه (مؤمنان، کفار و منافقان) بیان شد که سیزده آیت آن، در مورد منافقان بود.

فعالیت

در یک گفتگوی آزاد نقش اساسی قلب را در مسأله ایمان و عمل صالح مورد مناقشه قرار دهید و توضیح بدارید که بیشتر مدار اعتبار باطن است یا ظاهر.

فواید درس

بعضی از فوایدی که از لابلای تفسیر آیات گذشته به دست می‌آید عبارتند از:

★ خداوند - جل جلاله - در کنار نعمت‌های دیگر، برای انسان نعمت‌های ظاهری هم بخشیده است. از جمله این که به واسطه گوش می‌شنود، به واسطه زبان سخن می‌گوید و به واسطه چشم می‌بیند.

★ هر انسانی مکلف است که حواس خود را در راه خیر به کار بندد؛ زیرا که در مقابل آن مسؤولیت دارد؛ پس باید با گوش خود سخن حق را بشنود، و زبان خود را به حق بگشاید و با چشم خود صرف به سوی حق (حلال) نگاه کند.

★ ما حق داریم تا برای توضیح مفاهیم پیچیده و دشوار مثال‌هایی از واقع زنده‌گی بیاوریم که با آن موضوع به نحوی شباهت داشته باشد تا مطالب معنوی در قالب اشیای حسی وضاحت بیشتر پیدا کند.

★ منافقان هیچ وقت بر یک موقف و حالت ثابت باقی نمی‌مانند، ایشان همیشه شکار تذبذب و کشمکش هستند و دائماً در پی منافع خویش اند.

★ ما باید در شناخت اوصاف منافقان جدی باشیم و تلاش کنیم که آن صفات را از وجود خودمان دور سازیم.

★ نشانه‌ها و ویژه‌گی‌های منافقان را که در این درس و درس گذشته خواندیم درمورد آن عده از مردمی است که در عهد پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - می‌زیستند، کفر آنها را خداوند بر ملا کرد که آن‌ها در ظاهر مسلمان ولی در باطن کافرند. اگر این چنین نشانی‌ها و اوصاف در این عصر در کسی دیده شود، مستقیماً او را کافر گفته نمی‌توانیم؛ البته میتوان گفت که آن شخص موصوف به صفات منافقین است.



(۱) کلمات ذیل را معنی کنید:

{استوقد} {کصیب} {ظلمات} {رعد} {الصواعق} {یخطف} {أضواء} {مشوا}

(۲) خداوند کریم در قرآن مجید مثالها را برای چه ذکر کرده است؟

(۳) میان مثالهای یاد شده و حالت منافقان چه مشابهت وجود دارد؟

(۴) مقصد از این آیت: ﴿صُمُّ بَكْمٌ عُمِي﴾ چیست؟ آیا منافقان واقعاً کر و گنگ و کور اند؟

(۵) چرا منافقان، در حالی که ایمان ندارند، در ظاهر خود را مسلمان می‌گویند؟



قرآن کریم برای بیان و توضیح حالت منافقان دو مثال آورده است، شما این دو مثال را با اشاره به وجه تشابه میان مثالها و آنانی که مثال در مورد آنها آمده است در کتابچه‌های تان بنویسید.

آیه (۲۱-۲۴) سورة بقره

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (۲۱) الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بَنَةً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۲) وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۳) فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾ (۲۴)

معنای کلمات

{اعْبُدُوا}	فعل امر است برای جمع مخاطب؛ یعنی: پرستش کنید.
{خَلَقَكُمْ}	خَلَقَ: فعل ماض است، یعنی: آفرید. کم: ضمیر جمع مخاطب است، که مفعول «خلق» واقع شده. معنای هردو کلمه: شمارا آفرید.
{لَعَلَّكُمْ}	کلمه «لَعَلَّ» از حروف نسخ است، که بر جمله اسمیه داخل می شود، مبتدا را منصوب می گرداند و خبر را مرفوع. و معنی: شاید و تا آنکه را میدهد.
{فِرَاشًا}	هموار و گسترده.
{بَنَةً}	سقف، ساختمانی استوار.
{الثَّمَرَاتِ}	میوه ها.
{أَنْدَادًا}	جمع «ند» یعنی: مثل، مانند، همتا.
{رَيْبٍ}	شک و تردید.
{عَبْدِنَا}	بنده ما، مقصود محمد -صلی الله علیه وسلم- است.
{فَأْتُوا}	حاضر کنید، بیاورید.
{شُهَدَاءَكُمْ}	مدد گاران و طرفداران تان.
{فَاتَّقُوا النَّارَ}	از آتش دوری کنید، از دوزخ بترسید.
{وَقُودُهَا}	هیزم آن یعنی هیزم دوزخ.
{أُعِدَّتْ}	آماده کرده شده.

ترجمه

ای مردم! بپرستید پروردگارتان را؛ آن که آفرید شمارا و کسانی را که پیش از شما بوده اند، تا باشد که به تقوا گرایید (۲۱) همان [خدایی] که زمین را برای شما فرشی [گسترده] و آسمان را بنایی [افراشته] قرار داد و از آسمان آبی فرود آورد و بدان از میوه‌ها رزقی برای شما بیرون آورد؛ پس برای خدا همتیانی قرار ندهید در حالی که خود می‌دانید (۲۲) اگر هستید در شبیه از آنچه فرود آوریم بر بنده خود (یعنی از قرآن) پس بیاورید سوره‌ی را مانند آن و بخواهید مدد گاران خود را غیر خدا، اگر هستید راست گویان (۲۳) پس اگر چنین نکردید و هرگز نمی‌توانید کرد، پس بترسید از آن آتشی که هیزم سوختش مردمان و سنگها هستند [و این آتش] برای کافران آماده شده (۲۴)

مناسبت آیات مبارکه با آیات قبلی

در بیست آیت گذشته اوصاف و حالات سه گروه: مؤمنان، کفار و منافقان بیان گردید؛ البته همه انسان‌های روی زمین در یکی از این سه گروه شامل هستند. در این آیات به تمام بشریت، که مشرکان مکه هم در آن شامل هستند، دستور داده می‌شود که به اوامر پروردگار یکتا بگرایند، و او تعالی را پرستش کنند و از بت پرستی خودداری ورزند، و اگر در حقانیت رسالت پیامبر و آنچه بر وی نازل گردیده شک و تردید دارند و قرآن را کتاب دست ساخته محمد - صلی الله علیه وسلم - می‌پندارند بایستی همانند یکی از سوره‌های آن سوره‌ی بسازند.^(۱)

تفسیر مختصر

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ...﴾ در این آیات تمام مردم، به شمول مشرکان مکه، امر می‌شوند پروردگار یکتا را پرستش نمایند. در واقع امر دعوت به پرستش خداوند یکتا نقطه مرکزی دعوت تمام پیامبران الهی - علیهم السلام - را تشکیل می‌دهد. قرآن کریم به این امر اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که دعوت تمام انبیا در اصل توحید و پرستش خداوند یکتا بوده است: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ [النحل: ۳۶] "و به تحقیق در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید] خدا را بپرستید و از طاغوت [پرستش بته‌ها] بپرهیزید".

معنای اصلی «عبادت» خضوع و عاجزی است؛ لیکن مراد از آن در این آیات وحدانیت خداوند کریم، پذیرش احکام او تعالی و ترک پرستش بت‌ها می‌باشد؛ که آن را عبادت تشریعی گویند؛ همچنان یک نوع عبادت دیگر هم وجود دارد که به نام عبادت تکوینی یاد می‌شود و آن این که تمام موجودات آفریده شده از طرف خداوند وظیفه دارند که طبق قوانین تکوینی خداوند حرکت نمایند.

۱ - التفسیر المنیر، دکتور وهبة الزحیلی .

اما کلمه «رب» به معنی خالق، مالک و پرورش دهند آمده است. و آیت کریمه مردم را به عبادت خدای یکتا فرا می خواند و عاقبت عبادت را نیز به آن ها روشن می سازد، و آن این که او تعالی را عبادت کنید تا در نتیجه عبادت خود به تقوی و پرهیزگاری دست یابید.

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا...﴾ در این آیه کریمه خداوند انسان ها را به نعمات بزرگی که به آن ها بخشیده متوجه می سازد تا عقل خود را به کار گیرند و به بزرگی حقی که خداوند بر آن ها دارد پی ببرند. بناءً به خلقت زمین و آسمان و ریزش باران رحمت و پیدایش میوه های گوناگون اشاره می نماید، که بر این همه، چه قوانینی حکم می راند و کدام روابطی این عالم بزرگ را تنظیم می نماید؟

﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا...﴾ در این آیت و آیت بعدی آن، خداوند در کنار آن که مردم را به تفکر در مورد مظاهر خلقت خداوند فرا می خواند، آن ها را به این امر نیز متنبه می سازد که جهت هدایت شان قرآن را فرستاده که در الهی بودن آن هیچ تردیدی نیست. برای اثبات بیشتر الهی بودن قرآن، کافران را که در الهی بودن آن شک می کنند به چالش می گیرد و به آن ها می گوید: «اگر در الهی بودن قرآن شک و تردید دارید پس مانند یک سوره از سوره های آن از نزد خود بسازید؛ حتی بغیر خداوند از تمام مخلوقات، اگر یاور و طرفدار شما هستند یاری بجوئید و امداد بخواهید.» قرآن کریم در حالی مردم عرب را به چالش گرفت که در اوج بلاغت و قوت سخن قرار داشتند؛ ولی هیچ کسی از مقابله با آن بر نیامد و چیزی ساخته نتوانست که از نظر بیان با قرآن برابری کند و یا نزدیک به آن باشد.

یکی از فواید عمده یی که در بلاغت بی مانند قرآن برای بشریت رسید آن بود که کتاب خداوند از هر نوع تحریف، تغییر و دست کاری محفوظ ماند و مانند کتب آسمانی دیگر دچار دگر گونی و تحریف نگردید. قرآن کریم در آیت اخیر خطاب به مشرکین می فرماید: «اگر شما از ساختن سوره یی مانند یک سوره قرآن عاجز آمدید - که قطعاً عاجز خواهید آمد - پس باید به تصدیق آن اقدام کنید و به الهی بودن آن یقین و باور پیدا نمایید و از آتش دوزخ خود تان را رهایی بخشید؛ همان دوزخی که انسان ها و سنگ ها هیزم آن را تشکیل می دهند و برای تعذیب کافران آماده کرده شده است.» این که قرآن به این امر اشاره می کند که هیزم دوزخ انسان ها و سنگ ها اند نشان آن است که دوزخ جای بسیار سخت و دارای آتشی بسیار سوزان است.

فعالیت

خداوند متعال در این آیات به چند نعمت بزرگ اشاره می کند که او تعالی به انسان ها ارزانی داشته است، پیرامون این نعمات بحث و گفتگو نموده در مورد هریک فوایدی را که می شناسید ثبت نمایید.

فواید درس

برخی از فوایدی که از خلال این آیات دانسته می‌شود قرار ذیل است:

★ انسان باید در برابر نعمتهای خداوند کریم که وی را سالم پیدا کرده، زمین، آسمان و همه نعمت‌ها را در خدمت وی قرار داده، سپاسگزار باشد؛ به وحدانیت وی قایل بوده و از احکام وی پیروی نماید.

★ قرآن کریم از اسلوب ویژه‌ی برخوردار است، که از روز نزولش تا امروز کسی قادر نشده تا سخنی شبیه به آن بیاورد. یقیناً تا روز قیامت تلاش‌هایی که به قصد مقابله با قرآن صورت می‌گیرد ناکام خواهد بود؛ زیرا که قرآن از طرف خداوند متعال محفوظ و مصون قرار گرفته است.

★ انسان باید به وحدانیت خداوند کریم، رسالت پیامبر و حقانیت قرآن ایمان و عقیده‌ی راسخ داشته باشد.

★ هر انسانی مکلف است تا خود را از دوزخی نگاه کند که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها اند و خداوند کریم آن را برای کفار آماده نموده است.



- ۱) معانی کلمات ذیل را بیان کنید:
- {عبدوا} {ربکم} {تتقون} {فراشاً} {أنداداً} {شهداءکم} {وقود} {أعدت}
- ۲) اعجاز قرآن کریم در چیست؟ در زمینه دلایل تان را ارائه کنید.
- ۳) قرآن چگونه کفار را به چالش فرا خوانده است؟
- ۴) در یکی از آیات این درس به نعماتی اشاره شده، آن نعمات چیستند؟
- ۵) دوزخ برای کدام مردم آماده شده؟ کدام آیت از آیات قبلی به آن دلالت می‌نماید؟
- ۶) میان این آیات و بیست آیت دروس گذشته چه تناسب و همسویی وجود دارد؟



کارخانه‌گی

در رابطه به وجوه مشترک و نکات اختلاف میان رسالت محمد - صلی الله علیه وسلم - و رسالت‌های آسمانی دیگر یک مقاله بنویسید که از هشت سطر کمتر نباشد.

آیه (۲۵-۲۷) سوره بقره

﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (۲۵) إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ﴾ (۲۶) الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (۲۷) ﴿

معنای کلمات

{بَشِّرْ} فعل امر از ماده "بشر" یعنی: مزده ده.

{أُتُوا بِهِ} برای آنها از آن داده شود.

{لَا يَسْتَحْيِي} حیاء مانع کارش نمی شود.

{بَعُوضَةً} پشه.

{يُضِلُّ} گمراه می سازد.

{يَنْقُضُونَ} می شکنند.

{مِيثَاقِهِ} بستن آن.

{يَقْطَعُونَ} قطع می کنند، ترک می نمایند.

{يُوصَلَ} پیوند داده شود.

{الْخَاسِرُونَ} زیانمندان.

ترجمه

و بشارت ده (ای محمد) آن کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، که ایشان را باغ‌هایی خواهد بود که از زیر [درختان] آنها جوی‌ها روان است؛ هرگاه میوه‌ای از آن روزی ایشان شود می‌گویند این همان است که پیش از این [نیز] روزی ما بوده و آورده شود بایشان آنروزی مانند یکدیگر و در آنجا همسرانی پاکیزه خواهند داشت و در آنجا جاودانه بمانند (۲۵) خدا را شرم نیاید از اینکه به پشه‌ای یا

فروتر [یا فراتر] از آن مثل زند پس کسانی که ایمان آورده اند می دانند که آن [مثل] از جانب پروردگارشان بجاست ولی کسانی که به کفر گراییده اند می گویند: خدا از این مثل چه اراده داشته است [خدا] گمراه می کند بسبب آن بسیاری را و راهنمایی می کند بسبب آن بسیاری را و [الی] گمراه نمی کند به آن مگر بدکاران را (۲۶) کسانی که می شکنند پیمان خدا را پس از بستن آن و قطع می کنند آنچه را خداوند به پیوستنش امر فرموده است و فساد می کنند در زمین ایشانند زیان کاران (۲۷)

سبب نزول آیات

ابن جریر طبری در تفسیر خویش نقل نموده: زمانی که خداوند کریم برای منافقان دو مثال ﴿مَثَلُهمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْفَدَ نَارًا﴾ و ﴿أَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ السَّمَاءِ﴾ را بیان نمود، گفتند خداوند از مثال های بیان شده بزرگتر است که همچو مثال ها را بیان نماید. خداوند ﷻ در رد گفتار آن ها این آیه مبارکه ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي...﴾ را نازل فرمود.

تفسیر مختصر

﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...﴾ خداوند متعال در این آیه مبارکه پاداش مؤمنان و پرهیز کاران را بیان می دارد، تا بدین وسیله میان مؤمنانی که به قرآن ایمان دارند و کفاری که به حقانیت قرآن ایمان ندارند مقایسه نماید؛ زیرا در آیات درس گذشته به بررسی احوال آنانی پرداخته که به حقانیت قرآن ایمان ندارند. از همین روی است که قرآن به پیامبرش دستور می دهد تا به آنانی که ایمان آورده و کارهای نیک انجام می دهند مژده بهشت دهد. و بعد بهشت را به آنها وصف می نماید که از زیر درختان آن جوی های مختلف روان می باشد، و همچنان در آن از نعماتی به بهشتیان داده می شود که در شکل و ظاهر شان مانند نعمات دنیوی هستند که برای آن ها غریب و بیگانه نمی نماید، یا بعضی شان با بعض دیگر مشابه است اما طعم و لذت شان مختلف خواهد بود، مشابهت میوه های بهشتی از نظر ظاهر با میوه های دنیا منافی مفهوم آن حدیث مبارک نیست که می فرماید: «در بهشت نعمت های موجود است که نه چشم آنها را دیده و نه گوش وصف آنها را شنیده و نه در هیچ قلبی چگونگی آنها خطور کرده است» زیرا اولاً در وجود نعمات موصوف به صفات مذکوره اضافه از نعمت هایی که مشابه نعمت های دنیا هستند هیچ شک و شبهه نباید باشد و ثانیاً ممکن است حدیث شریف اشاره به ماهیت و کیفیت نعمت های بهشتی داشته باشد که کاملاً متفاوت از کیفیت نعمت های دنیوی و افزون بر آنهاست.

نوع دیگری از نعمات بهشتیان همانا وجود همسرانی پاکیزه است که در نصوص دینی از آن به نام (حور عین) تعبیر شده است. منظور از حور عین همان زنانی اند که در خدمت بهشتیان قرار می داشته باشند و

از هر عیب و نقصی خالی و مبرایند، و دست و بدن شان به هیچ گناهی آلوده نشده است.

﴿الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ...﴾ به تعقیب آیه قبل این آیت کریمه فاسقین را به الفاظ مختصر و واضح معرفی کرده میفرماید: فاسقان کسانی اند که پیمان‌های خود با خداوند را نقض می‌نمایند، و اوامر او تعالی را زیر پا می‌نهند، و در روی زمین فساد بر پا می‌کنند. هر که در روی زمین فساد برپا نماید، و فتنه انگیزی کند، خود زیانمند خواهد بود و غرق در مشکلات و بدبختی خواهد گشت و در دنیا رسوا و در آخرت در کام آتش فرو خواهد رفت.

در این آیه کریمه خداوند متعال سه صفت اساسی فاسقان و آنانی را بیان مینماید که از اوامر وی سر پیچی میکنند:

- اول:** این که ایشان پیمانی را که به خداوند کریم بستند بعد از تحکیم آن می‌شکنند.
- دوم:** این که صله رحمی و دوستی مؤمنان را نادیده می‌گیرند، از دین خداوند روی می‌گردانند و آن چیزی را از بین می‌برند که خداوند کریم به پیوستن آن امر فرمود.
- سوم:** این که در روی زمین به نشر فساد می‌پردازند.



در باره پیمان شکنی و قطع صله رحم گفتگو نموده ضررهای آن را روشن سازید.

فواید درس

- گوشه از فواید و اندرزهایی که از آیات متذکره به دست می‌آید قرار ذیل است:
- ★ یقین باید داشت که خداوند عمل نیک مؤمنان را ضایع نمی‌گرداند، بلکه برای آن‌ها پاداش نیک شان را می‌دهد و آن‌ها را وارد بهشت می‌گرداند و از نعمات آن ایشان را برخوردار می‌سازد.
 - ★ میوه‌هایی که در بهشت به مؤمنان داده می‌شود در شکل و رنگ مانند میوه‌های دنیوی می‌باشند ولی در ماهیت و طعم و فائده به درجات بهتر و عالی‌تر اند.
 - ★ حوران بهشتی ای که در خدمت مؤمنان قرار می‌گیرند از هر عیب و نقصی مبرا بوده و مؤمنانی که از آنها برخوردار می‌گردند نیز در بهشت جاویدان خواهند ماند.
 - ★ در هیچ امر از اموری که خداوند کریم انسان را از آن مطلع می‌سازد جایی برای مناقشه، شک و تردید وجود ندارد؛ پس بر انسان لازم است که به تمام آن عقیده داشته و از اعتراض خود داری ورزد.

★ نشانه فاسقان سه چیز است: نقض عهد با خداوند، قطع صلۀ رحم، نشر فساد در روی زمین.
★ هر گاه انسان از پروردگار خویش فاصله گیرد در دنیا و آخرت زیان مند شده و نتیجه زشت آن به خودش بر می گردد.



(۱) کلمات ذیل را معنی کنید:

{متشابهاً} {ازواج مطهرة} {ينقضون} {ميثاقه} {يقطعون}

(۲) آیات این درس به مؤمنان چی مزده میدهد؟

(۳) آیت اخیر به کدام اوصاف فاسقان اشاره می نماید؟

(۴) سبب نزول آیه مبارکه دوم را بیان کنید.



کارخانه‌گی

درمورد گناه فساد کاری در روی زمین یک مقاله ده سطری بنویسید.

آیه (۲۸-۳۴) سوره بقره

﴿ كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴾ (۲۸) هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۲۹﴾ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۳۰﴾ وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۳۱﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿۳۲﴾ قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿۳۳﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿۳۴﴾

معنای کلمات

{أَحْيَاكُمْ}	(فعل ماضی بر وزن أفعل)، شما را زنده گردانید.	{عَلَّمَ}	آموخت، تعلیم داد.
{يُمِيتُكُمْ}	(فعل مضارع) شما را می میراند.	{عَرَضَهُمْ}	پیشکش کرد آنها را.
{يُحْيِيكُمْ}	شما را زنده می گرداند.	{أَنْبِئُونِي}	برایم خبر دهید.
{فَسَوَّاهُنَّ}	آنها را تدبیر نمود، آنها را آفرید، گردانید.	{تُبْدُونَ}	آشکار می کنید.
{جَاعِلٌ}	آفریننده هستم. می آفرینم.	{تَكْتُمُونَ}	پوشیده نگه می دارید.
{يَسْفِكُ}	می ریزاند (خون ریزی می کند)	{أَبَى}	نپذیرفت، سرباز زد، خود داری ورزید.
{نُسَبِّحُ}	به پاکی یاد می کنیم. از هر نقص و عیبی پاکیزه می دانیم.		

ترجمه

چگونه کفر می ورزید بخدا، حال آنکه مرده (بی جان) بودید پس شما را زنده گردانید باز شما را می میراند [او] باز زنده می کند [او] سپس به سوی او باز گردانیده می شوید (۲۸) اوست که آفرید برای شما همه آن چه در زمین قرار دارد، سپس به [آفرینش] آسمان روی آورد، و هفت آسمان را استوار کرد، و او به هر چیزی داناست (۲۹) و [یاد کن] زمانی که پروردگار تو به فرشتگان گفت من آفریننده ام در زمین جانشینی را [فرشتگان] گفتند: آیا در آن کسی را می گماری که در آن فساد انگیزد و خونها را بریزد و حال آنکه ما با ستایش [تو را] تنزیه می کنیم و به تقدیس می پردازیم؟ فرمود من چیزی می دانم که شما نمی دانید (۳۰) و پیاموخت [خدا] به آدم همه [معانی] نامها را، سپس آنها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود: اگر راست می گوید از اسامی اینها به من خبر دهید (۳۱) گفتند: پاکی باد ترا! ما را جز آنچه [خود] به ما آموخته ای هیچ دانشی نیست، تویی دانای حکیم (۳۲) فرمود: ای آدم! ایشان را از اسامی آنان خبر ده و چون [آدم] ایشان را از اسماء شان خبر داد،

فرمود: آیا به شما نگفتم که من نهفته آسمانها و زمین را می دانم و میدانم آنچه را آشکار می کنید و آنچه را پنهان می دارید؟ (۳۳) و چون فرشتگان را فرمودیم برای آدم سجده کنید، فوراً به سجده افتادند، بجز ابلیس که سر باز زد و کبر ورزید و از کافران شد (۳۴)

تفسیر مختصر

﴿كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا...﴾ خداوند در آیت ۲۷ این سوره صفات فاسقان را بیان نموده است و بعد با اسلوب تعجب و انکار و توبیخ از آنها می پرسد و نعمت های خود را به یاد شان می آورد: چطور شما از وجود ربوبیت والوهیت پروردگار انکار می ورزید، در حالی که شما در پشت پدران خویش به شکل نطفه قرار داشتید (مرده بودید و وجود نداشتید) و خداوند کریم شما را وقتی زنده ساخت که در رحم های مادران تان قرار گرفتید، و یا با آمدن تان به دنیا شما را از مواصفات مهم زنده گی مانند عقل، شعور، درک و حواس، برخوردار گردانید و برای تان غذاهای گوناگونی را میسر ساخت، و بعد از به سر رسیدن زنده گی، مهمان مرگ می شوید، سپس بعد از مرگ با زنده گی برزخ خداوند کریم شمارا جهت حساب دهی بار دیگر زنده می سازد.

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...﴾ در این آیت کریمه خداوند کریم، بعد از بیان موضوع خلقت انسان، از نعمت دیگری یاد آور می شود که زمین، آسمان ها و تمام اشیای روی زمین را جهت آسایش و فایده انسان پیدا کرده است، چنانچه می فرماید: خداوند ذاتی است که تمام اشیای روی زمین را برای شما پیدا کرد؛ در روی زمین از نباتات و حیوانات گرفته تا کوه ها و معادن و غیره را برای راحت و استفاده انسان به وجود آورد، و بعد از خلقت زمین قصد کرد تا آسمان های هفت گانه را خلق نماید. یعنی: زمانی که خداوند کریم به امر کن فیکونی خویش زمین را آفرید، سپس به خلقت آسمان ها پرداخت و آن را در هفت فلک یا هفت طبقه تکمیل و استوار ساخت؛ در بخش اخیر این آیه آمده است: او به هر چیزی داناست. خداوند رابطه تکامل و نیاز میان آسمان ها و زمین را خلق کرده و همو است که ضرورت یکی را به دیگری دقیق می داند و در آن ها خصوصیت هایی آفریده که نیازهای بشری بر آورده شود. لازم به تذکر است که خلقت زمین و آسمانها به ترتیب مذکور در این آیه کریمه در تضاد با آیه کریمه (والأرض بعد ذلک دحاها) قرار ندارد. زیرا بنابه فرموده ابن عباس - رضی الله عنهما - و دیگران ممکن است زمین اول خلق شده باشد بعد از آن آسمانها خلق شده باشند و در مرحله بعدی فراخی و امکانات زنده گی در زمین تهیه و تدارک شده باشد.

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...﴾ در این آیه خداوند کریم از نعمت دیگری یاد آور می شود که آن را برای تمام بشریت ارزانی داشته، و آن موضوع خلقت آدم - علیه السلام - می باشد که قصه خلقت وی در این جا ذکر گردیده است. خدای تعالی به این موضوع اشاره می نماید که آدم و حوا را در روی زمین خلق می کند تا وظیفه خلافت و جانشینی خداوند در روی زمین را به عهده آن ها گذارد. ولی فرشتگان از این تصمیم الهی در تعجب شدند و پرسیدند: چگونه در روی زمین انسانی را خلق می کنی که باعث خون ریزی و فساد در آن خواهد شد؟ در حالی که ما همواره در تقدیس و عبادت مشغول هستیم، به این معنی که اگر تقدیس و تسبیح تو لازم است پس ما دائماً مشغول آن میباشیم و اگر مسأله لیاقت به خلافت تو مطرح

است پس شاید ما مناسب تر به این مقام عالی باشیم.

در مورد اینکه فرشتگان از کجا می دانستند که انسان بعد از خلقت در روی زمین فساد برپا می دارد و خونریزی می کند نظریات مختلفی وجود دارد. از جمله آن که انسان را بر جن قیاس نمودند؛ زیرا قبل از انسان جن در روی زمین زنده گی داشت، خونریزی می کرد و فساد می نمود. فرشتگان از آن دانستند که اگر انسان هم خلق شود چنین کاری را خواهد کرد، نظریه دوم این است که آنها این موضوع را در لوح محفوظ خوانده بودند.

﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا...﴾ خدای متعال در رد بر اعتراض یا پرسش فرشتگان، و برای این که مصلحت و حکمت خلقت بنی آدم را برای ایشان نمایان سازد، در و جود آدم قوه و نیرویی را نهاد که بوسیله آن آدم - علیه السلام - نام تمام اشیا را آموخت، بعد از آن از ملائک راجع به نام اشیای تعلیم داده شده به آدم پرسید تا معلوم شود که آیا ایشان حقیقتاً لیاقت خلافت (نیابت) را دارند، و اگر داشته باشند باید از معلومات یاد شده آگاه باشند، لیکن ایشان به نا توانی خویش اعتراف نمودند و گفتند: ما را جز آنچه خود به ما آموخته ای هیچ دانشی نیست، و متوجه آن شدند که وظیفه نیابت بستگی به معلومات کامل و فراگیر دارد؛ لذا گفتند: بیشک تنها تویی صاحب علم کامل. وزمانی که فرشتگان راجع به نام اشیا عجز خود را بیان کن؛ البته حکمت از این دستور این بود تا ملائک مطمئن گردند که آدم - علیه السلام - و ذریه او (انسان ها) میتوانند وظیفه خلافت را به وجه احسن ادا نمایند. چون آدم - علیه السلام - در مورد اشیای یاد شده، معلومات ارائه کرد، خداوند - جل جلاله - به فرشتگان فرمود: آیا به شما نگفتم که من نهفته آسمانها و زمین را می دانم و آنچه را آشکار می کنید و آنچه را پنهان می دارید می فهمم.

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ...﴾ در این آیت اخیر به فضیلت و گرمی داشت حضرت آدم اشاره بعمل آمده است، خداوند کریم میفرماید: «و چون فرشتگان را فرمودیم برای آدم سجده کنید، همه آن ها به جز ابلیس که سر باز زد و کبر ورزید و از کافران شد - به سجده درافتادند» سبب آن که ابلیس از سجده به آدم - علیه السلام - خود داری ورزید و به امر خداوند تسلیم نشد، کبر بود زیرا ابلیس می گفت ﴿أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ﴾ یعنی: من از آدم - علیه السلام - بهتر هستم چرا که مرا از آتش خلق کرده ای و او را از گل (خاک).

سجده فرشتگان به آدم - علیه السلام - سجده عبادت نبود، بلکه سجده گرمی داشت و تعظیم بود، که در بعضی از امت های گذشته مجاز بوده است؛ لیکن با آمدن اسلام ممنوع قرار داده شد.



به همکاری استاد محترم در باره مقام والای خلافت انسان در زمین و اینکه این خلافت چه مسؤولیت هایی را بدوش انسان مینهد بین یکدیگر بحث و گفتگو نمایید.

فواید درس

- آیات مبارکه این درس در بر دارنده فواید و آموختنی‌های زیادی است از جمله آنچه در ذیل ذکر می‌گردد:
- ★ نعمت‌های خداوند کریم بر بشریت بی شمار است، پس لازم است که در بدل آن سپاسگزاری نموده و عبادات مان را درست ادا کنیم و در دایره دین الهی زنده‌گی خود را سامان بخشیم.
 - ★ از آن جایکه خداوند کریم تمام اشیای روی زمین را جهت استفاده بنده‌گان پیدا کرده، پس هیچ کسی حق ندارد چیزی را که خداوند - جل جلاله - آن را حلال گردانیده است حرام بداند.
 - ★ این نظام دقیق و محکمی که بر زمین و آسمان‌ها حاکم است، تنها از طرف ذات حکیم و علیم وضع گردیده است، اوست که آن را نگه میدارد.
 - ★ هیچ بنده‌ای حق ندارد که در برابر اوامر و دساتیر الهی زبان به اعتراض بگشاید و یا در مورد چرایی و چیستی آن بحث و مجادله نماید؛ زیرا اصل در عبادات تسلیم شدن محض است و اگر بعد از قبولی و تسلیمی در مورد حکمت‌های آن، تا جایی که عقل و خرد انسانی اجازه می‌دهد، کنجکاوی شود اشکالی ندارد.
 - ★ خداوند کریم آدم علیه السلام و تمام بشریت را برتری و کرامت بخشیده، و بر سایر مخلوقات الهی از جایگاهی بلند تر برخوردار گردانیده است؛ چنانچه که در قرآن کریم آمده است: (و لقد کرما بنی آدم).
 - ★ انسان باید توسط کسب علوم مفید خود را تکمیل نماید، زیرا خداوند کریم وی را از این استعداد برخوردار نموده است و همچنان بر انسان لازم است آنچه را که از علوم فرا می‌گیرد به دیگران نیز برساند.



(۱) کلمات ذیل را معنی کنید:

{فأحياكم} {فسواهن} {خليفة} {يسفك} {نقدس} {أنبئوني} {ماتبدون} {أبی}

(۲) خداوند کریم برای انسان نعمت‌های زیادی بخشیده، دو نعمت از آن نعمتها را بیان کنید.

(۳) معنی «استوی إلى السمّه» را بیان کنید.

(۴) فرشتگان در مورد فساد کاری انسان از کجا معلومات به دست آوردند؟

(۵) چه سبب بود که خداوند حضرت آدم - علیه السلام - را دستور داد تا به فرشتگان نام اشیا را ذکر نماید؟



کارخانه‌گی

یک مقاله کوتاه در مورد دشمنی شیطان با انسان بنویسید و در آن از آیات دیگر قرآن مجید چون ﴿إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ﴾ [قصص: ۱۵] و ﴿وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ [البقرة: ۲۰۸] و ﴿أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِياءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ﴾ [الكهف: ۵۰] و غیره استفاده کنید.



آیه (۳۵-۴۱) سوره بقره

﴿وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ ﴿٣٥﴾ فَازْلِهَمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٣٦﴾ فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿٣٧﴾ قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبَعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٩﴾ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ ﴿٤٠﴾ وَأَمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ ﴿٤١﴾﴾

معنای کلمات

{اسْكُنْ}	سکونت اختیار کن، اقامت گزین.
{كُلَا}	هر دو بخورید.
{رَغَدًا}	با وسعت و فراخی و گستردگی.
{اهْبِطُوا}	فرواد آید، پایین شوید.
{مُسْتَقَرٌّ}	قرار گاه، جای سکونت، محل آرامش.
{مَتَاعٌ}	چیزی که انسان از آن بهره مند می شود؛ از قبیل خوردنی و نوشیدنی و لباس و غیره.
{فَتَلَقَّى}	حاصل نمود، به دست آورد، فرا گرفت.
{فَتَابَ عَلَيْهِ}	به او توفیق توبه بخشید، توبه اش را پذیرفت.
{التَّوَّابُ}	پذیرنده توبه.
{كَذَّبُوا}	دروغ پنداشتند، انکار ورزیدند.
{أَوْفُوا}	وفا کنید.
{أَوْفِ}	وفا می نمایم. به عهد خود می ایستم.
{إِيَّايَ}	صرف از من.
{فَارْهَبُونِ}	بهراسید. خوف داشته باشید.

ترجمه

و گفتیم: ای آدم! خود و همسرت در این باغ سکونت گیر [ید]، و از هر کجای آن خواهید فراوان بخورید؛ و [الی] به این درخت نزدیک نشوید، که از ستمکاران خواهید بود (۳۵) پس بلغزانید شیطان هر دو را از آن و بیرون آورد ایشان را از آنچه در آن بودند. و فرمودیم: فرود آیید! بعضی شما دشمن باشد بعضی

دیگر را. وشما راهست در زمین قرار گاه و بهره مندی تامدتی (۳۶) پس فراگرفت آدم از پروردگارش کلماتی را پس قبول کرد خداوند توبهٔ او را. بیشک او توبه پذیر مهربان است (۳۷) فرمودیم: فرود آید از آنجا همه گی! پس اگر بیاید شمارا از جانب من هدایتی، هرکه هدایتم را پیروی کند بر ایشان بیمی نیست و غمگین نخواهند شد (۳۸) و[الی] کسانی که کفر ورزیدند و نشانه های ما را دروغ انگاشتند، آنان باشند گان دوزخ اند و در آن ماندگار خواهند بود (۳۹) ای فرزندان اسرائیل! یاد کنید آن نعمت مرا که ارزانی داشتیم بر شما! و به پیمانم وفا کنید، تا به پیمانتان وفا کنم. و تنها از من بترسید (۴۰) و ایمان آورید بدانچه نازل کرده ام در حالی که مؤید همان چیزی است که با شماست، و مباحثید نخستین منکر آن، و نفروشید آیات مرا به بهایی ناچیزی و تنها از من پروا کنید (۴۱)

تفسیر مختصر

﴿وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ...﴾ خداوند کریم میفرماید: به آدم گفتیم که بهشت را برای خود و همسرت جای سکونت اختیار کن و در آن آزادانه هر جا که می خواهی برو و از هر چه دلت می خواهد بخور ولی صرف به یک درخت نزدیک مشو واز میوه آن استفاده مکن که در صورت استفاده از آن متجاوز وستمکار خواهید بود! شاید در این ممانعت امتحان و آزمایش نهفته بود تا انسان را بیازماید که به خیر میلان دارد یا به شر.

﴿فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا...﴾ زمانی که ابلیس در نتیجه عدم سجده به آدم - علیه السلام - مستحق لعنت گردید؛ عزم نمود تا آدم را درلغزش واقع سازد و به این عمل کمر بست، و تا روز قیامت این عمل را وظیفه خویش دانست. او همواره کوشش می نماید تا فرزندان آدم (تمام بشریت) را گمراه سازد. خداوند کریم می خواهد حقیقت ابلیس را بیان نموده و مردم را از پیروی وی منع نماید. امر سکونت در بهشت و استفاده از تمام نعمت های موجود در آن اولین امری بود که به انسانیت متوجه شد و نهی از خوردن درخت ممنوعه اولین نهیی بود که به بشریت متوجه گردید. شیطان هر دو (آدم و حوا علیهما السلام) را فریب داد و آن ها را از بهشت و نعمت هایی که از آن برخوردار بودند محروم ساخت. این کار را شیطان فقط به اساس حسدی که با آدم علیه سلام داشت انجام داد.

در مورد اینکه چگونه شیطان این فریب کاری را انجام داد یا چگونه داخل جنت شد قصه های مختلف نقل شده است و غالب آنها از روایات اسرائیلی یعنی یهود و نصارا است بهتر آنست که به همین اندازه که قرآن مجید اشاره کرده است اکتفا کنیم نه دنبال آن بگردیم که درخت یا میوه ممنوعه چی بود و نه وقت خویش را در نحوه وسوسه اندازی شیطان صرف نماییم مهم این است که بدانیم خدای متعال آدم را از چیزی بطور آزمایش منع کرد؛ اما آدم و حوا بدون از قصد به سبب وسوسه های شیطانی از آن چیز خوردند، لذا چون آدم - علیه السلام - بقصد آن کار را انجام نداد پس نمیتوان آن عمل را گناه حساب کرد چون انبیا - علیهم السلام - معصوم از گناه اند لیکن با وجود آن بمقام پیغمبری ارتکاب چنین لغزشی هم مناسب نبود به این خاطر خداوند در عکس العمل به این اشتباه دستور داد که از بهشت بیرون شوید و به زمین فرود آید. خداوند در نتیجه لغزشی که رخ داد، آن نعمت بزرگ را از آدم گرفت و

زمین را برای آن جای آسایش قرار داد و زمینه زنده گی را به آنها فراهم نمود تا در آن زنده گی نمایند.

﴿فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ...﴾ یعنی زمانی که آدم - علیه السلام - عتاب الهی را شنید و از بهشت اخراج گردید، در حالت پشیمانی مصروف دعا گردید، خداوند کریم برایش کلماتی از دعا را نشان داد تا توسط آن، توبه کند که مفسرین کرام آن کلمات را همان دعایی میدانند که در آیت سورة مبارکه الاعراف آمده است ﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [الاعراف: ۲۳] و خداوند کریم توسط این دعا و تضرع توبه وی را قبول کرد.

﴿فَلَمَّا أَهْبَطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى...﴾ خداوند جل جلاله در این دو آیت فرمود: اگر برایتان از طرف من (توسط پیامبران) کدام هدایت آمد آنانی که از ارشادات و احکام من پیروی نمایند هیچ خوف و هراس و اندوهی برای آنان نخواهد رسید. خوف عبارت از صدمه و نگرانی است که در وقت وقوع مصیبت به انسان پیدا می شود، اما حزن عبارت از غم و اندوهی است که بعد از مصیبت عرض وجود مینماید. کسانی که کفر ورزیدند و از اوامر خداوند کریم نافرمانی کردند یا آیات خداوند را دروغ پنداشتند، ایشان مستحق آتش (جهنم) اند و همیشه در آن باقی خواهند ماند.

﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ...﴾ سپس خداوند - جل جلاله - بنی اسرائیل (نواده گان یعقوب علیه سلام) را مخاطب قرار میدهد. کلمه اسرائیل اسم یعقوب - علیه السلام - است که به معنی بنده خدا است، خداوند کریم میفرماید: ای فرزندان اسرائیل نعمتهایم را که بر شما ارزانی داشتم به یاد آرید. نعمت های زیادی را خداوند کریم نصیب ایشان نمود، یکی آن بود که نبوت را برای مدت بسیار طولانی ای در میان آنها قرار داده بود، واز همین روی آنها خود را ملت برگزیده خدا می پنداشتند. گذشته از آن خداوند آنها را از شکنجه و ستم فرعون، و از تیه (سردرگمی) نجات داد، آنها را بر سرزمین شام مسلط گردانید، برای آنها من وسلوی نازل فرمود، به آنها دوازده چشمه از کوه بیرون آورد. همین طور صدها نعمت دیگر. سپس خداوند جل جلاله از بنی اسرائیل خواست: شما به پیمان من وفا کنید و من به پیمانی که با شما می بندم وفادار می مانم. پیمانی که خداوند از آنها خواسته همانا ایمان بر محمد - صلی الله علیه وسلم - می باشد؛ چرا که در تمام کتب و ارشادات الهی برایشان توصیه شده بود که تنها عبادت خداوند یکتا و لا شریک را انجام دهید بدون این که با وی کسی را شریک سازید. و بر رسولان وی ایمان آورید و خاصا در هدایات و کتب سماوی از آمدن پیامبر اسلام محمد - صلی الله علیه وسلم - و صفات وی تذکر بعمل آمده که از طرف خداوند کریم مبعوث می گردد.

ولی بنی اسرائیل تمام تعهداتی را که با خداوند - جل جلاله - بسته بودند زیر پا کردند، بد نیتی را آغاز و به رشوت ستانی دست دراز کردند، فیصله حق را ترک گفتند، و در بدل رشوت، حق و حدود را پنهان میکردند حتی از قتل انبیا - علیهم السلام - هم دریغ نکردند، صفات پیامبر اسلام را که در کتب ایشان ذکر گردیده بود تغییر دادند که در نتیجه آن گمراه شدند.

﴿وَأَمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ...﴾ عهدی که از بنی اسرائیل گرفته شده شامل ایمان به قرآن مجید نیز بود زیرا ایمان به محمد - صلی الله علیه وسلم - مستلزم ایمان به کتاب آسمانی وی است لذا خداوند یهود را دستور می دهد که به قرآن ایمان آورند، که تعلیمات تورات را تصدیق می نماید، و بر

هدایت قرآن پول و متاع و مقام و منزلت دنیوی را ترجیح ندهند، و لازم است که مال و دارایی دنیا را که زایل و زود گذر است کنار نهند و تقوای خداوند را بر تر شمارند و از اوامر الهی پیروی کنند و از نواهی او تعالی کناره گیری نمایند، تا از عقاب و عذاب او تعالی در امان بمانند.



در مورد اینکه توبه مشروط به کدام شروط است و آیا توبه تنها از گناه کبیره است یا از کبیره و صغیره؛ طلاب باهم بحث و مناقشه نمایند.

فواید درسی

در آیات متذکره فواید زیادی نهفته است که به ذکر چند فایده آتی بسنده می شود:

★ از اینکه شیطان با انسان دشمنی ازلی و دایمی دارد بر هر مسلمانی واجب است که از وسوسه شیطان خود را نگه دارد.

★ از اینکه انسان موجود ضعیف است همواره در گناه واقع می شود؛ پس لازم است که توبه کند و از خداوند کریم خواهان بخشش شود.

★ شخصی که راه حق را اختیار کند، دائماً از اطمینان نفسی برخوردار می باشد و کسی که به راه ضلالت و گمراهی رود دائماً به مرض کشمکش ذهنی و تحیر مبتلا می گردد، مؤمن حقیقی شخصی است که از تمام احکام و اوامر قرآنی پیروی و از نواهی آن خود داری کند.

★ همچنان مؤمن حقیقی شخصی است که تنها از خداوند کریم ترس و هراس داشته و هیچ تشویش وی را تهدید نکند که گویا رزق یا وظیفه خویش را از دست خواهد داد.



- (۱) نعمت هایی را ذکر کنید که خداوند کریم به آدم - علیه السلام - داده بود و سجده ملائک به وی دال بر چیست ؟
- (۲) اخراج آدم و حوا - علیهما السلام - از بهشت در اثر چه کاری رخ داد؟
- (۳) از سه نعمت عمده یی نام ببرید که خداوند بر بنی اسرائیل ارزانی داشته بود.
- (۴) برخورد یهود با پیغمبر اسلام چگونه بود؟
- (۵) مراد از جمله مبارکه «وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا» چیست؟



کارخانه گی

ابلیس کی بود و با آدم علیه السلام چه موقعی اختیار نمود و به چه سرنوشتی مبتلا گردید؟ در این زمینه معلومات خویش را در هشت سطر تحریر دارید.

آیه (۴۲-۴۸) سوره بقره

﴿وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (۴۲) وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾ (۴۳) أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (۴۴) وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ (۴۵) الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (۴۶) يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (۴۷) وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾ (۴۸) ﴿

معنای کلمات

{ لَا تَلْبِسُوا }	خلط نسازید، مخلوط نگردانید.
{ آتُوا }	بدهید، ادا کنید.
{ ارْكَعُوا }	رکوع کنید، مقصد این جا آن است که: نماز گزاری.
{ تَنْسَوْنَ }	فراموش می کنید، خود را به فراموشی می زنید، تظاهر به فراموشی می نمایید.
{ اسْتَعِينُوا }	کمک بگیرید، استمداد نمایید.
{ الْخَاشِعِينَ }	خضوع کننده گان، آنانی که در برابر خداوند خواری نشان می دهند.
{ يَظُنُّونَ }	یقین دارند، معتقد هستند، باور راسخ دارند.
{ مُلَاقُوا }	روبه روی می شوند، ملاقات می کنند.
{ أَنْعَمْتُ }	انعام کردم، بخشیدم.
{ فَضَّلْتُكُمْ }	ترجیح دادم، برتر گردانیدم.
{ لَا يُقْبَلُ }	قبول نمی شود، پذیرفته نمی شود.
{ لَا يُؤْخَذُ }	گرفته نمی شود.
{ الْعَدْلُ }	فدیه.

ترجمه

و در نیامیزید حق را با باطل و حقیقت را با آنکه خود می دانید کتمان نکنید (۴۲) و نماز را بر پا دارید و زکات را بدهید و با رکوع کننده گان رکوع کنید (۴۳) آیا مردم را به نیکی فرمان می دهید و خود را فراموش می کنید با اینکه شما کتاب [خدا] را می خوانید آیا [هیچ] نمی اندیشید (۴۴) و یاری جوید

به شکیبایی و نماز و هر آینه این [کار] گران است مگر بر فروتنان (۴۵) همان کسانی که می‌دانند با پروردگار خود دیدار خواهند کرد و به سوی او باز خواهند گشت (۴۶) ای فرزندان اسرائیل یاد کنید آن نعمت مرا که ارزانی داشتم بر شما و آنکه شما را بر جهانیان برتری دادم (۴۷) و بترسید از روزی که کفایت نه کند هیچکس از کس چیزی را و پذیرفته نشود از هیچ کس شفاعت و گرفته نشود از هیچ کس عوض و نه ایشان یاری داده شوند (۴۸)

تفسیر مختصر

﴿وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ...﴾ در این آیت مبارکه خداوند متعال از یهودیان می‌خواهد که به خاطر برآوردن خواست‌های نفسانی خویش حق را، که کتب سماوی بیان داشته، با باطل، که خود اختراع می‌نمایند، در نیامیزند، و حق را که می‌شناسند کتمان نکنند، در حالی که خود می‌دانند راه نادرست و غلطی را می‌پیمایند.

یهود در اذهان آنانی که از حق آگاهی اندک داشتند شک و تردید خلق میکردند تا نتوانند حق را از باطل باز شناسند؛ باطل را در لباس حق وانمود میکردند و حق را در لباس باطل، بطور مثال، میگفتند که پیغمبر - علیه السلام - پیامبر است لیکن نه برای ما و نمی‌تواند که دین ما را نسخ کند؛ همچنان کسانی که از حق آگاهی نداشتند، یهود موضوع را از ایشان پنهان میکردند و حتی یک کلمه حق را هم برایشان اظهار نمی‌کردند و به ناروا می‌گفتند که محمد - صلی الله علیه و سلم - پیغمبر دروغین است.

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ...﴾ سپس از ایشان اقامه دو رکن بنیادین اسلام خواسته شد، خداوند کریم فرمود: نماز را بتمام آداب، شروط و ارکان آن بر پا دارید، یعنی نماز را با شروط ظاهری، ارکان و آداب باطنی آن مانند، خشوع، خضوع و عاجزی، قایم سازید تا ثمره نماز که یکی از عبادات بزرگ بدنی بحساب میرود، به دست آید، و در نتیجه آن از ارتکاب اعمال بد جلوگیری صورت گیرد، همچنان زکات را که یکی از عبادات بزرگ مالی بحساب می‌رود بپردازید تا مستحقین از آن بهره مند گردند که این امر برای پاکی دل، مشاعر انسانی و محبت دو جانبه، موثر می‌باشد، تقصیر و تنبلی نشانه نفاق است که سبب شرمندگی دنیا و آخرت می‌گردد.

﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ...﴾ این آیه مبارکه به اسلوب استفهام انکاری یهودیان را توبیخا مخاطب قرار میدهد و می‌فرماید: آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید؟ یعنی به این عمل یهود که خویشان و مسلمان خویش را توصیه میکردند تا به دین محمدی ثابت بمانند چرا که این دین، دین حق است در حالی که خود ایمان نمی‌آوردند، خداوند کریم در زمینه می‌فرماید: عجیب است که شما مردم را به نیکی و ایمان امر می‌کنید و خود را فراموش کرده اید! حال اینکه شما تورات را که در آن صفت پیامبر اسلام ذکر گردیده، می‌خوانید، پس آیا شما نمی‌دانید به گفتاری که

عمل آن را تکذیب کند از طرف خداوند لایزال وعید آمده؟

﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ...﴾ خداوند کریم آنها را دوباره به سوی به کار گیری روش‌های درست فرا می‌خواند که با بکار گیری آن می‌توانند قلب‌های خود را پاکیزه سازند، و آن این که در خود خوی صبر و شکیبایی را تقویت بخشند، هم در برابر مصایب شکیبایی نشان دهند، هم بر طاعتها استوار باشند و هم در برابر ترک معصیت‌ها. و از سوی دیگر آنها را به اقامه نماز که سبب دوری انسان از فحشا و منکرات می‌گردد دستور می‌دهد. بعد از آن این واقعیت را بیان میدارد که خود آرای به این دو خوی بزرگ (التزام به صبر و صلات) کار بس مشکلی است؛ ولی بر انسان‌های خاشع و فروتن به دور از توان نیست. آنها می‌توانند که این دو صفت را در خود شان ایجاد کنند.

در آیت بعدی قرآن مجید «خاشعین» را چنین معرفی می‌کند آنها کسانی اند که به بازگشت به سوی خداوند معتقد هستند، و یقین دارند که او تعالی را ملاقات خواهند کرد.

﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ...﴾ آیات بار دیگر بنی اسرائیل را می‌خواند و آنها را متوجه نعماتی می‌سازد که الله متعال برایشان ارزانی داشته است، و مورد خطاب در واقع همان یهودیانی هستند که در زمان پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می‌زیستند. علت این تذکر آن است که نعماتی که به نیاکان داده می‌شود نتیجه آن به نواده گان نیز می‌رسد. تذکر نعمت‌های الهی به این معنی است که بایستی آنها را اوامر و احکام خداوند کریم پیروی کنند. این یک حقیقت فطری است که هر انسان، حتی حیوانات هم با منعم خویش محبت دارند و اوامر وی را عملی می‌سازند؛ پس برای یهود این لازم است که در بدل احسان الهی راه سپاس گزاری اختیار نموده و از هدایات رسولان وی پیروی نمایند.

﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا...﴾ در آیت اخیر این درس خداوند متعال مشرکین و اهل کتاب را از روز قیامت و احوال آن، می‌ترساند؛ روزی که در آن هرکسی به حساب و کتاب خویش می‌رسد؛ و نمی‌توان از این احوال و احوال جز با تقوی و اخلاص رهایی یافت. خداوند متعال این روز را چنین توصیف می‌نماید که: هیچ کس نمی‌تواند از شخص دیگری دفاع کند؛ چنانچه هیچ نفسی نمی‌تواند از کسی شفاعت نماید و یا شفاعت جوید و یا چیزی را به طور فدیة بدهد و یا بپذیرد؛ البته حالت مؤمنان در آخرت با کفار فرق می‌کند؛ آنها می‌توانند به إذن و اجازه خداوند از دوستان و خویشاوندان خویش شفاعت کنند.



فعالیات

در یک بحث آزاد در مورد اینکه اهل کتاب چگونه حق را باطل و باطل را حق جلوه می‌دادند مباحثه و مناقشه نمایید.
علاوه بر آن نقش اساسی صبر و نماز، را در استوار نمودن گامهای بنده مؤمن بر متابعت از حق و حقیقت مورد بحث و گفتگو قرار دهید.

فواید درس

- بعضی از فوایدی که از خلال این آیات به دست میاید عبارت اند از:
- ★ نماز و زکات بالای هر مسلمان فرض است، مؤمن حقیقی شخصی است که به تمام اوامر و نواهی شریعت اسلامی تن دهد.
 - ★ مؤمن حقیقی شخصی است که عمل و گفتارش با هم مطابقت داشته باشد.
 - ★ نعماتی را که خداوند کریم بالای انسان ارزانی فرموده موجب این است تا شکر او تعالی را بجای آریم، شکر خداوند کریم وقتی بجا می گردد که انسان احکام وی را بپذیرد و از نواهی وی خود داری کند.
 - ★ در پیشگاه پروردگار با هر انسانی حساب اعمالش صورت میگیرد، بدون از حکم خداوند کریم امکان ندارد تا شخصی مورد شفاعت قرار گیرد، همچنان امکان ندارد که فدیۀ شخصی پذیرفته شود تا بنده توسط آن از عذاب خداوند کریم نجات یابد.
 - ★ بنی اسرائیل (یهود) قومی است که به سبب ناسپاسی به نعمت‌های خداوند کریم مستحق غضب و عذاب گردیدند.



- (۱) مقصد از خلط نمودن میان حق و باطل که در آیه اول ذکر گردید چیست؟
- (۲) در آیت سوم یهودیان از چیزی مهمی پرسان شده اند؛ آن چیز کدام است؟
- (۳) صبر بمعنای چی است و واضح سازید که صبر به چند قسم است.
- (۴) چرا خداوند متعال در آیت سوم این درس یهودیان را توبیخ می نماید و بی خرد می خواند؟
- (۵) «خاشعین» دارای کدام صفاتی هستند؟
- (۶) کدام صفات را باید در خود زنده سازیم تا در برابر مشکلات ایستاده گی نماییم.
- (۷) خداوند متعال به بنی اسرائیل نعمت‌های زیادی داده بود و در این آیات هم به یکی از آن نعمت‌ها اشاره دارد، آن نعمت چه نعمتی است؟



- (مؤمن راستین کسی است که گفتار و کردارش یکسان باشد).
- در مورد این موضوع مقاله ای بنویسید که از ده سطر کمتر نباشد.

آیه (۴۹ - ۵۴) سوره بقره

﴿وَإِذْ نَجَّيْنَاكَ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكَ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكَ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكَ عَظِيمٌ﴾ (۴۹) وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿۵۰﴾ وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿۵۱﴾ ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۵۲﴾ وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۵۳﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۵۴﴾ ﴿

معنای کلمات

{نَجَّيْنَاكُمْ}	شما را نجات بخشیدیم.
{يَسُومُونَكَ}	شمارا می چشاندند ذلیل می گردانیدند.
{يُدَبِّحُونَ}	به قتل می رساندند، می کشتند، سر می بریدند.
{يَسْتَحْيُونَ}	زنده می گذاشتند.
{بَلَاءٌ}	امتحان، آزمایش.
{فَرَقْنَا}	پاره کردیم، شکافتیم.
{وَعَدْنَا}	میعاد مقرر نمودیم، وقت تعیین نمودیم.
{اتَّخَذْتُمْ}	به پرستش گرفتید، برای پرستش اختیار نمودید.
{الْعِجْلَ}	گوساله.
{آتَيْنَا}	دادیم، فرستادیم، نازل کردیم.
{الْفُرْقَانَ}	فرق کننده میان حق و باطل.
{تَهْتَدُونَ}	به هدایت برسید، رهنمایی شوید، راه درست را از نادرست باز یابید.
{بَارِئِكُمْ}	پروردگارتان، آفریننده تان.
{تَابَ عَلَيْكُمْ}	توبه تان را پذیرفت.

ترجمه آیات

و [به یاد آرید] آنگاه که رهانیدیم شما را از [چنگ] فرعونیان [آنان] می‌رسانیدند بشما سخت‌ترین عذاب سر می‌بریدند پسران شما را و زنده نگه می‌داشتند دختران تان را و در آن [امر، بلا و] آزمایش بزرگی از جانب پروردگارتان بود (۴۹) و هنگامی که شکافتیم برای شما دریا را پس شما را نجات بخشیدیم

و فرعونیان را در حالی که شما نظاره می‌کردید غرق کردیم (۵۰) و آنگاه که با موسی چهل شب قرار گذاشتیم شما گوساله را [به پرستش] گرفتید پس از رفتن وی در حالی که ستمکار بودید (۵۱) پس از آن شما را مورد بخشایش قرار دادیم شاید شکرگزاری کنید (۵۲) و آنگاه که دادیم موسی را کتاب و فرقان [جداکننده حق از باطل] شاید هدایت یابید (۵۳) و چون موسی به قوم خود گفت ای قوم من شما با [به پرستش] گرفتن گوساله برخود ستم کردید پس به درگاه آفریننده خود توبه کنید و بکشید خویشان را که این [کار] نزد آفریدگارتان برای شما بهتر است پس [خدا] توبه شما را پذیرفت که او توبه پذیر مهربان است (۵۴)

تفسیر مختصر

در آیات درس گذشته، به طور مختصر، از نعماتی تذکر بعمل آمد، که خداوند کریم بر بنی اسرائیل ارزانی کرده بود، و در خلال این آیات از نعمات دیگری به شکل مفصل تر یاد می‌شود که خدای متعال بنی اسرائیل را بدان نوازش داده است:

﴿وَإِذْ نَجَّيْنَاكَ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ...﴾ این نعمت نخست بود که او تعالی بنی اسرائیل را از ستم‌های مختلف فرعونیان که نوزادان مذکر ایشان را سر می‌بردند و دختران شان را زنده می‌گذاشتند، نجات بخشید. فرعونیان این کار را بخاطری انجام می‌دادند تا نسل بنی اسرائیل را قطع سازند و نیروی ایشان را تضعیف نمایند. در واقع این تعذیب و شکنجه از طرفداران فرعون به بنی اسرائیل می‌رسید؛ به گونه‌ای که مردان شان را سر می‌بردند و زنان شان را زنده می‌گذاشتند تا آن‌ها را به خدمت‌گزاری خود گماشته‌واز وجود شان لذت جویی کنند، این شکنجه و عذاب، از طرف خداوند در حق آن قوم، نوعی آزمون بود، و ذکر رهایی از آن، برای این است تا او تعالی را بخاطر این نعمت بزرگ سپاس گویند واز گناه و نافرمانی دوری گزینند.

کلمه فرعون یک واژه عجمی است که معنی آن درست معلوم نیست؛ لیکن به شاه مصر فرعون گفته میشد مثلیکه به شاه حبشه نجاشی، شاه روم را قیصر، فارس را خسرو، و ترک را خاقان، یمن را تبع و یونان را بطلیموس می‌گفتند^(۱)، ولی در کل انسان‌های ستمگر، سرکش، متکبر، جاه طلب و حيله گر را نیز فرعون نامند.

﴿وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ...﴾ نعمت دومی خداوند کریم بر بنی اسرائیل آن بود که ایشان را هنگام عبور از بحیره سرخ، از غرق شدن نجات داد. این رویداد زمانی به وقوع پیوست که موسی - علیه السلام - ایشان را از ستم فرعون مصر بیرون کشید. فرعون با سپاه خود آن‌ها را دنبال می‌کرد، هنگامی که بنی اسرائیل به بحیره سرخ رسیدند، وحشت و ترس بر آنان مستولی شد؛ زیرا در پیش روی آنان بحر قرار داشت و از پشت سر دشمن ایشان را تعقیب می‌کرد، ایشان ترس و دلهره خویش را به موسی - علیه السلام - بازگو نمودند که ما از چنگ فرعون و لشکرش نجات نخواهیم یافت، اما موسی - علیه السلام - از کمک و نصرت خداوند ﷻ به ایشان اطمینان داد. در این وقت موسی - علیه السلام - به امر خداوند - جل جلاله - بحیره را به عصای خویش زد، آب بحیره دو پاره شد و گذرگاه عمیقی ایجاد گردید. موسی - علیه السلام - با بنی

۱- - تفسیر المنیر ذیل آیه ۴۹ من سورة البقره .



اسرائیل از آن عبور نمودند و به خشکۀ سینا رسیدند. زمانی که فرعون با سپاه خود وارد آن گذرگاه شدند، آب بحیره دو باره به هم رسید و آن‌ها را غرق نمود. این در حالی که بنی اسرائیل از بحر نجات یافته غرق شدن فرعون و سپاهش را نظاره میکردند. حقیقتاً این یک نعمت بزرگ برای کسانی بود که از طرف دشمن مورد اذیت قرار گرفته، و به صورت معجزه آسایی از آن نجات یافتند.

خداوند متعال در اختتام آیه مبارکه میفرماید: و در آن امر، بلا و آزمایش بزرگی از جانب پروردگار تان بود، تا شکر پروردگار تان را بجا سازید و از نافرمانی وی پرهیز کنید.

در روایات آمده است که تعداد لشکر فرعون که غرق شدند به دو صد هزار می‌رسید و در بعض روایات بسیار بیشتر از این بیان شده است.^(۲)

﴿وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً...﴾ در این آیت و آیت بعدی آن نعمت سوم بیان می‌شود و آن این بود که هنگامیکه موسی - علیه السلام - با بنی اسرائیل به صحرای سینا رسیدند، واز حضرت موسی - علیه السلام - خواستند که برای آن‌ها دستور العملی آورد تا بر اساس آن زنده‌گی خود را تنظیم کنند، خداوند حضرت موسی - علیه السلام - را دستور داد که برای مدت چهل روز به کوه طور رفته در آن جا به اعتکاف و عبادت خداوند بپردازد، زمانی که موسی - علیه السلام - اعتکاف را آغاز نمود و مصروف عبادت شد بنی اسرائیل به عبادت گوساله که به دست سامری ساخته شده بود، روی آوردند، با آن هم خداوند زود آن‌ها را عذاب نکرد بلکه آنها را مورد بخشایش قرار داد واز اشتباه شان در گذشت و توبه شان را پذیرفت تا آن که سپاسگزاری کنند واز اوامر خداوند پیروی نمایند و فرمان برند.

﴿وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ...﴾ نعمت دیگری که خداوند متعال از آن یاد می‌کند، آن است که خداوند برای موسی - علیه السلام - کتابی فرستاد تا بنی اسرائیل بر اساس آن زنده‌گی خود را سامان بخشند؛ زیرا خداوند در تورات احکام و طرز العمل‌هایی را بیان داشته بود که می‌بایستی بنی اسرائیل در روشنی آن زنده‌گی خود را عیار می‌ساختند و میان آنچه بر آن‌ها حرام قرار گرفته بود با آنچه برایشان حلال بود تمیز نمایند و با بکار گیری و تطبیق آن در زنده‌گی راه هدایت پویند و در نتیجه به حقانیت رسالت حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - نیز ره یابند.^(۳)

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ...﴾ نعمت پنجم خداوند کریم بر بنی اسرائیل آن بود که توبه دسته جمعی ایشان را پذیرفت، زمانی که آن‌ها به خواست سامری، گوساله را به پرستش گرفتند در حقیقت بر نفس‌های خویش ستم روا داشته و مرتکب نافرمانی خداوند شدند. سر پیچی از اوامر خداوند، ایجاب می‌نمود که در پیشگاه خداوند کریم توبه مخلصانه و صادقانه کنند و توبه حقیقی ایجاب میکرد تا نخست از پرستش گوساله دست بگیرند و به پرستش مخلصانه خداوند یکتا روی آورند، دوم آن که کسانی که گوساله را پرستش می‌کردند باید توسط آنانی که پرستش نمی‌کردند به قتل برسند؛ یعنی: بدین وسیله به قتل

۲ - تفسیر بغوی و قرطبی .

۳ - تفسیر طبری و عزیز التفاسیر .

یک دیگر خویش پردازند، آن‌ها چنین کردند. بدین وسیله توبه آن‌ها در نزد خداوند مورد قبول واقع شد و مورد بخشایش او تعالی قرار گرفتند.



حکمت این که خداوند به یهود عصر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از نعماتی یاد می‌نماید که به نیاکان آن‌ها بخشیده بود چیست؟ و فواید آن در چه نهفته است؟ این موضوع را مورد مباحثه و مناقشه قرار دهید.

فواید درس

- بعضی از فوایدی که از خلال این آیات به دست می‌آید:
- ★ مؤمن حقیقی به قضا و قدر خداوند کریم تسلیم می‌باشد و تنها بر او تعالی توکل می‌کند.
- ★ برخی از امت‌های سابقه به سبب سرکشی‌ها و نافرمانی‌شان از اوامر خداوند متعال هلاک شدند.
- ★ ایمان اهل کتب سابقه وقتی اعتبار دارد که نبوت محمد - صلی الله علیه وسلم - را پذیرفته باشند.
- ★ یکی از بزرگترین نعمات الهی بالای انسان آنست که راه را از چاه برایش روشن سازد و حلال را از حرام تمییز نماید.
- ★ خداوند به انسان نعمت عقل و خرد نصیب فرموده تا به واسطه آن درک نماید که جز خداوند هیچ کس یا چیزی قابل پرستش نیست.
- ★ توبه حقیقی وجود مؤمنان را از لوث گناه پاک می‌سازد.



- (۱) معانی کلمات ذیل را واضح سازید:
{یسومونکم} {بلاء} {واعدنا} {تهدون} {فتوبوا} {بارئکم}
- (۲) لشکر فرعون با بنی اسرائیل چی قسم تعامل می‌نمود؟
- (۳) به سبب قتل اولاد ذکور، بنی اسرائیل کدام زیان را متحمل شدند؟
- (۴) خداوند کدام نعمات را برای بنی اسرائیل ارزانی داشت؟
- (۵) کلمه «فرقان» چه معنی دارد؟
- (۶) بعد از عبادت گوساله خداوند کریم از بنی اسرائیل چه خواست؟



راجع به فرعون و ستمی که از طرف وی بر بنی اسرائیل صورت می‌گرفت معلومات خویش را در کتابچه‌های تان تحریر نمایید.

آیه (۵۵-۶۰) سوره بقره

﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿۵۵﴾ ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۵۶﴾ وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿۵۷﴾ وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿۵۸﴾ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿۵۹﴾ وَإِذْ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعَثُّوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿۶۰﴾﴾

معنای کلمات

{لَنْ نُؤْمِنَ}	هرگز ایمان نمی آوریم.
{حَتَّى نَرَى}	تا ببینیم.
{جَهْرَةً}	آشکارا
{الصَّاعِقَةُ}	آذرخش، آتشی که از رعد و برق شدید تولید شود.
{بَعَثْنَاكُمْ}	شما را بعد از مرگ دوباره زنده گردانیدیم.
{ظَلَّلْنَا}	سایه گسترانیدیم.
{الْغَمَامَ}	ابر.
{الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى}	غذای لذیذ و گوارایی که من وسلوی نام داشت.
{مَا ظَلَمُونَا}	برما ستم نکردند، ظلم شان به ما نرسید.
{حَيْثُ شِئْتُمْ}	هرجا که خواسته باشید. هرطوری که دل تان می خواهد.
{حِطَّةٌ}	از اشتباهات مان در گذر، گناهان ما را مورد بخشایش قرار ده،
{خَطَايَاكُمْ}	اشتباهات تان، گناهان تان، کوتاهی های تان.
{فَبَدَّلَ}	تبدیل کردند.
{رِجْزًا}	عذاب، کیفر.
{اسْتَسْقَى}	طلب آب نمود.
{لَا تَعَثُّوا}	دست به فساد کاری نزنید، فساد برپا نکنید.

ترجمه آیات

و چون گفتید: ای موسی! تا خدا را آشکارا نبینیم هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد، پس در حالی که مینگریستید صاعقه (آذرخش) شما را فرا گرفت (۵۵) سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم باشد که شکرگزاری کنید (۵۶) و بر شما ابر را سایه گستر کردیم و بر شما من و سلوی فرو فرستادیم [و گفتیم]: از خوراکیهای پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم، بخورید؛ و [لی آنان] بر ما ستم نکردند بلکه بر خویشان ستم روا می‌داشتند (۵۷) و [نیز به یادآرید] هنگامی را که گفتیم در این ده درآیید و از [نعمتهای] آن هر گونه خواستید فراوان بخورید و سجده‌کنان از در وارد شوید و بگویید [خداوند!] گناهان ما را بزدای، تا خطاهای شما را ببخشاییم و [پاداش] نیکوکاران را خواهیم افزود (۵۸) پس بدل کردند کسانی که ستمگار بودند سخنی بجز آنچه فرموده شد ایشان را و ما [نیز] بر آنان که ستم کردند به سزای اینکه نافرمانی پیشه کرده بودند عذابی از آسمان فرو فرستادیم (۵۹) و هنگامی که موسی برای قوم خود آب خواست گفتیم: با عصایت بر آن تخته‌سنگ بزن! پس دوازده چشمه از آن جوشیدن گرفت [به گونه‌ای که] بدانست هر قوم آب خورد خود را [و گفتیم] بخورید و بنوشید از روزی خدا و [لی] فساد نکنید در زمین تباهی کنان (۶۰)

تفسیر مختصر

مانند آیات گذشته در این آیات نیز به پنج نعمت دیگری که خداوند کریم بالای بنی اسرائیل ارزانی فرموده بود، اشاره بعمل آمده است:

﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً...﴾ در این آیت و آیت بعدی آن به همان واقعه‌ی اشاره شده که هفتاد تن از بنی اسرائیل، بعد از عبادت گوساله و توبه کردن از ارتکاب آن گناه بزرگ، به کوه طور رفتند. آن‌ها به مناجات موسی - علیه السلام - باور نکردند و گفتند: تا خدا را آشکارا و بی پرده نبینیم، هرگز به پیامبری ات ایمان نخواهیم آورد!! خداوند کریم به سبب این نافرمانی و قیحانۀ شان از دستور موسی - علیه السلام - به صورت فوری همه آن‌ها را در کام مرگ فرو برد. پیش از آن که در کام مرگ فرو روند صاعقه از چهار سو آن‌ها را در بر گرفت و رعب و وحشت بر سرشان مسلط شد. گویا حالتی بر آن‌ها رخ داد که مرگ می‌آمد و جان شان را می‌گرفت و خود آن را نظاره می‌کردند و راه فرار نداشتند. آن گروه مدت یک شبانه روز بدین حالت ماندند و سپس با دعای موسی - علیه السلام - دوباره زنده شدند تا شود که معجزه موسی - علیه السلام - را به چشم دیده به تورات و پیامبری موسی - علیه السلام - ایمان آورند.

﴿وَوَهَبْنَا عَلَىٰ كُلِّ مِصْرٍ مِّنْ مَّاءٍ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ...﴾ بنی اسرائیل بعد از دو باره زنده شدن در صحرای میان مصر و شام برای مدت چهل سال، در حال سرگستگی (تیه) قرار داشتند، خداوند متعال قطعه ابری را بر سر آنها فرود آورد تا ایشان را از حرارت شعاع خورشید نکه دارد. از دیگرسوی، غذای

گوارایی به نام «من وسلوی» برای آن‌ها نازل می‌کرد که در به دست آوردن آن هیچ خسته‌گی‌ی را متحمل نمی‌شدند، و به ایشان می‌فرمود: از این غذاهای لذیذ و گوارا نوش جان کنید! ولی بنی اسرائیل با آن هم نا سپاسی کردند و نیکی را با بدی پاسخ گفتند، و به این نعمت بزرگ پشت نمودند و بر خویشتن ستم روا داشتند.

«من و سلوی» چه بود؟ «من» خوراکه غیبی‌ی بود که خداوند کریم برای بنی اسرائیل از آسمان می‌فرستاد. شماری از مفسرین بر آنند که چیزی مانند عسل بوده وعده‌ی می‌گویند که غذای متذکره از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر بود به استثنای روز شنبه تمام هفته از صبح صادق تا طلوع خورشید مانند شبنم از آسمان میبارید. ولی در مورد «سلوی» گویند نوعی از پرندۀ بوده در حجم «بودنه».

﴿وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ...﴾ خداوند متعال ضمن این دو آیه مبارکه به این نعمت خویش اشاره می‌نماید که بنی اسرائیل را از تیه «سرگشتگی» رهایی بخشید، و زمینه داخل شدن آنان را به روستایی (به عقیده اکثر مفسرین بیت المقدس) که در آن به زنده‌گی خوشبخت و سرورآفرین دست یافتند، فراهم نمود و آن‌ها را به وارد شدن به آن روستا دستور داد، و فرمود: وارد این روستا شوید و از خیرات آن با فراخی و آزادی کامل برخوردار شوید، لیکن به شکرانه نعمت از دروازه این روستا فروتنانه داخل شوید و خداوند را تعظیم و تمجید کنید که بر شما منت فرمود، و از او تعالی طلب مغفرت و آمرزش نمایید. اگر شما به امر خداوند عمل نمایید و طلب مغفرت کنید، او تعالی گناهان تان را می‌بخشاید، از اشتباهات تان در می‌گذرد و به نیکو کاران تان پاداش بزرگ اعطاء می‌کند. ولی بنی اسرائیل از خداوند متعال طلب آمرزش نکردند، برخلاف، اوامر خداوند را دگرگون ساختند و از نزد خود چیزهای دیگری را زیاد نمودند، درمقابل این نافرمانی، خداوند متعال از آسمان بر آنها عذاب نازل فرمود، که توان مقاومت در برابر آن را نداشتند و قادر به دفع آن نبودند.

﴿وَإِذْ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ...﴾ در این آیت نیز خدای تعالی اشاره به نعمتی دیگر می‌کند که بر بنی اسرائیل ارزانی داشته بود. زمانی که آن‌ها در صحرای بی آب و درخت و سایه قرار داشتند و تشنه‌گی بر آن‌ها مسلط شد، از موسی - علیه السلام - طلب آب نمودند، آن حضرت هم به پیشگاه پروردگار خویش توسل جست، و خاضعانه از او تعالی خواست که برای شان آب ارزانی دارد، خداوند متعال درپاسخ به این خواهش به او دستور داد که سنگ را با عصای خود بزند، او همچنین کرد، در نتیجه دوازده چشمه از آن سنگ (به تعداد قبایل آن‌ها) بیرون شد، و افراد هر قبیله چشمه خود را شناختند و از همان آب می‌گرفتند، و کسی به حق گروه دیگر تجاوز نکند و اسباب اختلاف در میان شان کاملاً از بین برود و انگیزه‌یی برای کشمکش باقی نماند. و بعد از آن خداوند متعال آن‌ها را دستور داد که از رزق و روزی‌ی که خداوند برای شان ارزانی داشته برخوردار شوند و از اختلاف و چند دسته‌گی دست برداشته و از فساد پیشه‌گی دوری گزینند و شکر خدای را بجای آورند.

فواید درس

- فوایدی که از خلال آیات متذکره استنباط می‌شود به شرح زیر است:
- ★ تمام نعمت‌هایی که خداوند متعال بر بنی اسرائیل ارزانی داشت نشانه‌های روشنی بر قدرت خداوند متعال می‌باشند.
 - ★ خداوند کریم بر بنده گان خویش بسیار مهربان است؛ که آن‌ها را به زودی مبتلا به عذاب نمی‌کند؛ بلکه به آن‌ها مهلت می‌دهد تا به سوی هدایت ره یاب شوند.
 - ★ حق خداوند متعال بر بندگان آن است که باید در مقابل نعمات بی شمارش سپاسگزاری نموده و به دستوراتش عمل کنند.
 - ★ آنانی که ارشادات الهی را تغییر می‌دهند ظالم بوده و نتیجه زشت آن به خود شان باز می‌گردد و به سرنوشتی زشت در می‌افتند.
 - ★ بنی اسرائیل (یهود) دارای اوصاف زشتی اند که قرآن به شماری از آن‌ها اشاره نموده است و بر هر مسلمانی لازم است که خود را از آن صفات پاکیزه دارد تا از جمله آنانی نشود که به سبب اعمال زشت خویش مستحق عذاب الهی می‌گردند.



- (۱) یهودیان در مورد دیدار خداوند متعال، از موسی - علیه السلام - چه مطالبه داشتند و نتیجه این مطالبه چه شد؟
- (۲) صاعقه چه معنی دارد؟
- (۳) «من و سلوی» چه بود، راجع به آن معلومات تان را بنویسید؟
- (۴) خداوند یهودیان را به داخل شدن کدام قریه دستور داده بود؟ واز آن‌ها در هنگام داخل شدن به آن قریه چه خواسته بود؟
- (۵) چرا خداوند برای بنی اسرائیل دوازده چشمه آفرید؟ و آفرینش آن چشمه‌ها چگونه رخ داد؟
- (۶) معنی «سَنَزِيْدُ الْحَسَنِیْنَ» و «وَإِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ» را واضح سازید.



کارخانه‌گی

در باره روش برخورد بنی اسرائیل با موسی - علیه السلام - و چگونگی برخورد صحابه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - با آن حضرت - صلی الله علیه وسلم - یک مقاله کوتاه بنویسید.

آیه (۶۱-۶۲) سوره بقره

﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصِلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَآؤُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٦١﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾﴾

معنای کلمات

{لَنْ نَصْبِرَ}	هرگز صبر نمی کنیم.	{مِصْرًا}	شهر، یکی از شهرها.
{تُنْبِتُ}	می رویند.	{مَّا سَأَلْتُمْ}	آنچه خواسته اید.
{بَقْلِهَا}	سبزیجات آن.	{ضُرِبَتْ عَلَيْهِمْ}	بر آن ها مسلط گردید.
{قِثَّائِهَا}	تره و خیار (بادرنگ) آن .	{الْمَسْكَنَةُ}	ضعف روانی، فقر و تنگدستی قلبی.
{فُومِهَا}	گندم (یا سیر) آن.	{بَآؤُوا}	باز گشتند، رجوع کردند.
{عَدَسِهَا}	عدس آن.	{عَصَوْا}	مرتکب گناه شدند.
{بَصِلِهَا}	پیاز.	{يَعْتَدُونَ}	تجاوز می کردند، از حد می گذشتند.
{أَتَسْتَبْدِلُونَ}	آیا تبدیل می کنید؟	{هَادُوا}	یهود شدند.
{أَدْنَى}	بی ارزش. کم بها.	{الصَّابِئِينَ}	مردمیکه یکتاپرست بودند اما بر شریعت
{اهْبِطُوا}	فرود آید، وارد شوید.		خاص نبودند و به تأثیر گذاری ستارگان اعتقاد داشتند.

ترجمه

و بیاد آرید که می گفتید: ای موسی! هرگز بر یک [نوع] خوراک تاب نیاوریم؛ از خدای خود برای ما بخواه تا از آنچه زمین می رویند از [قبیل] سبزی و خیار (بادرنگ) و سیر و عدس و پیاز برای ما بیرون آرد. [موسی] گفت: آیا به جای چیز بهتر خواهان چیز پست ترید؟ پس به شهر فرود آید که آنچه را خواسته اید برای شما [در آنجا مهیا] است. و [داغ] خواری و ناداری بر [پیشانی] آنان زده شد و به خشم خدا گرفتار آمدند؛ چرا که آنان به نشانه های خدا کفر ورزیده بودند و پیامبران را به ناحق می کشتند. این از آن روی بود که سرکشی نموده و از حد در می گذشتند (۶۱) هر آینه کسانی که [به اسلام] ایمان آوردند و کسانی که یهودی شده اند و نصاری و صابئی ها هر کس به خدا و روز بازپسین ایمان آورد و کار شایسته کرد، پس اجرشان را پیش پروردگارشان خواهند داشت و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهناک خواهند شد (۶۲)

تفسیر مختصر

﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ...﴾ زمانی که بنی اسرائیل در اثنای سکونت شان در صحرای سینا، از خوردن «من و سلوی»، غذایی که برای شان از آسمان فرود می آمد، اظهار خستگی کردند، حال آن که ایشان در وقت تقسیم آن با هم مسابقه می نمودند، و گاه از اندازه نیاز خود بیشتر می گرفتند که از خوردن آن عاجز شده، غذا در نزد شان فاسد می شد. و این اظهار خستگی در حقیقت بهانه بود برای اظهار عناد و سرکشی شان و انکار شان از نعمت های منعم حقیقی؛ لذا از حضرت موسی - علیه السلام - غذاهای جدید خواستند. آنچه آن ها مطالبه داشتند در واقع امر چیزهایی بود که در زمین می روید، مانند: سبزیها و غله ها. آنچه ایشان مطالبه داشتند از حیث لذت و کیفیت از «من و سلوی» به مراتب کم ارزش تر بود ولی آن ها نا سپاسی کرده به آن همه نعمات پشت کردند.

بنی اسرائیل مطالبات خود را از حضرت موسی - علیه السلام - به اسلوب بی ادبی و زشت خوبی مطرح ساخته گفتند: ﴿لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ﴾ (دیگر بر یک نوع غذا صبر کرده نمی توانیم) تا به این وسیله موسی - علیه السلام - را وادارند که زود به درگاه پروردگار خویش دست التجا و زاری و دعا بلند نماید. وقتی موسی - علیه السلام - خواستهای بی خردانه و نا سپاسگرانه آن ها را دانست با شگفت و توبیخ پرسید: ﴿أَتَسْتَبِدُّونَ النَّبِيَّ هُوَ أَذْنَىٰ بِاللَّهِ هُوَ خَيْرٌ؟﴾ آیا چیزی را که برای تان بهتر است رها می کنید و خواهان چیزی می شوید که از حیث ارزش در مرتبه پایین تری قرار دارد؟ زیرا که «من و سلوی» از هر حیث از خواستهای آن ها بهتر بود و فواید بیشتری را در بر داشت. از این روی حضرت موسی - علیه السلام - با خاطر آزرده از کار آن ها روی به ایشان نموده فرمود: مادام که چنین خواستی دارید، خواست های شما در مناطق صحرائی و خشک یافت نمی شود پس: ﴿اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ﴾ (به شهری داخل شوید تا خواسته های خود را بیابید).

از خلال این عبارت دانسته می شود که موسی - علیه السلام - در پاسخ به خواست بنی اسرائیل از پروردگار خویش چیزی نخواست و دعایی نکرد تا خواست های ایشان استجابت گردد؛ چون می دانست که این خواستها از روی نیاز نه بلکه از روی سرکشی و عناد و نا سپاسی است.

پس از طرح خواست های سرکشانه از طرف بنی اسرائیل، قسمت آخر آیه کریمه کیفیهایی را بیان داشته که بر آن ها نازل گردید و آن این است که ﴿وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ﴾ (داغ ذلت و خواری و ناداری بر پیشانی آن ها زده شد)؛ یعنی خداوند در زنده گی دنیا آن ها را با خواری و تنگدستی مبتلا گردانید.

المسکنة: مقصود از این کلمه ضعف روانی و فقر قلبی می باشد که بر شخصی مسلط می گردد که در نتیجه احساس ذلت و خواری و خردی می نماید. و فرق میان «ذلت» و «مسکنت» آن است که اسباب ذلت از بیرون است، مثل این که شخصی در کار خویش ناکام شود و در مقابل دشمن مغلوب گردد، ولی عامل «مسکنت» از درون انسان بر می خیزد، و بنده به سبب دوری از حق و غلبه خواهشات و غرایز نفسانی احساس خواری می کند.

یهودی‌ها (بنی اسرائیل)، با آن که در بسا اوقات از دارایی زیاد و اقتصاد شگفت انگیزی برخوردار می‌باشند؛ با آن هم همواره از مسلمانان احساس ترس و هیبت دارند؛ از این رو هرگز از آرامش قلبی و آزادی (که عامل بنیادی عزت است) برخوردار نمی‌توانند شد. آن چه سبب ضعف نفسی یهود گردیده آن است که آن‌ها در طی قرون از طرف امت‌های دیگری سخت تحت فشار قرار داشتند و ذلت‌ها دیدند، و آن سبب گردید که میان زنده‌گی ذلت بار و زنده‌گی آزادانه و کریمانه تفاوت قایل شده نتوانند.

سزای بنی اسرائیل در آخرت آن است که مورد قهر و غضب الهی قرار می‌گیرند: ﴿وَبَأْوُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ﴾ یعنی در آخرت در حالی به سوی خداوند باز می‌گردند که غضب و قهر الهی را در حق خویش با خود دارند.

در پایان خدای متعال علت خواری، ناداری و مقهور قرار گرفتن یهود را بیان می‌دارد و می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ...﴾ (این جزا به سبب آن است که آنان به نشانه‌های خدا کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند. این از آن روی بود که [بنی اسرائیل] سرکشی نموده و تجاوز می‌کردند. چنانچه شعیب وزکریا و یحیی - علیهم السلام - را به ناحق کشتند. و این کار عادت دایمی شان بود و همواره از فرمان خداوند سرکشی می‌کردند و پیامبران الهی را به قتل می‌رساندند. و به همین خاطر است که خداوند این نافرمانی شان را به صیغه مضارع بیان داشته که تجدد و تکرار می‌پذیرد.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا...﴾ در این آیه کریمه خداوند متعال از کسانی یاد آور می‌شود که از عقوبت‌رهایی یافته و مورد نوازش او تعالی قرار می‌گیرند، و صفت آن‌ها آن است که ایمان صادقانه داشته و عمل نیک انجام می‌دهند، چون سیاق آیات سابقه در مورد دعوت یهودیان به سوی اسلام بود لذا در این آیه مبارکه این امر تذکر یافت که انساب و القاب در نزد خداوند متعال دارای ارزش و اهمیت نیستند آنچه قابل اعتبار است فقط ایمان صحیح و عمل صالح است پس کسانی که منسوب به اسلام یا یهودیت و نصرانیت و صابئیت و غیره هستند صرف این نسبت شان باعث خلاصی آنان در آخرت نخواهد شد؛ بلکه زمانی در امن و امان خداوندی قرار می‌گیرند که ایمان درست آورند، ایمانی که توأم با عمل صالح موافق شرع خداوند باشد، البته از خلال آیات قرآنی معلوم و مشخص است که ایمان صحیح بدون ایمان به رسول خدا - صلی الله علیه و سلم - تحقق نمی‌پذیرد، و عمل صالح جز در آنچه نبی کریم از جانب خداوند آورده است قرار ندارد؛ زیرا شریعت او تمام شرایع دیگر را منسوخ گردانید، پس نتیجه این می‌شود که هرکسی از پیروان ادیان مختلف هنگامی که به یگانگی خدا و رسالت محمد (و پیغمبران دیگر) و روز آخرت ایمان آورد و به مقتضای ایمانش عمل صالح موافق شریعت بر حق محمدی انجام داد ﴿لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ بر این چنین کسانی نه خوف از آینده است و نه غم و اندوه گذشته را خواهند خورد.

توجیه دیگر این است که چهار گروه به ترتیب ذیل از عقاب خداوند در امان اند:

الف - کسانی که به پیامبر اسلام ایمان آوردند، و صادقانه بر آن باقی ماندند؛

ب - کسانی که یهود بوده ولی در دین انبیای خویش تحریف ایجاد نکردند و نافرمانی شریعت شان را نمودند؛

ج - نصرانی‌هایی که صادقانه به حضرت عیسی - علیه السلام - ایمان آورده و بر ایمان خویش به آن حضرت مردند؛

د - صابئین: کسانی که نه یهودی بودند و نه نصرانی اما به وحدانیت و یکتایی خداوند ایمان داشتند. از این چهار گروه سه آن مربوط به قبل از اسلام می‌شوند و چهارم آنها امت مسلمه هستند که بعد از آمدن این دین حقانیت سه دیگر منحصر به ما قبل از اسلام گردید؛ زیرا بعد از آمدن اسلام ایمانی که معترف به رسالت محمدی نباشد قابل اعتبار باقی نماند.

فواید درس

آیاتی که تفسیر شد در برگیرنده فواید زیادی هستند که از جمله آن‌ها فواید ذیل نیز می‌باشد:

★ نجات از مصایب و سختی‌ها امکان پذیر نیست، مگر آن که انسان خود را از خواست‌های دنیوی نگه دارد.

★ رضایت و قناعت بر تمام نعمات که خداوند کریم بالای انسان ارزانی فرموده از هر چیزی دیگر بهتر است.

★ هر کس در مقابل پروردگار از بی ادبی کار گیرد، خداوند کریم وی را در دنیا و آخرت ذلیل می‌سازد.

★ ایمان بر پروردگار و اعمال نیکو برای انسان اطمینان و قوت می‌بخشد تا هرگز به سبب چیزهای فوت شده اندوهگین نشود.

★ ما باید از مصایب و مشکلاتی که در زنده‌گی به آن مبتلا می‌گردیم درس بگیریم و از تعلق و وابستگی بیش از حد به دنیا خویشتن را رهایی بخشیم.



- ۱) بنی اسرائیل از موسی - علیه السلام - چه مطالبه کردند؟
- ۲) موسی - علیه السلام - در برابر مطالبه قوم خود چه موقف اختیار نمود؟
- ۳) یهود در نتیجه سرکشی شان به چه سرنوشتی مبتلا گردیدند؟
- ۴) فرق میان «ذلت» و «مسکنت» چیست؟
- ۵) علت مبتلا شدن یهود به «ذلت» و «مسکنت» در چه نهفته است؟
- ۶) آیا ایمان بخداوند بدون ایمان به رسالت محمدی و متابعت از او قابل اعتبار است؟



کارخانه‌گی

مقاله ای بنویسید که در آن بعضی صفات یهود (از قبیل ناشکری بر نعمات، ایجاد شبهات، قتل انبیاء و...) یاد آوری صورت گرفته باشد.

آیه (۶۳-۶۶) سوره بقره

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (۶۳)
 ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿۶۴﴾ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ
 اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿۶۵﴾ فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا
 وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿۶۶﴾﴾

معنای کلمات

{الطُّور}	نام کوهی است که موسی - علیه السلام - از فراز آن با پروردگار خویش مناجات می کرد.
{تَوَلَّيْتُمْ}	پشت گردانیدید، روی گردان شدید.
{اعْتَدَوْا}	از حد خویش تجاوز کردند.
{قِرَدَةً}	جمع قرد، به معنی میمون، شادی.
{خَاسِئِينَ}	ذلیل شده گان، مسخ شده گان.
{نَكَالًا}	کیفر، مجازات، مایه عبرت.
{بَيْنَ يَدَيْهَا}	مردم و امت هاییکه در زمان آنها بودند.
{مَا خَلْفَهَا}	کسانیکه بعد از آنها آمدند و می آیند.

ترجمه آیات

و بیاد آرید که از شما پیمان محکم گرفتیم و [کوه] طور را بر فراز شما افراشتیم [و فرمودیم] آنچه را به شما داده ایم به جد و جهد بگیرید [و به آن عمل کنید] و آنچه را در آن است به خاطر داشته باشید. باشد که به تقوا گرایید (۶۳) سپس شما روی گردان شدید بعد از آن [پیمان] و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود مسلماً از زیانکاران بودید (۶۴) و هر آینه نیک شناختید کسانی از شما را که در روز شنبه [از فرمان خدا] تجاوز کردند، پس ایشان را گفتیم: بوزینگانی طرد شده باشید (۶۵) پس گردانیدم آن [عقوبت] را عبرتی برای حاضران و [انسله‌های] پس از آن و پندی برای پرهیزگاران (۶۶)

تفسیر مختصر

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ...﴾ خداوند متعال در این آیه مبارکه به این امر اشاره می‌نماید که: ای بنی اسرائیل روزی را به یاد آورید که خداوند از پدران شما عهد و پیمان محکم و استوار گرفت در حالیکه کوه را بالای سر شان بلند کرده بود، آنها دفعتاً امر الهی را پذیرفتند و به پیمان خویش خود را مستحکم دانستند اما بعد از اندکی عهد شکنی را آغاز نمودند. واقعه چنان بود که عده‌ی را حضرت موسی انتخاب کرد تا با خدای متعال در عمل به دستورات تورات عهد ببندند آنها بعد از حضور در مکان خاص آنقدر چون و چرا کردند تا اینکه سبب ناخشنودی خداوند متعال گردیدند و خدای متعال برای نشان دادن قدرت بی‌نهایت خویش کوه را بالای سر شان بلند کرد بنحوی که بر آنها سایه افکنده بود و هلاک شان قریب گشت. آنها از بیم مرگ به یک صدا گفتند عهد و پیمان می‌بندیم بر اینکه به تورات عمل خواهیم کرد و به دساتیر او چنگ خواهیم زد همان بود که خدای متعال دو باره بر آنها مهربانی کرد و آنها را نجات بخشید؛ اما دیری نگذشت که آنها پس به حالت اول خویش باز گشتند و ترک عهد و پیمان نمودند.

منظور از جمله مبارکه ﴿خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ این است که پیامی را که خداوند به شما داده (تورات) به آن چنگ زنید، مفهومی را بیاموزید معانی اش را به خاطر بسپارید و به آن عمل نمایید، تا به تقوی و پرهیزکاری دست یابید. زیرا علمی که به عمل مبدل نشود از ارزشی برخوردار نخواهد بود، و تقوایی را در پی نخواهد داشت.

﴿ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ...﴾ ولی یهود با آن که کوه طور بر سر شان بلند کرده شد، بعد از دور شدن آن، دو باره سرکشی نمودند و حکم خداوند را زیر پا کردند. درواقع روی گردانی و نافرمانی از اوامر خداوند جزئی از ویژه‌گی آنها شده بود. در حقیقت این آیه کریمه یک توبیخ شدید و تهدید قوی برای بنی اسرائیل است؛ زیرا بعد از یادآوری سلسله از نعمت‌ها و تذکر عهد و پیمان‌ها آنها را متوجه آن گروهی از ایشان می‌سازد که به اثر بی‌توجهی به احکام خداوند مورد عقوبت سخت خداوند در دنیا و عذاب شدید او در آخرت قرار گرفتند می‌فرماید: شما کسانی را که از حکم خداوند سرپیچی

کردند شناختید، منظور آنانی هستند که خداوند ایشان را از شکار ماهی در روز شنبه منع کرده بود، ولی آن‌ها حيله گری نموده از فرمان خداوند سرباز زدند. خداوند با این منع می‌خواست آن‌ها را بیازماید که آیا فرمان برداری می‌کنند و یا سرپیچی؛ ولی آن‌ها به جای فرمان برداری راه سرپیچی و مخالفت را برگزیدند و مستحق عذاب الهی گردیدند، و خداوند هم در مقابل، چهره‌های آن‌ها را مسخ کرده به صورت میمون تبدیل نمود، پس اگر شما نیز راه و روش آنهارا پیشه کنید از گرفت خدا دور نخواهید ماند.

﴿فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا...﴾ خداوند متعال در این آیه کریمه سبب عقوبت را بیان می‌دارد و می‌فرماید: این عقوبت را از آن روی بر آن‌ها نازل فرمودیم تا پند و عبرتی باشد برای تمام ملت‌هایی که در آن عصر می‌زیسته اند و یا بعد از آن‌ها می‌ایند و به چنین نافرمانی‌ها روی می‌آورند. و از سوی دیگر این عقوبت‌ها برای پرهیزگاران نیز مایهٔ عبرت و اندرز می‌باشد.



در بارهٔ اینکه از بیان قصص بنی اسرائیل چه پند و نصیحت‌های را میتوان حاصل کرد بحث و گفتگو نمایید.

فواید درس

برخی از فوایدی که از آیات متذکره استنباط می‌شود:

- ★ علم و عمل باهم لازم و ملزوم هستند و علم بی عمل ارزش ندارد.
- ★ مسلمان باید از هر حادثه‌ی درس بگیرد و به اعمال خود مراجعه کند، اگر عیبی و یا انحرافی در آن وجود داشت باید درستش گردانیده اعمال خویش را مطابق تعالیم دین عیار سازد.
- ★ خلاف کاری، عهد شکنی و بی حرمتی از صفات و ویژه‌گیهای خاص اکثر بنی اسرائیل بوده و هست.





- (۱) خداوند کریم از بنی اسرائیل کدام وعده محکم گرفته بود ؟
- (۲) چرا خداوند متعال کوه طور را بر سر بنی اسرائیل بلند نمود؟
- (۳) بعد از اینکه خداوند کریم کوه را بر سر بنی اسرائیل قرار داد ایشان را به کدام چیز مامور ساخت؟
- (۴) در روز شنبه کدام نافرمانی صورت گرفت مرتکبین آن بکدام عذاب مبتلا گردیدند ؟
- (۵) نتیجه عمل نیک و عمل زشت چه می باشد؟

آیه (۶۷-۷۱) سوره بقره

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوءًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ ﴿٦٨﴾ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْثُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّظِيرِينَ ﴿٦٩﴾ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ ﴿٧٠﴾ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِئَةَ فِيهَا قَالُوا آلَا نَحْنُ جِئَتْ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧١﴾﴾

معنای کلمات

{أَتَتَّخِذُنَا هُزُوءًا} آیا مسخره مان می کنی؟ آیا ما را به استهزاء می گیری؟

{فَارِضٌ} بزرگ سال.

{بِكْرٌ} جوان، خرد سن.

{عَوَانٌ} میانه.

{فَاقِعٌ لَوْنُهَا} رنگ روشن دارد.

{لَا ذَلُولٌ} نیست محنت کش (رام شده برای کار).

{تُثِيرُ الْأَرْضَ} شخم (قلبه) زند زمین را.

{الْحَرْثَ} کشت.

{مُسَلَّمَةٌ} بی عیب.

ترجمه آیات

و به یاد آرید هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: خدا به شما فرمان می دهد که گاوی را سر ببرید. گفتند: آیا ما را به ریشخند می گیری؟ گفت: پناه می برم به خدا که از جاهلان باشم. (۶۷) گفتند: پروردگارت را برای ما بخوان تا برای ما روشن سازد که آن چگونه [گاوی] است؟ گفت: وی می فرماید: آن گاوی است نه پیر و نه خردسال [بلکه] میانه است بین این دو؛ پس آنچه را [بدان] مامورید به جای آرید (۶۸) گفتند: از پروردگارت بخواه تا بر ما روشن کند که رنگش چگونه است؟ گفت: وی می فرماید: آن گاوی است زرد پر رنگ که رنگش بینندگان را شاد می کند (۶۹) گفتند: از پروردگارت بخواه تا بر ما روشن گرداند که آن

چگونه [گاوی] باشد هر آینه [چگونگی] این گاو بر ما مشتبه شده و [لی با توضیحات بیشتر تو] ما اگر خدا بخواهد حتماً ره یافته خواهیم شد (۷۰) گفت: وی می فرماید: که آن گاوی است نه محنت کشنده تا زمین را شخم زند و یا کشتزار را آبیاری نماید، بی نقص است و هیچ داغ {یا لکه‌ای} در آن نیست. گفتند: اینک سخن درست آوردی پس آن را سر بریدند و چیزی نمانده بود که نکنند (۷۱)

داستان گاو بنی اسرائیل

مفسرین مینویسند: در زمان موسی - علیه السلام - شخصی ثروتمند؛ که هیچ وارثی جز یک دختر و یک برادر زادهٔ پسر نداشت، شبانگاه وبه شکل مرموز، به قتل رسید، وجسدش در مقابل دروازهٔ شخص دیگری افکنده شد. برادر زادهٔ مقتول بر صاحب خانه یی که جسد مقتول در مقابل خانه اش انداخته شده بود، دعوا راه انداخت و او را متهم به قتل کاکایش کرد. میان آن دو کشمکش وجنگال زیادی رخ داد تا آن حد که در مقابل همدیگر خود دست به شمشیر بردند و نزدیک بود دامنهٔ این جدال وسیع تر شود. شخصی دانا وآگاه در بین آنها میانجیگری کرد و آن‌ها را به خویش‌تنداری فرا خواند وگفت: چرا به نزد پیامبر خدا - موسی علیه السلام - مراجعه نمی‌کنید تا مشکل تان را حل و فصل نماید؟ بروید از وی طالب رهنمایی شوید! در نتیجه قضیه را به موسی - علیه السلام - بردند. موسی - علیه السلام - در پاسخ فرمود: به خداوند - جل جلاله - رجوع می‌کنم و به لطف وعنایت او تعالی به حل این مشکل خواهیم پرداخت. موسی - علیه السلام - جهت حل این مشکل به خداوند سبحان رجوع کرد و خواهان رهنمایی شد، خداوند تعالی در پاسخ فرمود: گاوی را ذبح کنید و یک قطعه از گوشت آن را به مقتول بزنید، زنده می‌شود و قاتل را نشان می‌دهد. بنی اسرائیل به اساس خوی معاندانه یی که داشتند، سخن موسی - علیه السلام - را مسخره تلقی نموده گفتند: آیا ما را مسخره می‌کنی؟ توسط ذبح گاو و زدن یک قسمت گوشت آن چطور مرده زنده خواهد شد؟ لیکن موسی - علیه السلام - در پاسخ آنان گفت: این حکم خداوند کریم است. چون مطمئن شدند که وی جدی می‌گوید ومسخره نمی‌کند، در مورد گاو پرسش‌هایی مطرح کردند که در واقع بی مورد بود. پرسیدند: این گاو چگونه گاوی است، چی رنگ دارد، عمرش چقدر است؟ در اثر پرسش‌های بی مورد مسئلهٔ دریافت گاو را سخت کردند. خلاصه اینکه گاو را زمانی پیدا کردند که توقع انجام این کار هم نا ممکن بود، شخصی که نزدش گاو یافت شد، مطالبه نمود تا در بدل قیمت آن پوست گاو را از طلا بپرکنند. هنگامی که سر گاو را بریدند و طبق رهنمایی موسی - علیه السلام - یک قسمت گوشت آن را در بدن مقتول زدند، مقتول زنده شد و قاتل خویش برادر زاده اش را معرفی نمود. به این اساس، قاتل به دار زده شد و بعد از این رویداد به هیچ قاتلی میراث داده نشد.

تفسیر مختصر

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً...﴾ بیان شأن نزول این آیات تفسیر آنها را روشن می‌سازد، بهر حال بطور موجز باید گفت که در این آیات یکی دیگر از مظاهر لجاجت و نافرمانی بنی اسرائیل هویدا می‌گردد، زیرا آنها از خلال یک واقعه قتل که قاتل آن شناخته نشده بود و می‌خواستند که قاتل را شناسایی نمایند ناگزیر شدند که به نزد پیامبر شان - موسی علیه السلام - مراجعه کنند. در این رجوع کردن به پیامبر مشکلی وجود نداشت بلکه مشکل از آن جایی آغاز شد که آنها به پاسخ و راه حلی که پیامبر (موسی علیه السلام) به آنها تقدیم داشته بود قانع نشده وی را متهم کردند که تو ما را مسخره می‌کنی! وقتی موسی - علیه السلام - به جدیت گفت که من را جاهل و نااهل نپندارید من ریشخند کننده کسی نمی‌باشم و این کار از شأن پیغمبری ام بدور می‌باشد؛ بلکه این امر و راه حلی است که خداوند کریم به آن دستور می‌دهد، آن گاه پرسش‌هایی را مطرح ساختند که چیزی جز لجاجت و سرکشی تفسیر نمی‌تواند شد. چیزی دیگری که به لجاجت بلکه به سوء ادب این قوم دلالت میکند این است که آنها هر بار پیغمبر خویش را مخاطب قرار داده میگفتند: ﴿ادْعُ لَنَا رَبَّكَ﴾ "پروردگارت را بخواه" گویا آنها معترف به خدایی آن ذات نبودند و خدا فقط پروردگار موسی بود، همچنان این گفته شان در اخیر ﴿الآن جِئْتُ بِالْحَقِّ﴾ "اینک حق را آوردم" مگر آنچه را که قبل از آن کلیم خدا - علیه السلام - گفته بود حق نبود که بعد از چندین بار رفت و آمد در نهایت حق را آورد؟! شهادت قرآن مجید در جمله ای اخیر این درس موقف نادرست آنها را نمایان می‌سازد زیرا میفرماید ﴿وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ﴾ و نزدیک بود که این کار را نکنند.

روی همرفته آنها وقتی به تمام سؤال‌های خود پاسخ دریافت کردند، و دیگر جای هیچ بهانه تراشی باقی نمانده بود که به لجاجت خویش ادامه بخشند ناگزیر گاو مورد نظر را پیدا کرده ذبح نمودند و به مقصد خویش رسیدند. اگر بنی اسرائیل در مورد این گاو سؤالات بی مورد مطرح نمی‌کردند، هر گاو را که ذبح می‌نمودند به آن خواست می‌رسیدند، ولی لجاجت و سخت گیری در شناخت نشانه‌های گاو مطلوب شان سبب این سخت گیری از طرف خداوند نیز شد. ^(۱)

فعالیّت



در مورد پیام این واقعه که نام سوره مبارکه از وی گرفته شده است در یک بحث آزاد صنفی گفتگو نموده ابعاد تربیتی حادثه را روشن سازید.

۱- تفسیر روح المعانی و ابن کثیر: (لو ذبحوا أي بقرة أرادوا لأجزأتهم و لكن شدوا على أنفسهم، فشد الله عليهم). و تفسیر المنیر

فواید درس

- بعضی از فواید و درس‌هایی که از لا بلای آیات این درس به دست می‌آید قرار ذیل است:
- ★ تمسخر بالای شخص دیگر شرعاً گناه بوده و موجب عذاب الهی می‌گردد.
 - ★ انبیا - علیهم السلام - از سخن‌های بیهوده و تمسخر پاک و بری می‌باشند.
 - ★ یهودیان در مورد پروردگار و پیامبران شان همواره بد گمان بوده اند، از این روی اهلیت آن را ندارند که بر آن‌ها گمان نیک داشت.
 - ★ سختی و تشدد در دین کار پسندیده نیست. هر اندازه که ما در امور دین و یا دنیا سخت گیری کنیم ضررش به خود مان باز می‌گردد و به مشکلات ما افزوده می‌شود.



(۱) معانی کلمات ذیل را بیان دارید:

{هزوا} {لا فارض و لا بکر} {عوان بین ذلك} {فالق لونها} {ذللول} {لا شیه}

(۲) بنی اسرائیل چرا به ذبح گاو مأمور شده بودند؟

(۳) معنی جمله «أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ» را واضح سازید ؟

(۴) بنی اسرائیل چرا راجع به گاو پرسشهای زیادی مطرح نمودند؟

(۵) مراد از جمله «وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ» چیست ؟

(۶) معنی آیه مبارکه «إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولَ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ» را واضح سازید ؟



کارخانه‌گی

قصه گاو بنی اسرائیل را همراه با فواید و آموختنیهایی که از این درس به دست می‌آید در کتابچه‌های تان نوشته کوشش بخرچ دهید تا علاوه بر اندرزهایی که در درس تذکر یافته بعضی نکات را اضافه کنید.

آیه (۷۲-۷۷) سوره بقره

﴿وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ﴾ (۷۲) فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (۷۳) ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (۷۴) أَفَتَطْمَعُونَ أَن يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ (۷۵) وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِبَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُم بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (۷۶) أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ﴾ (۷۷) ﴿

معنای کلمات

{فَادَّارَأْتُمْ}	اختلاف کردید.
{تَكْتُمُونَ}	کتمان می کنید، می پوشانید، مخفی می دارید.
{يُرِيكُمْ آيَاتِهِ}	به شما نشانه های قدرت خویش را می نمایاند.
{قَسَتْ}	سخت گردید از قساوت گرفته شده که ضد آن رقت و نرمی است.
{يَتَفَجَّرُ}	بیرون می شود، جاری می گردد.
{يَشَقَّقُ}	پاره می شود، نیمه نیمه می گردد.
{يَهْبِطُ}	فروید می آید، می غلطد.
{أَفَتَطْمَعُونَ}	آیا طمع می کنید؟
{فَرِيقٌ}	گروهی.
{يُحَرِّفُونَهُ}	تغییر و تبدیلیش می نمایند، تحریف: یعنی تغییر و تبدیل از اصل شیء.
{عَقَلُوهُ}	آن را با عقل خویش دانستند، مراد در این آیت آن است که: آن را دانستند و درک کردند.
{لِيُحَاجُّوكُمْ}	تا حجت جویند و مناظره نمایند با شما.

ترجمه آیات

وبه یاد آرید چون شخصی را کشتید؛ سپس در باره [قتل] آن با یکدیگر به اختلاف برخاستید و حال آنکه خدا آشکار کننده چیزی است که کتمان می کردید (۷۲) پس فرمودیم: بزنید آن [مقتول] را به حصه از آن گاو [تا زنده شود] این گونه خدا، مرده گان را زنده می کند و آیات خود را به شما می نمایاند، باشد که

بیندیشید (۷۳) سپس دلهای شما بعد از این [واقعه] سخت گردید، همانند سنگ بلکه سخت‌تر از آن، چرا که از برخی سنگها جویهایی بیرون می‌زند و پاره‌ای از آنها شکافته می‌شود و آب از آن خارج می‌گردد و برخی از آنها از بیم خدا فرو می‌ریزند و خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست (۷۴) آیا طمع دارید که [اینان] به شما ایمان بیاورند با آنکه گروهی از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند؛ سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می‌کردند و خودشان هم می‌دانستند (۷۵) و [همین یهودیان] چون با کسانی که ایمان آورده‌اند روبرو شوند می‌گویند: ما ایمان آورده‌ایم. و وقتی با همدیگر خلوت می‌کنند می‌گویند: آیا خبر می‌دهید ایشان را بآنچه گشوده است خدا بر شما تا منظره کنند باشما بآن دلیل نزد پروردگار شما آیا در نمی‌یابید؟! (۷۶) آیا نمی‌دانند که خداوند آنچه را پوشیده می‌دارند و آنچه را آشکار می‌کند می‌داند؟ (۷۷)

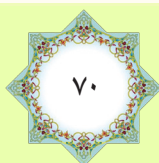
تفسیر مختصر

خداوند متعال در آیات درس سابق به ما در مورد جنجال و کشمکش بنی اسرائیل بر سر شناخت گاوی که باید آن را ذبح می‌کردند تا قاتل را شناسایی نمایند، سخن گفت. و در آیه نخستین این درس نیز به ادامه همان قصه می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا...﴾ به یاد آرید آن هنگامی که شخصی را به قتل رساندید و در مورد شناخت قاتل او، میان هم نزاع و ستیزه کردید، و هر یکی سعی نمود که تهمت را از خود دفع کند، تا آنکه به شما دستور ذبح گاو داده شد و آن را ذبح کردید و بدان واسطه قاتل را شناسایی نمودید.

سبب آن که قتل شخص به یهودیان معاصر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نسبت داده شده آن است که ایشان از سلاله همان یهودیانی بودند که آن شخص را به قتل رسانده بودند، و همگی در گمراهی و انحراف مانند هم بودند. و در ادامه آیت می‌آید: ﴿وَاللَّهُ خَرَجَ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ﴾ خداوند آنچه را مخفی نمودید آشکار می‌سازد.

﴿فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بَعْضُهَا...﴾ خداوند متعال برای به اثبات رساندن قدرت بی‌نهایت خویش دستور داد تا حصه از حیوان مذبح را به بدن مقتول بزنند تا بوسیله یک حیوان بی‌جان انسان مرده را زنده گردانند؛ لذا فرمود: سپس گفتیم: قسمتی از اعضای گاو ذبح شده را به جسد مقتول بزنید تا زنده شود و قاتل را معرفی کند. خداوند این گونه مرده گان را زنده می‌کند و آیات خود را به شما نشان می‌دهد، تا عقل و خردتان را به کار بندید. در مورد اینکه کدام حصه از گاو را به جسد مقتول زدند نصی در کتاب و حدیث نیامده پس ضرور نیست که حتماً فهمیده شود کدام قطعه از گوشت گاو را به مقتول زدند خداوند متعال بعد از ذکر زنده گردانیدن شگفت‌انگیز آن شخص مقتول، این واقعه را دلیل واضح و دلیل قوی بر زنده گردانیدن مرده گان در روز قیامت میداند تا بنده گان پرهیزگاری اختیار نمایند و از خداوند بترسند.

﴿ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ...﴾ پس از آن که خداوند متعال این معجزه بزرگ را بیان داشت، تا



قلب‌های خوابیده را بیدار کند، از آنانی یاد می‌کند که قلب‌های شان سخت است، بناء می‌فرماید: ای بنی اسرائیل! بعد از آن که خداوند معجزه‌های بزرگی را برای تان نشان داد، قلب‌های تان مانند سنگ سخت گردید بلکه سختی قلب‌های تان بالاتر از سنگ است؛ زیرا برخی از سنگ‌ها اند که از آنها نهرها (جوی‌های بزرگی آب) فواره میکند تا مورد استفاده مردم، حیوانات و زراعت قرار گیرد، و برخی از سنگ‌ها اند که سوراخ شده از آنها آب می‌برآید (یعنی چشمه‌های کوچکتر از نهر) و بعضی از سنگ‌ها اند که از ترس خداوند از فراز کوه‌ها به پایین می‌غلطند.

این حالت سنگ‌ها است که با همه سختی و صلابت برای انسان منافی را نیز به بار می‌آورند، ولی شما ای بنی اسرائیل! قلب‌های تان چنان سخت است که نه از موعظه ای متأثر می‌شود، و نه از عبرتی پند می‌پذیرد، و نه در برابر معجزه‌ها نرم می‌شود؛ سپس خداوند متعال در آخر آیه می‌فرماید: ﴿وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ پس متوجه باشید که خداوند از کاری که انجام می‌دهید غافل نیست؛ بلکه او تعالی اعمال تان را یک یک بر می‌شمارد، و بر اساس آن شما را محاسبه می‌نماید و جزای مناسب می‌دهد، و از گرفت او تعالی رهایی نخواهید داشت.

﴿أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ...﴾ این خطاب متوجه مؤمنان است می‌فرماید: ای مؤمنان! با آن که درباره خصوصیت‌ها و ویژه‌گی‌های یهود به شما داستان‌های زیادی را بیان داشتیم، آیا باز هم طمع می‌ورزید که آن‌ها به دین تان بگرایند و مسلمان شوند؟ درحالی که گروهی از علما و احبار شان تورات را می‌شنوند و بعد از فهم و دانستن آن، در آن تحریف می‌آورند.

﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا...﴾ در این آیه مبارکه خداوند متعال یکی دیگر از کارهای زشت یهود را بیان کرده می‌فرماید: وقتی که با مؤمنان روبه روی می‌شوند به آن‌ها می‌گویند: ایمان آوردیم! و بر آنچه به محمد - صلی الله علیه وسلم - نازل گردیده باور داریم؛ ولی زمانی که با خود شان تنها می‌شوند اعتراض کنان می‌گویند: چگونه به مؤمنان از حقایقی سخن می‌گویید که در تورات بیان گردیده؟ می‌خواهید که از حقانیت دین اسلام و بر حق بودن نبوت محمد - صلی الله علیه وسلم - سخن گوئید، تا در نزد پروردگار تان این اعتراف را به روی تان بکشند و حجت آورند؟ آن‌ها این کار را به خاطری می‌کردند تا هیچ کسی به صدق نبوت محمد - صلی الله علیه وسلم - و حقانیت دین اسلام، اعتراف نکند.

در آیت اخیر این درس خداوند متعال بنی اسرائیل را به سبب جهل شان توبیخ نموده می‌فرماید: ﴿أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ﴾ مگر آن‌ها نمی‌دانند که خداوند مسایل پیدا و پنهان را می‌داند، و از آنچه که آشکار می‌کنند و یا پوشیده می‌دارند اطلاع کامل دارد، و می‌داند که چه چیزی را بیان می‌کنند و کدام مسایل را مخفی می‌دارند؟! این یک اسلوب انکاری است، به این معنی که خداوند از تمام کارهای آن‌ها کاملاً آگاه است و ایشان را کیفر سختی خواهد داد همان گونه که در دنیا مجازات شان کرد در آخرت نیز مجازات سخت تری خواهند دید.

در مورد موضوع ذیل بحث و مناقشه کنید:
- تورات موجود نزد یهودیان در عصر حاضر آیا این همان کتابی است که بالای موسی علیه السلام نازل شده بود ؟

فواید درس

- برخی از دروس و فواید آیات مبارکه این درس قرار ذیل است:
- ★ زود یا دیر متجاوزین و ظالمان به جزای اعمال خویش خواهند رسید و کار شان به رسوایی کشانیده خواهد شد.
- ★ خداوند متعال قادر است که مرده گان را دوباره زنده گرداند.
- ★ مسلمانان نباید مانند بنی اسرائیل از حق، روی گردانند و خود سبب انحراف خویش گردند.
- ★ جز از عده کمی توقع انصاف و ایمان از بنی اسرائیل بعید است.
- ★ در هر جامعه زمانی نفاق پیدا می شود که افراد آن دچار ضعف اراده و قلت دانش گردند.
- ★ شخصی که شریعت الهی را قصداً تغییر دهد جایگاه وی جهنم است.



- (۱) ارتباط آیه اولی درس (وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا) با آیات قبلی چیست؟
- (۲) در این آیه مبارکه چرا تمام یهود مخاطب قرار داده شده است، در حالیکه قتل توسط یک نفر ، آنهم در سابق صورت گرفته بود؟
- (۳) وقتی که مرده توسط یک قسمت گوشت گاو زده شد چه معجزه یی رخ داد، و آیا این معجزه بالای بنی اسرائیل کدام اثری گذاشت؟
- (۴) در آیات تلاوت شده قلب های بنی اسرائیل به چه چیزی تشبیه شده؟ و روی کدام دلیل دلهای ایشان از سنگ سخت تر معرفی گردیده است ؟
- (۵) وقتی که یهودیان با همدیگر خود تنها می شدند چرا همدیگر خویش را توبیخ و ملامت می کردند؟



کارخانه گی

در مورد مفهوم تحریف و اینکه یهودیان چگونه کتاب خویش را تحریف کردند یک صفحه بنویسید.

آیه (۷۸-۸۲) سوره بقره

﴿وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيٍّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾ (۷۸) فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ ﴿۷۹﴾ وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۸۰﴾ بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۸۱﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۸۲﴾﴾

معنای کلمات

{أُمِّيُونَ}	کسانی که خواندن و نوشتن نمی‌دانند.
{أَمَانِيٍّ}	دروغ‌ها، آرزوهای باطل و دروغین.
{وَيْلٌ}	هلاکت باد.
{يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ}	تورات را می‌نویسند.
{يَكْسِبُونَ}	به دست می‌آورند، حاصل می‌کنند.
{لَنْ تَمَسَّنَا}	هرگز به ما نمی‌رسد.
{تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ}	شما در حق خداوند دروغ می‌بندید، شما سخنان دروغ را به خداوند نسبت می‌دهید.
{بَلَى}	حرف جواب است که برای اثبات فعلی می‌آید و ماقبل خود را نفی می‌نماید.

ترجمه آیات

و [بعضی] از آنان بی سوادانی هستند که کتاب [خدا] را نمی‌دانند، جز آرزوها و فقط گمان می‌برند (۷۸) پس وای بر کسانی که کتاب [تحریف شده‌ای] با دستهای خود می‌نویسند؛ سپس می‌گویند این از جانب خداست تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند! پس وای بر ایشان از آنچه دستهایشان نوشته و وای بر ایشان از آنچه [از این راه] به دست می‌آورند! (۷۹) و گفتند نرسد بماند آتش دوزخ مگر چند روز شمرده شده بگو: مگر پیمانی از خدا گرفته‌اید که خدا پیمان خود را هرگز خلاف نخواهد کرد یا آنچه را نمی‌دانید به دروغ به خدا نسبت می‌دهید؟ (۸۰) آری هر که کرد کار بد و به احاطه گرفت او را گناه او؛

پس ایشان اند باشندگان دوزخ ایشان در آنجا جاویدند (۸۱) و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند آنان اهل بهشتند و در آن، جاودان خواهند ماند (۸۲)

تفسیر مختصر

﴿وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي...﴾ در خلال آیات درس گذشته از یهودیانی یاد شده که به تورات عالم بوده ولی بخاطر خواست‌ها و مال ناچیز دنیوی در آن تغییر و تبدیل میاورند، و با همه دانایی راه گمراهی و مخالفت با اسلام را بر می‌گزینند و هیچ موعظه و نصیحتی در قلب‌های گمراه و سخت‌شان تأثیر گذار نیست؛ ولی در خلال این آیات با گروه دیگری از یهودیان آشنا می‌شویم، که بی‌خبر از احکام تورات بوده حتی به خواندن آن هم قادر نیستند تا بدانند که در آن چه چیزی وجود دارد. تنها چیزی که می‌دانند همان امیدها و آرزوهای دروغین و خیال پردازانه است که از دانشمندان خویش شنیده‌اند. ایشان گمان می‌کنند که خداوند آنها را بخاطر اشتباهات شان مؤاخذه نمی‌کند.

﴿فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ...﴾ خداوند متعال در خلال این آیه مبارکه اشاره به سرانجام و سر نوشت زشت و نکبت‌بار یهودیانی می‌نماید که کلام خداوند را تحریف می‌کردند: وای بر حال آن علماء و دانشمندان یهودی‌ای که تورات را به دست خویش می‌نویسند و در آن چیزهای دیگری از نزد خود شان اضافه می‌نمایند و یا چیزهای را حذف می‌نمایند، و ادعا می‌کنند که همان کلام خداوند است، و مردم را هم با اجبار و دروغ وادار می‌سازند که همان سخنان دروغین را اساس فهم و دینداری خویش قرار دهند. این چنین کاری را از روی جهل و نادانی انجام نمی‌دهند، بلکه آگاهانه و از روی شناخت کامل به آن کار روی میاورند تا بدان واسطه مقداری از حطام و دارایی‌های بی‌ارزش دنیا را به دست آورند، و یا مقام و منزلت اجتماعی پیدا کنند. در واقع امر هرچه از دارایی‌ها و منزلت اجتماعی به دست آورند، در برابر نعمت‌های اخروی بی‌ارزش و ناچیز است. خداوند آنها را به سبب این کار زشتی که انجام می‌دهند تهدید به عذاب می‌نماید و می‌فرماید: ﴿فَوَيْلٌ لَهُمْ مِّمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِّمَّا يَكْسِبُونَ﴾ هلاکت باد بر ایشان بخاطر آن چه تحریف نمودند و نادرست از نزد خود چیزهایی را نوشتند که سخن خداوند نیست و هلاکت باد بر آنها که دارایی‌های دنیوی‌ای را به ناحق بدست می‌آورند؛ زیرا وسیله‌ای را که در این راه بکار می‌گیرند و هدفی را که دنبال می‌نمایند همه باطل و نارواست.

﴿وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً...﴾ خداوند متعال در این آیه مبارکه یکی از فهم‌های باطل و ناروای یهودیان را بیان می‌کند که نشانهٔ غرور بیجا و تکبر بی مورد آن‌ها می‌باشد. آن‌ها می‌پندارند که هرگز دچار عذاب الهی نخواهند شد، و هیچگاه وارد جهنم نخواهند گردید جز چند روزی! از این روی او تعالی پیامبرش محمد - صلی الله علیه وسلم - را دستور می‌دهد که این پندار نادرست خام آن‌ها را رد نماید و به آن‌ها بگوید که آیا شما از خداوند کدام عهد و پیمانی بدست آورده اید تا خودش را ملزم به وفاداری بدان بداند؟! یا آن که در حق خداوند بطلان و دروغ می‌بندید، و از چیزی یاد می‌کنید که نسبت به آن هیچ آگاهی و اطلاعی ندارید. اطلاع داشتن از یک چنین مسایلی جز از راه وحی ممکن و میسر نیست، و کسی که سخنی را به خداوند نسبت می‌دهد بی آن که او تعالی آن سخن را گفته باشد در حقیقت در حق خویش ستم روا داشته و افتراکنندهٔ دروغگو می‌باشد.

﴿بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ...﴾ خداوند متعال در این آیت پندار خام بنی اسرائیل را رد نموده یهودیان را متوجه می‌سازد که آنچه شما تصور می‌کنید چنین نیست که در دوزخ نمی‌افتید و عذاب نمی‌شوید، بلکه شما در آتش دوزخ جاویدان خواهید ماند؛ زیرا کسی که مرتکب اعمال زشت گردد، و بر بدکرداری خویش اصرار ورزد، برای دایم در دوزخ خواهد ماند.

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...﴾ به دنبال بیان سرنوشت و سرانجام یهود، در آیت اخیر دربارهٔ سرنوشت مسلمانان صادق می‌فرماید: «کسانی که ایمان آورده و عمل نیک انجام می‌دهند، بیشک خداوند متعال آن‌ها را تکریم نموده جایگاه شان را در بهشت برین می‌دهد که در آن جا جاویدان باقی خواهند ماند.»



در مورد اینکه معیار کرامت، فضیلت و نجات از عذاب خداوند را قرآن مجید در چه چیز میدانند بحث و گفتگو نمایید.

فواید درس

گوشه از فوایدی که از آیات این درس به دست میاید قرار ذیل است:

★ تلاوت کتاب خداوند و فهم و تدبر در معانی آن امری ضروری است.

★ کسی که در کتاب خداوند تحریف میاورد و حقایق آن را کتمان می نماید مستحق هلاکت و عذاب الهی می گردد.

★ باید به شریعت الهی عمل کنیم، و آن را وجیبه خویش بدانیم.

★ شرط اساسی دخول به بهشت ایمان مخلصانه و اعمال صالحه است.

★ هرگاه از شخصی گناه سر بزند، باید به توبه روی آورد و نشان توبه آن است که از ارتکاب گناه خود داری ورزد و از کار خویش پشیمان باشد و کار نیک انجام دهد.



- (۱) در آیه مبارکه حالت عوام بنی اسرائیل بیان گردیده، آن حالت را توصیف کنید.
- (۲) معنای کلمه (ویل) و (أمانی) را واضح سازید.
- (۳) چرا علمای بنی اسرائیل تورات را تحریف می نمودند؟
- (۴) راجع به عذاب الهی و دوزخ عقیده بنی اسرائیل چی بود؟ موقف قرآن کریم را در زمینه واضح سازید؟
- (۵) علمای یهود کدام حقایق را از تورات بیرون کرده به جای آن مطالبی دیگر را جابه جا می کردند؟
- (۶) خداوند سرنوشت یهود و مسلمانان را چگونه تصویر نموده است؟



پیرامون اهل بهشت و اهل دوزخ مقاله بنویسید که از هشت سطر کمتر نباشد.

آیه (۸۳-۸۶) سوره بقره

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَآئِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٨٣﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٨٤﴾ ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنْكُمْ مِّنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِن يَأْتِوكُمُ أُسَارَىٰ تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَن يَفْعَلُ ذَلِكَ مِّنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٨٥﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٨٦﴾﴾

معنای کلمات

{مِيثَاق}	تعهد و پیمان مستحکم و استوار.
{ذِي الْقُرْبَىٰ}	خویشاوندان.
{الْيَتَامَىٰ}	مفرد یتیم، یتیم به کسی اطلاق می شود که در خردی یکی یا هر دو والدین خود را از دست داده باشد.
{الْمَسَاكِينِ}	جمع مسکین، مسکین به کسی اطلاق می گردد که از کم ترین مال و متاع دنیوی برخوردار نباشد.
{تَوَلَّيْتُمْ}	روی گردانیدید، پشت کردید، بدان توجه نکردید.
{مُعْرِضُونَ}	اعراض کننده و روی گرداننده.
{أَقْرَرْتُمْ}	اعتراف کردید.
{تَظَاهَرُونَ}	با هم همکاری و تعاون می کنید.
{أُسَارَىٰ}	أساری: جمع اسیر.
{خِزْيٌ}	ذلت و خواری.
{يُرَدُّونَ}	باز گردانده می شوند.
{لَا يُخَفَّفُ}	تخفیف داده نمی شود، کم نمی شود.

ترجمه آیات

به یاد آر روزی را که از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر نیکویی کنید و به خویشان و یتیمان و مستمندان، و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید و نماز را به

پا دارید و زکات را بدهید، سپس جز اندکی از شما [همگی] به حالت اعراض روی برتافتید (۸۳) و به یاد آرید روزی را که از شما پیمان محکم گرفتیم؛ که خون همدیگر را مریزید و یکدیگر را از سرزمین خود بیرون نکنید، شما [به این پیمان] اقرار کردید و حال آن که خود گواهید (۸۴) [ولی] باز همین شما هستید که یکدیگر را می کشید و گروهی از خودتان را از دیارشان بیرون می رانید و به گناه و تجاوز بر ضد آنان به یکدیگر کمک می کنید و اگر به اسارت پیش شما آیند به [دادن] فدیة آنان را آزاد می کنید با آنکه [نه تنها کشتن بلکه] بیرون کردن آنان بر شما حرام شده است. آیا شما به پاره‌ای از کتاب [تورات] ایمان می آورید و به پاره‌ای کفر می ورزید؟! پس جزای هر کس از شما که چنین کند جز خواری در زنده گی دنیا چیزی نخواهد بود و روز رستاخیز ایشان را به سخت ترین عذابها باز برند و خداوند از آنچه می کنید غافل نیست (۸۵) همین کسانی که زنده گی دنیا را به [بهای] جهان دیگر خریدند پس نه عذاب آنان سبک گردد و نه ایشان یاری شوند (۸۶)

تفسیر مختصر

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَآئِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ...﴾ این آیه کریمه بار دیگر به پیمان شکنی‌های بنی اسرائیل اشاره میکند؛ زیرا یهودیان بنابر خصلت همیشگی شان بار بار پیمان شکنی می کردند و کمتر رخ می داد که بر سر پیمان خویش استوار بمانند، هدف اینست آنانی که مخاطب قرآن اند مانند گذشتگان خویش نباشند، خداوند از یهود این پیمانها را گرفته بود که:

o جز خداوند یکتا کس دیگری را به پرستش نگیرید، و به او تعالی شریکی قایل نشوید.

o به والدین (پدر و مادر) خویش نیکویی کنید.

o در حق خویشاوندان نزدیک، یتیمان و تنگدستان به مهربانی رفتار نمایید به ایشان سخن نیکو بگویید.

o نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید، و بر آن خصایل و ویژه گی‌ها مداومت داشته باشید.

مگر یهودیان بر پیمان شان ثابت نماندند. قسمت اخیر آیت نشان می دهد که آنها به پیمان خویش ثابت نمانده به آن پشت کردند. چنانچه می فرماید: ﴿ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ﴾ پس از آن که پیمان‌های محکمی را به خداوند بستید، با آن هم، تغییر جهت دادید، و پیمان شکنی کردید، و به آن هیچ وقعی نگذاشتید، و خود شاهد این همه پیمان شکنی‌ها و بد رفتاری‌ها بودید.

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ...﴾ این آیه کریمه برای یهود زمان پیامبر - صلی الله علیه وسلم - چیزی را بیان می دارد که خداوند متعال در تورات آنها را از انجام دادن آن منع کرده بود، و از آنها تعهد گرفته بود که به آن امور منهی نزدیک نشوند، پیمان محکمی که خداوند از بنی اسرائیل گرفته بود آن بود که همدیگر خویش را نبایستی به ناحق به قتل برسانند. و یک دیگر را نباید از خانه‌های شان برانند.

در پایان آیه، به این امر اشاره می کند که بنی اسرائیل میثاق را پذیرفتند و بدان اعتراف نمودند و لازم

آن بود که بر سر پیمان خویش می ایستادند ولی نقض پیمان کردند.

﴿ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ...﴾ قرآن کریم در این آیه همان موضوع سابق را ادامه داده میفرماید: این شما هستید - ای بنی اسرائیل - که تا هنوز هم همدیگر خویش را به قتل می رسانید، بعضی از شما بعضی دیگر را از خانه و کاشانه شان بیرون می راند. یهود یثرب اعم از بنی قریظه و بنی نضیر در جنگ های ذات البینی هم پیمان اقوام عرب اوس و خزرج می شدند بنو قریظه حلفای اوس و بنو نظیر حلفای خزرج شده بودند - و در جنگ های این دو گروه آنها نیز شرکت کرده همدیگر را به قتل می رساندند، زنان همدیگر را به کنیزی می گرفتند و اموال یکدیگر را به تاراج می بردند و به تعبیر قرآنی ﴿تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ به گناه و دشمنی علیه یکدیگر خویش توطئه کرده مدد گار دشمن می شدند.

تعجب آور آن بود که با وجود قتال با یکدیگر در کنار هم پیمانان شان، چون افرادی از یهود اسیر واقع می شدند همه یهود برای رهایی اسیران از هر قبیله که می بود همکار می شدند و فدیة میدادند. خداوند در این مورد می فرماید: ﴿وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَىٰ تَفَادَوْهُمْ﴾ اگر از شما کسی اسیر شود برای رهایی آن فدیة میدهید. سپس خدای متعال آنها را توبیخ نموده می فرماید که آیا شما به بعض تورات ایمان می آورید و از بعض دیگری انکار می ورزید ﴿فَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ﴾ به این معنی که آنها اسیران خویش را در برابر فدیة رها می کردند که این نمادی از ایمان و عمل به بعضی از کتاب شان بود و در عین حال آنها همتباران خویش را به قتل می رسانیدند که آن نمادی از کفر ورزیدن و ترک عمل ببعضی دیگر از کتاب بود. این کاری خیلی زشت و شرم آور است. خداوند متعال در آخر آیه اشاره می کند که این گونه کار سبب زیانمندی و شرمساری عامل آن در دنیا خواهد بود، و این چنین افراد در روز آخرت به عذابی دردناک گرفتار خواهند گردید، و خداوند از تمام کاری که انجام می دهند به خوبی آگاه است. هرچند خطاب این آیت متوجه یهود است مگر محتوای آن عام بوده و برای مسلمانان نیز امر است تا دین را تجزیه نکنند، به این معنی که اسلام دین کامل و شامل است و نظام و قانون زنده گی می باشد. احکام و ارزشهای اسلام باید همه و بدون استثنا تطبیق گردد، نه اینکه مانند عمل یهودان برخی از احکام اسلام عملی شده و برخی دیگر تطبیق نشود.

﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا...﴾ سپس خدای متعال در این آیه کریمه در مورد خصوصیت یهود می فرماید: همین کسانی که زنده گی دنیا را به [بهای] جهان دیگر خریدند؛ پس نه عذاب آنان سبک گردد و نه ایشان یاری شوند. ایشان کسانی هستند که فواید دنیوی را مد نظر گرفته در آخرت به جزای خود میرسند که در آن کدام تخفیف نخواهد آمد و هیچ کس نمیتواند برای شان یاری رساند، و آنان را از عذاب الهی نجات دهد. هرکسی که پیمان خداوند را می شکند در مقابل جز رسوایی و خواری چیزی نخواهد دید، و در آخرت هم به جزای اعمال خویش خواهد رسید.



دقیقاً معنی و مفهوم آیه کریمه: ﴿ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ...﴾ چیست و به چه عملکرد یهودیان اشاره دارد؟ در این مورد بحث و گفتگو کنید تا تفسیر آن برای همه شاگردان روشن و واضح گردد.

فواید درس

- بعضی از فواید و ارشاداتی که از خلال این آیات به دست میاید قرار ذیل اند:
- ★ باید خداوند متعال را به یکتایی شناخت و پرستش نمود؛ این عبادت و بنده گی حقیقی است.
- ★ پدر و مادر از هر کسی به رحمت و مهربانی مستحق تر اند؛ زیرا آنها اند که سبب بقای جامعه گردیده و انسان های بزرگ را به جامعه تقدیم می دارند.
- ★ رابطه نیکو با اقارب و خویشاوندان سبب محبت و الفت می گردد.
- ★ ایمان معتبر در نزد خداوند همان ایمان است که صاحب آن به تمام احکام الهی و هدایات پیامبر - علیه السلام - ایمان آورد نه اینکه بعضی احکام را بپذیرد و بعضی دیگر را نپذیرد.
- ★ از وجایب دینی آن است که به اعمال نیکو امر و از بدی ها مردم را منع نماییم.
- ★ هر ملتی که شریعت الهی را ترک نماید در دنیا به رسوایی و شرمنده گی و در آخرت به عذاب الهی مواجه خواهد شد.
- ★ کسی که پیمان خویش را با خداوند زیر پا کرده به خواست های نفسانی خود عمل می نماید در دنیا خوار و ذلیل گردیده و در آخرت هم از گرفت او تعالی رهایی نخواهد یافت.
- ★ دین خداوند قانون و نظام مکمل زنده گiest و باید به صورت کامل تطبیق شود.



- (۱) الله جل جلاله از یهود چه پیمانی را گرفته بود؟
 - (۲) پیوست بودن احسان به والدین به عبادت خداوند چه چیز را میرساند؟
 - (۳) مراد از ایتام و مساکین کی ها هستند؟
 - (۴) یهودیان چطور خون یک دیگر را می ریختانند؟
 - (۵) معنی ﴿وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أَسَارَى تُفَادُوهُمْ﴾ چه است؟
- جزای آنانیکه دین را تجزیه کرده، بعضی احکام آن را می پذیرند و برخی را نه چیست؟

آیه (۸۷-۸۹) سوره بقره

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ ﴿٨٧﴾ وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾ وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَّا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٨٩﴾﴾

معنای کلمات

- {قَفَّيْنَا} دنبال کردیم.
 {الْبَيِّنَاتِ} دلایل واضح و روشن.
 {أَيَّدْنَاهُ} قوت بخشیدیم.
 {رُوحُ الْقُدُسِ} جبرئیل علیه السلام.
 {كُلَّمَا} هر زمانی که.
 {لَا تَهْوَى} دوست نمی دارد.
 {اسْتَكْبَرْتُمْ} خود بزرگ بینی نشان دادید، کبر کردید.
 {غُلْفٌ} جمع غلاف، یا جمع «أغلف» و منظور از آن قلبی است که توان درک و فهم نداشته باشد.
 {يَسْتَفْتِحُونَ} طلب نصرت می کنند، خواهان کمک می شوند.

ترجمه آیات

و همانا به موسی کتاب [تورات] را دادیم و پس از او پیامبرانی را پشت سر هم فرستادیم و عیسی پسر مریم را معجزه‌های آشکار بخشیدیم و او را با روح القدس [جبرئیل] تایید کردیم. آیا هر گاه پیامبری چیزی را برایتان آورد که خوشایند شما نبود، کبر ورزیدید؟؛ گروهی را دروغگو خواندید و گروهی را کشتید (۸۷) و گفتند: دل‌های ما در غلاف است [نه چنین نیست] بلکه خدا به سزای کفرشان لعنت شان کرده است؛ پس ایمان نمی آورند مگر عده کمی (۸۸) و آنگاه که آمد به ایشان کتاب از نزد خدا تصدیق کننده مر آنچه در نزد آنان است و پیش ازین طلب فتح می کردند بر مشرکان پس هرگاه آمد به ایشان آنچه [که اوصافش] را می شناختند منکر شدند وی را ، پس لعنت خدا باد بر آن کافران (۸۹)

تفسیر مختصر

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ...﴾ خداوند متعال در میان هر امتی پیامبری فرستاده تا آن‌ها را پند و اندرز دهد، و آن مردم پند پذیر شوند و هر گاهی که میان بعثت یک پیامبر و پیامبر بعدی فاصله زمانی طولانی می‌گذشت قلب‌های مردم سخت گردیده دوباره به انحراف روی می‌آوردند، پیام و دستورهای پیامبر گذشته را به فراموشی می‌سپردند و سخنانش را دگرگون ساخته پیام الهی را تغییر می‌دادند. این کار در میان قوم بنی اسرائیل بیشتر رخ داده است. خداوند در میان این قوم پیامبران بسیاری را یکی پی دیگر فرستاد تا آنها را از عاقبت کارشان بترسانند؛ ولی همواره آن‌ها پیام‌های الهی را تغییر می‌دادند و از پذیرش دستورات خداوندی سرباز می‌زدند.

در آیه نخست این درس، خداوند متعال به این امر اشاره می‌کند که موسی - علیه السلام - را بحیث پیامبر خویش فرستادم و با او کتابی را نیز نازل فرمودم تا قوم بنی اسرائیل راه درست را از راه غلط باز شناسند و بعد از وی چندین پیامبر دیگری نیز فرستادیم تا مردم را به راه خداوند فرا خوانند و در پایان عیسی پسر مریم را همراه با انجیل فرستادیم و دلایل بسیار روشن و براهین قاطعی برایش نیز دادیم و جبرئیل امین را هم مؤیدش قرار دادیم؛ ولی با آن هم، بنی اسرائیل دست از تحریف و بد کاری بر نداشتند، و از نافرمانی پیامبران خود داری نکردند.

آیه کریمه در آخر آن‌ها را مورد نکوهش و توبیخ قرار داده می‌فرماید: ﴿أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ﴾ هرباری که خداوند متعال بر شما پیامبری فرستاده تا از او امرش پیروی نمایید شما استکبار ورزیدید، آیا این خصوصیت شما شده که هرگاه پیامبری می‌آید تا پیام‌های الهی را برایتان برساند شما همین که پیام آن را مطابق میل نفسانی خود نیافتید، و خواهشات تان را بر آورده نساخت روی گردان می‌شوید؟ و از ایمان آوردن به آن خود داری می‌ورزید؟ عجب این است که شما به این حد هم اکتفا نمی‌کنید بلکه شماری را تکذیب می‌نمایید و دروغگوی می‌خوانید، و شماری دیگر را به قتل می‌رسانید!

یهودیان حضرت موسی و محمد - علیهما السلام - را تکذیب کردند و حضرت زکریا و یحیی - علیهما السلام - را به قتل رساندند؛ حتی که برای قتل رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - چندین بار تلاش‌های

ناکام نمودند.

﴿وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ...﴾ خداوند پاسخ بی مورد یهود را در مقابل سؤال توبیخ آمیز و ملامتگر خویش نقل می‌کند یهودیان جواب دادند که قلب‌های ما بسته است، هیچ سخنی در آن کار گر نیست، و بر عناد و لجاجت عادت کرده ایم. آن‌ها می‌خواهند بگویند که میان قلب ما و میان فهم درست ممانعتی همچون یک دیوار قرار دارد و همه چیز از دست ما خارج است؛ ولی خداوند متعال بر آن‌ها رد نموده می‌فرماید: ﴿بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ﴾ بلکه خداوند آن‌ها را لعنت کرده و از رحمت خویش دور نموده است؛ زیرا که آنها سخن درست نمی‌گویند، این که می‌گویند قلب‌های ما بسته است حقیقت ندارد. خداوند متعال بدان سبب آن‌ها را لعنت کرده که راه کفر و انکار را انتخاب نمودند.

﴿وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ...﴾ خداوند متعال در این آیه کریمه به یکی از زشت کاری‌های دیگر یهود اشاره می‌نماید و آن این که آنها به سبب آن که مردمی خود خواه اند، نمی‌خواهند به مردم خیری برسند، و از حق انکار می‌ورزند. زمانی که محمد - صلی الله علیه وسلم - با قرآنی آمد آنچه را که در تورات وارد شده بود تأیید می‌کرد، و اصول مشترک میان تورات و کتاب وی وجود داشت؛ چنانچه یهودیان هم بر آن اطلاع یافته خوب آن را درک نموده بودند، و اوصاف پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را در تورات خوانده بودند و با آن آشنا بودند، با آن هم به رسالت آن حضرت کفر ورزیدند و پشت کردند، در حالی که پیش از دیدن آن حضرت و شناختن وی در هنگام مواجه شدن با مشرکین مدینه آن‌ها را تهدید می‌کردند و می‌گفتند: زمان بعثت پیامبر خاتم نزدیک شده و هرگاه که او ظهور نمود ما به او ایمان می‌آوریم و با وی یکدست شده بر شما پیروز خواهیم شد. در مقابل این همه نافرمانی و عهد شکنی خداوند متعال در آخر آن‌ها را لعنت کرده می‌فرماید: ﴿فَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ لعنت خداوند بر کافران باد.

فواید درس

عده از فواید و ارشاداتی که از آیات این درس استنباط می‌شود قرار ذیل اند:

★ خداوند متعال در میان بنی اسرائیل پیامبران متعددی را فرستاده است تا آن قوم را به دین اسلام دعوت نمایند و انحرافات آن‌ها را راست کنند.

- ★ عادت یهود آن بود که پیام‌های آسمانی را زمانی می‌پذیرفتند که با خواهشات و خواست‌های نفسانی شان موافق باشد و خواهشات مادی شان را برآورده سازد.
- ★ یهودیان بخاطر گریز از مسؤولیت، خود شان را متهم می‌کردند و می‌گفتند که قلبهای ما بسته است که در آن ایمان رسوخ نمی‌کند و هدایت جای نمی‌گیرد. این یک دروغ محض است بلکه آن‌ها بخاطر فرار از مسؤولیت پذیری این بهانهٔ پوچ را پیش میکردند.
- ★ ایمانی که تنها بر زبان باشد و در قلب جای نداشته و عمل تصدیق آنرا نکند نزد خداوند کریم کدام قیمت ندارد.
- ★ آنانی که به پیامبران و کتب آسمانی نسبت دروغ کنند ملعون و از رحمت الله - جل جلاله - دور هستند.



- (۱) معانی جمله‌ها و کلمات آتی را بیان دارید:
- { قَفَيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ } { لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ } { مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ } { يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا }
- (۲) نام دو تن از پیامبران الهی را بگیرید که توسط بنی اسرائیل به قتل رسیدند.
- (۳) مفهوم جمله ﴿قُلُوبُنَا غُلْفٌ﴾ چیست؟ و این جمله را کدام مردم گفته بودند؟ و از آن چه منظور داشتند؟
- (۴) مراد از ﴿فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ﴾ چیست؟
- (۵) در بارهٔ کدام معجزات عیسی - علیه السلام - معلومات دارید؟
- (۶) آیا یهود این حقیقت را می‌فهمیدند که حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - به پیامبری مبعوث می‌گردد؟ از کجا این معلومات را به دست آورده بودند؟



در بارهٔ اوصاف یهود در قدیم و حال یک مقاله بنویسید که از هشت سطر کمتر نباشد.

آیه (۹۰-۹۲) سوره بقره

﴿بِسْمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿٩٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٩١﴾ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٩٢﴾﴾

معنای کلمات

{بِسْمَا}	چقدر زشت است.
{اشْتَرَوْا}	فروختند.
{بَغْيًا}	از روی ظلم و ستم.
{بَاءُوا}	بازگشتند.
{مُهِينٌ}	دردناک، رسوا کننده، خوار و زبون کننده، خفت آور.
{مُصَدِّقًا}	تصدیق کننده، تأیید کننده.
{الْبَيِّنَاتِ}	معجزه‌های واضح و روشن.

ترجمه آیات

به چه بد بهایی خود را فروختند! که به آنچه خدا نازل کرده بود از روی حسد انکار ورزیدند که چرا خداوند از فضل خویش بر هر کس از بنده گانش که بخواهد [آیاتی] فرو می‌فرستد پس به خشمی بر خشم دیگر گرفتار آمدند و برای کافران عذابی خفت آور است (۹۰) و چون به آنان گفته شود به آنچه خدا نازل کرده ایمان آورید می‌گویند: ما به آنچه بر [پیامبر] خودمان نازل شده ایمان می‌آوریم و انکار می‌ورزند به آنچه غیر وی است با آنکه آن [کاملاً] حق و مؤید همان چیزی است که با آنان است بگو: اگر مؤمن بودید پس چرا پیش از این پیامبران خدا را می‌کشتید (۹۱) و قطعاً موسی برای شما معجزات آشکاری آورد سپس آن گوساله را در غیاب وی [به خدایی] گرفتید و ستمکار شدید (۹۲)

تفسیر مختصر

﴿بِسْمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ...﴾ یهودیان عصر پیامبر - صلی الله علیه و سلم - این حقیقت را خوب میدانستند که تورات از بعثت پیامبر آخر زمان خبر داده و آن پیامبر، محمد - صلی الله علیه و سلم - است. و بدین اساس تمام اسباب ایمان برای آن‌ها مهیا شده بود؛ ولی یهودیان عصر پیامبر - صلی الله علیه و سلم - بر کفر خود اصرار ورزیدند، و کفر ورزیدن شان از روی حسد، ریاست طلبی و دل بستن شان به دنیا بود.

برگزیدن راه کفر و ترک ایمان بدین معنی است که گویا ایشان نفس‌های خویش را به آن فروختند؛ یعنی: نفس‌های خویش را متاع فروخته شده قرار دادند و کفر را عوض آن بدست آوردند؛ پس نفس‌های خویش را فروختند و کفر را خریدند. از همین روی خداوند کار شان را سخت نکوهید و فرمود: ﴿بِسْمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ﴾ یعنی: بد چیز است آنچه فروختند عوض وی نفس‌های خویش را، معلوم است که کفر بدترین و خطرناکترین چیز است زیرا عواقب بسیار بدی را در پی دارد؛ پس آنها در این معامله خویش کاملاً در ضرر و زیان قرار دارند، و سبب اختیار این زیان همانا شدت حسادت شان بود که چرا خداوند پیغمبری را از نسل ما گرفت و در نسل عرب قرارداد.

در اخیر آیت مبارکه به نتایج و عواقب سوء کفر گزینی و حسادت با پیغمبری محمد - صلی الله علیه و سلم - اشاره گردیده، می‌فرماید: ﴿فَبَاؤُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾ یعنی آن‌ها به سبب همین اشتباه بزرگ مستحق غضب الهی گردیدند، از آن جایی که از یک طرف به تورات و انجیل کفر ورزیدند و از طرف دیگر به حضرت محمد - صلی الله علیه و سلم - لذا مورد خشم و غضب پی در پی خداوندی قرار گرفتند و او تعالی آنها را به عذاب اهانت آمیز خویش تهدید فرمود.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ...﴾ یهودیان همواره در برابر هر امر الهی عذر می‌تراشیدند، چنانچه در درس گذشته تذکر داده شد که میگفتند: ﴿قُلُوبُنَا غُلْفٌ﴾ قلب‌های ما در پوش و پرده است که توان درک آنچه را که محمد می‌گوید ندارد، الله تعالی در این آیه مبارکه یکی دیگر از بهانه جویی‌های نادرست آنها را بیان می‌فرماید: اگر به یهودیان گفته شود: به قرآن کریم ایمان آورید! آن‌ها در پاسخ عذر کنان می‌گویند: ما به همان کتابی ایمان می‌آوریم که بر ما نازل شده - یعنی تورات - نه به آن کتابیکه بر

دیگران نازل گردیده است. قرآن مجید برای اثبات اینکه این ادعا در اصل پوچ و بی اساس است دو چیز را مطرح کرد یکی اینکه اگر ایمان شان به کتاب تورات ایمان واقعی است پس در تورات نیامده که به هر آن کتاب آسمانی که غیر تورات باشد ایمان نیاورید در حالیکه این افراد چنین مخالفتی را مرتکب شدند ﴿وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ﴾ آنها همواره کفر ورزیدند به غیر تورات - از قبیل انجیل و قرآن کریم - با وجود اینکه قرآن کریم تصدیق کننده چیزی است که بر آنها نازل گردیده و آن عبارت بود از نبوت محمد - صلی الله علیه وسلم - که تورات هم به آن بشارت داده بود. دوم اینکه نشانه عدم صداقت شما در ادعای ایمان حتی به کتاب خود تان این است که شما مکرراً دست به فجیع ترین اعمال کفر و الحاد زدید که همانا قتل انبیای خداوند است. میفرماید: ﴿قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ ای محمد! به یهودیان بگو: اگر شما ادعا دارید که به کتاب خویش ایمان دارید، پس چرا انبیای خداوند را کشتید؟ با آن که تورات قتل آنها را بر شما حرام ساخته بود؟ پس همین که شما انبیای خداوند را کشتید این خود بزرگترین دلیل بر عدم صداقت تان است و دلیل روشنی بر دروغ گویی و بی ایمانی تان می باشد.

خداوند متعال در آیه اخیر این درس یهودیان را مخاطب قرار داده می فرماید ﴿وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ﴾ موسی از طرف خداوند با معجزه های زیادی آمد تا نبوت وی را بپذیرید و دلایل بسیار محکمی برای نبوت خود تقدیم داشت که هیچ کسی قادر به آوردن چنین دلایل روشنی نبود؛ ولی زمانی که آن حضرت جهت ملاقات پروردگار خویش رفت تا برای شما تعالیم دین تان را بیاورد، در غیاب او روی به گوساله پرستی آوردید و پرستش خدای یکتا را رها کردید. این کار شما چیزی جز ظلم و ستم در حق خویشتن نبود.

فواید درس

شمه ای از فواید و ارشاداتی که از این درس بدست میاید قرار ذیل است:

- ★ مسلمان حقیقی کسی است که از حقد، حسد، بغض و نفرت خوداری نماید.
- ★ کسی که به ارتکاب منکرات راضی باشد، مانند کسی است که آن را انجام داده باشد.

★ یهودیان تنها قاتل انسان‌های عادی نبوده بلکه دست‌های شان به خون پاک انبیای الهی نیز رنگین بوده است.

★ قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی بوده که تمام کتب آسمانی ما قبل آن را تایید نموده است.

★ شخصی که بعد از مشاهده معجزات و نشانه‌های قدرت الهی بجای معبود حقیقی به عبادت چیزی دیگر میپردازد، ظالم تر از وی کسی نیست.



- (۱) خداوند متعال به چه چیزی یهودیان را توبیخ نمود؟
- (۲) یهود در برابر کدام چیز نفس‌های خویش را فروختند؟
- (۳) یهودیان چگونه اعتذار می‌نمودند و چه چیزی را مانع ایمان شان بر قرآن کریم میدانستند؟
- (۴) مقصد از جمله (فلم تقتلون) چیست؟
- (۵) بزرگترین ظلم کدام است؟
- (۶) معجزه‌های واضحی که قرآن کریم در مورد موسی علیه السلام یاد آور شده چیست؟
- (۷) یهودیان بعد از رفتن موسی - علیه السلام - به کوه طور به پرستش چه چیزی روی آوردند؟



کارخانه‌گی

در مورد خطرهای ناگوار حسد و کینه یک مقاله کوتاه بنویسید که در آن به حسد ورزی شیطان با آدم و حسد ورزی یهود با پیغمبر بر حق خداوند حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - و نتایج سوء حسد بر حاسدان نیز اشاره گردیده باشد.

آیه (۹۳-۹۶) سوره بقره

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٩٣﴾ قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٩٤﴾ وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٩٥﴾ وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرْزَحٍ مِنْهُ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾﴾

معنای کلمات

{سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا}	شنیدیم و نافرمانی کردیم.
{أُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ}	محبت و دوستی پرستش گوساله در قلبهای شان ریشه دار شده بود.
{فَتَمَنَّوْا}	آرزو کنید.
{لَنْ يَتَمَنَّوْهُ}	هرگز آرزو نخواهند کرد.
{لَتَجِدَنَّهُمْ}	حتماً آن هارا خواهی یافت.
{أَحْرَصَ النَّاسِ}	آزمندترین مردم، حریص ترین مردم.
{يَوَدُّ}	دوست میدارد، تمنا دارد، آرزو مند است.

ترجمه آیات

و آنگاه که از شما پیمان محکم گرفتیم و [کوه] طور را بر فراز شما بر افراشتیم [و گفتیم] آنچه را به شما داده ایم به جد و جهد بگیرید و [به دستورهای آن] گوش فرا دهید گفتند: شنیدیم و نافرمانی کردیم. و آمیخته کرده شد در دلهای ایشان دوستی گوساله بسبب کافر بودن ایشان بگو: اگر مؤمنید [بدانید که] ایمانتان شما را به بد چیزی وامی دارد (۹۳) بگو اگر خاص شماراست سرای بازپسین نزد خدا بجز از مردمان دیگر پس آرزو کنید مرگ را اگر هستید راست گویان (۹۴) ولی به سبب کارهایی که از پیش کرده اند هرگز آن را آرزو نخواهند کرد و خدا به [حال] ستمگران داناست (۹۵) و بینی آنان

را آزمندترین مردم به زنده گی و [حتی حریص‌تر] از کسانی که شرک می‌ورزند؛ هر یک از ایشان آرزو دارد که کاش هزار سال عمر کند با آنکه اگر چنین عمری هم به او داده شود وی را از عذاب دور نتواند داشت و خدا بر آنچه می‌کنند بیناست (۹۶)

تفسیر مختصر

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ...﴾ بار دیگر آیت کریمه واقعۀ بلند شدن کوه بر سر بنی اسرائیل و گرفتن میثاق محکم را از ایشان یاد آور می‌شود. در حقیقت این کار برای این بود تا بنی اسرائیل ایمان استوار تری پیدا نمایند و تمام آنچه را که در تورات نازل گردیده قبول کرده و آن احکام را در عمل پیاده کنند. خداوند به آن‌ها دستور می‌دهد: ﴿خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ...﴾ آنچه را برایتان دادیم به جد و جهد واستحکام بگیرید، مراد از "قوة" یاد گرفتن درست، فهم درست و عمل درست و کامل است، عکس العمل بنی اسرائیل چنانچه آیت مبارکه تصویر آن را واضح میدارد این بود که عجالتاً هنگامیکه کوه طور بالای سر ایشان قرار داشت گفتند: «سَمِعْنَا» این سمع و اطاعت تنها زبانی و از روی ترس بود؛ زیرا دل و دماغ ایشان چیز دیگری را میگفت چنانچه جمله بعدی یعنی «عَصَيْنَا» بیان گر همین حالت درونی آنها و عدم رغبت آنها در عمل کردن بوده.

سپس خداوند متعال علت نافرمانی شان را بیان نموده و می‌فرماید: ﴿وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ...﴾ سبب نافرمانی شان این بود که دوستی پرستش گوساله طلایی سامری در تار و پود قلبشان نفوذ کرده، و در سراسر وجود شان ریشه دوانده بود. به همین دلیل خدا را فراموش کردند.

خداوند متعال در آخر آیه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را دستور می‌دهد که به آن‌ها بگو: بدا به حال چنین ایمانی که ادعا می‌کنید؛ ایمانی که شما را دستور می‌دهد تا پیامبران را بکشید، گوساله را پرستش کنید، از فرمان خداوند تجاوز نمایید، و قرآن و نبوت محمد - صلی الله علیه وسلم - را تکذیب کنید! این چگونه ایمانی است، که گوساله پرستی را اجازه می‌دهد، کشتن پیامبران را مجاز می‌شمارد، و میثاق‌های محکم الهی را به فراموشی می‌سپارد؟!

این آیت ادعای پوچ یهودیان را رد می‌نماید و به آن‌ها می‌فهماند که آن‌ها نه به تورات ایمان دارند و نه به قرآن و از همین روی مستحق سرزنش، توبیخ و نفرین می‌باشند.



﴿قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً...﴾ آیات قبلی تصور یهودیان را نسبت به آخرت و سرنوشت شان به تصویر می کشد و نشان می دهد. آن ها به این گمان بودند که سرای آخرت صرف برای آن ها تخصیص یافته است و در بهشت جز یهودیان کسی دیگر راه یافته نمی تواند؛ زیرا که آن ها امت برگزیده الهی اند، ولی خداوند متعال در آیات بر آن تصور خام شان خط بطلان کشیده و می فرماید: بگو ای محمد - صل الله علیه وسلم - اگر در نزد خدا آخرت یکسر به شما اختصاص دارد نه بمردم دیگر ، پس اگر راست می گویند آرزوی مرگ کنید.

آن ها اعتقاد داشتند که تنها یهودی به بهشت می رود؛ پس چرا مرگ را نمی خواهند که زود تر به بهشت بروند؟! این نشان می دهد که آن ها دروغگو اند و هرگز تمنای مرگ نخواهند کرد و چنین اعتقادی هم ندارند. چون اگر انسان واقعاً اعتقاد به بهشت داشته باشد نباید از مرگ بترسد.

﴿وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ...﴾ اینجا قرآن مجید حقیقت حال شان را روشن می سازد و می فرماید که آن ها هرگز چنین تمنایی نخواهند کرد و علت آن این است که آنان خوب میدانند که برای آخرت خویش چیزی را پیش نفرستادند که باعث نجات شان گردد و بیشک خدای متعال آگاه تر است بحال ظالمان.

﴿وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاتِهِ...﴾ خداوند متعال در این آیه کریمه در مورد یهود می فرماید: آنها را حریص ترین مردم - حتی حریص تر از مشرکان - بر زنده گی (این دنیا و اندوختن ثروت) خواهی یافت؛ یعنی به سبب اعمالی که انجام داده اند از مرگ در هراس هستند. و هرگز تمنای آن را نمی کنند؛ زیرا ایشان می فهمند در آخرت هیچ نصیبی نخواهند داشت؛ لذا حرص میورزند که عمر طولانی داشته باشند؛ ولی هرگز از عذاب الهی نجات نخواهند یافت، اگر عمر آن ها به هزارها سال هم برسد از عذاب الله - جل جلاله - روی رهایی از دوزخ نخواهند داشت، چرا که خداوند به اعمال ایشان آگاه و خبر دار است.^(۱)



پیرامون این آیه کریمه ﴿وَأُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ﴾ بحث و گفتگو کنید که معنی و مفهوم آن چیست و چرا محبت گوساله در قلوب بنی اسرائیل جای گرفته بود؟

فواید درس

بعضی از فواید و ارشاداتی که از این آیات استنباط می‌شود قرار ذیل اند:

★ اقتضای ایمان بر الله - جل جلاله - آن است که بنده در کنار ایمان داشتن به الله متعال تمام اوامر وی را بجا آورد.

★ دنیا جای امتحان است نه جای زنده‌گی دایمی؛ پس هوشیار کسی است که در دنیا برای آخرت خود کار کند.

★ مردم گنهکار و یهودیان آزمند زندگی دنیوی بوده خواهان زنده‌گی طولانی اند از همین روی از مرگ شدیداً ترس و هراس دارند.



(۱) معنی «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ» و «قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا» را واضح سازید.

(۲) آیا یهودان در عصر موسی - علیه السلام - اوامر الهی را بجا کردند؟

(۳) یهودیان در قبال خالق خود مرتکب کدام جرم بزرگ گردیده بودند؟

(۴) از یهودان و مشرکین کدام یکی به زندگی دنیوی حریص تر است؟

(۵) معنی «فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ» چیست؟

(۶) یهودیان چه ادعایی داشتند که الله - جل جلاله - جهت اثبات دعوای شان از آنها خواست که خواهان

مرگ شوند؟



کارخانه‌گی

به اختیار خود در مورد یکی از موضوعات آتی مقاله بنویسید که از ده سطر کمتر نباشد:

۱- تقاضای ایمان آن است که از اوامر خداوند متعال اطاعت نماییم.

۲- این جهان بسان دهلیزی است که باید از آن گذشت نه آنکه آنرا قرار گاه گرفت.

آیه (۹۷-۹۸) سوره بقره

﴿قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ
(۹۷) مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ (۹۸)﴾

معنای کلمات

{عَدُوًّا}	دشمن.
{جِبْرِيلَ}	فرشته ای که مسئولیت نازل کردن وحی را بر پیامبران الهی داشت.
{نَزَّلَهُ}	فرو فرستاد آنرا.
{مُصَدِّقًا}	تأیید کننده.
{بُشْرَى}	مژده، خبر خوش.
{مِيكَالَ}	یکی از فرشتگان است که وظیفه نازل کردن باران را به عهده دارد.

ترجمه آیات

بگو کسی که دشمن جبرئیل است [در واقع دشمن خداست] چرا که او به فرمان خدا قرآن را بر قلبت نازل کرده است در حالی که مؤید است آنچه پیش از آن بوده [از کتابهای آسمانی] و هدایت و بشارتی است برای مؤمنان (۹۷) هر که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل است پس [بداند که] خدا یقیناً دشمن کافران است (۹۸)

تفسیر مختصر

﴿قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ...﴾ این آیات دلیل دیگری از دلایل یهودیان را که بحیث بهانه بر عدم ایمان شان بر قرآن کریم پیش کرده بودند، به بحث می گیرد و باطل می گرداند و آن این که یهودیان می گفتند: فرشته وحی را بر محمد نازل میکند؛ یعنی جبرائیل - علیه السلام - دشمن

ما ست؛ لذا ایمان نمی‌آوریم. پس الله - جل جلاله - جهت ابطال عقیده نادرست شان توبیخا این آیات را نازل فرمود: بگو کسی که دشمن جبرئیل است [در واقع دشمن خداست] چرا که او به فرمان خدا قرآن را بر قلبت نازل کرده است در حالی که مؤید [کتابهای آسمانی] پیش از آن و هدایت و بشارتی برای مؤمنان است.

پس هر شخصی که با جبرائیل - علیه السلام - دشمنی می‌ورزد در حقیقت با وحی الهی که شامل تورات نیز است دشمنی می‌کند، اگر ایشان از عدالت کار می‌گرفتند باید با جبرائیل - علیه السلام - محبت می‌داشتند، و از وی سپاسگزاری می‌کردند؛ چونکه قرآن کریم در حالی نازل شده که تمام کتب آسمانی قبلی مانند: تورات و انجیل را تصدیق میکند؛ کتابی است که بشریت را بسوی توحید، عبادات و اخلاق نیکو یکسان دعوت میکند، کتابی است که با کتب سماوی قبلی تطابق داشته و انسانیت را از گمراهی نگه میدارد.

عبارت قرآنی ﴿عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ این حقیقت را روشن می‌سازد که سبب تمکن و توانایی پیامبر ﷺ بر تلاوت قرآن کریم آن است که خداوند آن را در قلب وی تثبیت کرده بود. و این که تثبیت قرآن در قلب پیامبر به اذن و اجازه الهی رخ داده است، نه به خواست محمد - صلی الله علیه وسلم - پس عاقل کسی است با جبریل محبت ورزد که پیام الهی را بی کم و کاست به پیامبر الهی رساند.

مقصد از جمله ﴿مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ﴾ آن است که قرآن تصدیق کننده و مؤید کتاب‌هایی است که پیش از آن نازل گردیده بودند، و همه به توحید، پیروی از حق و عمل نیک فرا می‌خواندند و در آن‌ها پیرامون شخصیت و نبوت پیامبر اسلام - صلی الله علیه وسلم - بشارت‌ها داده شده بود. خداوند از یهود می‌خواهد که به قرآن ایمان آورند؛ زیرا که آنچه در قرآن آمده تأیید کننده تورات است.

و مقصد از عبارت ﴿وَهُدًى وَبُشْرَى لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ آن است که قرآن کریم هدایت کننده به سوی راه رستگاری و نجات از گمراهی‌ها و بدعت‌هاست. عاقل آنست که هدایتی را که بخاطر رهنمایی او آمده رد نکند. آنچه را که حضرت جبریل - علیه السلام - نازل فرموده مژده دهنده مؤمنان است که آن‌ها را به

رضایت خداوند متعال بشارت می‌دهد و از غضب او تعالی می‌ترсанд.

﴿مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ...﴾ خداوند متعال در این آیه تأکید می‌کند که هر که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل، که تمام شان به امر وی به وظائف شان گماشته شده اند، است، بداند که خدا یقیناً دشمن کافران است. چونکه دشمنی با آنانی که حکم الله - جل جلاله - را پیاده می‌کنند در حقیقت دشمنی با ذات خداوند است و خداوند با دشمن خویش دشمنی خواهد کرد و در نتیجه آن‌ها را به جزای اعمال شان گرفتار خواهد نمود و در کام دوزخ فرو خواهد برد.



در مورد اینکه جبرائیل و میکائیل کی‌ها هستند و وظائف شان چیست و چرا بطور خاص نامهای شان در آیات این درس آمده است با یکدیگر بحث و گفتگو نمایید.

فواید درس

قسمتی از درس و اندرزهای آیات مبارکه این درس قرار ذیل است:

★ مؤمن حقیقی کسی است که به خداوند و فرشتگان و پیامبران و روز آخرت ایمان راسخ داشته، و در میان هیچ یک از فرشتگان و پیامبران فرق و تفاوتی قایل نباشد.

★ هر عملی را که انسان انجام می‌دهد، در نفس وی اثری را برجای می‌گذارد؛ اگر عمل نیک انجام داد سبب تزکیه نفسش می‌گردد و اگر عمل زشت مرتکب شد، باعث زشتی و فساد آن می‌شود، و در نتیجه یا در آخرت به سعادت می‌رسد و یا در چاه شقاوت فرو می‌افتد.

★ خدای متعال دشمن کافران است؛ لذا واجب است که انسان مسلمان نیز با کفار بخاطر کفر شان دشمنی داشته باشد نه دوستی.



- (۱) یهودیان با کدام فرشته الهی دشمنی داشتند؟
- (۲) مطلب این عبارت قرآنی ﴿عَلَىٰ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ چیست؟
- (۳) این عبارت قرآنی ﴿مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ﴾ را چگونه تفسیر می‌کنید؟
- (۴) جمله ﴿وَهَدَىٰ وَبُشِّرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ کدام معنی را به ما می‌رساند؟
- (۵) خداوند متعال با کدام گروه از مردم اعلان دشمنی کرده است؟
- (۶) حکمت ذکر دو ملک بطور مشخص (جبرائیل و میکائیل) بعد از ذکر ملائک چیست؟



کارخانه‌گی

یک مقاله کوتاه درمورد ایمان به فرشتگان بنویسید که در آن مقام و منزلت آنان نزد خداوند و وظایف آنها روشن شده باشد.

آیه (۹۹-۱۰۱) سوره بقره

﴿وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ﴾ (۹۹) ﴿أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (۱۰۰) ﴿وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (۱۰۱) ﴿

معنای کلمات

- {آيَاتِ} نشانه ها، آیات قرآن کریم.
- {بَيِّنَاتِ} واضح و روشن.
- {الْفَاسِقُونَ} کسانی که از مقتضیات ایمان و عمل نیک بیرون باشند.
- {عَاهَدُوا} پیمان بستند، عهد کردند.
- {نَبَذَهُ} ترکش نمود، به آن بی توجهی کرد.
- {مُصَدِّقٌ} تأیید کننده، تصدیق کننده.

ترجمه آیات

و همانا بر تو آیاتی روشن فرو فرستادیم و جز فاسقان [کسی] آنها را انکار نمی‌کند (۹۹) و مگر نه این بود که [یهود] هر گاه پیمانی بستند گروهی از ایشان آن را دور افکندند بلکه [حقیقت این است که] بیشترشان ایمان نمی‌آورند (۱۰۰) و آنگاه که فرستاده‌ای از جانب خداوند برایشان آمد که آنچه را با آنان بود تصدیق می‌داشت گروهی از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت سر افکندند چنانکه گویی [از آن هیچ] نمی‌دانند (۱۰۱)

سبب نزول

در مورد سبب نزول آیه مبارکه (۹۹) ابن ابی حاتم از ابن عباس - رضی الله عنهما - نقل کرده، که

عبدالله بن صوريا یکی از سران یهود مدینه به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گفت: تو به ما چیزی نیاوردی که مفهوم باشد و نه الله - جل جلاله - بر تو چیزی نازل کرده که نشانه آشکار بر قدرتش باشد. در رد بر این افترای بزرگ او این آیه مبارکه نازل گردید: ﴿وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ...﴾.

تفسیر مختصر

﴿وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ...﴾ خداوند متعال پیامبر بزرگوار خویش را مخاطب قرار داده می‌فرماید: (ای محمد!) بر تو آیات و دلایل روشنی (قرآن کریم) را فرو فرستادیم؛ قرآنی که در برگیرنده نشانه‌های بزرگ قدرت ماست؛ البته این یک معجزه واضح و بزرگ پیامبر علیه السلام به شمار می‌رود و به هیچ تأیید و توضیح دیگری نیاز ندارد تا بر صدق آن دلالت نماید. پس چیزی که خود واضح و روشن است، شایسته تر به قبول و پذیرش است نسبت به کتابی که نیاز به توضیح و بیان دارد.

در قسمت بعدی آیه مبارکه می‌فرماید: ﴿وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ﴾ به این کتاب جز فاسقان و کور دلانیکه به راه هدایت نبرده اند کافر نمی‌گردند.

﴿أَوَكُلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ...﴾ این آیه مبارکه به دو نکته اشاره می‌نماید: یکی آن که یهود قومی است، هر گاه پیمان ببندند، گروهی از ایشان آن را دور می‌افکنند و نقض پیمان می‌کنند. پس اعتماد بر آن‌ها درست نیست، و هیچ فایده ای ندارد. چرا که آن‌ها بار بار پیمان‌های خود را شکستانده اند.

دوم آن که یهود قوم حسد پیشه و عنادگر اند؛ پس از آن‌ها، نباید توقع داشت که به پیامبر - علیه السلام - و قرآن کریم ایمان بیاورند؛ چون که بی‌راهی و سرپیچی از اوامر الله - جل جلاله - قلب‌های آن‌ها را در پرده ای از تاریکی در هم پیچیده است و به سوی هدایت و ایمان راه نمی‌یابند.

﴿وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ...﴾ الله متعال در این آیت کریمه می‌فرماید: و هنگامی که محمد - صلی الله علیه وسلم - همراه با قرآن به آن‌ها فرستاده شد در حالی که آنچه را که تورات از قبیل اصول ایمانی، بشارت به آمدن آن حضرت و اوصافش، بیان کرده بود، احتوا می‌کرد، یهودان

همان جزء تورات را که به آمدن حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - مژده می‌داد و به ایمان به او دستور می‌داد، ترک نمودند. در این قسمت از آیه مبارکه ﴿نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ﴾ حالت ترک عمل به تورات به حالت کسی تشبیه شده که چیزی را پشت سر افگند؛ پس در این جمله مشبه حذف شده و مشبه به باقی مانده است؛ چنانچه معلوم است که ترک یک جزء کتاب خداوند بسان آن است که همه اش ترک شده باشد. الله متعال در قسمت اخیر این آیه می‌فرماید: ﴿كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ یعنی: آن‌ها کتاب خداوند را ترک نمودند و پشت سر گذاشتند، انگار که نمی‌دانند که آن کتاب خداوند است. در واقع آن‌ها کتاب خداوند را از روی جهل ترک نکرده بودند بلکه از روی عناد و خود بزرگ بینی ترک کرده بودند.



در مورد چگونگی وضوح آیات قرآنی و دلالت کامل آن بر اینکه مرجع فرو فرستنده آنها جز ذات یگانه خداوند هیچ کسی دیگر نیست با یکدیگر بحث و گفتگو نمایید.

فواید درس

- گوشه از ارشادات و فوایدی که از خلال این آیات دانسته می‌شود قرار ذیل است:
- ★ قرآن کریم یک معجزه واضح و آشکار است، که دلایل صدق و درستی آن در آیات آن نهفته است.
- ★ وفا به عهد و نگهداری پیمان، از صفات مؤمنان است. پس مؤمن واقعی کسی است که برخلاف اوصاف یهودان و منافقان، راستگو باشد و به وعده خویش وفا نماید.
- ★ تمام پیامبران قبلی، از بعثت محمد - صلی الله علیه وسلم - خبر داده، و قرآن کریم به این حقیقت تأکید ورزیده است؛ پس هر فرد مکلف است که به آن حضرت - صلی الله علیه وسلم - ایمان آورد.



- (۱) الله - جل جلاله - چگونه بر یهودیانی که به قرآن کریم ایمان نمی آورند، رد می نماید؟
- (۲) این آیات، کسانی را که به آیات الهی ایمان نمی آورند، چگونه توصیف می نماید؟
- (۳) آیات درس به دو نکته که مبین اوصاف یهودند اشاره می نماید، آن دو نکته چیست؟
- (۴) معنای ﴿تَبَذَّ فَرِيقٌ﴾ و ﴿وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ﴾ چیست؟
- (۵) هنگام نزول قرآن کریم و بعثت پیامبر - علیه السلام - قوم یهود چه عکس العملی نشان داد؟
- (۶) آیا قوم یهود همه تورات را پشت سر افگندند؟ توضیح دهید.



کارخانه‌گی

یک مقاله بنویسید و نشان دهید که قبایل یهود ساکن در مدینه: (بنی قینقاع، بنی نضیر، بنی قریظه) چگونه پیمان خود را با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نقض کردند؟

آیه (۱۰۲-۱۰۳) سوره بقره

﴿وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّحْرَ وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۱۰۲﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۱۰۳﴾﴾

معنای کلمات

{اتَّبِعُوا}	پیروی کردند.
{عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَانَ}	در سلطنت سلیمان، در سرزمین سلیمان، در زمان سلیمان - علیه السلام.
{بَابِلَ}	نام شهری است در عراق.
{هَارُوتَ وَمَارُوتَ}	نام‌های دو فرشته.
{يُفَرِّقُونَ}	جدایی می‌افکنند، اختلاف می‌آفرینند.
{بِضَارِّينَ}	ضرر رساننده.
{اشْتَرَاهُ}	آن را گرفت و بدان عمل نمود.
{فِتْنَةٌ}	ابتلاء و آزمون.
{شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ}	نفس‌های خود را فروختند.
{لَمَثُوبَةٌ}	پاداش، صواب.

ترجمه آیات

و پیروی کردند آنچه را که شیطان‌ها در سلطنت سلیمان خوانده بودند و سلیمان کفر نورزید لیکن آن شیطانها به کفر گراییدند، به مردم سحر می‌آموختند و [نیز از] آنچه بر آن دو فرشته هاروت و ماروت در بابل فرو فرستاده شده بود [پیروی کردند] با اینکه آن دو [فرشته] هیچ کس را تعلیم [سحر] نمی‌کردند مگر آنکه [قبلا به او] می‌گفتند ما [وسیله] آزمایشی [برای شما] هستیم پس زنهار کافر نشوید و آنها از آن دو [فرشته] چیزهایی می‌آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند هر چند بدون فرمان خدا نمی‌توانستند به وسیله آن به احدی زیان برسانند و چیزی می‌آموختند که برایشان

زیان داشت و سودی بدیشان نمی رسانید و قطعاً دریافته بودند که هر کس خریدار این [متاع] باشد در آخرت بهره‌ای ندارد. و هر آینه بد چیزست آنچه فروختند عوض وی خویشتن راکاش می‌دانستند (۱۰۲) اگر آنها ایمان آورده و پرهیزگاری کرده بودند قطعاً پاداشی [که] از جانب خدا [می‌یافتند] بهتر بود اگر می‌دانستند (۱۰۳)

تفسیر مختصر

﴿وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَانَ...﴾ آیات گذشته به این اشاره داشت که قوم یهود کتاب خداوند را پشت سر نهادند و در قسمت نخست این آیه مبارکه اشاره به این امر است که آن قوم (یهود) نه تنها اینکه کتاب خدا (تورات) را که بیان کننده صفات نبی آخر الزمان بود پشت سر انداختند؛ بلکه از چیزی متابعت و پیروی کردند که شیطانان در عهد سلیمان - علیه السلام - بر آنها القا نموده بودند و دروغ بافی و افترا کرده بودند. مقصد از «شیاطین» همانا شیطان‌های جنی و انسی می‌باشند. شیطان‌ها بعد از رحلت سلیمان - علیه السلام - مجموعه‌ای از اوراق و کتاب‌های سحری را جمع آوری کرده بودند و بین مردم این شایعه را ایجاد نموده بودند که سر پادشاهی بزرگ سلیمان در تعلیماتی نهفته است که در لابلاهای این کتابهاست که اصل آنها از سحر و جادو سرچشمه میگیرد گویا سلیمان نیز - العیاذ بالله - یک جادو گر بود و به وسیله سحر توانسته بود که جن و پرنده گان و حیوانات را تسخیر نماید دیگر اینکه میگفتند: قوت و سر سلطنت سلیمان - علیه السلام - در نگین انگشترش نهفته بود.

آمده است که حضرت سلیمان علیه السلام شماری از کتابهای سحری را برای جلوگیری از شیوع آنها زیر تخت خویش پنهان کرده بود؛ اما بعد از وفات وی شیاطین همان کتاب‌ها را کشیده و به مردم چنان جلوه میدادند که تخت سلیمانی به اساس سحر بنا شده بود و پرواز او در هوا و حتی تمام اختیاراتش جز سحر و جادو چیز دیگری نبود و گروهی از شیاطین مدعی این بودند که سلیمان پیغمبر در اواخر عمر خود از اسلام روی گردانیده بود و به پرستش بتها روی آورده بود، و برای بت پرستی پرستشگاه‌هایی هم بنا کرده بود، یهودیان شائعات نادرست و تهمت‌های شیطانی شیطان‌های جنی و انسی را پذیرفته بودند و یهود زمان پیغمبر نیز با عدم ایمان به پیغمبر خدا در راه گذشته گان خویش روان شدند. این آیات نازل شد تا اولاً کج روی یهود را بیان دارد و ثانیاً تهمت‌های دروغین را از دامن مقدس و پاک حضرت سلیمان - علیه السلام - بزدايد و ساحت آن حضرت را از هر عیب و تهمتی صفایی بخشد.

﴿وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ...﴾ خداوند متعال در این قسمت از آیت این را بیان می‌دارد که، حضرت سلیمان - علیه السلام - کفر نورزیده بود، و نه به سحر روی آورده،

بلکه آن چه به او نسبت داده شده همه بهتان و دروغ است و شیطان‌ها خود کفر ورزیدند و از راه خداوند بیرون شدند، و همان‌ها اند که به مردم سحر و جادو می‌آموزند، و آن‌ها را وسوسه می‌نمایند تا به یاد گیری سحر روی آورده و به راه حق پشت گردانند.

﴿وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ...﴾ این قسمت از آیت مبارکه به دو گونه می‌تواند تفسیر شود اول اینکه همان شیطان‌ها که به کفر گراییدند، به مردم سحر می‌آموختند و به آن‌ها همچنان چیزی را تعلیم می‌دادند که در بابل بر هاروت و ماروت نازل گردیده بود. دوم اینکه یهودیان همچنانکه متابعت توطئه و دسیسه‌های شیاطین را کردند متابعت همان سحر را نیز نمودند که بر هاروت و ماروت جهت تفریق میان سحر و معجزه نازل گردیده بود و آنها مردمان را بقصد اصلاح عقاید تعلیم میدادند نه بقصد عمل و اعتقاد.

بابل، شهری است در عراق، اهل آن به سحر عادت داشتند، و ساحران آن، سحر را بحیث وسیله برای زیر تأثیر آوردن عامه مردم بکار می‌گرفتند، و سپس آن‌ها را وادار می‌کردند که بت‌ها و ستاره گان را به پرستش بگیرند.

هاروت و ماروت، نام دوفرشته است؛ خداوند آن‌ها را مکلف ساخته بود که به مردم سحر بیاموزند تا ایشان درک نمایند که کارسحر امر دشواری نیست، بلکه خیلی آسان است، سحر با وجود تاثیراتیکه از خود بجای میگذارد؛ اما حقیقت اشیا را تبدیل نمی‌تواند بلکه یک سلسله ظواهر تغییر می‌یابد، سحر هیچ گاه به منزله معجزات نمی‌رسد که پیغمبران با خود آوردند، مردم نباید تابع و مطیع سحر و ساحران شوند و عمل سحر را جایز بدانند، این عمل عمل کفری است نه عمل مباح. درحقیقت نزول و تعلیم آن دو فرشته آزمایشی برای مردم بود. آن دو فرشته که به صورت انسان در بابل پایین شده بودند در کنار آن که مردم را سحر تعلیم می‌دادند، در عین حال به آن‌ها نصیحت می‌کردند: ما که به شما انواع سحر را می‌آموزیم به این خاطر است که میان انسان‌های درستکار و بد کردار تشخیص به میان آید و این سحر آموزی آزمایشی بیش نیست، و هرکسی که به سحر عمل کند از راه راست به گمراهه افتاده است و هر که از آن خود داری نماید راه هدایت را بر گزیده است.

﴿فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ...﴾ این قسمت از آیت مبارکه به گوشه از آموزه‌های سحری اشاره دارد که مردم از آن دو فرشته چه چیزها را می‌آموختند؟ از آن جمله این بود که چگونه میان زن و شوهر تفرقه بیفکنند.

﴿وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ...﴾ خداوند متعال بعد از حکایت سحر، می‌فرماید: آن‌ها از هیچ

قدرت و توانی برخوردار نیستند، و کارهای به ظاهر خارق العاده آنها، چیزی واقعی نیست بلکه تاثیراتی می باشد که خداوند در بسیاری از امور کونی قرار داده است که بعضی ظاهر و بعضی کمی مخفی تر اند؛ پس لازم است که مردم بدانند، ضررهایی که به سبب سحر به کسی می رسد در حقیقت به مشیئت خداوند است، ذاتیکه هم اسباب آن را آفریده وهم مسببات آن رامهیا گردانیده است؛ لذا هر کاری به اذن و اراده الهی صورت می گیرد، هرچه را خواست همان می شود؛ پس آنانی که می خواهند به سبب سحر به کسی اذیت و آزار برسانند به آن کار دست نخواهند یافت جز زمانی که اراده الهی رفته باشد.

﴿وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ...﴾ آنانی که سحر را یاد می گیرند در واقع امر چیزی را فرا می گیرند که به خود شان مضر تمام می شود و هیچ نفعی در پی نخواهد داشت. در سحر ضرر کامل نهفته است و هیچ نوع فایده ای در آن وجود ندارد. ما امروزه می بینیم کسانی که سحر را به حیث یک حرفه بکار می گیرند آن ها از همه مردم فقیرتر و تنگدست تر اند و همه مردم به آن ها به دیده حقارت می نگرند. عاقل کسی است که بداند شخص بدبخت نمی تواند به شخص دیگری سعادت و خوشبختی ببخشد، زیرا کسی که خود چیزی را در دست نداشته باشد به کس دیگری نیز نمی تواند بخشید. ساحران که خود بد بخت اند، چگونه می توانند به دیگران سعادت بیاورند؟ این حال شان در دنیا است و در آخرت حال بد تر وزشت تری خواهند داشت. خلاصه اینکه باید ایمان داشت که ساحران بدون اذن الله متعال به کسی ضرر و یا فایده رسانده نمی توانند.

در قسمت دیگر آیه مبارکه آمده است: ﴿وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ﴾ گروه یهود دانستند، آنهایی که کتاب شان را رها کردند و از سحر پیروی نمودند و اندوخته های سحر آمیز را بر آنچه بر آن ها از اصول و مبادی و سعادت دنیوی و اخروی نازل گردیده بود، ترجیح دادند، آن ها را در آخرت هیچ نصیبی از نعمت و بهشت نخواهد بود؛ زیرا که آنها راه گمراهی را اختیار نمودند، در حالی که می دانستند که تورات یاد گیری سحر و جادو و تعلیم آن را بر آنها حرام قرار داده و بر مرتکبین آن عقوبت شدیدی در نظر گرفته است.

﴿وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ...﴾ خداوند متعال در قسمت اخیر آیه می فرماید: چقدر بد است آن سحری که در بدل آن خود شان را فروختند. خداوند در این مقطع آیت، از فروختن ایمان به فروختن نفس تعبیر کرده است؛ زیرا که نفس بخاطر معرفت خداوند و عمل به دین او آفریده شده است؛ یعنی: اگر آن ها از حرام بودن سحر آگاهی می داشتند آنهم به گونه ای که در نفس آن ها اثر نیک خود را بر جای می گذاشت، هرگز مرتکب ساحری نمی شدند، و بر آن اصرار نمی ورزیدند. نخست خداوند

متعال آن‌ها را به علم داشتن وصف نموده ﴿وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ﴾ سپس از آن‌ها علم را نفی نموده است، زیرا کسی که به مقتضای آنچه می‌داند عمل نکند مانند کسی است که نسبت به آن، علم نداشته باشد و جاهل باشد.

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ...﴾ خداوند متعال در آیه اخیر این درس می‌فرماید: اگر آنها به کتاب خود ایمان استوار می‌داشتند که در آن بشارت‌های زیادی به آمدن حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - آمده است، و متابعت و پیروی از اوامر آن را بر خود لازم می‌دانستند، و اگر آنها از خداوند ترس و هراس در دل راه می‌دادند و به آنچه در آن آمده عمل می‌کردند، و از آنچه که نهی صورت گرفته خود داری می‌ورزیدند؛ حتماً خداوند به آنها پاداشی بزرگ نصیب می‌فرمود؛ پاداشی که از آنچه آن‌ها توقع می‌کنند بهتر است. آیه مبارکه بر این دلالت دارد که کمترین پاداش اخروی برای کسی که ایمان داشته باشد و از خدا بهراسد از نعمت‌های گوناگون و زیاد این دنیای فانی برتر و با ارزش تر است.

تذکر

در مورد هاروت و ماروت گفته‌های کم و بیش زیادی نقل شده مبنی بر اینکه ملائکه بر عصیان بنی آدم اعتراض داشتند امر بر این شد که شما دوتن را از بین خود انتخاب کنید تا ما آنها را به لباس بنی آدم ملبس بسازیم و صفات بنی آدم را اعم از حرص و آز و شهوت و نفس بر آنها مسلط سازیم ایشان این دو فرشته را بر گزیدند و آنها به زمین فرود آمده بسا اعمال نامناسب را مرتکب شدند و بالاخره به جزای سخت مبتلا گردیدند، این گفته‌ها به وضوح مخالف آیاتی اند که عصمت ملائکه و پاکی شان را از گناهان و معاصی به اثبات می‌رسانند و چون در این روایات دقت صورت گیرد آنچنانکه علامه ابن کثیر و مفسرین دیگر فرمودند به مراجع اسرائیلی (مرویات یهود و نصارا) بر میگردند که در اصطلاح مفسرین به آنها اسرائیلیات گفته می‌شود و از صحت و حقیقت بر خوردار نیستند.



در یک بحث آزاد صنفی در مورد فرق میان معجزه و سحر، به همکاری استاد محترم گفتگو نموده خلاصه مناقشات خویش را در چند نکته ابراز کنید.

فواید درس

- از آیات مبارکه این درس مجموعه از فواید و اندرزها به دست می‌آید که برخی قرار ذیل اند:
- ★ تمام پیامبران الهی به شمول سلیمان - علیه السلام - از تمام گناهان پاک هستند.
 - ★ بدون اذن و مشیت خداوند متعال نه فایده ای برای انسان متصور است و نه ضرری، و هیچ کسی نمی‌تواند به دیگری نفع یا ضرری برساند جز همان که خداوند در حق بنده نوشته باشد.
 - ★ امتحان و آزمایش یک سنت الهی است تا میان انسان‌های فرمان بردار و انسان‌های نافرمان تفریق صورت گیرد.
 - ★ سحر و ساحری به انسان ضرر می‌رساند. بناءً رفتن به نزد ساحران و کمک خواستن از آنها در شریعت اسلام جواز ندارد و گناه بزرگ به شمار می‌رود.
 - ★ سحر عملی است که انسان را گمراه ساخته و در لجن زار کفر و شرک فرو می‌افکند.
 - ★ از نظر بسیاری علما ساحری کفر است؛ پس نباید به این چنین کاری روی آورد که عاقبتی بس زشت و نکتب بار دارد و انسان را از دایره ایمان بیرون می‌آورد.



- (۱) معانی کلمات و جملات آتی را بیان دارید:
- {و اتبعوا} {ماتتلوا الشیاطین} {علی ملک سلیمان} {إنما نحن فتنة}
- (۲) شیاطین در زمان سلیمان - علیه السلام - کدام تبلیغات دروغین را پخش کرده بودند؟
- (۳) هاروت و ماروت کی بودند و به مردم چه چیز نشان میدادند؟
- (۴) در باره شهر بابل چه می‌دانید؟
- (۵) آیا سحر در بدن انسان تأثیری دارد؟ با دلیل روشن سازید.
- (۶) عمل به سحر و گذاشتن کتاب الله - جل جلاله - چه پی‌آمدی دارد؟



کارخانه‌گی

در باره اضرار جادو مقاله بنویسید که از هشت سطر کم نباشد.

آیه (۱۰۴-۱۰۵) سوره بقره

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (۱۰۴) مَا يَوَدُّ
الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ
يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿۱۰۵﴾

معنای کلمات

{رَاعِنَا}	به ما گوش فرا بده، سخنان ما را بشنو، به ما توجه کن.
{انظُرْنَا}	به ما مهلت بده.
{يَوَدُّ}	دوست می‌دارد، می‌خواهد و تمنی واقع شدنش را دارد.
{يُنَزَّلُ}	فرود آورده شود، نازل کرده شود.
{يَخْتَصُّ}	خاص می‌گرداند.

ترجمه آیات: ای کسانی که ایمان آورده اید، نگویید "راعنا" (به سخن ما گوش بده) بلکه بگویید: "انظرنا" (به ما مهلت بده و توجه کن) و [سخنان پیامبر را] بشنوید، و کافران را عذابی درد ناک است (۱۰۴) دوست نمیدارند آنانکه کافر شدند از اهل کتاب و نه مشرکان که فرود آورده شود بر شما هیچ نیکی از پروردگار شما و خدا مخصوص می‌کند به پخشایش خود هر که را خواهد و خدا صاحب فضل بزرگ است (۱۰۵)

تفسیر مختصر: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا...﴾ در بین صحابه کرام معمول شده بود که هر گاه میخواستند توجه رسول خدا را به خود جلب کنند یا قصد داشتند در موضوعی با جناب ایشان بحث و گفتگو کنند میگفتند: «راعنا» یعنی به ما گوش بده و به سخنان ما توجه کن، یا به ما مهلت بده تا آنچه از علم به ما می‌آموزی حفظ و تکرار نماییم. وقتی یهودیان ملتفت شدند از این تعبیر، سوء استفاده نموده آن حضرت ﷺ را مخاطب قرار داده می‌گفتند: ﴿راعنا یا أبا القاسم﴾ آنها در ظاهر چنین جلوه می‌دادند که مانند صحابه کرام خواهان مهلت و توجه اند، اما در حقیقت منظور شان چیز دیگری بود؛ زیرا این کلمه را با اضافه نمودن یاء «راعنا» تلفظ نموده بمعنی راعی الغنم یعنی گوسفند چران ما میگرفتند، و یا به رعونت توجیهش می‌کردند که بمعنی احمقی و ساده لوحی می‌آید. از این روی بود که خداوند متعال مؤمنان را از استعمال کلمه «راعنا» نهی فرمود و دستور داد که به جای آن کلمه «انظرنا» را استعمال نمایند. و فرمود: ﴿وَقُولُوا انظُرْنَا﴾ و بگویید که به ما مهلت بده نظر داشته باش، این تعبیر معنی و مفهوم کلمه «راعنا» را می‌رساند ولی در کنار آن احتمال معنای دیگری را ندارد که یهود از آن استفاده سوء کنند. بعد از آن خدای متعال به مؤمنان دستور می‌دهد: ﴿وَاسْمَعُوا﴾ بشنوید، یعنی: از اوامر خداوند پیروی کنید، و مانند یهود نباشید که می‌گفتند: شنیدیم و عصیان کردیم. جزء اخیر آیه کریمه: ﴿وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ اشاره بر این دارد که بی حرمتی به پیغمبر اسلام موازی با کفر است خصوصا در صورتیکه قصدا و عمدا باشد؛ همچنان اشاره بر این دارد که این عده از کسانی که عملا این کار زشت را مرتکب می‌شوند؛ یعنی یهودیان کافر اند و به اراده خویش این کفر را برگزیدند چرا که به رسول بر حق خدا تمسخر نمودند پس عذاب سخت و درد ناک خداوند منتظر ایشان است. ﴿مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ...﴾ اهل کتاب (گروه‌های یهودی و نصرانی) و مشرکان، به هیچ وجه دوست ندارند که از طرف پروردگارتان به شما خیری نازل گردد؛ زیرا که آنها نسبت

به شما حسد و بدبینی دارند.

خیری که در این آیت از آن یاد شده قرآن کریم است، قرآن کریم در واقع بزرگ‌ترین نعمت‌ها می‌باشد، که خداوند متعال بدان انسان‌های مؤمن را از تاریکی‌های جهل و بت پرستی بیرون آورد و به نور ایمان و هدایت رهنمایی کرد، و امور زنده‌گی شان را نظم بخشید، به ایشان وحدت و یکپارچه‌گی نصیب فرمود و بدین وسیله عزت دنیا و آخرت را از آن‌ها ساخت. وقتی یهودیان نگاه کردند که این همه نعمت بزرگ بر کس دیگری غیر از یهودان نازل می‌گردد در مقابل آن‌ها حسد ورزیدند؛ زیرا آن‌ها توقع داشتند که پیامبر خاتم از میان یهودیان برگزیده خواهد شد و کتاب هم بر آن‌ها نازل خواهد گردید؛ ولی خداوند متعال در آخر این آیت مبارکه به توقع نادرست آن‌ها رد نموده و جهل و نادانی شان را برملا می‌گرداند: ﴿وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ خداوند متعال هر که را بخواهد از فضل و مرحمت و نبوت خویش برخوردار می‌گرداند، او تعالی است که به بنده گان خویش نبوت می‌بخشد و رسالت می‌دهد و کامیابی نصیب می‌فرماید و هدایت می‌کند، هیچ کسی حق ندارد که از او تعالی انتقاد نماید و در برابر کسی که مورد رحمت وی قرار گرفته و برگزیده شناخته شده حسد ورزد و اگر چنین کند هیچ سودی را کمایی نخواهد کرد؛ زیرا اختیارات و کلیدهای هر گونه فضل فقط نزد خداست و بس. پس هیچ قدرتی به جز او تعالی توان بخشش یا سلب آن را ندارد.



فعالیت:

در مورد ارزش و اهمیت قرآن مجید از نواحی مختلف، بحث و گفتگو نموده نتایج آن را درج کتابچه‌های خویش نمایید.

فوائد درس: قسمتی از فواید و اندرزهای آیات این درس قرار ذیل اند:

- ★ کسی که با پیامبر ﷺ اساءت ادب نماید در واقع با خداوند اساءت ادب کرده است؛ زیرا که پیامبر ﷺ فرستاده او تعالی است و هر آنچه می‌گوید از جانب پروردگار است.
- ★ باید از حسد پرهیز نمود؛ زیرا حسد سبب تباهی دنیوی و اخروی شخص حاسد می‌شود.
- ★ وجوب احترام پیامبر ﷺ و پاس داشتن مقام بزرگ ایشان.



سؤالا

- (۱) این عبارت ﴿لَا تَقُولُوا رَاعِنَا﴾ چه معنی دارد و یهودیان از این جمله چگونه سوء استفاده می‌نمودند؟
- (۲) فرق میان «راعنا» و «انظرنا» چیست؟
- (۳) منظور از عبارت ﴿وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ چیست و کدام گروه اند که به عذاب الهی مبتلا می‌گردند؟
- (۴) مفهوم ﴿مَا يَوْذُ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ در آیت دوم چیست؟
- (۵) خیری که در آیه دوم از آن یاد شده چیست و چطور می‌توان خیر بودن آن را به اثبات رساند؟
- (۶) خداوند متعال چگونه یهود و تصورات غلط شان را رد می‌نماید؟ و در این رابطه چه تعبیری به کار رفته است؟



کارخانه‌گی

با استفاده از نخستین آیات کریمه قرآن کریم در مورد عظمت مقام حضرت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و وظیفه مسلمان در قبال ایشان مقاله بنویسید که از ده سطر کم نباشد.



آیه (۱۰۶-۱۰۸) سوره بقره

﴿ مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلِهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴾ (۱۰۶)
 أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴾ (۱۰۷) أَمْ
 تُرِيدُونَ أَن تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ وَمَن يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ
 السَّبِيلِ ﴾ (۱۰۸)

معنای کلمات

- {نَنْسَخْ} نسخ: در لغت؛ نقل و ازاله و دور کردن را گویند، و در اصطلاح: رفع کردن و دور نمودن حکمی شرعی به سبب حکم شرعی دیگری که بعد از آن آمده باشد.
- {نُنسِهَا} فراموش می گردانیم.
- {وَلِيٍّ} کارساز، سرپرست.
- {أَمْ تُرِيدُونَ} آیا می خواهید؟
- {ضَلَّ} گمراه شده.
- {سَوَاءَ السَّبِيلِ} راه درست، راه مستقیم.

ترجمه آیات

هیچ آیتی را نسخ نمی کنیم یا آن را به [دست] فراموشی نمی سپاریم مگر اینکه بهتر از آن یا ماندنش را می آوریم، مگر ندانستی که خدا بر هر کاری تواناست (۱۰۶) مگر ندانستی که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست و شما جز خدا سرور و یاورى ندارید (۱۰۷) آیا می خواهید از پیامبر خود همان را بطلبید که قبلاً از موسی خواسته شد و هر کس کفر را با ایمان عوض کند مسلماً از راه درست گمراه شده است (۱۰۸)

سبب نزول

در روایات آمده که یهود و مشرکین اعتراض می کردند که: عجب است! محمد یک بار به یاران خود دستور عمل کردن به کاری را می دهد و بعد از مدتی آنها را از کردن آن منع می کند و بر خلاف آن

فیصله می‌نماید! امروز به آن‌ها یک چیز می‌گویید و فردا چیز دیگری! این نشان می‌دهد که قرآن کتاب خدا نبوده بلکه دست ساخته خود محمد می‌باشد که میان مطالب آن اختلاف و تضاد موجود است. این آیات نازل گردید تا ادعای باطل آن‌ها را رد نماید.

تفسیر مختصر

﴿مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا...﴾ یهودیان همواره شبهه می‌آفریدند و می‌خواستند که با ایجاد شبهات خویش در مورد قرآن حقانیت آن را در ذهن تازه مسلمان شده گان زیر سؤال ببرند. آن‌ها منکر آن بودند که در قرآن هم می‌تواند نسخ رخ دهد و به جای یک آیت دیگر آیت انتخاب گردد و آن آیت نخستین از میان برداشته شود و یا حکم آن ملغی قرار گیرد؛ ولی خداوند متعال در رد آنها فرمود: ﴿مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا﴾ هیچ آیت و حکم را منسوخ نمی‌گردانیم و یا آن را از ذهن و خاطر مؤمنان بیرون نمی‌کنیم و به فراموشی نمی‌سپاریم؛ مگر اینکه ﴿نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا﴾ در بدل آن آیه بهتر و جامع تر و یا مانند آن را نازل می‌کنیم.

نسخ در اینجا به معنای پایان دادن به حکم آیه ای از آیات قرآن مجید است که در اکثر مواقع لفظ آیت باقی می‌ماند اما حکم آن منسوخ می‌شد و گاهی خود آیت نیز برداشته می‌شد. حکمت از نسخ آیات آن بود که کمال تدریجی شریعت اسلامی تقاضا می‌نمود تا مرحله به مرحله به اساس اقتضای زمان و استعداد مردم احکام دین به پایه اكمال برسد یکی از جلوه‌های این کمال تدریجی آن بود که با در نظر داشت حالات حکمی نازل گردد؛ لیکن بعد از مدتی چون مردم آماده پذیرش حکم مناسب تر و مفید تر از آن گردیدند آن حکم بر داشته شود و حکم دیگری جای گزین آن گردد، تا آنکه احکام به پایه نهایی خود رسیده و امت اسلامی قابلیت برداشت آنها را برای همیشه پیدا کند.

این در حالی بوده که خداوند متعال هم به حکم اول و مدت بقای آن بلکه به نتایج و دست آوردهای آن آگاه بوده و هم به احکام بعدی.

﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ...﴾ خداوند متعال در ختم این آیه مبارکه می‌فرماید: ((آیا ندانستی که خدا بر هر کاری تواناست، تمام کاینات در اختیار وی قرار دارد، او تعالی توانایی است که از وی هیچ کاری صادر نمی‌گردد مگر آن که به خیر بشر بوده باشد.)) پس نسخ یک حکم هم در دایره قدرت وی شامل است هر قسم و هر گاه خواسته باشد یک حکم را نسخ و در بدل آن حکم دیگری را می‌آورد. خداوند تعالی در آیه بعدی می‌فرماید: ﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ آیا ندانستی که

خداوند مالک تمام هستی و تمام آسمان‌ها و زمین است؟! و اوست که در امور تمام مخلوقات تصرف می‌کند. و هرچه بخواهد انجام می‌دهد و هرکاری را اراده نماید عملی می‌سازد. و در پایان آیه می‌آید: ﴿وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾ ((و شما جز خدا سرور و یاورى ندارید)) یعنی: ای مؤمنان! جز خداوند یکتا، شما را هیچ یاور و سرپرستی نیست تا شؤون و مصلحت‌های تان را به سامان رساند و شما را بر دشمنان تان نصرت و پیروزی بخشد؛ پس خداوند متعال این حق را دارد که حکمی را نسخ نماید و به جای آن حکم دیگری را قرار دهد.

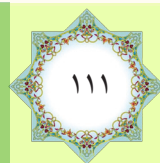
﴿أَمْ تُرِيدُونَ أَن تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ...﴾ خداوند متعال در آیه اخیر می‌فرماید: (ای مؤمنان! آیا می‌خواهید که بر پیامبر خویش فشار آورید و از وی چیزهایی را بخواهید که قوم موسی - علیه السلام - از وی می‌خواستند؟ که با این کار حالت شما با حالت یهود همانند می‌شود.) چنانچه یهود از موسی - علیه السلام - می‌خواستند که خداوند را به عیان و آشکارا به ما نشان بده. ای مؤمنان! برای شما مناسب نیست که از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - چیزهایی بخواهید که شایان یک امت مطیع و فرمانبردار نیست؛ زیرا ایمان واقعی تقاضا می‌کند که به آنچه از پیامبرتان به شما می‌رسد کاملاً تسلیم گردید، و به آنچه شما را دستور می‌دهد عمل نمایید و از آنچه شما را منع می‌نماید خود داری ورزید. سپس خداوند متعال در قسمت آخر آیت می‌فرماید: ﴿وَمَن يَتَّبِدِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾ کسی که آن آیات آشکار الهی را رها می‌کند و خواهان آیات دیگری می‌شود و از روی تکبر و دشمنی و کینه توزی درخواست‌های نا بخردانه می‌نماید، و کسی که گمراهی را در برابر هدایت می‌خواهد، و کفر را بر ایمان ترجیح می‌دهد، در واقع از راه راست و مستقیم که راه هدایت است منحرف گردیده است.

فواید درس

گوشه از فواید و ارشاداتی که از آیات کریمه استنباط می‌شود قرار ذیل است:

- ★ با آمدن دین مبین اسلام تمام ادیان آسمانی دیگر منسوخ شدند.
- ★ نسخ در احکام داخلی دین اسلام به اساس حکمت الهی، ثابت است.
- ★ آیات نسخ کننده از نگاه ثواب عمل و تکلیف، از آیات نسخ شده بهتر و گاهی هم همانند می‌باشد.

★ خداوند متعال با علم و قدرت خویش بر تمام مصالح بشریت احاطه دارد.



☆ از نشانه‌های کمال ایمان است که از اوامر رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - پیروی صورت گیرد و از نواهی او اجتناب بعمل آید.



- (۱) معنی لغوی و اصطلاحی نسخ را واضح سازید.
- (۲) معنی و مفهوم کلمه «ننسها» چیست؟ و مطلب از جمله مبارکه «نأت بخیرمنها» چه می‌باشد؟
- (۳) برای اثبات نسخ دلیلی از قرآن کریم ذکر نمایید.
- (۴) معنی آیه مبارکه ﴿وَمَنْ يَتَّبِدَلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾ را واضح بدارید.
- (۵) چرا آیه قرآنی، مؤمنان را هشدار میدهد که مانند قوم موسی - علیه السلام - نباشند؟



به کتب تفسیر و علوم القرآن مراجعه کرده در مورد نسخ اقسام آن یک مقاله بنویسید که از یک صفحه کمتر نباشد.

آیه (۱۰۹-۱۱۰) سورة بقره

﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُم مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِندِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۰۹﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۱۱۰﴾﴾

معنای کلمات

{وَدَّ} آرزو نمود. خوش داشت.

{أَهْلِ الْكِتَابِ} یهود و نصاری.

{يَرُدُّونَكُمْ} شما را باز گردانند.

{تَبَيَّنَ} واضح شد، روشن گردید.

{اصْفَحُوا} از مؤاخذه گنهکاران بگذرید.

{أَقِيمُوا} بر پا دارید.

ترجمه آیات

دوست داشتند بسیاری از اهل کتاب که کافر گردانند شمارا بعد از ایمان شما از روی حسدی که در نفس شان بود پس از آنکه واضح شد برایشان حق پس عفو کنید و درگذرید تا آنکه آرد خدا فرمان خود را هر آینه خدا بر همه چیز توانا است (۱۰۹) و نماز را بر پا دارید و زکات را بدهید و هر گونه نیکی که برای خویش از پیش فرستید آن را نزد خدا باز خواهید یافت. هر آینه خدا به آنچه می کنید بیناست (۱۱۰)

تفسیر مختصر

﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُم مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا...﴾ یهودیان - مگر عده بسیار کمی -

نسبت به مؤمنان حسد و کینه ورزی را اختیار کرده همیشه خواهان شر برای آنها می باشند. این

حالت را قرآن کریم بیان نموده می‌فرماید که یهود و نصاری با آن که حقانیت رسالت پیامبر - علیه السلام - و صدق نبوت وی را درک می‌کنند ولی؛ به سبب حسدی که در دل دارند، نه تنها آن که به محمد - صلی الله علیه وسلم - کفر می‌ورزند، بلکه در راه ایمان دیگران نیز سد واقع شده می‌کوشند تا ایشان را از اسلام خارج سازند و به ارتداد وا دارند. آن‌ها این کار را از روی آن انجام نمی‌دهند که کتاب شان به آن کار دستور شان می‌دهد بلکه به سبب همان نفسیت زشت و خصوصیت بیمارگونه شان است؛ زیرا یهودان عموماً مردمی حسد پیشه و کینه توز اند و جز خود شان به هیچ کسی دیگری خیر نمی‌خواهند و همواره در تمنای زوال نعمت از دیگران می‌سوزند و خود شان را می‌خورند. همچنان این آیه کریمه نشان می‌دهد که آن‌ها در نهانگاه دل خویش یقین داشتند که دین اسلام بر حق بوده و نبوت محمد - صلی الله علیه وسلم - هیچ شائبه ای ندارد؛ ولی خصوصیت زشت از ایمان آوردن و تصدیق آن مانع می‌شد.

سپس خداوند متعال مؤمنان را به خویش‌تنداری می‌خواند: **﴿فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ﴾** و به آن‌ها دستور می‌دهد که شر یهود را با گذشت و برد باری پاسخ گویند و در مقابل آن‌ها دست به شمشیر نزنند و به جنگ روی نیاورند تا آن که اذن خداوند به جنگ و قتال صورت گیرد؛ سپس او تعالی می‌فرماید: **﴿إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾** خداوند بر هر کاری تواناست، و از عهده هر کاری بر می‌آید؛ اگر بخواهد مسلمانان را با وصف اندک بودن تعداد نیروی بشری شان و اندک بودن توانایی‌های مالی و نظامی شان بر دشمن شان غالب می‌گرداند و پیروز می‌سازد.

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ...﴾ خداوند متعال در این آیه کریمه به بعضی از عوامل معنوی پیروزی بر دشمن اشاره نموده می‌فرماید: نمازهای خویش را برپا دارید تا ایمان در دل‌های تان راسخ گردد، رابطه تان با پروردگارتان مستحکم شود، میان تان الفت و رأفت به وجود آید، و نفس‌های تان از فحشاء و منکر وزشت کاری پاکیزه گردیده صلاحیت برداشت بار سنگین دعوت و جهاد را کسب نماید. و هم چنان زکات مال خویش را ادا کنید؛ زیرا به سبب ادای زکات در جامعه اسلامی تکافل

اجتماعی به وجود می‌آید، واز دیگر سوی میان ثروتمندان و مستمندان جامعه محبت و دوستی ایجاد می‌شود.

این دو نوع عبادت که اولی سبب اصلاح فرد و دومی سبب اصلاح جامعه می‌گردد هردو وسایل پیروزی در دنیا و عامل سعادت و خوشبختی در آخرت می‌گردند.

خداوند متعال در قسمت دوم این آیه مبارکه برای اطمینان دادن نفوس مؤمنانیکه اوامر فوق را اطاعت میکنند می‌فرماید: ﴿وَمَا تَقْدُمُوا لَأَنفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ یعنی هر عملی از قبیل نماز و زکات و روزه و حج و احسان و غیره را که شما انجام می‌دهید، نتیجه و پاداش آن را در روز آخرت خواهید یافت، و بی کم و کاست بدست خواهید آورد.

سپس در قسمت آخر آیت می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ به این معنی که خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست، و هیچ کاری - چه خورد چه بزرگ، چه خیر چه شر - از دایره دید او تعالی به دور نمی‌ماند.



پیام بزرگی را که آیت مبارکه ﴿فَاعْفُواْ وَاصْفَحُواْ﴾ به امت اسلامی میرساند مورد بحث و گفتگو قرار دهید.

فواید درس

بعضی از فواید وارشاداتی که از این آیات استنباط می‌شوند قرار ذیل است:

★ درقرآن کریم و سنت نبوی از حسد ورزی - به معنی آرزوی زوال نعمت دیگران - ممانعت بعمل آمده، مسلمانان باید از آن خود داری نمایند.

★ گذشت وعدم انتقام جویی جزئی از اخلاق اسلامی بوده، مسلمان کامل شخصی است که

دارای اخلاق نیکو و از انتقام گیری به دور باشد .

★ کسب کمک الهی در برابر دشمنان اسلام بدون التزام به شریعت؛ برپاداشتن نماز و دادن زکات متصور نیست. ادای شعایر دینی از بهترین وسایل و ابزار معنوی پیروزی و نصرت به شمار می‌رود.



- (۱) یهود چرا بدین آرزو بودند که مسلمانان از دین خود برگردند؟
- (۲) مراد از «مَنْ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ» چیست ؟
- (۳) آیا حکم اسلام در برابر دشمنیهای یهود برای همیشه «عفو و صفح» است ؟
- (۴) اقامه نماز و ادای زکات چگونه می‌توانند در نصرت الهی اثر گذار باشند؟
- (۵) معنی و مفهوم «حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ» چیست؟
- (۶) از تفسیر این آیات چه فواید وارشاداتی استنباط می‌شود.



کارخانه‌گی

این درس را در یک صفحه خلاصه نمایید به گونه ای که هیچ یک از مفاهیم عناصر اصلی آن فروگذار نشود.

آیه (۱۱۱-۱۱۳) سورة بقره

﴿وَقَالُوا لَن يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ﴾ (۱۱۱) بَلَى مَن أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۱۱۲﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿۱۱۳﴾﴾

معنای کلمات

{لَن يَدْخُلَ} هرگز داخل نشود.

{هَاتُوا} بیاورید.

{بُرْهَانَكُمْ} حجت تان، دلیل تان.

{أَسْلَمَ وَجْهَهُ} کسی که تسلیم شود، کسی که عبادت خود را به خداوند خالص گرداند.

{يَتْلُونَ} قرائت می کنند.

ترجمه آیات

و گفتند هرگز کسی به بهشت درنیاید مگر آنکه یهودی یا ترسا باشد این آرزوهای [واهی] ایشان است. بگو: بیاورید دلیل خود را اگر هستید راستگو (۱۱۱) نه چنان است، هر کس که خود را با تمام وجود به خدا تسلیم کند و نیکوکار باشد، پس مزد وی پیش پروردگار اوست و بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد (۱۱۲) و یهودیان گفتند: نصارا بر باطل اند، و نصارا گفتند: یهودیان بر باطل هستند، در حالی که [هر دو گروه] آن ها کتاب [تورات و انجیل] را تلاوت می کنند، همچنان

کسانی که نادان هستند [مشرکین] مانند سخن آن‌ها [یهود و ترسایان] گفتند. پس در روز قیامت، خداوند میان آن‌ها [میان بنده گان، با قضاوت عادل خویش] در مورد چیزی که اختلاف می‌کردند، فیصله خواهد کرد (۱۱۳).

تفسیر مختصر

﴿وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى...﴾ خداوند تعالی در آیه نخست می‌فرماید: یهودیان گفتند: جز یهودیان کسی دیگری به بهشت راه نخواهد یافت، و نصرانیان گفتند: جز نصرانیان کس دیگری داخل بهشت نخواهد گردید، تا هنوز هم این دو قوم به همین تصور غلط و واهی خویش استوار اند. در حالیکه خداوند ادعای پوچ آنهارا قابل اعتبار ندانسته فرمود: ﴿تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ﴾ این تصور واهی آرزوهای باطل آن‌ها است و از حقیقت کاملاً دور می‌باشد و بر هیچ دلیل و برهانی استوار نیست؛ سپس او تعالی به پیامبرش محمد - صلی الله علیه وسلم - دستور می‌دهد ﴿قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ برایشان بگو ای محمد! اگر در این زمینه کدام دلیلی داشته باشید حاضر نمایید تا دانسته شود که شما راست می‌گویید یا دروغ پردازی می‌کنید و با این دروغ پراگنی‌ها دل خوش می‌کنید؟ هر ادعایی که به دلیل استوار نباشد بی بنیاد و باطل به شمار می‌رود.

﴿بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ...﴾ خداوند متعال در آیه دوم در باره اینکه مدار اعتبار در پیشگاه مقدس او ایمان توأم با عمل است نه فقط ادعای محض، می‌فرماید: ((حقیقت امر آن طور نیست که شما گمان می‌کنید، به بهشت کسی راه میابد که به خداوند تسلیم شده اوامرش را بپذیرد و عملی سازد))

پس کسی که به پروردگار خویش تسلیم می‌گردد، اوامرش را مخلصانه عملی می‌سازد، کارها و زنده‌گی اش را مطابق شریعت الهی سامان می‌بخشد، فقط آنچنان اشخاص از ترس و خوف و هراس رهایی میابند، و از حزن و اندوه نجات خواهند پذیرفت.

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ...﴾ این آیه کریمه تصویری از عمق اختلاف یهود و نصاری به ما میدهد که آنها در اثر اختلافات شدید شان یکدیگر را نفی می‌کردند و هریکی دیگری را باطل می‌شمرد، میفرماید: یهودیان نصرانی‌ها را متهم کرده گفتند: دین نصرانی‌ها باطل است و هیچ ارزشی ندارد، درمقابل نصرانی‌ها یهودیان را متهم نموده گفتند: بلکه یهودیان بر باطل اند و دین شان بی ارزش و بی مقدار است. این در حالی که هر دو گروه کتاب خدا؛ یعنی تورات و انجیل را تلاوت می‌کردند، و هر دو گروه می‌دانستند که از لوازم ایمان، ایمان آوردن به تمام کتب آسمانی و پیامبران الهی است همراه با پذیرفتن شریعتی که ناسخ شرایع ما قبل خود است؛ پس آن‌ها این کار را از روی علم می‌کردند نه از روی جهل و نادانی.

خداوند متعال در قسمت بعدی این آیت می‌فرماید ﴿كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ﴾ همچنان مشرکین بت پرست که از هرچیزی بی خبر بودند مانند یهود و نصرانی‌ها می‌گفتند: دین اسلام باطل است. درحالی‌که حق بر خلاف تصورات واهی همه آنها است، باطل یا بر حق بودن جماعات را خدا تشخیص میدهد و پیغمبران خویش را برای نشان دادن راه حق و باطل فرستاده است پس این امر موکول به قول این و آن نیست.

در اخیر آیت اشاره به فیصله نهایی شده که روزی فرا خواهد رسید تا در آن روز برای هر کس مقدار و اندازه حق بودن یا باطل بودن خودش و دیگران معلوم و هویدا گردد ﴿فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾ خداوند از هر کسی دانا تراست و اوست که دربین بنده گان به عدل و داد قضاوت خواهد نمود، و برای آنها روشن خواهد ساخت که کدام یک بر حق بوده و چه کسی به راه کج قدم برداشته است؛ آری او تعالی در روز آخرت فیصله نهایی را صادر خواهد نمود و باطل را رسوا و حق را به پیروزی خواهد رساند.

فواید درس

فواید و ارشاداتی که از این آیات استنباط می‌شوند قرار ذیل اند:

★ بهشت جای کسانی است که ایمان آورند؛ اعمال نیکو انجام داده اند.

★ بهشت به آرزو و تمنی بدست نمی‌آید؛ بلکه عمل و تلاش برای بدست آوردن آن حتمی می‌باشد.

★ برای هیچ انسانی جواز ندارد که در امور دینی راجع بکدام امری بدون دلیل فیصله نماید .

★ عداوت یهود و نصاری دایمی است، هر گروه سعی می‌کند تا گروه جانب مقابل خود را گمراه و باطل ثابت سازد.

★ روز قیامت الله - جل جلاله - قضاوت می‌کند که چه کسی بر حق و کی بر باطل هست.



(۱) تصور یهود و نصاری در مورد داخل شدن به بهشت چگونه بود؟

(۲) خداوند متعال در رد تصور آنها چه فرمود؟

(۳) یهود و نصاری جهت اثبات ادعای خود مکلف به چه کاری شدند؟

(۴) مستحق حقیقی داخل شدن به بهشت چه کسی است و این مطلب را از کدام آیت برداشت می‌توان کرد؟

(۵) میان مشرکین بت پرست و یهود و نصاری چه شباهتی وجود دارد که قرآن کریم به آن اشاره کرده است؟

(۶) خداوند در روز قیامت در مورد گروه‌ها و اهل ادیان چه فیصله خواهد کرد؟



درمورد شباهت‌ها و تفاوت‌های یهود و نصاری و مشرکین مقاله ای بنویسید که از یک صفحه کمتر نباشد.

آیه (۱۱۴-۱۱۶) سورة بقره

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۱۴﴾ وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۱۱۵﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَانِتُونَ ﴿۱۱۶﴾﴾

معانی کلمات

{أَظْلَمُ}	ظالمتر.
{مَسَاجِدَ}	جای سجده و عبادت برای خداوند.
{سَعَىٰ}	کوشش نمود.
{فِي خَرَابِهَا}	در تخریب و ویرانی آن.
{خَائِفِينَ}	ترسنده، هراسان.
{خِزْيٌ}	ذلت، خواری، بد بختی.
{تُولُّوا}	روی گردانند،
{فَثَمَّ}	آنجا، در آنجا.
{سُبْحَانَهُ}	پاک است خداوند.
{قَانِتُونَ}	منقاد به اوامر خداوند متعال.

ترجمه

و کیست ستمگار تر از آن کس که نگذارد در مساجد خدا نام وی برده شود و در ویرانی آنها بکوشد؟ آنان را سزاوار نیست اینکه در آیند در آن [مسجد]ها مگر هراسان. در این دنیا ایشان را خواری و در آخرت عذابی بزرگ است (۱۱۴) و مشرق و مغرب از آن خداست پس به هر سو رو

کنید آنجا روی [به] خداست. هر آینه خدا فراخ نعمت داناست (۱۱۵) و گفتند خداوند فرزندی برای خود اختیار کرده است او منزّه است بلکه هر چه در آسمانها و زمین است از آن اوست [و] همه فرمانپذیر اویند (۱۱۶)

تفسیر مختصر

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ...﴾ در نخستین آیه مبارکه این درس از حرکت ظالمانه کفار که مردم را از مساجد منع مینمودند تذکر بعمل آمده است که می‌فرماید: هیچ کسی در نزد خداوند متعال، ظالم تر و ستمگرتر از شخصی نیست که مردم را از ذکر خداوند منع نموده و تلاش کند تا مساجد را تخریب نماید. سپس خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ﴾

(برای این مردم شایان نیست جز اینکه ترسان و لرزان در آن [مسجد]ها درآیند)، یعنی بر آنانیکه مساجد را تخریب می‌کنند از ذکر و یاد او تعالی مانع می‌شوند لازم بود که به خانه‌های خداوند هراسان داخل شوند و از اوامر او تعالی پیروی نمایند، ولی برخلاف، آن‌ها به خانه‌های خداوند داخل می‌شوند تا آن‌ها را تخریب نمایند. اگر آن‌ها از خرد و عقل اندکی هم برخوردار می‌بودند می‌دانستند که در عبادت خداوند جز نفع دنیوی و اخروی چیزی دیگر نهفته نیست. و اگر عبادت خداوند را ترک نمایند و یا عبادتگاه‌های مسلمانان را تخریب کنند فایده ای جز غضب خداوند به دست شان نخواهد آمد.

خداوند متعال در قسمت اخیر این آیه می‌فرماید: ﴿لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ آن فاجران بد کنش که مانع ذکر خدا و داخل شدن در مساجد می‌گردند، در زنده‌گی دنیایی خود، در دامی از خواری و ذلت گرفتار خواهند گردید، و در آخرت به جزای اعمال خویش خواهند رسید و آتشی سوزان جایگاه شان خواهد بود.

﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيُّمَا تَوَلَّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ...﴾ مشرق و مغرب از آن خداوند است. منظور آن است که همه زمین و تمام جهات از آن او تعالی می‌باشد، به این معنی که، به هر جهت و طرفی که خداوند شما را دستور می‌دهد تا روی تان را بخاطر ادای نماز بگردانید در همان طرف خداوند

است. این آیه کریمه بنابه فرموده مفسرین کرام اشاره به دو چیز دارد: اول تحویل قبله مسلمانان از جهت بیت المقدس به جهت خانه کعبه مشرفه که یهودیان این امر را سخت مورد انتقاد قرار داده بودند؛ اما خدای متعال آنها را خبر داد که جهت‌ها همه از آن خداست به هرطرف که بخواهد دستور توجه در نماز را می‌دهد؛ پس کسی را حق اعتراض نیست. دوم اشاره به حالات خاص سفر دارد که اگر مسافر جهت قبله بر وی پوشیده ماند و او بعد از تلاش و تفکر به گمان غالب خویش یک جهت را قبله پنداشت؛ پس اگر بعداً معلوم شد که جهت کعبه غیر آن جانبی بوده که وی روی آورده است نماز او باطل نمی‌گردد و اعاده نمی‌خواهد؛ همچنان اگر مسافر سوار بر وسیله بود که توقف آن به اختیارش نبود یا به علت عجله و یا خوف وقت برای توقف کردن نبود؛ لذا میتواند مسافر به هر جهتی که روی وی است نماز بخواند.

خداوند متعال آیه کریمه را به این عبارت خاتمه می‌بخشد ﴿إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ یعنی خداوند بسیار گشایشگر و فراخی آور و داناست؛ پس به اندازه فراخی و گشایشگری خویش بر بندگان نیز فراخی آورده زنده‌گی را بر آنها آسان می‌سازد؛ زیرا که او تعالی به بنده گان مباح گردانیده که در هر جایی از زمین که خواسته باشند نماز گزارند.

﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ...﴾ خداوند متعال در این آیه مبارکه به یکی از زشت‌ترین اعتقادات نصارا و مشرکین و عده از یهودیان اشاره میکند؛ زیرا یهود گفتند: عزیر فرزند خداست، نصاری گفتند: مسیح فرزند خداست، و مشرکان مکه گفتند: فرشتگان دختران خداوند؛ ولی خداوند متعال این تصور واهی و غلط را رد نموده می‌فرماید: ﴿سُبْحَانَهُ بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَانُتُونَ﴾ خداوند متعال از آنچه به او تهمت می‌زنند منزّه است، و آنها در زعم و گمان خویش به راه باطل رفته اند؛ بلکه هرچیزی که در هستی وجود دارد. در برابر خداوند متعال خاضع و فرمان بردار است.



شاگردان در مورد نقش مهم مساجد در زنده‌گی مسلمانان بحث و گفتگو نمایند.

فواید درس

- جانبی از فواید و آموختنی‌هایی که از این آیات استنباط می‌شود قرار ذیل است:
- ★ مساجد جای بنده‌گی و عبادت الله - جل جلاله - است، مسلمانان باید آنرا از نظر مادی و معنوی آباد سازند و نگذارند که کسی آن را تخریب نماید.
 - ★ رعایت حرمت مساجد و تعظیم آن از وظایف و مسؤولیتهای ایمانی یک مسلمان است.
 - ★ رعایت حرمت مساجد و آباد ساختن مادی و معنوی آن و حفظ نظافت و پاکی آن وظیفه هر مسلمان است.
 - ★ آبادی حقیقی مساجد عبارت از برپایی نماز جماعت، تلاوت و تفسیر قرآن کریم، نشر علوم شرعی و سایر علوم تفسیر است.
 - ★ جای بنده‌گی و نماز تنها در مسجد خلاصه نمی‌شود، بلکه مسلمان در هر نقطه و جایی از زمین میتواند به عبادت پروردگار بپردازد.
 - ★ الله - جل جلاله - از گرفتن اولاد، پاک و منزّه است.



- (۱) معانی کلمات و جملات ذیل را بیان دارید:
- {ومن أظلم} {أن يذكر فيها اسمه} {و سعی في خرابها} {الله المشرق والمغرب} {قانتون}
- (۲) ممانعت از عبادت و ادای نماز در مساجد چرا ظلم بزرگ پنداشته می‌شود؟
- (۳) حکم آنانی که به خداوند متعال نسبت اولاد می‌دهند چیست؟



کارخانه‌گی

- یک مقاله کوتاه بنویسید که در مورد سه عنوان ذیل محتویات مختصری داشته باشد:
- ۱- فضیلت مساجد در دین و شریعت اسلام.
 - ۲- لزوم احترام به مساجد.
 - ۳- ثواب کسانی که مساجد را آباد میکنند.

آیه (۱۱۷-۱۲۰) سورة بقره

﴿بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (۱۱۷) وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿۱۱۸﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ ﴿۱۱۹﴾ وَلَن تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿۱۲۰﴾﴾

معنای کلمات

{بَدِيعُ}	ابداً، آفریدگاری که چیزی را بدون مثال سابق بسازد.
{قَضَىٰ}	خواسته باشد، فیصله نماید، اراده کند.
{لَا يَعْلَمُونَ}	نمی‌دانند.
{تَشَابَهَتْ}	مشابه گردیده است.
{قُلُوبُهُمْ}	قلوبهای آنان.
{بَشِيرًا}	بشارت دهنده.
{نَذِيرًا}	بیم دهنده.
{لَن تَرْضَىٰ}	هرگز راضی نخواهد شد.

ترجمه آیات

[الله] آفریننده آسمانها و زمین است و هنگامی که فیصله نماید [وجود] چیزی را جز این نیست که میگوید او را بشو پس می‌شود (۱۱۷) افراد نادان (مشرکین) گفتند چرا خدا با ما سخن نمی‌گوید یا برای ما معجزه‌ای نمی‌آید؟ کسانی که پیش از اینان بودند [نیز] مثل همین گفته‌ی ایشان می‌گفتند. دلها [و افکار] شان به هم می‌ماند هر آینه بیان کردیم نشانه‌ها را برای گروهی که یقین می‌کنند (۱۱۸) ما تو را بحق فرستادیم تا بشارتگر و بیم دهنده باشی، و لی درباره‌ی دوزخیان از تو پرسشی نخواهد شد (۱۱۹) هرگز یهودیان و نصرانیان از تو راضی نمی‌شوند؛ مگر آنکه از کیش آنان پیروی کنی بگو هر آینه هدایت خدا همان است هدایت [واقعی] و اگر پیروی کردی هوسهای باطله‌ی ایشان را پس از آن علمی که ترا حاصل شد نباشد ترا [برای خلاصی از عذاب خدا] هیچ دوستی و نه یاری دهنده‌ای (۱۲۰)

تفسیر مختصر

﴿بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...﴾ خداوند تعالی در آیت نخست می‌فرماید: خداوند متعال ابداع گر و آفریننده آسمان‌ها و زمین است؛ یعنی: او تعالی آن‌ها را از هیچ به وجود آورد و آسمان‌ها و زمین و همه چیز را آفریده است. چگونه می‌توان به او تعالی فرزند و زن قایل شد، در حالی که او - جل جلاله - خالق همه چیز است؛ هرگاه خداوند متعال اراده کند که چیزی را بیافریند به آن دستور می‌دهد که موجود باش آن موجود می‌شود و همان طور که خداوند خواسته است بی هیچ درنگی خلق می‌شود. این نشان می‌دهد که توالد و تناسل از جانب خداوند امری محال است؛ زیرا که او تعالی به هیچ چیزی از این قبیل نیازی ندارد، که او تعالی یکتا و بی همتاست.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ...﴾ این آیه بر کسانی رد می‌نماید که در مورد صدق نبوت محمد - صلی الله علیه وسلم - شک و تردید دارند، می‌فرماید: افراد نادان و آنانی که دانش حقیقی و درست ندارند. به طور قطع در این آیه منظور مشرکین اند که از شرایع آسمانی اطلاعی نداشتند. آنها می‌گفتند: چرا خدا با ما سخن نمی‌گوید؟ چرا به ما اطلاع نمی‌دهد که تو پیامبرش هستی؟ ویا این که تو ای محمد! با خودت معجزه ای قاطع بیاور تا نشانه واضح و آشکاری بر صدق نبوت باشد. آنها این مطالبه را بخاطر آن نکرده بودند تا به حق و حقیقت راه پیدا کنند بلکه همچنین مطالبات نا بخردانه از روی عناد و تکبر و خود بزرگ بینی و دشمنی بود و بس؛ بناء خداوند بخاطر آگاه ساختن پیامبرش و دیگر مسلمانان می‌فرماید: ﴿كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ﴾ این چنین تقاضا را کسانی دیگری هم از انبیای گذشته کرده بودند؛ در واقع مردم سیه دل در هر زمانی که زنده گی کنند با هم مشابه اند. همینطور که دشمنانت اعتراض‌های بی خردانه می‌نمایند انبیای سابق نیز با اعتراضاتی این چنانی مواجه بوده اند؛ پس نباید چنین برخوردهایی تو را مأیوس گردانند. در حقیقت دل‌های آن‌ها به هم نزدیک و مشابه است. سخنی که از قلبهای بیمار بیرون می‌شود شبیه همدیگر است؛ سپس خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ در واقع ما برهان و دلایلی روشن را برای مردم عاقل و خردمندی بیان داشتیم که خواستار دانستن حق و حقیقت اند. خداوند متعال برای مردم براهین و دلایل روشن و واضحی را توسط پیامبرش محمد - صلی الله علیه وسلم - بیان داشته است که به هیچ عاقل و خردمندی مجال شک و تردید باقی نمی‌ماند و هر صاحب خردی که چنین آیات و دلایلی را ببیند حتماً به یقین می‌رسد و به حقانیت دین اسلام باورمند می‌شود.

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا...﴾ خداوند متعال پیامبرش محمد - صلی الله علیه وسلم - را مخاطب قرار داده می‌فرماید: ای محمد! ما ترا با شریعتی واضح و آشکار، و با هدایتی روشن و حقیقی خورشید گونه فرستادیم تا مؤمنان را بشارت و کافران را بیم دهی؛ سپس او تعالی در قسمت اخیر آیه می‌فرماید: ﴿وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ﴾ یعنی: ای محمد! - صلی الله علیه وسلم - به خودت تشویش راه مده، زیرا وظیفه تو آن است که مردم را بشارت بدهی و اگر کار زشتی انجام دهند آن‌ها را از عاقبت سوء آن بیم دهی! اگر کافران دین اسلام را نمی‌پذیرند، کفر آن‌ها به تو هیچ ضرری نمی‌رساند، و بخاطر آن مؤاخذه نخواهی شد؛ زیرا تو رسالت خویش را ادا کردی و مسؤولیت را به وجه نیکو انجام دادی؛ در صورتی که کافران دین و دعوت را نپذیرفتند و به جهنم رفتند تو گرفتار آن نخواهی گردید.

﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ...﴾ خداوند متعال به پیامبر ﷺ اطمینان می‌دهد که یهود و نصارا هرگز ایمان نمی‌آورند؛ پس نباید در این مورد خودش را در مشقت افکند، می‌فرماید: «هرگز یهودیان از تو راضی نمی‌گردند جز در حالی که یهودی شوی، و هرگز نصاری از تو راضی نخواهند گردید مگر آن که نصرانی شوی.» این حقیقتی است که باید هر مسلمانی از آن آگاه شود و بداند که جهان کفر - چه یهود و چه نصارا - هرگز با ما دوستی نخواهند کرد مگر زمانی که دین خود را رها کنیم و از دین آن‌ها پیروی نماییم. هر قدر که با آن‌ها اظهار دوستی نماییم آنها راضی نمی‌شوند، زیرا آنها دشمنان قسم خورده و آشتی ناپذیر اسلام اند. سپس خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ﴾ یعنی: به آن‌ها بگو: دینی که مورد پسند من است همانا دین اسلام است که خداوند آن را به حیث دین واقعی و هدایت بشریت برگزیده است. غیر از اسلام هیچ هدایت و روشی وجود ندارد که برای بشریت خوشبختی آورده و آن‌ها را از بدبختی و گمراهی به کرانه نجات و رهایی و هدایت بکشد.

خداوند متعال در آخر این آیت می‌فرماید: ﴿وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾ اگر تو از خواسته‌های یهود و نصارا پیروی نمایی، بعد از آن که حق و حقیقت را درک نمودی، و دانستی که دین اسلام از طرف خداوند متعال نازل گردیده است، کسی را نخواهی یافت که از تو پشتیبانی کند و امورت را سامان بخشد و بر دشمنانت پیروز گرداند و از عذاب و عقاب الهی رهایی بخشد؛ البته این خطاب با آن که مستقیماً به محمد - صلی الله علیه وسلم - صورت گرفته؛ ولی منظور همه مسلمانان می‌باشد. امروز اگر ما از دشمنان اسلام پیروی کنیم باید بدانیم که پیروی ما

از آن‌ها به حال ما هیچ فایده ای نخواهد کرد و مشکلات ما را مرفوع نخواهد گردانید بلکه بر مشکلات موجود ما مشکلات دیگری افزوده خواهد گردید.

فواید درس

- گوشه ای از فواید و آموختنی‌هایی که از آیات این درس استنباط می‌شوند قرار ذیل است:
- ★ حرمت نسبت دادن چیزی به خدای متعال بدون ثبوت قطعی، بدلیل انکار شدید قرآن مجید بر کسانیکه بدون علم، انتخاب ولد را به خدای بی نیاز نسبت دادند.
 - ★ اثبات همرنگی و یک‌گونگی قلوب اهل باطل در هر زمان و مکان بعلت اطاعت شان از شیطان.
 - ★ بیان اینکه از آیات خداوندی بهره مند نمی‌شوند؛ مگر آنانیکه مالک قلب‌های سالم و عقل‌های صحیح اند (اهل یقین).
 - ★ فرد مسلمان مکلف به دعوت است نه هدایت؛ زیرا هدایت خاص به دست خدای متعال است.
 - ★ رضای یهود و نصاری به دست نمی‌آید، مگر با کفر به اسلام و اتباع دین آنها از همین لحاظ طلب رضای آنها هرگز جایز نیست.
 - ★ جز از اسلام دیگر دین حقی وجود ندارد.



- (۱) مراد از ﴿الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ کیست؟
- (۲) مشرکین برای توجیه بی‌ایمانی شان از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - چه مطالبه ای داشتند؟
- (۳) قلب‌های کفار در چه چیزی همانند است؟
- (۴) در ﴿وَلَّيْنِ اتَّبَعَتْ أَهْوَاءَهُمْ﴾ خطاب به کیست؟
- (۵) آیه ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾ چه مفهومی را افاده میکند؟
- (۶) خداوند متعال بر هر کاری تواناست و هیچ امری از دایره توانایی او تعالی بیرون نیست. کدام آیت به این معنی دلالت می‌نماید؟
- (۷) آیه کریمه ﴿وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ﴾ پیامبر خدا را از چه چیزی اطمینان میدهد؟



کارخانه‌گی

در مورد اضرار پیروی مسلمانان از اصل کتاب (یهود و نصاری) مقاله بنویسید که کمتر از ده سطر نباشد.

آیه (۱۲۱-۱۲۴) سوره بقره

﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾
 ﴿۱۲۱﴾ يَا بَنِي إِسْرَٰئِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿۱۲۲﴾
 وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ
 ﴿۱۲۳﴾ وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا
 يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ ﴿۱۲۴﴾ ﴿﴾

معنای کلمات

{الْخَاسِرُونَ}	زیانمندان.
{تَجْزِي}	کفایت می کند، نفع می رساند.
{عَدْلٌ}	فدیه، بدل.
{ابْتَلَى}	آزمایش کرد.
{بِكَلِمَاتٍ}	اوامر و نواهی.
{فَأَتَمَّهُنَّ}	آنها را به کمال و تمام ادا کرد.
{جَاعِلُكَ}	ترا می گردانم.
{ذُرِّيَّتِي}	فرزندانم، نوه هایم.
{لَا يَنَالُ}	به دست نمی آورد، حاصل نمی کند، در بر نمی گیرد.

ترجمه آیات

کسانی را که کتاب [آسمانی] به آنان داده ایم [و] آن را چنانکه باید می خوانند ایشانند که بدان ایمان دارند و [الی] کسانی که بدان کفر ورزند همانها زیانکارانند (۱۲۱) ای فرزندان اسرائیل نعمتم را که بر شما ارزانی داشتم و اینکه شما را بر جهانیان برتری دادم یاد کنید (۱۲۲) و بترسید از روزی که هیچ کس چیزی [از عذاب خدا] را از کسی دفع کرده نمی تواند و نه بدل و عوضی از وی پذیرفته شود و نه او را میانجیگری سودمند افتد و نه یاری شوند (۱۲۳) و یاد کن چون بیآزمود ابراهیم را پروردگار او به سخنی چند، پس ابراهیم به انجام رسانید آنها را، گفت خدا هر آینه من می گردانم ترا پیشوای مردمان، گفت ابراهیم و از اولاد من نیز (پیشوایان پیداکن) فرمود نه رسد پیمان (وحی) من به ظالمان (۱۲۴)

تفسیر مختصر

﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ...﴾ آیت گذشته بیان گر این بود که نباید از یهود و نصاری امید هدایت برد؛ زیرا که آن‌ها غرق کفر و دشمنی و عنادند؛ ولی آیت نخست این درس اشاره بر این دارد که میتوان به ایمان عده‌یی از یهود امید وار بود؛ زیرا برخی از آنها به کتاب آسمانی خویش ایمان راستین دارند. و آن را کما حقہ تلاوت میکنند و در این شکی نیست که تلاوت صحیح بدون تحریف کتاب شان آنها را به ایمان به پیغمبر آخر الزمان وادار میسازد، می‌فرماید: گروهی از اهل کتاب - مانند عبدالله بن سلام و یارانش - که تورات را با تدبر می‌خوانند؛ آنها کسانی اند که حق را شناختند و از آن پیروی نمودند. آن گروه وقتی که اوصاف پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را در تورات خواندند، در آن هیچ تغییر و تبدیلی نیاوردند. آنها در ایمان خویش صادقند و از جمله آن مردم شریر و تحریف کننده کتاب الله نیستند؛ سپس او تعالی در قسمت اخیر آیه می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ یعنی: و هر کسی که به قرآن کریم که از جانب خداوند یکتا نازل گردیده کفر ورزد و ایمان نیاورد، در دنیا و آخرت خوار و ذلیل خواهد گردید؛ زیرا که او کفر را بر ایمان برتر شمرده و گمراهی را در بدل از دست دادن هدایت خریده است.

﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ...﴾ خداوند متعال در این آیت بنی اسرائیل را مخاطب قرار داده و نعماتی را که برای شان ارزانی داشته بیاد شان می‌آورد و می‌فرماید: ای گروه یهود! نعمت‌های بی شماری را که به شما ارزانی داشتم به یاد آرید، و پروردگار خویش را بخاطر آن نعمت‌ها سپاسگزاری کنید. یکی از آن نعمت‌های بزرگی که خداوند به بنی اسرائیل ارزانی داشت، برتری دادن آن‌ها بر سایر ملل بود. به این معنی که آن عده یهودیانی که به موسی علیه السلام ایمان آوردند و به تعالیم تورات تمسک جستند از تمام مردم زمان خویش بهتر و برتر معرفی شده بودند، البته برتری آنها به این معنی نبود که آن‌ها نسبت به تمام امتهای و برای همیشه برتری یافتند بلکه بر امت‌هایی که در زمان نزول تورات می‌زیستند برتری حاصل کرده بودند. ناگفته نباید گذاشت که هم اکنون، امت محمد - صلی الله علیه وسلم - نسبت به تمام امت‌ها برتری دارند. خداوند متعال در قرآن کریم به این امر تصریح می‌نماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ یعنی شما بهترین امت هستید که برای رهنمایی مردم برگزیده شده اید.

﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا...﴾ آیه مبارکه خطاب دیگر به یهود است که بطور تذکیر و تخویف می‌فرماید: از روز آخرت بترسید؛ روزی که هیچ نفسی به نفس دیگری و هیچ شخصی به

شخص دیگری کمک کرده نمی‌تواند، وقادر به دفع ضرر و جلب منفعت نخواهد بود و عذاب خداوند را به تأخیر انداخته نمی‌تواند؛ زیرا که هر نفسی گروگان چیزی است که به دست می‌آورد و کسب می‌کند. برای توضیح و تاکید بیشتر این مطلب قسمت دوم آیت می‌فرماید: ﴿وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾ یعنی: از نفسها (نفوسیکه بدون ایمان از دنیا بروند و مستحق عذاب خداوند شمرده شوند) در آن روز هیچ گونه فدیة ای پذیرفته نمی‌شود، و نه شفاعتی در مورد شان مورد قبول قرار می‌گیرد، و نه کسی برای نجات و رهایی و کمک شان می‌شتابد تا عذاب الهی را از ایشان دور گرداند و یا تقلیل بخشد.

﴿وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ...﴾ در این آیه کریمه خداوند متعال بنی اسرائیل را به این امر یاد دهانی می‌کند که چگونه خود شان را "ملت برگزیده خدا" قلمداد نموده و دیگران را بی مقدار می‌شمارند می‌فرماید: به یاد آر روزی را که خداوند متعال حضرت ابراهیم را به وظایفی سخت و دشوار دستور داد، و او را به وسیله اوامر و نواهی مورد آزمون قرار داد، و آن حضرت در ادای این رسالت پیروز گردید، و آن وظایف را به وجه درست و نیکو انجام داد؛ یکی از آن مکلفیت‌ها آن بود که به او دستور داد تا از زادگاه خویش هجرت نماید، بالا تر از این برایش دستور داد که فرزندش اسماعیل را ذبح کند، و دیگر آن که از طرف مشرکین و دشمنان اسلام به آتش افکنده شد؛ ولی او از خود کمال صبر و خویشتنداری نشان داد؛ لذا خداوند متعال در مقابل این کامیابی برایش فرمود: ﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾ من تو را پیشوای مردم و دارای مقامی بلند و شامخ قرار خواهم داد، تا زنده گی ات برای دیگران سرمشق قرار گیرد. حضرت ابراهیم از روی اشتیاق فرمود: ﴿وَمِنْ ذُرِّيَّتِي﴾ ای پروردگار، از فرزندانم نیز انبیاء و پیشوایان هدایت برگزین! ولی خداوند متعال در برابر این درخواست فرمود: ای ابراهیم! این فضیلت برای انسان‌های ظالم حاصل نخواهد شد، زیرا که نبوت خود یک امانت است، و انسان‌های ستمگر مستحق حمل این فضیلت و امانت گران نیستند. و فقط کسانی را خداوند به این رسالت بزرگ بر می‌گزیند که خود بخواهد.



از میان فرزندان ابراهیم - علیه السلام - نام‌ها و زنده‌گینامه مختصر چند تن از انبیاء علیهم السلام را که می‌شناسید تحریر دارید.

فواید درس

- عده یی از فواید و آموختنی‌هایی که از آیات استنباط می‌شود قرار ذیل اند:
- ★ تلاوت کتاب الهی وقتی به انسان سود می‌بخشد و حق تلاوت آن ادا می‌گردد که به تدبر و تفکر و تعقل خوانده شده و از احکام آن پیروی صورت گیرد.
 - ★ امامت دین و قیادت مسلمانان را الله - جل جلاله - حق بنده گان نیک و آنانی که از وی بیم دارند، گردانیده است، و ظالمان مستحق آن نیستند.
 - ★ کسانی که قبل از اسلام مرتکب شرک یا ظلم شده باشند، با توبه کردن و ایمان آوردن ظالم گفته نمی‌شوند؛ چرا که خدای متعال فرموده است ﴿فَأُولَٰئِكَ يَبْدُلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ﴾ خداوند گناهان آن گروه را بعد از توبه و ایمان تبدیل به حسنات می‌گرداند.
 - ★ در صورت ترک پیروی از حق و هدایت، در روز قیامت هیچ عذری پذیرفته نمی‌شود؛ نه فدیة و نه هم شفاعتی و هیچ شخصی نمی‌تواند که به کس کمک نماید.
 - ★ انجام دادن اوامر و اجتناب از نواهی الله - جل جلاله - از نشانه‌های کمال ایمان است.



- (۱) معانی کلمات و جملات ذیل را واضح سازید:
- {یتلونه} {حق تلاوته} {لا تجزي نفس عن نفس} {لا يقبل منها عدل} {لا تنفعها شفاعة}
- (۲) مراد از آیه مبارکه ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ﴾ و ﴿يُؤْمِنُونَ بِهِ﴾ چیست ؟
- (۳) تلاوت قرآن کریم با تدبر چه فایده را در قبال دارد؟
- (۴) مراد از ﴿كَلِمَاتٍ﴾ در ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ...﴾ چه می‌باشد؟
- (۵) معنی و مفهوم این بخش از آیت کریمه ﴿لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا﴾ چیست ؟
- (۶) حکمت آن که خداوند متعال در برابر سؤال حضرت ابراهیم فرمود: ﴿لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ چیست؟



در مورد اموری که خداوند متعال خلیل خویش حضرت ابراهیم - علیه السلام - را به آنها آزمایش کرد یک مقاله بنویسید که کمتر از یک صفحه نباشد.

آیه (۱۲۵-۱۲۹) سورة بقره

﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿۱۲۵﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿۱۲۶﴾ وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۲۷﴾ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۱۲۸﴾ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱۲۹﴾﴾

معنای کلمات

{الْبَيْتَ}	خانه کعبه.
{مَثَابَةً}	مرجع، محل باز گشت.
{أَمْنًا}	جایگاه امن و امان.
{مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ}	همان سنگی است که ابراهیم - علیه السلام - روی آن قرار می گرفت و خانه کعبه را بنا می نمود، که اکنون هم بنام مقام ابراهیم شهرت دارد.
{لِلطَّائِفِينَ}	برای طواف کننده گان.
{الْعَاكِفِينَ}	آنانی که به نیت اعتکاف مجاور خانه کعبه می شوند.
{الرُّكَّعِ}	رکوع کننده گان. نماز گزاران.
{الْأُضْطَرُّهُ}	سوقش می دهم، مجبورش می سازم.
{بِئْسَ الْمَصِيرُ}	بدترین سرنوشت، جایگاه.
{الْقَوَاعِدَ}	بنیاد ها، پایه ها.
{أَرِنَا}	به ما نشان بده. به ما بنمای.
{مَنَاسِكَنَا}	روشهای عبادت ما، شرایع دین و شعایر حج ما.
{ابْعَثْ}	بفرست، بر انگیز
{يُزَكِّيهِمْ}	پاکیزه سازد ایشان را.
ترجمه آیات	

و آنگاه که قرار دادیم کعبه را مرجع مردمان و محل امن و [گفتیم] بگیری از مقام (جای قدم و ایستگاه)

ابراهیم نمازگاه و وحی فرستادیم بسوی ابراهیم واسمعیل که پاک سازید خانه مرا برای طواف کننده گان و اعتکاف کننده گان و رکوع و سجده کننده گان (۱۲۵) و آنگاه که گفت ابراهیم ای پروردگار من بساز این [سرزمین] راشهر با امن و روزی ده ساکنان وی را از میوه‌ها [روزی ده] آنرا که ایمان آورد از ایشان بخدا و روز بازپسین، فرمود خدا و کسی که کافر شود بهره مند گردانمش اندکی؛ سپس او را با خواری به سوی عذاب آتش [دوزخ] می‌کشانم و چه بد سرانجامی است (۱۲۶) و هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه [کعبه] را بالا می‌بردند [می‌گفتند] ای پروردگار ما از ما بپذیر که در حقیقت تو شنوای دانایی (۱۲۷) پروردگارا! ما را تسلیم [فرمان] خود قرار ده و از نسل ما امتی فرمانبردار خود [پدید آر] و طریق عبادت‌های ما را به ما نشان ده و بر ما ببخشی که تویی توبه‌پذیر مهربان (۱۲۸) پروردگارا! در میان آنان فرستاده‌ای از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه‌شان کند؛ زیرا که تو خود شکست‌ناپذیر حکیمی (۱۲۹)

تفسیر مختصر

﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا...﴾ آیت نخست این درس از منت و احسان خداوند بر ساکنین جزیره العرب سخن می‌گوید که او تعالی بیت الله الحرام را به حیث مرجع تمام مردم قرار داده است که به آن جا می‌روند تا خدا راعبادت نمایند و دلهای شان در آن جا آرام می‌گیرد، می‌فرماید: وبه یاد آرید وقتی را که بیت الله شریف را جای رجوع مردم و مرکز امن قرار دادیم که مردم به آنجا جمع می‌شوند، تا مناسک حج را ادا کنند، سپس به یکی از احکام حج اشاره نموده می‌فرماید: ﴿وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ یعنی: از مقام ابراهیم - علیه السلام - برای خویشتن جای نماز انتخاب نمایید، هرگاه‌ی که به حج می‌روید باید در مقام ابراهیم نماز گزارید. این نماز که بعنوان (رکعتی الطواف) یاد می‌شود در مذهب حنفی بر طواف کننده گان واجب است که در مقام ابراهیم یا در مواضع دیگر مسجد الحرام ادا می‌گردد چون ساحة مسجد همه در حقیقت مقام ابراهیم است؛ سپس خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَعَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهْرًا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾؛ یعنی: ما به ابراهیم و اسماعیل ^{علیهم‌السلام} دستور دادیم که خانه من (کعبه شریف) را از وجود بته‌ها جهت طواف کسانی که از اماکن دور و نزدیک می‌ایند، و برای مقیمانی که خود شان را معتکف به عبادت ساخته اند، و برای نمازگزاران، پاک و آماده ساز. منظور از تطهیر خانه کعبه آن است که، از هر چیزیکه سبب ناپاکی آن می‌گردد چه معنوی باشد و یا ظاهری پاک کرده شود؛ زیرا درست نیست که در خانه خدا بت‌ها نگهداری شوند و همراه با پرستش او تعالی به پرستش گرفته شوند، و یا آن که در آنجا جار و جنجال و کشمکش و فحش گویی رخ دهد. ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا...﴾ این آیه کریمه به مناجات حضرت ابراهیم - علیه السلام - با خدای عالمیان و پیمانه خیر خواهی او به پیروان حق اشاره دارد و می‌فرماید: به یاد آر دعای ابراهیم - علیه السلام - را که دعا نمود: خدایا این سرزمین را برای امن و آسایش آماده ساز، و به ساکنان آن، مخصوصاً آن‌هایی که به تو و روز آخرت ایمان دارند، از انواع مختلف میوه‌ها روزی

ده، تا به طاعتت روی آورند و به عبادت مشغول گردند. جواب از جانب خداوند به خلیش چنین آمد که: **﴿قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمْتُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾** یعنی: آنانی را که کفر ورزند نیز برای مدتی کوتاه از متاع دنیا بهره مند می‌سازم و رزق و روزی می‌دهم اما این نعمت‌ها برای شان پایدار نخواهد ماند و به زودی آنها را به سبب کفر و طغیان شان بسوی جهنم خواهم کشاند. پس بهره مندی کفار از نعمت‌های دنیا تا پایان اجل شان ادامه خواهد داشت، ولی بعد از مرگ جایگاه شان غیر از جایگاه مؤمنان خواهد بود.

رزق و روزی از نعمات الهی در دنیا به شمار می‌رود. و خداوند این نعمت را برای کافران و مؤمنان به طور یکسان می‌بخشد؛ ولی جنت و رضوان را به کافران نمی‌دهد و آن‌ها را از آن محروم می‌سازد؛ زیرا آنها اهل آن نعمت بزرگ نیستند، آن را صرف به کسانی می‌بخشد که به خداوند و روز آخرت ایمان واقعی دارند. **﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ...﴾** این آیه کریمه و آیات بعدی آن بیان گر دعوای حضرت ابراهیم و فرزندش اسماعیل - علیهما السلام - است که می‌فرماید: «ای محمد ﷺ به یاد آر وقتی را که ابراهیم - علیه السلام - به همراهی اسماعیل - علیه السلام - بنای کعبه را می‌گذاشتند، در حالی که به درگاه خداوند متعال تضرع و نیایش می‌نمودند، خدا! دعا و نیایش و اعمال نیک ما را بپذیر، که تو شنوای دانا و از حقیقت کار ما آگاه هستی» از خلال این آیت دانسته می‌شود که حضرت ابراهیم و اسماعیل - علیهما السلام - اولین کسانی بوده‌اند که خانه کعبه را بنا کرده‌اند.

﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ...﴾ این نص دعای هردو پیغمبر است، ابراهیم و اسماعیل - علیهما السلام - به درگاه خداوند متعال به دعا و نیایش روی آورده گفتند: «خدا! ما را تسلیم فرمان خود قرار بده و به آیین و دین خویش منقاد و فرمان بردار بگردان، و به ما توفیقی بخش که اوامرت را به طور درست به جای آوریم و از میان دودمان ما کسانی را برگزین که به تو تسلیم شوند، و به عظمتت سر تسلیم فرود آرند.» باز فرمودند: **﴿وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾** یعنی: به ما شرایع و شعایر دین ما را بشناسان، ارکان حج را به ما بفهمان، و از تقصیرها و کوتاهی‌های ما در امور دین درگذر، به توبه توفیق مان بخش و سپس توبه ما را بپذیر، که تو خیلی توبه پذیر و بسیار مهربان هستی!

﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ...﴾ این همان دعایی است که نتایج آن بعد از قرن‌ها در مکه مکرمه هویدا شد و از برکت آن عالم درخشان گردید در همان هنگام حساس و لحظات ملکوتی که بنای خانه خدا را به پیش می‌بردند، پدر و فرزند هر دو دعا نمودند ای پروردگار! در میان امت اسلامی و دودمان نیکو کار ما رسولی از خود شان برگزین، تا برای آن‌ها آیات را تلاوت نماید، و ایشان را به سوی راه راست رهنمایی کند، کتاب تورا برای شان تعلیم دهد، و به آنان حکمت بیاموزد، راه درست را از راه زشت و کج باز شناساند، و قلب‌های شان را تطهیر بخشد و از شرک معصیت و دیگر مظاهر آن پاکیزه دارد، که تو توانای غالب هستی و هیچ قوتی توان مقابله با تو را ندارد و هیچ کسی فیصله ات را تغییر داده نمی‌تواند، و حکیمی هستی که هر کاری را از روی حکمت انجام می‌دهی، و هر چه را می‌آفرینی در آن حکمت و مصلحتی بزرگ نهفته است.

در مورد بنای کعبه شریفه و اینکه به دست کی و چه وقت و چگونه اعمار و آباد گردید با یکدیگر بحث و گفتگو کنید.

فواید درس

- برخی از فواید و آموختنی‌هایی آیات مبارکه قرار ذیل است:
- ★ نعمات الهی برای مؤمنان همیشه باقی است؛ البته برای کفار در زنده‌گی دنیا نعمت رزق و روزی داده می‌شود و در روز آخرت از آن محروم می‌مانند.
- ★ ایمان اعتقاد و عمل مخلصانه را گویند، جهت دریافت عنایت و نعمات الهی مکلفیت هر انسان است تا نفس خویش را به اخلاق نیکو مزین ساخته و قلب خود را به عقیده صحیح روشن سازد.
- ★ شخص مسلمان تنها برای خود خیر و خوبی‌ها را نمی‌جوید؛ بلکه رحمت و هدایت الله - جل جلاله - را برای اولاد خود، تمام مسلمانان و بشریت می‌خواهد.
- ★ راه‌های تقرب به الله - جل جلاله - در مطالبه مغفرت گناهان، نهفته است؛ زیرا از انسان همیشه گناه سر می‌زند و بهترین شخص آن است که زود توبه کند.
- ★ یکی از نعمات الهی بر امت اسلامی این است که برای آنها پیامبری مبعوث نموده که به ایشان کتاب الله و احادیث مبارکه را تعلیم می‌دهد و نفس‌های شان را تزکیه بخشیده و از گناهان پاک می‌سازد.
- ★ حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - از ذریه ابراهیم خلیل و از نسل اسماعیل ذبیح بود و رسالت جهانی ایشان به برکت دعای هر دو جد مبارک شان به اراده خداوند عالم تحقق پذیرفت.



- (۱) معانی کلمات و جملات ذیل را واضح سازید: {آمنّا} {فأمتعه قليلاً} {ثم أضطره} {بئس المصير} {القواعد} {الحكمة} {يزكيهم}
- (۲) خدای متعال به خانه کعبه شریف چه برتری و خصوصیت را عطا فرموده است؟
- (۳) تطهیر خانه خدا شامل چه اموری می‌شود؟
- (۴) حکمت اینکه به نماز گزاری در مقام ابراهیم - علیه السلام - دستور یافتیم، چیست؟
- (۵) دعای ابراهیم - علیه السلام - چرا برای مؤمنان تخصیص یافت؟ و الله - جل جلاله - چگونه پاسخ داد؟
- (۶) مراد از "الطائفین" و "العاکفین" و "الركع السجود" کی‌ها اند؟
- (۷) حضرت ابراهیم و اسماعیل - علیهما السلام - در حق امت اسلامی و دودمان خود چه دعایی کردند؟



پیرامون قربانی‌های حضرت ابراهیم و اسماعیل - علیهما السلام - مقاله بنویسید که از یک صفحه کمتر نباشد.

آیه (۱۳۰-۱۳۳) سوره بقره

﴿وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (۱۳۰) إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۳۱﴾ وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۲﴾ أَمْ كُنتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۳﴾﴾

معنای کلمات

{يَرْغَبُ عَنْ}	روی می گرداند. پشت می کند،
{سَفِهَ نَفْسَهُ}	به ابلهی گرایید.
{اصْطَفَيْنَاهُ}	برگزیدیم او را.
{أَسْلِمَ}	سر تسلیم فرود آر.
{وَصَّى}	توصیه نمود.
{اصْطَفَى لَكُمْ}	برای شما برگزیده است.
{فَلَا تَمُوتُنَّ}	نمیرید،
{أَمْ كُنتُمْ شُهَدَاءَ}	آیا شاهد بودید، آیا حاضر بودید؟

ترجمه آیات

و کیست که روگرداند از آیین ابراهیم مگر آنکه در احمقی افگند نفس خود را و هر آینه برگزیدیم او را درین دنیا و البته او در سرای دیگر از شایستگان است (۱۳۰) هنگامی که پروردگارش به او فرمود تسلیم شو گفت به پروردگار جهانیان تسلیم شدم (۱۳۱) و سفارش کرد به این آیین ابراهیم پسران خود را و یعقوب نیز فرزندان را ای فرزندان من! هر آینه خدا برگزیده است برای شما این دین را پس (ازین جهان) نمیرید مگر مسلمان شده (۱۳۲) آیا وقتی که یعقوب را مرگ فرا رسید حاضر بودید هنگامی که به پسران خود گفت پس از من چه را خواهید پرستید؛ گفتند. «معبود تو و معبود پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق معبودی یگانه را می پرستیم و به او تسلیم هستیم» (۱۳۳)

تفسیر مختصر

در آیات قبلی از مواصفات و سعی ابراهیم - علیه السلام - که در راه دین اسلام به خرج رسانده بود تذکر به عمل آمد و در این آیات واضح می‌گردد، هر شخصیکه از راه و دین ابراهیم - علیه السلام - که راه پسندیده الله - جل جلاله - است، روی می‌گرداند در حقیقت نفس خویش را به تباهی میکشاند؛ چرا که ابراهیم - علیه السلام - در دنیا از بنده گان بهتر الله - جل جلاله - و رسولان اولوالعزم وی بوده است و هر گاه برایش از طرف الله - جل جلاله - امری متوجه گردیده به پیشانی باز تسلیم شده و به آن لبیک گفته است.

﴿وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ...﴾ یعنی از ملت ابراهیمی (دین حنیف و اسلام) روی نمی‌گرداند مگر آن کسی که به بی‌خردی روی آورد. کلمه «سَفِیْةٌ» که صفت اش سفیه است در اصل بالای شخصی اطلاق می‌گردد که کم‌خرد بوده باشد و از عقل خویش درست کار گرفته نتواند.

خداوند متعال در قسمت بعدی این آیت به برتری مقام خلیلش در دنیا و آخرت اشاره می‌کند: ﴿وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ﴾ یعنی: در واقع او را از میان مخلوقات برگزیدیم، و او را به حیث رسول و پیامبر و امام اختیار کردیم و او در آخرت هم از جمله کسانی خواهد بود که از درجات بلندی برخوردار می‌باشد.

﴿إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمَ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ این آیه کریمه نشان دهنده اطاعت بدون چون و چرای ابراهیم - علیه السلام - از رب ذوالجلالش است می‌فرماید: به یاد آر هنگامی را که پروردگار ابراهیم - علیه السلام - به او دستور داد که به اوامر و دستورات من تسلیم شو، گفت: به پروردگار جهان تسلیم شدم و به اوامر و نواهی منقاد گردیدم. ابراهیم - علیه السلام - عملاً این انقیاد خویش را به اثبات رسانید و به بهترین وجه از هر نوع آزمایش خداوندی کامیاب برآمد.

﴿وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ...﴾ جانب دیگر از اطاعت و فرمان برداری این بنده گان برگزیده خدا این بود که دیگران را خصوصاً فرزندان شان را به خدا پرستی توصیه و دعوت می‌نمودند، می‌فرماید: ابراهیم علیه السلام فرزندان خود را به پیروی و متابعت دین اسلام توصیه نمود، و همچنان نواسه او یعقوب پیغمبر - علیه السلام - فرزندان خود را به آن توصیه کرد، و آن‌ها به فرزندان خویش گفتند:

«خداوند به شما دین اسلام را که بهترین ادیان است برگزیده است، پس بر التزام به دین اسلام ثابت قدم بمانید تا آن که مسلمان بمیرید.»

خداوند متعال در آیت اخیر می‌فرماید: ﴿أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ روایت است که یهودیان به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گفتند: مگر نمی‌دانی که یعقوب - علیه السلام - روزی که وفات می‌نمود فرزندان خود را به یهودیت وصیت کرد؟ از این روی این آیت نازل گردید که آن‌ها را مخاطب قرار داده و می‌فرماید: ای یهودیان، آیا روزی که یعقوب - علیه السلام - رحلت می‌نمود شما حاضر بودید، [او دیدید که او به فرزندان خود چه توصیه نمود؟] یعقوب - علیه السلام - به فرزندان خود گفت: بعد از من چه چیز را عبادت می‌کنید؟ یعنی بعد از مرگ من چه دینی را بر خواهید گزید؟ آن حضرت می‌خواست که فرزندان او اقرار نمایند که بر اسلام و توحید باقی خواهند ماند؛ چنانچه فرزندان یعقوب در پاسخ به پدر خویش گفتند: ما بر دین تو باقی خواهیم ماند، خداوند یکتا را پرستش خواهیم کرد؛ خدای ابراهیم، اسماعیل و اسحاق - علیهم السلام - را. ما بر دین اسلام پا بر جای خواهیم ماند و به اوامر خداوند متعال تسلیم خواهیم گردید.



شاگردان در مورد ماهیت توحیدی دین حضرت ابراهیم - علیه السلام - با یکدیگر بحث و گفتگو کنند.

فواید درس

گوشه‌ی از فواید و آموختنی‌هایی که از خلال این آیات دانسته می‌شود قرار ذیل است:

★ روی گردانی از دین ابراهیمی عمل بی‌خردان است.

★ اسلام دین مشترک تمام انبیاء - علیهم السلام - است؛ که پیروی از این دین کامیابی و سعادت

دارین را در بر دارد.

★ باید انسان تا فرارسیدن مرگ به دین اسلام معتقد بوده و طبق اوامر آن عمل کند و مرگ در حالی وی را درک کند که مؤمن است.

★ ابراهیم، یعقوب - علیهما السلام - از نسبت یهودیت پاک بودند و تمام ایشان به دین حنیف دعوت نموده و از آن پیروی میکردند.

★ هرکسی مسئول اعمال خویش است و در برابر کردارهای خودش پاسخ گو می‌باشد و هیچ کسی نمی‌تواند به سبب کردار نیک نیاکان خویش از زیر بار مسئولیت رهایی یابد.

★ اصول و مبادی دعوت تمام انبیاء یک چیز بوده است و اگر اختلافی در میان آنها بوده آن در جزئیات بوده نه در مسایل کلی و بزرگ.



(۱) معانی کلمات ذیل را بیان دارید:

{یرغب} {سفه} {اصطفیناه} {أسلم} {فلا تموتن}

(۲) از آیه مبارکه «وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ» چه نتیجه ای به دست می‌آید؟

(۳) مقصد از آیه مبارکه «أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ» چیست؟ و کی را مخاطب قرار داده است؟

(۴) در مورد هر دو پسر ابراهیم - علیه السلام - چه معلومات دارید؟



در مورد اینکه اسلام دین همه پیغمبران خدا بوده است و بصورت کامل و شامل بر حضرت محمد - صلی الله علیه و سلم - نازل گردیده است یک صفحه بنویسید.

آیه (۱۳۴-۱۳۸) سوره بقره

﴿تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ ﴿۱۳۴﴾ وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۱۳۵﴾ قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۶﴾ فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۳۷﴾ صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ ﴿۱۳۸﴾ ﴿

معنای کلمات

{خَلَتْ}	گذشت.
{لَا تُسْأَلُونَ}	مورد پرسش قرار نمی گیرید، از شما پرسیده نمی شود.
{تَهْتَدُوا}	رهیاب می گردید.
{حَنِيفًا}	میلان کننده از راه باطل به سوی راه حق.
{الْأَسْبَاطِ}	فرزندان یعقوب - علیه السلام - و نوادگانش.
{أُوتِيَ}	داده شده است.
{اهْتَدَوْا}	رهیاب شده اند.
{تَوَلَّوْا}	روی گردان شدند.
{صِبْغَةَ اللَّهِ}	دین خداوند.

ترجمه آیات

این گروه است (انبیا و پیروان آن ها) که در گذشت قبل از شما، برای ایشان است آنچه به دست آورده اند و برای شماست آنچه به دست آورده اید، واز چیزی که آن ها انجام می دادند شما مورد پرسش قرار نمی گیرید (۱۳۴) و [اهل کتاب] گفتند: یهودی یا مسیحی باشید تا هدایت یابید بگو: نه، بلکه [بر] آیین ابراهیم حق گرا [هستم] و وی از مشرکان نبود (۱۳۵) بگوئید: ایمان آورده ایم به خدا و به آنچه بر ما نازل شده و به آنچه

بر ابراهیم و اسحاق و یعقوب و اسباط (اسباط دوازده گانه یا فرزندان و نواده گان یعقوب) نازل آمده و به آنچه به موسی و عیسی داده شده و به آنچه به همه پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده، میان هیچ یک از ایشان فرق نمی گذاریم و در برابر او تسلیم هستیم (۱۳۶) پس اگر آنان [هم] به آنچه شما بدان ایمان آورده‌اید ایمان آوردند قطعاً هدایت شده اند ولی اگر روی برتافتند جز این نیست که سر ستیز [و جدایی] دارند و به زودی خداوند [شر] آنان را از تو کفایت خواهد کرد که او شنوای داناست (۱۳۷) قبول کردیم رنگ [آمیزی] خدارا و کیست بهتر از خدا باعتبار نگارنده گی و ما او را پرستنده گانیم (۱۳۸)

تفسیر مختصر

﴿تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ...﴾ خدای متعال بنده گانش را از نظام عدل خویش مطلع ساخته می فرماید: آن گروه انبیا و پیروان مؤمن آن‌ها قبل از شما گذشته اند، آن‌ها کار خود شان را انجام دادند و بر اساس اعمالی که انجام دادند برای شان پاداش داده می شود، کار آن‌ها به کار شما ربطی ندارد، و شما هم ای کافران منکر، از اعمال و کنش‌های خود تان مورد باز پرس قرار می گیرید، و بر اساس کاری که خود انجام می دهید جزا می بینید. هیچ کسی از عمل کس دیگری مورد باز پرس قرار نمی گیرد، و به سبب آن نه پاداش داده می شود و نه مؤاخذه می گردد، بلکه هر انسانی مسؤول کار خودش است و از عملی که خود انجام می دهد مورد پرسش قرار می گیرد.

﴿وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا...﴾ در این آیت خداوند متعال از جهالت اهل کتاب پرده برداشته می فرماید: هریک از گروه‌های یهودی و یا نصرانی می گفتند: از دین ما پیروی نمایید تا به هدایت دست یابید. این نشان می دهد که آن گروه‌ها تا کدام حد نسبت به ادیان خود شان تعصب می ورزیدند، سپس او تعالی حضرت پیامبر بزرگ اسلام را مخاطب قرار داده می فرماید: ای پیامبر بگو: ما از دین و روشی ابراهیمی همان روشی که از هر گونه باطل روگردان و به حق مایل است، پیروی میکنیم. دین ابراهیم - علیه السلام - از هر قسم انحراف به دور می باشد. شما نیز ادعا دارید که از دین و راه حضرت ابراهیم پیروی می کنید، حال آنکه ابراهیم - علیه السلام - از مشرکان نبود و با الله - جل جلاله - شریکی نگرفته بود. در واقع آیت شریف به این نکته اشاره کرده به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - دستور می دهد که: به آن‌ها بگو ای محمد! که هدایت آن نیست که ما یهودی و یا نصرانی شویم، بلکه سعادت و هدایت در پیروی از دین ابراهیم - علیه السلام - است، که عبارت از اسلام می باشد، و ابراهیم - علیه السلام - مشرک نه بلکه مؤمن کامل و یکتا پرست بود.

﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ...﴾ خداوند متعال مؤمنان را مخاطب قرار داده به آن‌ها می‌فرماید: ای مؤمنان بگویید: به وحدانیت خداوند متعال ایمان آوردیم، و به آنچه که بر ما و بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب - علیهم السلام - و دیگر فرزندان آن‌ها نازل گردیده باور کامل داریم، و همچنان آن چه به موسی و عیسی - علیهما السلام - از پیام‌های آسمانی داده شده و آنچه که بر دیگر پیامبران از طرف پروردگار شان از قبیل معجزات واضح و روشن داده شده است باورمند هستیم. ما مانند یهود و نصاری نیستیم که به بعض انبیا ایمان بیاوریم و به بعض دیگر آن‌ها کفر ورزیم بلکه تمام انبیا برای ما یکسان اند و به همه شان به طور یکسان ایمان می‌آوریم. ما به اوامر خداوند متعال و دستاویز وی کاملاً تسلیم هستیم.

﴿فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا...﴾ زمانی که کمال ایمان پیروان قرآن هویدا گردید و شمول همه جانبه آن ظاهر گشت خداوند متعال اعلان داشت که اینچنین ایمانی معیار حق و ایمان معتبر نزد ماست، فرمود: ای مؤمنان راستین! اگر یهود و نصاری مانند شما صادقانه ایمان آورند، در واقع به راه حق و هدایت رسیده اند، و اگر از این گونه ایمانی روی گردان شوند، و به دین اسلام نگرند، این نشان می‌دهد که آن‌ها در عداوت و دشمنی با اسلام قرار دارند. در این چنین حالی خداوند شما را از شر مکر و فریب کاریهای شان نگه خواهد داشت و او تعالی آن‌ها را بسنده است و هیچ آسیب و ضرری از طرف آن‌ها به شما نخواهد رسید؛ زیرا که او تعالی به تمام سخنان شان شنوا و به تمام اعمال شان دانا است.

خداوند متعال در آیت اخیر این درس می‌فرماید: ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ﴾ یعنی: این اسلامی که ما بدان باور داریم، دین برحق الهی و رنگ بر گزیده اوست؛ دینی که بر اساس آن آفریده شده ایم و جزئی از فطرت ماست، و آیا کسی می‌تواند که از او تعالی دینی بهتر بیاورد؟ نه، هرگز نه، بلکه دین الهی از هر دینی بهتر و با ارزش تر و رنگ آمیزی او از همه رنگها زیباتر است، و ما عبادت کننده الله متعال هستیم.



شاگردان آیاتی چند از قرآن کریم را ذکر نمایند که دلالت بر کامل بودن دین مبین اسلام داشته بیان گر این باشد که یگانه دین معتبر نزد خدای عالمیان اسلام است.

فواید درس

جوانبی از ارشادات و آموختنی‌های آیات این درس قرار ذیل میباشد:

- ★ ابراهیم - علیه السلام - نه یهودی بود و نه نصرانی بلکه پیرو دین حنیف (اسلام) بود.
- ★ مؤمن حقیقی میان انبیای کرام فرق نمی‌کند و به تمام انبیاء - علیهم السلام - ایمان می‌داشته باشد.
- ★ تمام انبیاء دارای یک دین بودند و آن اسلام می‌باشد و جوهر تمام ادیان الهی یکی است.
- ★ شریعت محمدی، نظام کامل زنده‌گی است؛ زیرا که دین مبین اسلام خلاصه و در برگیرنده تمام ادیان الهی است.
- ★ "فطرة الله" عبارت از حالتی است که تمام افراد بر آن آفریده شده اند .



- (۱) در پرتو آیات درس واضح سازید که یهود و نصاری چه دعوی می‌کردند؟
- (۲) چگونه قرآن مجید بر آنانی که به گمان خویش هدایت را در یهودیت و نصرانیت می‌پنداشتند رد کرد؟

- (۳) آیه مبارکه ﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا...﴾ مؤمنین را به چگونه ایمانی مامور می‌سازد؟
- (۴) این جزء از آیه مبارکه را تفسیر نمایید: ﴿لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾.
- (۵) معنی ﴿فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ﴾ چیست و چگونه این خطاب الهی بشارتی بزرگ برای پیامبر - علیه السلام - شمرده می‌شود؟



کارخانه‌گی

در چند سطر فرق‌های اساسی را بین ایمان مسلمانان و ایمان اهل ادیان دیگر بیان دارید.

آیه (۱۳۹-۱۴۱) سوره بقره

﴿قُلْ أَتَحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ﴾
 ﴿۱۳۹﴾ أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ
 أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمْ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۱۴۰﴾
 تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۴۱﴾

معنای کلمات

{أَتَحَاجُّونَنَا} آیا با ما جدال و خصومت می کنید؟

{مُخْلِصُونَ} اخلاص کننده گان.

{أَعْلَمُ} آگاه تر.

{مَنْ أَظْلَمُ} چه کسی ظالم تر است؟

{كَتَمَ} مخفی کرد.

ترجمه آیات

بگو آیا درباره خدا با ما بحث و گفتگو می کنید با آنکه او پروردگار ما و پروردگار شماست و کردارهای ما از آن ما و کردارهای شما از آن شماست و ما برای او اخلاص می ورزیم (۱۳۹) آیا می گوئید ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (دوازده گانه یا فرزندان یعقوب) یهودی یا نصرانی بوده اند، بگو: آیا شما بهتر می دانید یا خدا؟ و کیست ستمکارتر از آن کس که شهادتی از خدا را در نزد خویش پوشیده دارد؟ و خدا از آنچه می کنید غافل نیست (۱۴۰) این گروه است که در گذشت قبل از شما برای ایشان است آنچه به دست آورده اند و برای شماست آنچه به دست آورده اید و از آنچه آنان می کرده اند شما بازخواست نخواهید شد (۱۴۱).

تفسیر مختصر

﴿قُلْ أَتَحْجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ...﴾ در این آیه کریمه خدای متعال می‌فرماید: ای پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به یهود و نصاری بگو: مگر در دین و توحید خدا با ما خصومت و دشمنی می‌ورزید، و ادعا می‌کنید که یهودیت و نصرانیت دین برحق خدا بوده در بهشت صرف یهود و نصاری داخل می‌شوند و بس؟ در حالی که او تعالی آفریدگار ما و شماست و به ما این دین و آیین را او فرستاده است. پس چون او تعالی هم پروردگار مؤمنان از امت محمد - صلی الله علیه وسلم - و هم پروردگار یهود و نصاری است نباید با دینی که او را بنحو درست به بنده گان معرفی میکند و از هرگونه عیب و نقص و شرک پاک و مبرا می‌پندارد مخاصمت و دشمنی صورت گیرد. آیه مبارکه علاوه بر این پیشکشی که ضمیر خردمندان را برای رفع خصومت با پیامبر بر حق خدا بیدار می‌سازد به چیز دیگری نیز اشاره کرده می‌فرماید: همه ما ضمن اینکه مخلوقات او تعالی ایم اعمال و کردار ما مربوط به خود ماست، یعنی ما پاداش اعمال خود مان را و شما هم جزای اعمال خودتان را بدست خواهید آورد، پس این همه دشمنی با ما برای چیست؟

﴿أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ...﴾ این آیه کریمه به ادامه خطابی که در آیت قبلی شده بود می‌فرماید: شما می‌گویید که ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان یعقوب یهودی یا نصرانی بوده اند، یعنی شما ادعا دارید که تمام انبیا و نوادگان آن‌ها؛ یعنی آنانی که در میان شما مبعوث گردیدند، بر دین یهودیت و نصرانیت بوده اند، این ادعای شما باطل است. به اینان بگو ای محمد مگر شما بهتر می‌دانید یا خداوند؟ شما به حقیقت حال آن‌ها آگاه ترید یا خداوند. در برابر این پرسش اگر اینان بگویند ما از خدا بهتر میدانیم پس کافر شدند و اگر اعتراف کنند که خدای عالم از ما بر همه چیز آگاه تر است؛ پس خدای متعال آن پیامبران را از یهودیت و نصرانیت بمعنی و مفهومی که اینان مدعی هستند تبرئه نموده مبرا و پاک دانسته است بلکه آنها را مسلمین معرفی کرده است.

سپس آیه کریمه اشاره بر این دارد که هیچ کسی ظالم تر و ستمکار تر از آن کس که حقیقت را مخفی

می‌دارد نیست؛ حقیقتی که خداوند آن را در تورات وانجیل بیان داشته است؛ زیرا در تورات وانجیل آمده بود که انبیای الهی همه مسلم، منقاد الله متعال و موحد بودند؛ پس بدانید ای اهل کتاب که خداوند از اعمالی که انجام می‌دهید غافل نیست، و در مقابل افترايي که انجام می‌دهید عقاب و مجازات خواهید شد.

بار دیگر خدای متعال در آیت اخیر این درس می‌فرماید: ﴿تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ یعنی: آن گروه انبیا و پیروان مؤمن آن‌ها قبل از شما گذشته‌اند، آن‌ها کار خودشان را انجام دادند و بر اساس اعمالی که انجام داده‌اند برای شان پاداش داده می‌شود، کار آن‌ها به شما ربطی ندارد و اصرار شما بر یهودیت یا نصرانیت شان به شما فایده‌ی نخواهد بخشید بلکه این اتهامات بی‌جای، بار گناه تان را سنگین‌تر خواهد کرد؛ زیرا شما ای کافران منکر، از اعمال و کنش‌های خود تان مورد باز پرس قرار می‌گیرید، و بر اساس کاری که خود انجام می‌دهید جزا می‌بینید. این آیت دو بار تکرار شده است و معنای وعید و تهدید را در خودش نهفته دارد، به این معنی: هرگاه انبیا با همه قدر و منزلت شان، بر اساس عمل خود شان پاداش داده می‌شوند؛ پس حالت شما چگونه خواهد بود؟ شما در حق خداوند دروغ بافی می‌کنید و مدعی می‌شوید که ما دوستان خداییم! بدانید که هیچ انسانی از عمل شخص دیگری باز خواست نمی‌شود، و بار دیگری را به دوش نمی‌کشد.

فواید درس

چند نکته از فواید و آموختنی‌هایی که از این آیات به دست می‌آید قرار ذیل است:

★ روح دین الهی توحید و اخلاص است، هدف از هر حکم دینی سالمیت عقیده، تزکیه نفس و اصلاح عقل و قلب می‌باشد.

★ سعادت دنیا و آخرت با اعمال نیک ارتباط محکم دارد.

★ در دین مبین اسلام حساب، کتاب، جزا، اجر و ثواب مربوط به کردار شخصی هر انسان می‌باشد؛

لذا هر شخص پاداش عمل خویش را دریافت نموده دیگران باعث نجات وی شده نمی‌توانند و هیچ کس بغیر از اجازه خداوند کریم حق شفاعت ندارد.



معنای جمله **«وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ»** چیست ؟ و چه را افاده میکند؟

یهود و نصاری کدام شهادتی را پنهان نموده بودند که در کتب الهی آمده بود؟

حکمت از تکرار آیه کریمه **«تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ...»** چیست؟

معانی جملات و کلمات آتی را بیان دارید:

{أتحاجوننا} {و نحن له مخلصون} {الأسباط} {و من أظلم} {قد خلت}



در مورد اینکه مدار نجات انسانها به اساس تعلیمات اسلامی عمل نیک است و تنها منسوب بودن به کدام دین یا نسبت داشتن به پیغمبران و صالحین باعث نجات نخواهد بود چند سطر بنویسید.

آیه (۱۴۲-۱۴۳) سورة بقره

﴿سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَن قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلِ اللَّهُ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (۱۴۲) وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقِبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ إِيْمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَوُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ (۱۴۳)

معنای کلمات

{وَلَّاهُمْ}	تغییرشان داد، منصرف شان گردانید.
{شُهَدَاءَ}	گواهی دهنده گان.
{يَتَّبِعِ}	متابعت و پیروی می کند.
{يَنْقَلِبُ}	می گردد و پشت می کند (به کفر و شرک روی میاورد).
{لِيُضِلَّ}	اینکه ضایع گرداند.
{رَوُوفٌ}	مشفق و مهربان.

ترجمه آیات

به زودی مردم کم خرد خواهند گفت: چه چیز آنان را از قبله‌ای که بر آن بودند (یعنی از بیت المقدس) روی گردان کرد؟ بگو: مشرق و مغرب از آن خداست، هر که را خواهد به راه راست هدایت می کند (۱۴۲) و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد و مقرر نکردیم قبله‌ای را که [چندی] بر آن بودی جز برای آنکه کسی را که از پیامبر پیروی می کند از آن کس که از عقیده خود برمی گردد بازشناسیم هر چند [این تحویل قبله] جز بر کسانی که خدا هدایت [شان] کرده سخت گران بود و خدا بر آن نبود که ایمان شما را ضایع گرداند؛ زیرا خدا [نسبت] به مردم بخشاینده مهربان است (۱۴۳)

تفسیر مختصر

﴿سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَن قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا...﴾ خداوند متعال به اعتراض یهود

ونصاری و مشرکین در مورد تحویل قبله قبل از آن که رخ دهد اشاره نموده از آن به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و مسلمانان اطلاع می‌دهد و می‌فرماید: مردم سبک مغز از میان یهود و نصاری و مشرکین بطور اعتراض گونه خواهند گفت: چه چیزی مسلمانان را از قبله نخست شان که بیت المقدس بود منصرف گردانید تا آن که به مسجد الحرام روی کردند؟ این آیه کریمه یکی از معجزات قرآن کریم به شمار می‌رود، زیرا از واقعه، قبل از وقوع آن سخن به میان آورد و واقعه عیناً طبق پیش بینی آن بوقوع پیوست چون هنگامیکه قبله عملاً تغییر نمود و مسلمانان مأمور شدند تا به سوی کعبه شریفه نماز بگذارند دشمنان اسلام فوراً زبان به اعتراض گشودند. خداوند متعال پیش از پیش به پیامبرش دستور داد که به آنها بگو: تمام جهات از آن خداوند متعال است، این طور نیست که یک جهت از آن خدا باشد و جهت دیگری مربوط به او تعالی نباشد، و او تعالی حق دارد که کسی را به هر طرف که خواسته باشد بر حسب مصلحت و حکمت خویش دستور نمازگزاردن دهد، چه آن به سوی مشرق باشد یا مغرب و چه شمال باشد و یا جنوب. او تعالی است که مردم را به راه درست و مستقیم هدایت می‌کند.

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا...﴾ این آیه کریمه مقام والای امت اسلامی را بعد از استقلالش در امر قبله نشان می‌دهد و می‌فرماید: همان گونه که شما را به سوی اسلام و به سوی قبله پدران ابراهیم - علیه السلام - هدایت نمودیم، همان گونه شما را امتی میانه و عدل قرار دادیم و از همین لحاظ نسبت به تمام امت‌ها عزت و مكانت یافتید. وسط بمعنی میانه، عدل، خیار، افضل و خیر می‌آید و تمام اینها دلالت به برگزیده شدن امت اسلامی و برتری آن دارد.

بر این کرامت و عدالت نتیجه بزرگ مرتب شده است که جزء بعدی آیت بدان اشاره دارد: ﴿لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ تا آن که در روز قیامت بر مردم گواه و شاهد باشید، بر این که رسالت خداوند برای تمام بشریت رسیده است، و انبیای الهی با تمام اخلاص و صداقت و بی‌کم و کاست رسالت الهی را به اقوام خویش رساندند، و در عین زمان پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در حق شما شهادت و گواهی می‌دهد و به صداقت و درستی کارتان اقرار می‌نماید. در روایات آمده است که امت‌های دیگر در روز آخرت از این که پیامبران شان رسالت خداوند را تبلیغ کرده اند انکار می‌ورزند، بناءً امت محمد - صلی الله علیه وسلم - بر علیه آنها شهادت می‌دهند و ادعای آنها را واهی و بی‌اساس می‌خوانند.

سپس خداوند متعال سبب و علت تغییر دادن قبله را از بیت المقدس به سوی کعبه شریفه بیان داشته می‌فرماید: ﴿مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ...﴾ ای محمد! ما نماز گزاردن به سوی بیت المقدس را در بار نخست وبعد تغییر دادن آن را به سوی کعبه شریفه قرار ندادیم مگر بخاطر آن که یک آزمونی برای مردم باشد، تا صدق و کذب ایمان شان را عیان سازیم، و واضح سازیم که چه کسی از آن‌ها پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را تصدیق می‌کند و چه کسی تکذیب می‌نماید و از اسلام روی گردان گشته مرتد می‌شود. مسلماً این تحویل و تغییر قبله بر مردم خیلی سخت و دشوار تمام خواهد شد؛ ولی کسانی که خداوند هدایت شان کرده و قلبهای شان را با نور ایمان و اخلاص منور گردانیده است و حکمت تشریع آن را به خوبی درک می‌کنند نسبت به این تحویل هیچ نوع سختی در خود شان احساس نخواهند کرد.

خداوند متعال در آخر آیت می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ خداوند نمازهای شما را که به جهت بیت المقدس گزارده اید ضایع نمی‌کند و اجر آنها را نابود نخواهد کرد؛ زیرا که او تعالی در حق بنده گان خویش شفیق و مهربان است!! در روایات آمده است: زمانی که قبله به سوی کعبه شریفه متحول گردید، شماری از صحابه از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - پرسیدند: ای رسول خدا! سرنوشت نمازهای آن عده از برادران ما که امروز از دنیا رفته اند و نمازهای خود را به سوی بیت المقدس گزارده اند چه خواهد شد؟ این آیت در پاسخ به این سؤال آنها نازل گردید. در این قسمت آیت از نماز به «ایمان» تعبیر شده است؛ زیرا که نماز یکی از مهم‌ترین مظاهر و پدیده‌های ایمان به شمار می‌رود.



در باره ویژگی‌های امت محمد - صلی الله علیه وسلم - بحث و گفتگو نموده؛ سپس نتایج بحث تان را در کتابچه‌های خویش بنویسید.

فواید درس

گوشه‌یی از فواید و آموختنی‌هایی که از این آیات به دست می‌آید قرار ذیل است:

★ تمام جهات تنها و تنها از آن خدا است. او تعالی حق دارد یک طرف معین را مشخص نماید و مردم را مأمور سازد که به آن سوی روی آورند.

★ در تغییر قبله امتحانی بود تا مردم ثابت بر دین را از غیر آن جدا سازد و معلوم کند .

★ امت محمدی بالای امت‌های دیگر بدین سبب شاهی میدهند که کتاب آسمانی شان به عدالت همه حقایق را بیان داشته و بدون از تحریف تا قیام قیامت باقی می‌ماند.

★ تا وقتی که عامل و محرک هر عمل انسان ایمان بر الله - جل جلاله - و اطاعت از پیامبر وی باشد خداوند کریم اعمال ایشان را قبول می‌فرماید.

★ خداوند کریم از روی مهربانی و مرحمت عمل هیچ بنده خویش را هرچند به اندازه ذره هم باشد، ضایع نمی‌سازد.



(۱) معانی عبارات و کلمات ذیل را بیان دارید:

{السفهاء} {ماولاهم عن قبلتهم} {شهداء} {ينقلب علي عقبيه} {وإن كانت لكبيرة}

(۲) یهود، نصاری، مشرکین و منافقین چرا بر تحویلی قبله اعتراض نموده و از این امر ناراض بودند؟

(۳) در آیات متذکره امت محمدی به کدام صفت موصوف گردیده اند؟

(۴) حکمت از تحویل قبله را که آیات این درس به آن اشاره کرده است واضح سازید؟

(۵) این جزء از آیه مبارکه را تفسیر نمایید: ﴿لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾.



به بعضی از کتب تفسیر (خصوصاً تفسیرهای معاصر مثل فی ظلال القرآن) مراجعه نموده در مورد وسط بودن امت اسلامی یک مقاله مختصر بنویسید.

آیه (۱۴۴-۱۴۷) سوره بقره

﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ﴾ (۱۴۴) وَلَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (۱۴۵) الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ (۱۴۶) الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ﴾ (۱۴۷) ﴿

معنای کلمات

{تَقَلُّبَ}	گردانیدن،
{وَجْهِكَ}	رویت را.
{فَوَلِّ}	پس بگردان.
{شَطْرَ}	جهت، طرف.
{أَتَيْتَ}	بیاوری، دلیل بگویی.
{أَهْوَاءَهُمْ}	خواسته‌های آن هارا، أهواء: جمع هوی است و آن عبارت است از چیزی که نفس بدان میلان پیدا می‌کند.
{يَكْتُمُونَ}	مخفی می‌دارند، می‌پوشانند.
{مُمْتَرِينَ}	شک کننده گان.

ترجمه آیات

ما گردانیدن رویت به طرف [برای تعیین قبله نهایی] آسمان را نیک می‌بینیم؛ پس تو را به قبله‌ای که بدان خشنود شوی بر خواهیم گردانید؛ پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن، و هر جا بودید روی خود را به سوی آن بگردانید. در حقیقت اهل کتاب نیک می‌دانند که این [تغییر قبله] از جانب پروردگارشان [بجا و] درست است و خدا از آنچه می‌کنند غافل نیست (۱۴۴) اگر هر گونه معجزه‌ای برای اهل کتاب بیاوری [باز] قبله تو را پیروی نمی‌کنند و تو [نیز] پیرو قبله آنان نیستی و خود آنان پیرو قبله یکدیگر نیستند و اگر

از هوسهای ایشان پیروی کنی پس از علمی که تو را [حاصل] آمده، در آن صورت از ستمکاران خواهی بود (۱۴۵) کسانی که به ایشان کتاب [آسمانی] داده‌ایم همان گونه که پسران خود را می‌شناسند او [محمد] را می‌شناسند و مسلماً گروهی از ایشان حقیقت را نهفته می‌دارند و خودشان [هم] می‌دانند (۱۴۶) حق از جانب پروردگار توست پس مبدا از تردیدکنندگان باشی (۱۴۷)

تفسیر مختصر

﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا...﴾ رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - به دل آرزوی این را داشت که روزی کعبه شریفه قبله گاه مسلمانان در نماز باشد و به اساس این حب قلبی بار بار بسوی آسمان می‌نگریست و منتظر آن بود که کی این بشارت آسمانی نازل خواهدگشت آیه کریمه به این انتظار رسول خدا اشاره کرده می‌فرماید: ای محمد! نگاه‌های مکررت را به سوی آسمان دیدیم که تحویل و تغییر جهت قبله را می‌پاییدی، حتماً رویت را به سوی قبله ای خواهیم گردانید که از آن راضی شوی و خورسند گردی، پس به سوی کعبه شریف روی خود را بگردان.

سپس خداوند متعال همه مؤمنان را مورد خطاب قرار داده می‌فرماید: ﴿وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ﴾ ای مؤمنان، هرجایی که باشید برای ادای نماز روی تان را به سوی خانه کعبه بگردانید. آیت مبارکه بعد از این، یک حقیقت دیگر را باز گو می‌نماید که از جمله این معترضان آنانیکه صاحب کتاب اند به اساس معلوماتی که در کتب شان در شان نبی آخرالزمان داده شده است خوب میدانند که این تحویل قبله حق است و از جانب خداست لیکن از آن تغافل می‌ورزند، می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ﴾ و آنانی که داده شده اند کتاب (یهود و نصاری) هرآینه می‌دانند که این تغییر قبله درست و به جا و از جانب خداوند متعال ثابت و حق است، ولی بخاطر گمراه کردن مردم، شبهه ایجاد می‌کنند؛ لذا خداوند متعال در آخر آیت برای متوجه ساختن این افراد به جزای سخت چشم پوشی شان از حقایق می‌فرماید: ﴿وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ﴾ یعنی: هیچ کاری و هیچ امری از امور آن‌ها از دید و علم او تعالی مخفی و پوشیده نمی‌ماند، او تعالی می‌داند که آن‌ها از کدام مکر و حيله کار می‌گیرند و به همان اساس آن‌ها را مجازات خواهد کرد.

﴿وَلَيْنُ آتَيْنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ...﴾ این آیه کریمه بیان گر حد نهایی عناد و سرکشی اهل کتاب از پذیرفتن حق است می‌فرماید: ای پیامبر، اگر به نزد یهود و نصاری بیایی، و هر نوع حجت و برهانی هم تقدیم نمایی که در امر تحویل قبله، دال بر صدق گفتارت باشد، از قبله ات پیروی نخواهند کرد و به سوی قبله ات نماز نخواهند گزارد؛ زیرا که انکار آن‌ها از روی عناد و دشمنی است نه

از روی جهل و نادانی.

همچنان آیه کریمه بیان گر جدایی خط حق از باطل و عدم اتفاق پیروان باطل در بین خود شان است، در موضوع اول میفرماید: **﴿وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قَبْلَتَهُمْ﴾** یعنی: ای محمد! تو هرگز پیروی کننده از قبله آنها نخواهی بود و به هیچ صورت به قبله آنها روی نخواهی آورد؛ زیرا قبله و روش تو حق و از جانب خداست اما قبله و روش آنها بعد از منسوخ شدن احکام کتب شان باطل شمرده می شود و در موضوع دوم میفرماید: **﴿وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ﴾** و نه بعضی از اهل کتاب پیروی کننده از قبله بعض دیگر اند؛ یعنی یهود به سوی قبله نصاری نماز نمی گزارند؛ و نصاری نیز به سوی قبله یهود نماز نمی گزارند. زیرا در میان آنها دشمنی و عداوتهای شدید وجود دارد. خداوند متعال در آخر آیت برای ثابت نگهداشتن امت اسلامی به مبادی ایمانی شان خطاب به پیشوا و مقتدای آنان؛ یعنی حضرت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - میفرماید: **﴿وَلَيْنِ اتَّبَعَتْ أَهْوَاءَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لِّنَ الظَّالِمِينَ﴾** ای محمد - صلی الله علیه وسلم - اگر تو (و به تبع تو پیروانت) پس از آن که علم واضح و دلایل روشن برایت رسیده است، اگر با آنها موافقت نموده و با خواستههای آنها رضایت نشان دهی، از جمله آنانی خواهی بود که بدترین ظلم را مرتکب شده باشد؛ البته آیت مبارکه این عبارت را به اسلوب فرض و تقدیر بکار برده است؛ زیرا که محمد - صلی الله علیه وسلم - دورترین افراد از متابعت و پیروی یهود و نصاری و خواستههای ایشان است. امکان ندارد که آن حضرت از خواستههای کفار و ستمگران پیروی نماید.

خداوند متعال در آیت بعدی میفرماید: **﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ...﴾** یعنی: یهود و نصاری از خاتم پیامبران حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - چنان شناخت دارند که فرزندان خویش را می شناسند. آنها در صداقت و درستی نبوت آن حضرت هیچ تردیدی ندارند؛ لیکن این قدر است که حق پوشی و حق تلفی جزء عادات عده کثیری از آنها شده است؛ لذا اعتراف به آنچه میدانند نمی کنند **﴿وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾** یعنی: گروهی از آنها - به ویژه رهبران و مراجع دینی شان - صفات پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را آگاهانه و از روی عمد می پوشانند، و می دانند که چه کار می کنند.

در اخیر این هدایت متوجه پیغمبر خدا و امت وی گردیده است که: **﴿الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْطِئِينَ﴾** ای محمد - صلی الله علیه وسلم - آن چه را که از امور دین و شریعت برایت وحی کردیم، آن حق و حقیقتی قاطع، یقینی و تردید ناپذیر است، پس لازم نیست که در این مورد در دل خویش شک و تردید داشته باشی و نسبت به آن دلهره به خودت راه دهی. با آن که در این آیت خطاب مستقیم متوجه حضرت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - است - ولی منظور امت محمد و پیروان دین او می باشند.

فواید درسی

بعضی از فواید و آموختنی‌هایی که از این آیات استنباط می‌شوند قرار ذیل اند:

★ الله جل جلاله مسلمانان را در نماز به روی آوردن به قبله (کعبه) مأمور ساخته است و باید بغیر از حالت هراس از دشمن و حالت نبرد - در هر جا و هر وقت به طرف قبله روی آورده شود و الا نماز صحت ندارد.

★ یهودیان و نصرانی‌ها با آن که از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - شناخت کامل داشتند؛ ولی از روی عناد و دشمنی و کینه توزی به نبوت او اعتراف نمی‌کردند.

★ حضرت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - علاقمند بود که قبله تغییر نماید؛ از همین روی همواره به سوی آسمان نگاه می‌کرد تا مگر که به وی دستور داده شود که نمازش را به سوی کعبه شریفه اداء کند.

★ یهودیان و نصرانی‌ها در مورد قبله خود شان اختلاف دارند و هریک از آن‌ها به دو جهت مخالف نماز می‌گزارند.

★ هر مؤمن مکلف است که حق را بشناسد و به آن تمسک جوید و هیچگاه در پی آن نباشد که بخاطر کسب رضایت دیگران از مبادی خود تنزل کند، و اگر کسی به چنین کاری اقدام نماید ظالم و ستمگر شناخته می‌شود.



- (۱) آیا پیامبر - علیه السلام - منتظر حکم تحویلی قبله و روی آوردن به سوی بیت الله الحرام بود؟
- (۲) قرآن مجید چگونه اعتراضات دشمنان اسلام را در مورد قبله قبل از تحویل آن پیش بینی کرد؟
- (۳) آیا یهودیان و نصرانی‌ها در مورد حقانیت تغییر قبله اطلاعی داشتند؟ از کدام عبارت قرآنی این مطلب را می‌توان در یافت؟
- (۴) یهود و نصاری راجع به محمد - صلی الله علیه وسلم - کدام حقایق را پنهان می‌کردند و در کتب شان از چه چیزی تذکر بعمل آمده بود؟
- (۵) در جمله ﴿فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُتَرَيِّنَ﴾ خطاب به کیست و مقصود کی‌ها اند؟



کارخانه‌گی

داستان تبدیلی قبله از بیت المقدس به سوی کعبه شریفه را - با استفاده از کتب سیرت و تفسیر - مختصراً در کتابچه‌های خود بنویسید.

آیه (۱۴۸-۱۵۱) سوره بقره

﴿وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (۱۴۸) وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۱۴۹﴾ وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمْنَعِي نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۱۵۰﴾ كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿۱۵۱﴾﴾

معنای کلمات

- {مُوَلِّيهَا} روی آورنده به سوی آن.
 {فَاسْتَبِقُوا} میان هم به مسابقه پردازید، از همدیگر خود پیشی بگیرید.
 {حُجَّةٌ} دلیل وبرهان.
 {فَلَا تَخْشَوْهُمْ} از آنان [کافران فاجر] هراسی به خود راه ندهید.
 {لَا تُمْنَعِ} تا نعمت خود را حد کمال و تمام برسانم.

ترجمه آیات

و برای هر کسی قبله‌ای است که وی روی خود را به آن [سوی] می‌گرداند، پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید. هر کجا که باشید خداوند همگی شما را [به سوی خود باز] می‌آورد. بدون شک خدا بر همه چیز تواناست (۱۴۸) و از هر کجا بیرون آمدی، روی خود را به سوی مسجدالحرام بگردان (یعنی به هنگام نماز) و البته این [فرمان] حق بوده و از جانب پروردگار تو است و خداوند از آنچه می‌کنید غافل نیست (۱۴۹) و از هر کجا بیرون آمدی روی خود را به سمت مسجدالحرام بگردان و هر کجا بودید رویهای خود را به سوی آن بگردانید تا برای مردم بر شما حجتی نباشد مگر آنانیکه ستم کردند؛ پس از آنان نترسید و از من بترسید تا نعمت خود را بر شما کامل گردانم و باشد که هدایت شوید (۱۵۰) همان طور که در میان شما فرستاده‌ای از خودتان روانه کردیم [که] آیات ما را بر شما می‌خواند و شما را پاک می‌گرداند و به شما کتاب و حکمت می‌آموزد و آنچه را نمی‌دانستید به شما یاد می‌دهد (۱۵۱).

تفسیر مختصر

﴿وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ...﴾ خداوند متعال در آیت نخست این درس می‌فرماید: هر امتی دارای شریعتی خاص و قبله‌ای ویژه است که خداوند روی ایشان را به سوی آن گردانده است و بدان سوی رهنمون‌شان نموده است، یعنی شرایع و احکام به اساس حکمت خداوندی برای هر قوم و امتی مختلف بوده است و به همین اساس امت اسلامی که آخرین امت هاست نیز دارای قبله مخصوص به خود می‌باشد، پس ای مؤمنان شما به غوغاهای معترضین نیندیشید بلکه به سوی کارهای خیر بشتابید و از یکدیگر خویش در این امر پیشی بگیرید؛ سپس خداوند متعال در آخر آیت می‌فرماید: ﴿أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ یعنی: هر جا که باشید - بعد از مرگ - در دل زمین، یا در اعماق بحرهای، خداوند شما را برای حساب و جزاء جمع خواهد کرد؛ زیرا که او تعالی بر هر کاری قادر و توانا بوده و از کردن هیچ کاری عاجز نیاید.

﴿وَمَنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...﴾ خداوند متعال در ابتدای این آیت پیامبرش را دستور می‌دهد که در هر حالتی و هر جایی که باشد باید به سوی مسجد الحرام روی آورد، و برایش می‌گوید: در هر جایی که باشی - سواء در سفر یا در حضر - در نماز روی خویش را به سوی کعبه شریفه بگردان، و این روی آوردن به سوی کعبه شریفه از سوی پروردگارت حق و مورد تأیید است؛ زیرا که او تعالی بدان دستور داده است؛ سپس خداوند تعالی در آخر آیت کلامش را متوجه مخاطبین بالعموم میکند و این پیام را به ایشان میرساند که همه شما زیر نظر و مراقبت الهی قرار دارید و او تعالی هیچ وقت از حال شما غافل و یا بی‌خبر نمی‌ماند.

﴿وَمَنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ...﴾ بار دیگر مکرراً خدای عز و جل پیغمبر خویش و همه امتیان وی را امر می‌فرماید که در هر جایی که قرار داشته باشید به هنگام نماز روی تان را به سوی کعبه بگردانید. سبب این که مسئله تحویل قبله از بیت المقدس به سوی کعبه شریفه در این آیات سه بار تکرار گردیده این خواهد بود که از یک سو پیامبر - صلی الله علیه وسلم - مشتاقانه خواهان آن بودند گویا که قرآن مجید هر بار نوید تازه‌یی را به رسول گرامی اسلام تقدیم میکند و مکرراً قلب او را خوشحال می‌سازد، و از سوی دیگر تأکید بر این مینماید که مسلمانان باید تشخیص و هویت خاص خود را داشته باشند، و حتی در عبادت و روی آوردن به قبله هم لازم است که دارای شخصیت مستقل باشند.

همچنان حکمت تکرار را میتوان بزرگ و مهم جلوه دادن موضوع بر شمرد که چون این امر یکی از

مسایل مهم اسلام است؛ لذا مکرراً از آن یاد شده، علاوه بر آن این تکرار اشاره به طرف بیان حکم توجه به قبله نیز دارد که روی گردانیدن به سوی کعبه شریفه در سفر و حضر یک حکم دارد.

﴿لَيْتَ لَا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ...﴾ چون تغییر قبله از یک جانب به جانب دیگر کاری است بس مهم و حساس از همین روی خدای متعال پیروان قرآن پاک را متوجه ساخت تا نگذارند دشمنان اسلام بر علیه آنها توطئه کنند، بار بار فرمود: هر جا که هستید روی تان را بسوی کعبه بگردانید و این آیات ما را نصب العین خویش قرار دهید تا آن که یهودیان بر علیه شما دلیل و برهانی نداشته باشند، و نگویند که: محمد در دین با ما مخالفت می‌ورزد؛ ولی از قبله ما پیروی می‌کند!! و تا مشرکین نگویند که: محمد ادعای پیروی از ملت ابراهیم - علیه السلام - را دارد ولی از قبله اش اعراض میکند؛ سپس خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي﴾ یعنی: مگر فاسقان و ستمگرانی از یهود که می‌گویند: محمد با دین بازی می‌کند، گاه به یک سو و گاه به سوی دیگر نماز می‌گزارد، گاه روی خود را به سوی بیت المقدس می‌گرداند و گاه به سوی بیت الحرام و از قوم خود پیروی مینماید. ای مؤمنان! از آن کافران فساد پیشه و فاجران بد کردار هراسی به خود راه ندهید بلکه تنها از من هراس داشته باشید.

در اخیر خدای منان به این امر اشاره میکند که اگر اطاعت و خوف شما از من باشد نعمتم را بر شما پوره خواهم کرد ﴿وَلَا تَمْنَعُ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ یعنی: تا آن که نعمت خویش را بر شما به کمال و اتمام برسانم، و شما به سوی قبله پدرتان ابراهیم خلیل، و به خوشبختی‌های هردو جهان، رهنمون گردید.

﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيْكُمْ﴾ این آیت با آیت گذشته ارتباط دارد، زیرا در آنجا از اتمام نعمت سخن به میان آمد و در این جا به یک نمونه از نعمت‌های عظیم خداوند اشاره می‌گردد می‌فرماید: همچنان به شما پیامبری از خود شما بر گزیدیم، تا به واسطه او عزت و شرف و منزلت یافتید، پیامبری که بر شما آیات ما را تلاوت نموده راه و رسم زنده‌گی را برای تان می‌آموزد، و وجود تان را از پلیدی‌های شرک و عبادت بت‌ها پاکیزه می‌دارد و به شما احکام قرآن و سنت مطهر را یاد می‌دهد، و به شما از علوم مورد نیاز دنیا و آخرت چیزهایی را یاد می‌دهد که قبلاً از آن هیچ آگاهی نداشتید.



شاگردان به دو گروه تقسیم گردیده در باره راه‌های مبارزه علیه تبلیغات سوء دشمنان اسلام بحث و گفتگو کنند.

فواید درس

- گوشه یی از فواید و آموختنی‌هایی که از خلال این آیات به دست می‌آید قرار ذیل اند:
- ★ روی آوردن به قبله نشان وحدت امت اسلامی و نشان اطاعت و بندگی خداوند تعالی می‌باشد.
 - ★ باید در امور خیر از هر کسی پیش‌تاز و پیش‌گام بود و در اجرای کارهای خیر از همدیگر سبقت جست.
 - ★ سبقت‌گیری در امور خیر سبب تقرب و نزدیکی و کسب رضایت خداوند متعال می‌شود.
 - ★ بیم از الله - جل جلاله - نشانه صدق مؤمن است که بدین اساس امت از لغزش‌های زیادی نجات می‌یابد.
 - ★ تغییر قبله به سوی کعبه و بعثت پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - از نعمت‌های بزرگ الهی به شمار می‌رود.
 - ★ قرآن کریم سبب تزکیه قلوب مؤمنان و آموختن چیزهایی می‌گردد که قبلاً از آن هیچ آگاهی نداشتند.



- (۱) معانی کلمات و جملات آتی را بیان دارید:
- {و لكل وجهة} {فاستبقوا الخیرات} {علیکم حجة} {یعلمکم الكتاب و الحکمة}
- (۲) معنی و تفسیر ﴿وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ...﴾ چیست؟
- (۳) حکمت از سه بار بیان شدن تغییر قبله در این آیات چیست؟
- (۴) مهمترین پیام تحویل قبله در شان امت اسلامی چی بود؟
- (۵) در آیت اخیر به بعضی از وظایف پیامبر - صلی الله علیه وسلم - اشاره شده است. آن وظایف را بیان کنید.

آیه (۱۵۲-۱۵۷) سوره بقره

﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ﴾ (۱۵۲) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿۱۵۳﴾ وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمُوتَ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنَّ لَا تَشْعُرُونَ ﴿۱۵۴﴾ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿۱۵۵﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿۱۵۶﴾ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿۱۵۷﴾ ﴿

معنای کلمات

{فَاذْكُرُونِي} مرا به یاد آرید، مرا یاد کنید، مرا در خاطر خود داشته باشید.

{اسْتَعِينُوا} کمک بخواهید، استعانت بطلبید.

{لَنَبْلُوَنَّكُمْ} حتماً شما را می‌آزماییم، حتماً شما را به آزمون می‌گیریم.

{أَصَابَتْهُمْ} برسد آنها را، مبتلا گردند.

ترجمه آیات

پس مرا یاد کنید [تا] شما را یاد کنم و از من سپاسگزاری کنید و با من ناسپاسی نکنید (۱۵۲) و مدد جویید (درتحصیل ثواب آخرت) به صبر و نماز و هراینه خدا با صابران است (۱۵۳) و کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نخوانید بل که زنده اند ولی شما نمی‌دانید (۱۵۴) و قطعاً می‌آزماییم شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جانها و محصولات و مرده ده صبر کننده گان را (۱۵۵) [همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد می‌گویند ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم (۱۵۶) این گروه برایشان است درودها از پروردگار ایشان و بخشایش وایشانند راه یافتگان (۱۵۷).

تفسیر مختصر

﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ﴾ در درس قبلی آیاتی گذشت که بیان گر نعمت‌های خداوند به بنده گان بود در این آیت او تعالی در برابر این نعمات بزرگ از آن‌ها می‌خواهد که پاس آن نعمت‌ها را بجای آورند، و می‌فرماید: با پرستش و طاعت و پیروی از اوامر من مرا یاد کنید، و من

هم شما را با آمرزش، پاداش دادن، مزد دادن یاد می‌کنم. یا به عبارتی دیگر، شما مرا در وقت آسانی، آسایش و خورسندی یاد کنید و من شما را در وقت سختی و مصیبت‌ها یاد می‌نمایم، یا آن که شما در وقت برخورداری از نعمتهای بزرگ مرا یاد نمایید، و نعماتی را که به شما ارزانی داشته ام انکار نکنید و از معصیت و نافرمانی من خود داری ورزید، من هم همواره شما را از آن نعمات بزرگ برخوردار می‌دارم و شما را در مشقت نمی‌افکنم.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ خداوند متعال در این آیت مبارکه بنده گان خویش را به صفت ایمان یاد میکند که مقتضای آن سمع، اطاعت، و التزام به اوامر الهی است تا همت شان را بلند برد میفرماید: ای مؤمنان! جهت آن که توان طاعت پروردگار خویش را به نحو درست و صحیح پیدا نمایید، در تمام سختی‌ها از صبر و از نماز کمک بگیرید؛ زیرا که اگر شما به دامن صبر و شکیبایی روی آورید هر نوع فضیلت و احسانی را از آن خویش خواهید نمود و اگر به دامن نماز چنگ زنید از هر نوع معصیت و فحشا بر کنار می‌مانید؛ چنانچه او تعالی در جای دیگری از قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ [العنکبوت: ۴۵] و همچنان خدای متعال اعلام می‌دارد که از صابران پشتیبانی می‌نماید و در هر سختی و تنگنایی آن‌ها را دستگیری می‌کند و یار و یاور شان می‌باشد.

﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ﴾ این آیه کریمه بیان گر جایگاه بزرگ شهیدان در مکتب اسلام است زیرا آنها نمونه‌های عالی صبر و استقامت اند میفرماید: درمورد کسانی که در راه الله و بخاطر اعلای کلمه خدا کشته شده اند نگویید که آن‌ها مرده اند، بلکه آن‌ها زنده اند؛ ولی شما زنده بودن شان را احساس نمی‌کنید؛ چون آن‌ها در زنده‌گی متفاوت از زنده‌گی شما که بنام برزخ یاد می‌شود قرار دارند. زنده‌گی برزخ با زنده‌گی این جهان و دنیای برزخ با دنیای ما متفاوت است. شهدا در این زنده‌گی از نعمات الهی برخوردارند؛ ولی این ماییم که حقیقت آن را درک کرده نمی‌توانیم.

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ...﴾ چیزی که بنده بخاطر برداشت و تحمل آن باید به صبر و نماز روی آورد تا از ورای آن کامیابی نصیب وی گردد همانا مشکلات، مصیبت‌ها و بلند و پستی‌های زنده‌گی می‌باشد که به اساس آزمایش خداوندی گریبان گیر وی می‌گردند. خداوند متعال در آیت فوق در این مورد می‌فرماید: ای مردم! شما را به اندکی از مشکلات و نابسامانی‌ها مانند: هراس از دشمنان، گرسنگی

شدید، نابود شدن قسمتی از دارایی ها، یا از دست دادن دوستان و خویشاوندان، یا تباهی قسمتی از مزارع و میوه جات و غیره به آزمون می گیریم؛ پس مردم شکیبا و صابر را به عاقبتی نیک مژده بده، آنانی که در برابر نا ملایمات زنده گی خمی بر ابرو نمی آورند و پشت های شان زیر بار آن خم نمی گردد و اعتماد و توکل شان به خداوند قوی و پایدار است، این افراد فرجامی نیک در انتظار شان خواهد بود.

خداوند متعال بعد از اعلان اینکه زنده گی بنده گانش خالی از آزمایش نخواهد بود و موفق آن کسی است که صبر و شکیبایی را پیشه خویش قرار دهد صابری را معرفی میکند و اوصاف شان را مشخص میگرداند: ﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ یعنی: بشارت بده به آن عده کسانی که ایشان را بیازمودیم و آن ها در مقابل، صبر و شکیبایی پیشه نمودند، و این شکیبایی در حقیقت نشان صدق ایمان و باور راستین شان به قضا و قدر الهی بوده است. چنین مردمی هرگاه به مصیبتی مبتلا می گردند، صادقانه به خداوند خود شان را تسلیم می کنند و می گویند: ما همه از خداوند هستیم و به سوی او تعالی باز می گردیم.

حضرت ام سلمه همسر پیامبر - رضی الله عنها - می گوید: از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - شنیدم که می فرمود: "هر بنده ای که به مصیبتی مبتلا گردد و در مقابل: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، اللهم أجرني في مصيبتی واخلف لي خيرا منها» بگوید، حتماً خداوند متعال برایش پاداش می دهد و عوض بهتر از آن را برایش اعطا می کند".^(۱)

خداوند تعالی در رابطه به پاداش دهی صابران می فرماید: ﴿أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾ یعنی: برای آن صابران از طرف پروردگار شان آمرزش و پاداشی بزرگ است، و آن ها را به راه سعادت و نیک بختی های دنیوی و اخروی هدایت می کند. در حدیثی قدسی آمده است که خداوند متعال می فرماید: «کسی را که بخاطر از دست دادن دو دوست داشتنی اش (چشمهایش) بیازمایم در عوض برایش بهشت ارزانی می داریم.»



شاگردان باهم پیرامون صبر و شکیبایی بحث و گفتگو نموده فواید آن را در کتابچه های خویش بنویسند.

فواید درس

بعضی از فواید و آموختنی‌هایی که از این آیات به دست می‌آید قرار ذیل اند:

★ ذکر و شکرگزاری الله - جل جلاله - سبب دوام نعمات می‌گردد مثلیکه ناشکری امت‌ها را به تباهی برده سبب نزول عذاب می‌گردد.

★ اهداف بزرگ زمانی به دست می‌آید که انسان در راه رسیدن به آنها تلاش فراوان کند و از خود در این راستا صبر و شکیبایی نشان دهد و مستمرانه و پیوسته در پی تحقق آنها باشد.

★ در دنیا خوشی‌ها و مصایب باهم اند، گاهی انسان به اقبال خوشی‌ها روبه روی می‌شود و گاهی دیگر در دام مصایب می‌افتد؛ ولی انسان‌های موفق درمقابل هیچ یک از آن دو خودشان را از دست نمی‌دهند.

★ از نشانه‌های مؤمن حقیقی آن است که به فیصله‌ها و تقدیرات الهی تسلیم شده و مصایب را به حوصله مندی پاسخ گوید و نفس خویش را به الله - جل جلاله - تسلیم نماید و بگوید: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ

راجعون﴾.



(۱) شکر و ذکر الله - جل جلاله - به کدام طریقه صورت گرفته می‌تواند؟

(۲) در کدام حالات باید ما به دامن صبر روی آوریم؟

(۳) چه کارهایی می‌تواند ما را در مقابل مصایب کمک نماید؟

(۴) آیات این درس مقام شهدا را چگونه بیان داشته است؟

(۵) به نظر شما در امتحانات الهی چه حکمتی نهفته است؟

(۶) یک مسلمان به هنگام نزول مصیبت چه عکس العملی باید از خود نشان دهد؟

(۷) کسی که در برابر مصایب دنیوی از خود مقاومت نشان داده صبر می‌نماید خداوند متعال او را چگونه

پاداش می‌دهد؟



کارخانه‌گی

در مورد امتحانات الهی و مظاهر آن مقاله ای بنویسید که از یک صفحه کمتر نباشد.

آیه (۱۵۸-۱۶۳) سوره بقره

﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴿۱۵۸﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ ﴿۱۵۹﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّاهُ فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۱۶۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿۱۶۱﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿۱۶۲﴾ وَلِلَّهِكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿۱۶۳﴾﴾

معنای کلمات

{الصَّفَا وَالْمَرْوَةُ} صفا و مروه نامهای دو تپه خورد است که در نزدیکی کعبه شریفه قرار دارند، و حجاج و عمره کننده گان در میان آن دو سعی (دوش) می نمایند.

{شَعَائِرِ} نشانه های دین.

{حَجَّ الْبَيْتِ} قصد زیارت خانه خداوند متعال را کند.

{اعْتَمَرَ} عمره نماید. (عمره نیز زیارت خانه به شیوه خاص آن است. تفصیل آن در کتب فقه بیان گردیده است).

{فَلَا جُنَاحَ} نیست گناهی.

{يَطَّوَّفُ} سعی نماید.

{تَطَوَّعَ} کارخیری انجام دهد.

{يَكْتُمُونَ} پوشیده می دارند، مخفی می کنند.

{بَيَّنَّاهُ} واضح گردانیدیم.

{يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ} خدا آنها را از رحمت خود محروم و مطرود می گرداند.

{اللَّاعِنُونَ} لعنت کننده گان.

{أَصْلَحُوا} اصلاح کردند.

{بَيَّنَّاهُ} بیان داشتند، روشن گردانیدند.

{أَتُوبُ عَلَيْهِمْ} توبه شان را می پذیرم.

{التَّوَّابُ} توبه پذیر.

{لَا يُخَفَّفُ} تخفیف داده نمی شود.

ترجمه آیات

در حقیقت صفا و مروه از شعایر خداست [که یادآور اوست] پس هر که خانه [خدا] را حج کند یا عمره گزارد بر او گناهی نیست که میان آن دو سعی به جای آورد و هر که [افزون بر فریضه] کار نیکی کند خدا حق شناس و داناست (۱۵۸) کسانی که پوشیده می‌دارند نشانه‌های روشن و رهنمودی را که فرو فرستاده‌ایم بعد از آنکه آن را برای مردم در کتاب توضیح داده‌ایم آنان را خدا لعنت می‌کند و لعنت‌کننده گان لعنتشان می‌کنند (۱۵۹) مگر کسانی که توبه کردند و [خود را] اصلاح نمودند و [حقیقت را] آشکار کردند پس بر آنان خواهیم بخشود و من توبه‌پذیر مهربانم (۱۶۰) کسانی که کافر شدند و در حال کفر مردند لعنت خدا و فرشتگان و تمام مردم بر آنان باد (۱۶۱) در آن [لعنت] جاودانه بمانند نه عذابشان کاسته گردد و نه مهلت یابند (۱۶۲) و معبود شما خدای یگانه است نیست هیچ معبود برحق جزوی بخشاینده مهربان است (۱۶۳)

تفسیر مختصر

آیاتی که در دروس گذشته تفسیر گردید از قضیه تحویلی قبله از جهت بیت المقدس به جهت خانه کعبه بحث می‌نمود، این آیات پیرامون یکی از شعایر مرتبط به بیت الله الحرام و مناسک حج بحث می‌نمایند. الله تعالی در آیت نخست می‌فرماید: ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا﴾ یعنی: این دو محل (صفا و مروه) از علایم و نشانه‌های دین خداوند - جل جلاله - هستند. هر عملی از اعمال حج را که انسان مسلمان انجام می‌دهد، شعایر نامیده می‌شود. هر کاری که بدانها خداوند متعال را عبادت می‌نماییم از قبیل نماز و روزه و حج شعایر گفته می‌شوند؛ ولی استعمال این اصطلاح بیشتر در اعمال حج بکار می‌رود. مشرکین مکه برسر هریک از صفا و مروه یک بت را نصب کرده بودند و زمانی که به دیدن کعبه می‌آمدند، بخاطر ملاقات با بت‌های شان راهی صفا و مروه می‌شدند و بین این دو «سعی» می‌کردند تا بر سر بت‌های خود دست بکشند و از آنها تبرک حاصل نمایند، پس برخی از مسلمانان را چنین دیدگاهی پیدا شد که اگر آنها هم در میان صفا و مروه «سعی» انجام دهند به مشرکین همانند می‌شوند و در آن کار تعظیم بت‌ها صورت می‌گیرد. از این روی خداوند متعال این اندیشه را تصحیح نمود هر کسی که قصد حج یا عمره می‌نماید، اشکالی ندارد که در میان صفا و مروه «سعی» انجام دهد؛ بلکه انجام دادن «سعی» در حج و عمره لازم و واجب است. قسمت اخیر آیت ﴿وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾ این مفهوم را می‌رساند: هر که علاوه بر فریضه به شکل تطوعی و نفلی حج کند و یا عمره نماید خداوند متعال بر آن آگاه است، پس احسانش را با احسان پاسخ خواهد گفت، و کار نیکش را با نیکی سپاسگزاری می‌نماید و برایش چند برابر اجر و خیر می‌دهد. ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى...﴾ خداوند متعال در آیت دوم این درس پیرامون فرجام کسانی که با نعمت‌های الهی از روی انکار برخورد می‌نمایند و تلاش می‌ورزند که آیات واضح خدا را کتمان کنند بحث نموده می‌فرماید: آنانی که آیات واضح و آشکار و هدایت ما را بعد از بیان آن برای مردم، پوشیده و مخفی می‌دارند مورد لعنت الهی و لعنت، لعنت‌کننده گان قرار می‌گیرند. مفسرین کرام فرموده اند هدف در این آیت علما و دانشمندان یهود اند که در قبال بیان اوصاف حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - که در تورات ذکر شده بود و در مورد بیان بسا از احکام شرعی سکوت اختیار نمودند و زمانی که آنها کتاب

تورات را ترجمه می کردند بسا از کلمات را به غیر معنای حقیقی آن ترجمه می نمودند، و کلمات را برحسب خواسته های نفسی خویش و به دور از مفهوم درست آن تأویل می کردند.

خداوند متعال به جزای این کتمان کاری، آن ها را مورد لعنت قرار داده از دایره رحمت خویش دور گرداند، و هم چنان دیگر لعنت کننده گان از قبیل فرشتگان، پیامبران، و مؤمنان نیز لعنت شان خواهند کرد.

حکم این آیت می تواند در بر گیرنده تمام کسانی باشد که کتمان علمی را می نمایند که خداوند بیان آن را برای مردم واجب گردانیده است؛ پس هر کسی که آیات خداوند را کتمان نماید مستحق لعنت می گردد، و عدم کتمان مستلزم فراخوانی و دعوت بسوی خیر بوده و باید امر به معروف و نهی از منکر صورت گیرد.

﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ پس از آن که خداوند تعالی مخفی کننده گان آیات الهی را مورد نکوهش قرار می دهد و با لعنت سرزنش شان می نماید، دروازه توبه را برای مردم نیز می گشاید تا آنها را تشویق به کار خیر نماید و قلبهای آگاه و بیدار را به بازگشت و مراجعه وادارد می فرماید: خداوند توبه کسانی را که کتمان علم می نمودند و آیات را مخفی نگه می داشتند بر اساس شرایط ذیل می پذیرد:

یک: به آستان خداوند خالصانه توبه کنند و به سوی او تعالی باز گردند و به پیغمبر وی ایمان آورند.

دو: حالت خود شان را باز سازی نمایند، و آن از طریق انجام دادن کارهای نیک و نزدیک شدن به خداوند متعال امکان پذیر است.

سه: هر آنچه خداوند عزوجل نازل فرموده است بیان دارند و از کتمان آنچه مامور به رساندن آن شدند دست بر دارند.

هر که با این شرایط به خداوند متعال باز گردد او تعالی هم توبه اش را می پذیرد و در حقش مهربانی می نماید. و هر انسانی هر قدر مرتکب اشتباه شود ولی خالصانه به او تعالی باز گردد، با آن هم توبه اش پذیرفته می شود و مورد عنایت و رحمت الهی قرار می گیرد.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ...﴾ در آیات چهارم و پنجم این درس، خداوند متعال به این امر اشاره می نماید که لعنت ابدی خداوند شامل حال کسی می گردد که در حال کفر از دنیا رفته باشد، و می فرماید: کسانی که از اسلام روی گردانده و به کفر رجوع می کنند و در حال کفر طعمه مرگ می شوند، مستحق لعنت الهی و دوری از رحمت و مهربانی او تعالی و همچنان مستحق لعنت فرشتگان و تمام مردم می شوند.

خداوند جایگاه شان را دوزخ می گرداند که در آن جاویدان می مانند، و حتی برای یک ساعت هم از آن رهایی نمی یابند و در عذاب شان تخفیف یا تأخیر رخ نمی دهد. این منکران حق و کتمان کننده گان آیات الهی از جانب خداوند - جل جلاله - فرشتگان و همه مردم مورد نفرین و لعن قرار می گیرند؛ زیرا کسی که از دین خدا دور شده و به آن پشت نماید مستحق آن می گردد که همه مردم نصرت و پشتیبانی خود را از وی باز گیرند و ملعونش سازند. پس معلوم می گردد که خداوند کفار را توسط سه چیز عقوبت می نماید: جاویدان ماندن در آتش دوزخ، مهلت ندادن به آنها، و عدم تخفیف در عذاب شان.

آیت اخیر این درس بیان گر این است کسی که این دین را تشریع نموده معبودی است یکتا و یگانه که هیچ چیزی و کسی دیگری با وی شریک نیست، و نباید هدایت او تعالی از بشر کتمان شود می فرماید:

﴿وَالْهُكْمُ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ یعنی: پروردگار و معبود شما یکتا و یگانه است و هیچ کسی مستحق عبادت جز او نیست و نتواند بود، او رحمان است که همه بشریت و زنده جانها را در سایه لطف و مهربانی خویش قرار می‌دهد و به همگان به طور یکسان نعمت ارزانی می‌دارد و او رحیم و مهربان است که مؤمنان را مورد بخشایش و لطف بیکران قرار می‌دهد و بنده نوازی می‌کند.

فعالیت



شاگردان در مورد تاریخچه «سعی» بین صفا و مروه و فواید حج با یکدیگر بحث و گفتگو نمایند.

فواید درسی

گوشه‌یی از فواید و آموختنی‌هایی که از خلال آیات تفسیر شده به دست می‌آید قرار ذیل اند:

- ★ التزام داشتن به شعایر الهی نشان بلند کردن دین خدا بوده و سبب شکست شیطان و پیروان او می‌گردد.
- ★ کسی از رحمت خداوند متعال محروم می‌گردد که احکام و مفاهیم کتاب او را کتمان نماید و از امر به معروف و نهی از منکر خود داری ورزد.
- ★ انسان‌هایی مشمول رحمت و مهربانی و بخشایش الهی قرار می‌گیرند که صادقانه به توبه روی آورند، عمل نیک انجام دهند، و امر به معروف و نهی از منکر نمایند.
- ★ با مرگ رابطه انسان از این دنیا قطع می‌گردد و امکان توبه و رجوع به کارهای نیک برداشته می‌شود، پس لازم است که انسان نسبت به عاقبت کار و سرانجام زنده‌گی محتاط باشد، و تلاش نماید پیش از مرگ راه تقوی و پرهیزگاری را در پیش گرفته و از کفر و شرک و مخالفت دین خدا خود داری ورزد.



- (۱) شعایر چه را گویند؟
- (۲) چه فرقی میان حج و عمره وجود دارد؟
- (۳) مفهوم عبارت «وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا» چیست؟
- (۴) لعنت از جانب خداوند به چه معنی و مفهوم می‌آید؟
- (۵) بعضی از اموری را که خداوند نازل فرموده و اهل کتاب آن را کتمان می‌کردند نام ببرید.
- (۶) برای کسانی که کتمان علم می‌نمایند و آیات الهی را می‌پوشانند چه وعیدی آمده است؟
- (۷) تحت کدام شرایط آنانی که کتمان حق نمودند مورد عفو خداوند قرار گرفته می‌توانند؟



کارخانه‌گی

در رابطه به اینکه صفا و مروه چه جایی هستند و چرا برخی از مسلمانان از سعی بین صفا و مروه احساس حرج می‌نمودند و این مسأله را قرآن مجید چگونه حل نمود یک صفحه بنویسید.

آیه (۱۶۴-۱۶۵) سوره بقره

قال الله تعالى: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٦٤﴾ وَمِنْ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ﴿١٦٥﴾﴾

معنای کلمات

{اِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ}	آمدن شب و روز در پی یکدیگر.
{الْفُلْكِ}	کشتی ها.
{فَأَحْيَا}	پس زنده گردانید.
{بَثَّ}	منتشر کرده است.
{دَابَّةٍ}	زنده جان، جنبنده، مانند حشرات، حیوانات و چارپایان.
{تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ}	گردانیدن بادهای.
{السَّحَابِ الْمُسَخَّرِ}	ابرهای آرمیده و واقع شده.
{يَتَّخِذُ}	بر می گیرند.
{أَنْدَادًا}	همتایان، بدیل و شرکا (بت‌هایی که به غیر خداوند مورد پرستش قرار می گیرند)

ترجمه

راستی که در آفرینش آسمانها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز و کشتیهایی که در دریا روانند با آنچه به مردم سود می‌رساند و [همچنین] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و با آن زمین را پس از مردنش زنده گردانیده و در آن هر گونه جنبنده‌ای پراکنده کرده و [نیز در] گردانیدن بادهای و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است برای گروهی که می‌اندیشند واقعاً نشانه‌هایی [گویا] وجود دارد (۱۶۴) و برخی از مردم سوای خدا همتایانی را [برای او] بر می‌گزینند دوست میدارند ایشان را مانند دوستی خدا؛ ولی کسانی که ایمان آورده‌اند به خدا محبت بیشتری دارند و اگر ببینند ستمگاران هنگامیکه مشاهده کنند عذاب را (می‌فهمند) اینکه تمام نیرو [ها] از آن خداست و خدا صاحب عقوبت شدید است (۱۶۵)

تفسیر مختصر

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ...﴾ خداوند تبارک و تعالی در آیت نخست به بعضی از نشانه‌ها و آیات قدرت الهی در هستی اشاره می‌نماید که همه آن آیات برای هر عاقلی براهینی روشن بر گسترده‌گی رحمت و مهربانی و قدرت او تعالی هستند؛ چنانچه در مقطع نخست آیت میفرماید:

«در آفرینش آسمان‌ها که خداوند آن را با وصف بزرگی، بدون ستون بلند و استوار کرده و آن را به وسیله ستاره گان روشن مزین و زیبا ساخته و در آن خورشید و مه را به وجود آورده که سبب ادامه زنده گی در موجودات زنده گردیده و همچنان در آفرینش زمین که از عناصر گوناگون و مختلفی همچون آب، جماد، و نبات و غیره به وجود آمده و رابطه میان این عناصر مختلف به شکل عجیب و پیچیده ای قرار دارد و در مجموع زمین بر اساس نظامی شگفت انگیز حرکت می کند که اسباب زنده گی خوبی را برای انسان بر روی آن مهیا کرده است، و همچنان در اختلاف شب و روز و آمدن آن یکی در پی دیگر، به گونه ای که گاهی شب طولانی می گردد گاه دیگری روز طولانی می شود، و در اثر این اختلاف و دگر گونی ها در آن فصلهای مختلفی به وجود می آید که بر زنده گی تأثیرات متفاوت بر جای می گذارد، در خلقت همه آنها آیات و نشانه هایی است برای انسان های عقلمند و خرد ورز که از روی آن به کنه و حقیقت آنها ره برند و به قدرت و مهربانی خداوند آگاه شوند، تا نسبت به مهربانی او تعالی در حق بندگان اطمینان یابند.»

سبب اشاره به اختلاف شب و روز بعد از آفرینش آسمان ها و زمین آن است که در نتیجه نظامی که میان آسمان و زمین و خورشید بر قرار است اختلاف شب و روز و کوتاهی و درازی آنها در فصول سال به میان می آید.

۲- در مقطع بعدی آیت خداوند متعال به یکی دیگر از نعمات خویش اشاره می نماید و می فرماید: **﴿وَالْفَلَکَ الَّتِی تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِمَا یَنْفَعُ النَّاسَ﴾** یعنی: در سفینه ها و کشتی های بزرگی که در خویش صدها تن از وزن و هزاران نفر را حمل می کنند و هزاران کیلومتر راه را در روی آب بحر حرکت می نمایند بی آنکه غرق گردند، نیز آیات و نشانه های واضحی است؛ زیرا که خداوند متعال بحر را مسخر گردانیده تا سفینه ها با بزرگی و وزن سنگین شان روی آن حرکت نمایند و در خدمت انسان قرار داشته باشند و سواری های خود را با وجود خطرات امواج و توفان های بحر به کرانه نجات برسانند.

۳- در مقطع سوم این آیت به نزول باران و نتایج آن اشاره شده است: **﴿وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْیَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾** یعنی: و در بارانی که خداوند متعال با قدرت خویش از آسمان نازل می فرماید، و آن را وسیله زنده شدن زمین، رویدن نباتات و ازدیاد رزق و روزی می گرداند، نیز نشانه های قدرت الهی نهفته است؛ زیرا که فرود آمدن باران سبب رویدن نباتات و رویدن سبب آن می شود که از یکسو دانه ها و محصولات فراوان به دست آید و از سوی دیگر حیوانات از آن بخورند تا سبب کثرت آنها نیز شود؛ چنانچه می فرماید: **﴿وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ﴾** یعنی: همان فرود آمدن باران و رویدن نباتاتی که سبب نشر و پخش و ازدیاد چهارپایان و خزنده گان در روی زمین می شود، و هر دوی آن - کثرت غله جات و ازدیاد حیوانات - برای انسان ها مفید و ثمربخش است.

۴- بعد از آن در مقطع بعدی به آنچه سبب نزول باران می گردد اشاره نموده می فرماید: **﴿وَتَصْرِیفِ الرِّیَاحِ﴾** یعنی: در تغییر و تحویل بادهای از یک سو به سوی دیگر که به حکم و اراده الهی و وفق سنتهای آفرینش صورت می گیرد - که از فواید آن سوق ابرهای باران زای، به حرکت در آوردن کشتی ها، بارور ساختن درختان و معتدل نمودن فضاها گرم می باشد - در این نیز نشانه بزرگی از قدرت خداوند برای صاحبان عقل و خرد است.

۵- در مقطع دیگر آیت میاید که: ﴿وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ یعنی: ابرهایی که در میان آسمان و زمین بوده وبا قدرت خداوند متعال از جهتی به جهتی دیگر حرکت می نمایند، وبا خود خیر و برکت را منتقل می سازند؛ زیرا ابر است که سبب منتقل شدن باران می گردد.

سبب آنکه این مقطع بعد از ذکر وزیدن باد یاد گردیده آن است که باد ها، ابرها را از یک منطقه به منطقه دیگری سوق می دهند؛ جایی که خداوند می خواهد در آن باران ببارد؛ پس وزیدن بادها و گردش ابرها به این شکل عجیب و شگفت انگیز نشانه ای دیگری از مظاهر قدرت و عظمت خداوند و یگانگی او تعالی می باشد.

خدای متعال در قسمت اخیر این آیت می فرماید: ﴿لَا يَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ یعنی: این همه که بیان گردید هریک دلیلی واضح و روشن است بر قدرت و یکتایی خداوند متعال تا عقل های خود را به کار گیرند و در مورد آن به اندیشه و تفکر بپردازند. خداوند تعالی در خلال این آیت دلایل متعددی آورده است و همه گویای آنند که او تعالی ذاتی توانا، حکیم، یکتا و بی مانند است.

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ...﴾ خداوند متعال در قسمت نخست آیت دوم می فرماید: گروهی از مردمان هستند که با وجود نشانه های گوناگون یکتایی و قدرت خداوند در جهل و نادانی چنان غرق می گردند که غیر خداوند متعال را به پرستش می گیرند، مثلاً چوب ها و سنگ هایی را که خود می تراشند عبادت می کنند، حیوانات و یا مظاهر کونی را به درجه خدایی می رسانند و معبودان خویش را با خداوند شبیه و همانند می پندارند و برای شان منزلت الوهیت قایل می شوند. درست مثل این که این معبودان باطل از قدرت آفرینش و روزی دادن برخوردار باشند. این مردم نادان با آنها چنان محبت میورزند همان گونه که انسان مؤمن، به الله متعال محبت و مهر می ورزد. امروزه در جهان انسان های زیادی هستند که به نحوی با خداوند شریک قایل می شوند و گاه خواسته های نفسانی و گاه قوانین خود ساخته بشر و یا مال و منصب و چیزهای دیگری را در برابر خداوند قرار می دهند واز آنها پیروی و اطاعت می نمایند.

خداوند متعال در قسمت دوم این آیت می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ ولی محبت مؤمنان با خداوند متعال و اطاعت شان از او تعالی عمیق تر و شدید تر از محبت مشرکین با بتها است؛ زیرا که مؤمنان خود و همه داشته ها و دارایی های شان را از آن خدا می دانند و در راه رضای او از فدا نمودن هیچ چیزی دریغ نمی ورزند حال آنکه مشرکین و هوا پرستان خدایان شان را برای جلب منافع دنیوی می پرستند و تعظیم می کنند، دیگر اینکه مؤمنان به خداوند ایمان کامل دارند که او تعالی از صفات کامله و رحمت شامله برخوردار است که در هر لحظه به داد شان می رسد، بیمار شان را شفا می بخشد، غمگین شان را شاد و خرم می گرداند و تمام اسباب خوشی و خرمی را یا در دنیا و یا در آخرت برای شان مهیا می گرداند، در حالیکه حالت مشرکین با بت های شان چنین نیست و یقین و توکل از آنها در شان معبودان شان متصور نیست.

﴿وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ...﴾ این قسمت اخیر آیت دوم درس است، خدای منان می فرماید: اگر آن مشرکان ستمگر عذابی را که خداوند متعال برای آنها در روز قیامت آماده کرده مشاهده کنند، حتماً به این یقین می رسند که همه قدرت از آن خداوند است، و آن بت هایی را که در مقابل خداوند قرار دادند و به پرستش گرفتند هیچ کاری از دست شان بر نمی آید، و اعتقاد شان بر این

راسخ می‌گردد عذابی را که خداوند بر مشرکین گمراه نازل می‌فرماید خیلی شدید است، هیچ کسی توان گریز از آن را ندارد، و حتماً آنها از مشاهده چنین عذابی سخت در وحشت خواهند افتاد و حتماً بر کارهای خود نادم خواهند گردید؛ زیرا که آنها در آن روز به این یقین می‌رسند که دیگر یآوری ندارند و آن بتها و آلهه‌شان که غیر از خداوند بر گزیده بودند همه نادرست و بی ارزش بود.

فعالیت



در باره سه مظهر از مظاهر قدرت الهی غیر از مظاهری که در خلال آیات گذشته بیان گردید بحث نموده برای آن دلایلی از قرآن و سنت استخراج نمایید.

فواید درس

برخی از آموختنی‌ها و فوایدی که از خلال آیات این درس به دست می‌آید قرار ذیل اند:

★ همه نشانه‌ها و آیات موجود در هستی گویای وحدانیت و قدرت بی انتهای خداوند متعال اند؛ زیرا آن همه استحکام و استواری ای که در آنها وجود دارد و نظم شگفت انگیزی که بر آن حاکم است هیچ قدرتی جز قدرت او تعالی نمی‌تواند آن را به وجود آورد. عاقل کسی است که تدبر کند و ایمان آورد و جاهل آن است که پشت نماید و کفر ورزد.

★ مؤمنان حقیقی کسانی اند که تنها خداوند یگانه را پرستش می‌نمایند و او تعالی را دوست می‌دارند، و احکام زنده‌گی و معتقدات شان را جز از طریق وحی که خداوند بر آنها نازل می‌گرداند، به دست نمی‌آورند.

★ شرک آن است که کسی غیر از خداوند متعال کسی دیگر را به پرستش گیرد و با او محبتی زاید الوصف داشته باشد، به گونه ای که محبت او بر محبت خداوند چیره شود و یا او را برابر با خداوند متعال دوست بدارد.



- (۱) مقصد از «وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ» چیست؟
- (۲) باریدن باران از آسمان برای بشریت چه فوایدی را به بار می‌آورد؟
- (۳) «تَصْرِيفِ الرِّيحِ» چه معنی دارد و چگونه از مظاهر قدرت الهی بحساب می‌رود؟
- (۴) در آیات این درس «أنداد» به چه معنی آمده و چه مواردی را شامل می‌گردد؟
- (۵) فرق میان حب مؤمنان با خداوند متعال و حب مشرکین با «انداد» شان چیست؟
- (۶) قرآن کریم برای مشرکین - که غیر خداوند را پرستش می‌نمایند - چه سرنوشتی را وعده نموده است؟



کارخانه‌گی

در باره مظاهر شرکی در عصر حاضر یک مقاله در حدود یک صفحه بنویسید.

آیه (۱۶۶-۱۷۱) سوره بقره

﴿إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ﴾ ﴿١٦٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّا كُنَّا كَرَّةً فَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ﴿١٦٧﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿١٦٨﴾ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَن تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٦٩﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٧٠﴾ وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٧١﴾

معنای کلمات

{تَبَرَّأَ}	اعلان براءت کرد، بیزاری اعلان نمود.
{اتَّبَعُوا}	مورد پیروی قرار گرفتند، از آنها پیروی صورت گرفت.
{تَقَطَّعَتْ}	گسسته گردید، قطع شد.
{الْأَسْبَابُ}	وسایل و ابزار.
{كَرَّةً}	بازگشت و رجوع.
{نَتَّبِعُ}	بیزاری نشان دهیم، اعلان براءت نماییم.
{يُرِيهِمُ}	به آنها می‌نمایاند، به آنها نشان می‌دهد.
{حَسَرَاتٍ}	جمع الحسرة، وحسرت به معنای ندامت و شقاوت است که صاحب خود را به آه و ناله وادارد.
{لَا تَتَّبِعُوا}	دنبال مکنید، پیروی مکنید، در پیش نگیرید.
{خُطَوَاتٍ}	خطوات جمع خطوه است که به معنای گام میاید ولی در اینجا مفهوم آن راه، روش و خواست است.
{عَدُوٌّ مُّبِينٌ}	دشمن آشکارا، دشمن عیان و اعلان شده.
{الْفَيْنَا}	در یافتیم، دیدیم.

ترجمه

آنگاه که بیزاری جویند پیشوایان از پیروان و عذاب را مشاهده کنند و میانشان پیوندها بریده گردد (۱۶۶) و پیروان گویند: کاش برای ما بازگشتی بود تا همان گونه که [آنان] از ما بیزاری جستند [ما نیز] از آنان

بیزاری می‌جستیم، این گونه خداوند کارهایشان را به ایشان می‌نمایاند که بر آنان مایهٔ حسرت‌هاست و از آتش بیرون‌آمدنی نیستند (۱۶۷) ای مردم بخورید از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه و از گامهای شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست (۱۶۸) [او] شما را فقط به بدی و فحشا فرمان می‌دهد و [وامی‌دارد] تا بر خدا چیزی را که نمی‌دانید بربندید (۱۶۹) و چون به آنان گفته شود: از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می‌گویند: نه، بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا هر چند پدران‌شان چیزی را درک نمی‌کرده و به راه صواب نمی‌رفته‌اند [باز هم در خور پیروی هستند] (۱۷۰) و حالت کافران همچون حالت کسی است که حیوانی را که جز صدا و ندایی [مبهم چیزی] نمی‌شنود بانگ می‌زند. [آری ایشان] کردند، لالند، کورند [او] درک و فهم ندارند (۱۷۱)

تفسیر مختصر

﴿إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ...﴾ در آیت نخست این درس به انسان گوشزد می‌شود که: ای انسان به یاد آر لحظاتی را که، کافرانی که در دنیا در نقش طواغیت و مستکبران زنده‌گی می‌کردند و دارای پیروان بودند، در روز قیامت از پیروان خود بیزاری می‌جویند. آنانی که در دنیا بحیث رئیس و سردمدار و پیشوا بودند و دیگران از خواسته‌های باطل آنها مطلقاً پیروی می‌کردند، وقتی که در آخرت خود شان را در کام عذاب می‌بینند راه نجات و رهایی ای به چشم شان نمی‌خورد، فوراً به تبرئه خود روی آورده می‌خواهند که همهٔ اشتباهات را بر سر پیروان خود بیندازند و آنها را متهم به اشتباه نمایند. آری در آن روز میان این پیشوایان و پیروان همهٔ روابط و انگیزه‌های محبت و ارتباط قطع می‌گردد و هریک می‌خواهد که خودش را ولو به قیمت از دست دادن دوستش باشد نجات دهد. در دنیا، آمر دستور می‌داد و پیرو در برابر خواسته‌های بی مقدار دنیوی از او فرمان برداری می‌نمود.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّؤُوا مِنَّا...﴾ در این آیت خداوند متعال حالت پیروان کفار را بیان نموده می‌فرماید: پیروان گفتند: کاش می‌توانستیم که به زنده‌گی دنیا باز گردیم، و از حق پیروی کنیم، و راه توحید و یکتا پرستی بر گزینیم، و برائت و بیزاری خود مان را از آن رهبران کفر که در دنیا پیروی شان را کردیم اعلان نماییم - درست همان گونه که امروز آنها از ما اعلان برائت و بیزاری کردند- و تا آنکه همه جام غیظ و قهر خود را بر سر آنها می‌ریختیم؛ زیرا که آنها سبب گمراهی و رسوایی مان گردیدند و اسباب هلاکت و تباهی و عذاب دردناک امروزی را برای ما مهیا نمودند.

خداوند متعال در مقطع دوم این آیت نتایج کار آن کفار (پیروان و سروران شان) را بیان می‌دارد. ﴿كَذَلِكَ

يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ﴾ یعنی: همان گونه که خداوند برای آنها شدت عذاب خود را در آخرت نشان می‌دهد و می‌چشاند، همان سان برای این را هم نشان می‌دهد که اعمال و کردارهای زشت آنان در روز قیامت برای ایشان جز حسرت و ندامت و شقاوت چیز دیگری به بار نخواهد آورد. و هرگز آنها از آن آتشی که در اثر شرک ورزیدن در آن فرو می‌افتند بیرون نخواهند گردید؛ نه به دنیا پس گردانیده خواهند شد و نه به بهشت راه پیدا خواهند کرد.

این آیت به یکی از مسایل عمده و خطرناکی اشاره کرده و آن این که تعدادی از مردم بخاطر خواسته‌های بی ارزش دنیوی از عده ای پیروی می‌کنند و در برابر احکام الهی قد علم می‌نمایند. آنها به خاطر تحقق خواسته‌های مشتی از صاحبان قدرت و زور و زر آخرت خود شان را فدا می‌سازند و زمانی که در لحظه‌های سخت قرار می‌گیرند آن رؤسا و سروران از پیروان خویش بیزاری می‌جویند. این حالت در تاریخ ممتد بشر وجود داشته و امروز هم موجود است.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا...﴾ خداوند متعال در آیت سوم این درس، بشریت را به سوی کسب حلال فرا می‌خواند و از پیروی شیطان منع می‌کند می‌فرماید: ای مردم، از رزق و روزی ای که خداوند در روی زمین آفریده و برای شما حلال گردانیده بخورید و از راه شیطان و وسوسه‌های او پیروی نکنید که شیطان دشمن آشکارای شما است. اگر بنده از شیطان پیروی نماید او برایش حلال را حرام، و حرام را حلال می‌گرداند و همواره وی را در لجن زار بد بختیها فرو می‌افکند. بر انسان مسلمان لازم است که هوشیار و زیرک باشد و حدود حلال و حرام را از کتاب خداوند بیاموزد نه از شیطان‌های انسی و جنی که با وسوسه و جلوه گریهای دروغین وی را در دام بدبختی و فساد و بالآخره در چاه گمراهی و کفر می‌افکند.

فعالیت

شکی نیست اینکه شیطان دشمن دیرینه و قسم خورده انسان است و هر وسیله را برای اغوای او به کار می‌گیرد؛ پس چه کار باید کرد تا از اغوا و وسوسه شیطان خود را نگهداشت؟ در این مورد بحث و گفتگو کنید و نتایج را نکته وار در کتابچه‌های خود بنویسید.

﴿إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ...﴾ خداوند متعال ضمن این آیه مبارکه به دایره کار و فراخوانی‌های شیطان اشاره می‌نماید تا بنده گان نسبت به آن شناخت کامل داشته

باشند و آنانی که در پی هدایت اند خود شان را از وسوسه‌های شیطان دور نگهدارند و همچنان برای انسان‌های بی پروا نیز حجتی باقی نماند. آیه مبارکه به ایجاز اشاره بر این دارد که شیطان به کارهای آتی فرا می‌خواند:

۱- دعوت به سوی کار زشت و ناپسند: شیطان کارهای زشت و ناپسند را که برای انسان عاقبتی زشت و نکبت بار دارد در نگاهش زیبا و خوب جلوه گر می‌سازد، و اگر انسان آن کار را انجام دهد واز خواست شیطان پیروی نماید فوراً در بد بختی فرو می‌افتد؛ مثلاً خیلی از موارد است که شیطان برای نوجوانان ترک درس و تعلیم را زیبا می‌نماید و برای آنها خواب، راحتی و خوشگذرانی را زیبا جلوه گر می‌سازد. چقدر زیاد است شمار کسانی که وقت و مال خود را ضایع ساخته اند بی آنکه از آن هیچ استفاده علمی کرده باشند! جوانانی هستند که در ناز و نعمت زنده گی می‌کنند و والدین شان بخاطر تربیت و تعلیم آنها صدها هزار افغانی را به مصرف می‌رسانند ولی در نهایت می‌بینند که پسران ناخلف شان آن همه اموال و دارایی را حیف و میل کرده اند بی آنکه در راستای علم و تربیت گامی مناسب برداشته باشند.

۲- دعوت به فحشا و بد اخلاقی: همچنان شیطان پیروانش را به سوی فحشا و بد اخلاقی فرا می‌خواند، و فحشا از جمله بدترین اعمال زشت است. دعوت بسوی فحشا آن را گویند که برای مردم شراب نوشی، زنا، لواط، غیبت، نمیمت و غیره را بیاراید، که در نتیجه دنیا و آخرت آنان را تباه سازد.

۳- دروغ بستن به خداوند: همچنان شیطان برای انسان این را هم وسوسه می‌نماید که به خداوند اوصاف و اقوالی را نسبت دهد که خداوند از آن بری است و این انسان بی آنکه یقین داشته باشد و یا بداند آن اقوال و کردارها را به او تعالی و به دینش نسبت می‌دهد. و گاه در اثر وسوسه شیطان حلال را حرام و حرام را حلال می‌گرداند؛ در این حال این بنده - به پیروی از شیطان - به حریم مقدس ربوبیت والوهیت خداوند در مجال تشریع و قانونگذاری تجاوز می‌نماید که این از بدترین چیزهایی است که شیطان بدان فرا می‌خواند.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا...﴾ این آیت شریفه حالت گروهی از مردم را تصویر می‌نماید که عقل و خرد خود را به کار نمی‌گیرند و درخیر و شر از خواست و دین باطل پدران خود پیروی می‌کنند. می‌فرماید: اگر به آن گروه که در دام وساوس شیطانی گیر افتاده اند (مشرکین) گفته شود که از دین خداوند - جل جلاله - که بر پیامبرش فرو فرستاده پیروی کنید، در پاسخ می‌گویند: ما از چیزی پیروی می‌کنیم که رهبران، سروران، کهن سالان و پدران خود را بر آن

یافته ایم. به زبان حال گفتند که عقل و خرد خود را می‌بندیم و راه تقلید کور کورانه را در پیش می‌گیریم؛ سپس قرآن کریم در رد بر کار زشت شان با اسلوب استفهام انکاری می‌فرماید: آیا با وصف آن که پدران شان در گمراهی افتاده، و پیرامون عقاید و عبادات اسلام هیچ آگاهی ای نداشته باشند، از آنها پیروی می‌نمایند؟! آنها عقل و خرد خویش را می‌بندند و از تفکر و اندیشه در مورد نشانه‌های خالق یکتا خود داری میورزند. درست مانند چارپایان که نه عقل دارند و نه توان اندیشه!

﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً...﴾ آیت اخیر این درس حالت کافران را با حالت چارپایان مانند می‌کند که نه خرد دارند و نه مسایل را درست درک می‌نمایند. و می‌فرماید: صفت و وضعیت کافران در عدم استفاده شان از تعالیم قرآن و براهین روشن آن، مانند وضعیت رمه با چوپان شان است؛ زیرا که چوپان با آواز کشیدن به شیوه‌های معینی بر سر رمه خود، آنها را به سوی آب، یا اسطبل و یا چراگاه رهنمایی می‌نماید و حیوانات بی آن که معنا و مفهوم آن آوازه‌ها را بدانند تسلیم اراده او می‌شوند. در واقع امر کافران هم در تقلید و پیروی کور کورانه شان از پدران شان، مانند چارپایان اند که آواز را می‌شنوند ولی معنایش را نمی‌دانند و عقل خود را برای دانستن معنای آن بکار نمی‌گیرند، و در برابر دعوت پیامبران خدا و تمام دعوتگران به سوی خیر و نیکویی، همین دلیل را میاورند که ما از چیزی که پدران مان بر آن زنده‌گی کرده‌اند، پیروی می‌کنیم، آنها با هر چیزی نو - هرچند که به نفع شان بوده باشد - مخالفت میورزند و از هر چیزی که از طریق پدران شان به آنها می‌رسد - اگر چه که در آن هلاکت شان نهفته باشد - پیروی می‌کنند.

سپس خداوند متعال حالت دیگری از حالات کافران را بیان می‌دارد و اذعان می‌دارد که کافران از شنیدن سخن حق کر می‌باشند، و از گفتن حق لال‌اند و از دیدن نشانه‌های حق و صدق آن کور هستند. کافران در اثر اعراض و پشت کردن شان بر دعوتگران به سوی ایمان، چنان‌اند که انگار حواس خود را از دست داده باشند و دیگر توان شنیدن و گفتن و دیدن نداشته، و به همین سبب قدرت ادراک و فهم ندارند و مانند حیوانات از دیگران پیروی می‌کنند.

فواید درس

از آیات گذشته می‌توان فواید و اندرزهای ذیل را به دست آورد:

★ از آن جایی که رابطه کفار در میان خود شان بر اساس مصلحت‌های مادی استوار است، از آن روی محبت و همکاری میان آنها تا آنجا باقی می‌ماند که در معرض خطر قرار نگیرند و چون با خطر مواجه

شوند به هر قیمتی که تمام شود سعی می کنند تا خود شان را از خطر رهایی بخشند هر چند که به بهای بیزاری از همدیگر و یا قربانی رفاقت و دوستی شان تمام شود.

★ خداوند متعال استفاده از غذاهای پاکیزه را برای بنده گان خود مباح گردانیده و استفاده از خوراکی های ناپاک و زشت را حرام گردانیده است.

★ از زمانی که خداوند آدم - علیه السلام - را آفریده است شیطان به عنوان دشمن سرسخت در برابر او عرض وجود نموده و همواره تلاش می ورزد که انسان را اغوا نماید برایش باطل و فحشا را زیبا جلوه گر سازد.

★ تقلید و پیروی کورکورانه از نظر دین اسلام زشت است؛ بایست هر مسلمانی از شخصیت مستقل خودش برخوردار باشد، هرگاه کسی کار خیری انجام داد پیروی نماید و اگر کار خیر نکرد لازم است که خودش را نگهدارد و از پیروی بی جا و نادرست خود داری ورزد؛ زیرا که تقلید و پیروی نوعی از انتخاب است که انسان در برابر آن مسؤولیت دارد و از آن مورد بازپرس قرار می گیرد.



- (۱) حالت سروران و پیروان کافر در روز قیامت چگونه می باشد؟
- (۲) عبارت ﴿وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ﴾ را چگونه تفسیر می نمایید؟
- (۳) هنگامی که پیروان کفار خود شان را در روز آخرت در برابر عذاب الهی می بینند چه چیزی را تمنا می کنند؟

- (۴) برای انسان استفاده از چه چیزی از نعمات دنیوی مجاز قرار داده شده است؟
- (۵) معنا و مفهوم (خطوات الشیطان) چیست و چرا انسان از پیروی آن منع شده است؟
- (۶) در قرآن کریم گفته شده که شیطان دشمن آشکارای شما است. مظاهر و پدیده های دشمنی شیطان با انسان چیست؟

- (۷) قرآن کریم کافران را دعوت کرده که از دین خدا و آنچه او تعالی نازل فرموده پیروی نمایند؛ پاسخ کافران در برابر این فراخوانی و دعوت چه بوده است؟

- (۸) آیات قرآنی حالت مشرکین تقلیدگر را به حالتی از حالات دنیوی تشبیه نموده است. به آن آیت اشاره نموده آن تشبیه را توضیح دهید.

آیه (۱۷۲-۱۷۶) سوره بقره

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ (۱۷۲) ﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَن اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ (۱۷۳) ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (۱۷۴) ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَى وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ﴾ (۱۷۵) ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ﴾ (۱۷۶) ﴿

معنای کلمات

{طَيِّبَاتِ}

جمع طيبه يعنى پاكيژه و حلال.

{حَرَّمَ}

ممنوع و حرام قرار داده است.

{الْمَيْتَةَ}

حيوانيكه بدون ذبح مرده باشد (خود مرده).

{الدَّمَ}

خون.

{الْخِنْزِيرِ}

خوک.

{أُهِلَّ}

إهلال به بلند شدن صوت اطلاق می گردد، و مراد بلند کردن صوت بنام بتان یا معبودان است

که برای تقرب به آنها حیوان ذبح می شود.

{اضْطُرَّ}

مجبور شود.

{بَاغٍ}

ظلم کننده، مراد کسی است که در جستجوی چیزی است که بر وی حلال نیست.

{عَادٍ}

تجاوز کننده از حد.

{فَلَا إِثْمَ}

نیست گناهی، إثم به آثار گفته می شود که بر نفس بسبب گناهان چیره می گردد مثل

تیره گی

و ظلمت نفس.

{يَكْتُمُونَ}

می پوشانند و منکر می شوند.

{شِقَاقٍ}

خصومت و تنازع که فرد را در یک طرف و خصم او را در طرف دیگر قرار دهد.

{بَعِيد}

دوری که از بین بردن آن ودوستی بعد از آن مشکل بنماید.

ترجمه

ای کسانی که ایمان آورده اید بخورید از چیزهای حلال و پاکی که روزی دادیم شما را و سپاس گویند خدا را اگر شما خالص خدا را می پرستید (۱۷۲) بتحقیق که خدا حرام گردانید بر شما [خوردن] مردار و خون و گوشت خنزیر را و آنچه به اسم غیر خدا کشته باشند؛ پس هر که به خوردن آنها محتاج و مضطر گردد در صورتیکه باغی و تجاوز کننده نباشد؛ پس گناهی نیست بر آن هر آینه خدا نهایت بخشاینده بسیار مهربان است (۱۷۳) هر آینه کسانی که می پوشند آنچه را فرو فرستاده است خدا از کتاب و می ستانند عوض آن بهای اندک، آن گروه پر نمی کنند در شکم های خود مگر آتش را (نمی خورند شکم سیر مگر آتش را) و سخن نگویند بایشان خدا در روز قیامت و پاک نگرداند آنها را و ایشانراست عذاب درد ناک (۱۷۴) آن گروه آنانند که اختیار کردند گمراهی را به عوض هدایت و عذاب را به عوض آمرزش پس چه چیز شکیب گردانید ایشان را بر دوزخ (چقدر بر آتش جهنم سخت جان و پر طاقتند) (۱۷۵) این عذاب به سبب آن است که خدا فرود آورد کتاب را برآستی و هر آینه کسانی که اختلاف نمودند در کتاب در مخالفت دور از حق اند (۱۷۶)

تفسیر مختصر

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ...﴾ گروهی از مفسرین گفته اند که خداوند -جل جلاله- از اول سورة بقره تا اینجا به کثرت دلایل توحید و نبوت را ذکر نمود و بقوت بر یهود و نصاری رد کرد؛ اما از اینجا شروع در بیان احکام نموده فرمود "کُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ" این آیه کریمه این را نیز می نمایاند که خدای متعال بعد از اینکه برای تمام بشریت اعلان فرمود که از هر آنچه که در زمین حلال و طیب خلق شده استفاده کنند بشرط اینکه پیروی گامهای شیطانی از قبیل ارتکاب اعمال غیر اخلاقی، دروغ بستن به خدا و رسول و تقلید کور کورانه از پدران را ننمایند، اینجا در صورت ابا ورزیدن کفار از امر و نهی الهی خدای متعال بنده گان مؤمن خویش را بطور خاص مورد خطاب قرار داده خوردن طیبات را بر آنها مباح می گرداند و از آنها طلب شکران نعمت می نماید.

﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ...﴾ در این آیت خدای متعال آگاه میسازد مؤمنان را بر آنچه واقعاً بر ایشان حرام قرار داده شده تا هرگز متابعت مشرکین را ننمایند و مانند یهود و نصارا از پیش خود چیزی را حلال و حرام نگردانند، میفرماید: بدون شک حرام گردانیده است بر شما چهار چیز: ۱- حیوان خود مرده ۲- خون جاری ۳- گوشت خوک ۴- هر آنچه که بنام غیر خدا نذر و ذبح شده باشد.

مراد از ﴿وَمَا أَهْلٌ بِهِ لغيرِ اللَّهِ﴾:

مقصد از "ما اهل به لغير الله" آنست که در وقت ذبح حیوانی غیر از نام خدا نام دیگری مانند: بتها، جنیات، ارواح خبیثه ویا حتی پیغمبران، پیران و ائمه و غیرهم بر آن حیوان برده شود یا حیوان بنام بتان

و اشیای فوق الذکر نذر قرار گرفته جهت تقرب به آنها ذبح شود، خوردن چنین حیوان حرام است اگر چه هنگام ذبح آن نام خدا را گرفته باشند، در تفسیر کابلی آمده است حیوانی که روان او جز بخدا نذر دیگری قرار یابد خبث او از ناپاکی حیوان مردار فزونتر می‌باشد در حیوان مردار یک عیب موجود بود که روح آن بنام خدا خارج نشده بود اما روح این حیوان جز نام خدا بنام دیگری (به نیت عبادت و تقرب) نذر شده این امر عین شرک است.

جواب یک سؤال:

در این آیت حکم حرمت به چهار چیز مذکور منحصر شده چنان مینماید که جز اینها حیوان دیگری حرام نیست حال آنکه خوردن حیوانات درنده و گوشت سگ و خر و لا شه خواران پرنده نیز حرام است و از جانب دیگر گوشت خود مرده بحر را حدیث شریف حلال قرار داده است؛ پس چگونه میتوان بین این احکام توافق آورد؟ راجح‌ترین جواب برای این سؤال این است که حصر حکم حرمت در این اشیا بصورت اضافی است؛ یعنی در مقابل اشیایی است که مشرکان از طرف خود بر خویش حرام ساخته بودند که بنامهای بحیره و سائبة و وسیله و غیره یاد می‌شد مطلب این است که ما تنها خود مرده و خنزیر و غیره را بر مشرکین حرام گردانیده بودیم، آنها در مقابل این حرمت به حرمت‌های دیگری قایل شده اینهارا برای خود حلال پنداشتند و به خدای متعال افترا بستند، پس شما ای مسلمانان چنین نکنید؛ اما حل و حرمت‌های دیگر را آیات و احادیث دیگر به اثبات می‌رساند و این حصر شامل آنها نیست.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ...﴾ این آیه کریمه و دو آیه بعدی آن بیان کننده حالت علما اهل کتاب است که عملکرد آنها را در کتمان حق و پوشانیدن علمی که مامور به رساندن آن بودند در مقابل متاع ناچیز دنیا نشان میدهد، آنها با وجود شناخت رسول خدا بنا به هدیای کتاب آسمانی شان صرف بخاطر حفظ مقام و منصب و احترام خود بین عوام الناس منکر رسالت وی می‌شدند تا اینکه از هدیه و کمکهای مالی شان محروم نمانند. (این هدایا اگرچه بظاهر بسیار زیاد هم باشند؛ اما از نظر قرآن متاعی ناچیز و کم محسوب میشوند چون دنیا و ما فیها همه نسبت به آخرت چیز بی ارزش است).

فرجام کتمان حق

در این آیات کریمه عاقبت کار حق پوشان دنیا پرست چنان تمثیل شده است مانند کسیکه شکمش را از آتش پر گرداند و علاوه بر آن مورد خشم و غضب خداوند قرار گیرد؛ لذا خداوند پاک اعلان بیزاری از آن گروه کرده نه آنها را مشمول صحبت خویش قرار میدهد و نه هم آنها را تزکیه و پاک میگرداند. و در اخیر این آیات اشاره بر آن است که خداوند بر آنها هیچ ظلمی نکرده بلکه آنها خود گمراهی را بر هدایت ترجیح دادند و عذاب را بر مغفرت بر گزیدند. و این انذار مختص به اهل کتاب نبوده شامل هر آن کسی که در گذشته و حال حق پوشی و حق تلفی کند می‌باشد.

فواید درس

- در آیات مبارکه فوق مجموعه از پندها و اندرزها نهفته است، ذیلاً بگوشه از آنها اشاره می‌گردد:
- ★ استحباب خوردن بدون اسراف آنچه خدای متعال از رزق حلال و پاکیزه ارزانی فرموده است.
- ★ وجوب شکر خدای متعال به اعتراف بر نعمت و حمد خدا و استفاده نکردن از نعمت در راههای معصیت.
- ★ حرمت خوردن گوشت خود مرده و خوک و خون جاری و حیوانیکه برای غیر خدا نذر و ذبح شده باشد.
- ★ جواز خوردن از چیزهای ذکر شده در هنگام ضرورت؛ چون خوف از هلاکت نفس و غیره با مراعات قید (غیر باغ و لا عاد).
- ★ حرمت کتمان حق، خصوصاً بخاطر جلب منافع دنیوی مانند مال و منصب.
- ★ بیم دادن علمای اسلام از اینکه مبدا مسلک اهل کتاب را اختیار نموده حق پوشی کنند و یا برای حصول چیزی فتوا به باطل بدهند.
- ★ هشدار شدید از اختلاف نمودن در آیات قرآن پاک، آنچنانکه منجر به شقاق و عداوت فیما بین مسلمانان گردد.



- (۱) کلمات ذیل را معنا کنید:
{طبیات} {المیته} {أهل} {اضطر} {باغ} {عاد} {الإثم} {الضلالة} {الشقاق}
- (۲) ﴿غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ﴾ را ترجمه کنید.
- (۳) مراد از (الدم) کدام خون است که حرمت آن را آیه مبارکه اعلان داشته است؟
- (۴) در مورد ﴿وَمَا أَهْلٌ بِهِ لغيرِ اللَّهِ﴾ توضیحات لازم ارائه نمایید.
- (۵) در مسئله حصر حرمت در موارد چهار گانه سؤال ایراد می‌گردد جواب این سؤال چگونه است؟
- (۶) آیه کریمه ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ...﴾ در مورد چه کسانی نازل شده و چه کسانی را شامل می‌گردد؟
- (۷) به پنج نکته از فواید و رهنمایی‌های آیات اشاره نمایید.



کارخانه‌گی

در روشنی آیات متبرکه درس و با استفاده از نظریات علمای کرام حکم شریعت اسلامی را در مورد نذر کردن برای غیر از خداوند -جل جلاله- در یک صفحه بنویسید

آیه (۱۷۷-۱۸۲) سوره بقره

﴿لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ
وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي
الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْقَاتِلُ يُقْتَلُ بِالْحَرِّ بِالْحَرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ
شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ
عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٨﴾ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٧٩﴾ كُتِبَ عَلَيْكُمُ
إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ
﴿١٨٠﴾ فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَمَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٨١﴾ فَمَنْ خَافَ
مِنْ مُوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٨٢﴾﴾

معنای کلمات

{الْبِرُّ}	بر اسم است شامل تمام خیرها.
{آتَى الْمَالَ}	کلمه "آتى" در این آیت کریمه معنی أعطى را میدهد یعنی بدهد.
{ذَوِي الْقُرْبَىٰ}	نزدیکان و خویشاوندان.
{ابْنَ السَّبِيلِ}	مسافر دور از خانه و خانواده.
{فِي الرِّقَابِ}	جمع رقبه بمعنی گردن و مقصود از انفاق در رقاب انفاق در آزادی برده گان است.
{الْبَأْسَاءِ}	بأساء به شدت فقر گفته می شود
{الضَّرَّاءِ}	ضراء به شدت مرض اطلاق می گردد.
{حِينَ الْبَأْسِ}	در هنگام جنگ.
{الْقَتْلِ}	جمع قتل، کسیکه روحش گرفته شده و به وسیله کدام آلت مرده باشد.
{بِالْمَعْرُوفِ}	به نرمی، به نیکی.
{بِإِحْسَانٍ}	به نیکویی خالی از تاخیر و کمی.
{الْقِصَاصِ}	مساوات در قتل و در جراحات و در آلت قتل.
{خَيْرًا}	مال نقد یا متاع دنیوی و زمین.
{جَنَفًا}	جنف بمعنی ترک حق بطور خطا می آید.
{إِثْمًا}	إثم قصداً عدول از حق را گویند.

ترجمه

نیکو کاری تنها این نیست که بگردانید روهای خویش را جانب مشرق و مغرب؛ ولیکن نیکو کاری آن است که کسی ایمان آورد بخدا و روز قیامت و فرشتگان و کتابها و پیغمبران و بدهد مالش را با وجود دوست داشتن آن به خویشاوندان، یتیمان، فقیران، مسافران، گدایان و در راه آزاد کردن گردن‌ها (برده گان) و بر پا دارد نماز را و بدهد زکات را، و نیز نیکوکار آنانی اند که چون با کسی عهد بسته اند به عهد خویش وفا کنند، و صبر کننده گان در سختیها و مصیبتها و در وقت کارزار (جهاد)، آن گروه آنانند راست گویان (در ادعای نیکوکاری) و آن گروه خاص ایشانند پرهیزگاران (۱۷۷) ای مؤمنان بر شما حکم قصاص کشتگان چنین معین گردانیده شده است که مرد آزاد در مقابل مرد آزاد و برده بعوض برده و زن بجای زن پس کسیکه بخشش شد برای او از طرف برادرش (صاحب خون) چیزی، پس طلب کردن است (دیت را از طرف ولی مقتول) به نیکویی و ادا کردن است به وی [از طرف قاتل] بطریقه احسان (بدون از تاخیر و کمی) این حکم آسانی است از جانب پروردگار شما و مهربانیست، پس کسیکه تجاوز کرد بعد از این مراوراست عذاب درد ناک (۱۷۸) و در قصاص حفظ حیات شما است ای عقل مندان تا شما پرهیزگار شوید (۱۷۹) فرض گردانیده شده بر شما هنگامیکه مرگ یکی از شما فرارسد اگر دارای متاع دنیا است اینکه وصیت کند برای پدر و مادر و نزدیکان بگونه انصاف، این کار سزاوار مقام پرهیزگاران است (۱۸۰) پس هرکسیکه بعد از شنیدن وصیت آن را تغییر دهد هرآینه گناه آن بر کسانیت که عمل به خلاف وصیت کنند بدرستیکه خدا شنوا و دانا است (۱۸۱) پس هرکه بیم دارد از وصیت کننده ظلمی را (بخطا) یا گناهی را (به قصد) پس اصلاح کند در میان ایشان نیست گناهی بروی هر آینه خدا بسیار آمرزنده و نهایت مهربان است (۱۸۲).

تفسیر مختصر

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ...﴾ در تفاسیر معتبر آمده است که این آیت کریمه برای رد بر نظریه نادرست یهود و نصارا نازل گردید هریک از آنها افتخار بر این داشتند که ما دارای قبله واحد موافق دستور خداوند هستیم؛ زیرا یهود از افق مکه مکرمه به طرف مغرب و به جانب بیت المقدس نماز می گزاشتند و نصارا به طرف مشرق و هریکی فضیلت و برتری را صرف در قبله خود دانسته سبب هدایت خویش می پنداشت، از جانب دیگر آنها و دیگر جاهلان به دین و شریعت اسلامی چون تحویل قبله مسلمانان را به باد تمسخر گرفتند گروهی از مسلمانان سخت عکس العمل نشان داده نیکی و برتری را منحصر به قبله جدید خویش دانستند، لذا این آیه مبارکه برای اصلاح این گونه افکار نازل گردید و برای همه خبر داد که نیکویی واقعی رو گردانیدن به این و آن طرف نیست بلکه اساس نیکویی را ایمان و عمل صالح متشکل از امور مذکور تشکیل میدهد و در صورتی که شما به این صفات موصوف نباشید رو به قبله گردانیدن تان نزد خدا اعتبار ندارد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى...﴾ یهود و عرب در زمان جاهلیت قواعدی را وضع کرده بودند که بر اساس آن شخص آزادی را که از طبقه پایین جامعه می بود بعوض غلام طبقه شریف جامعه و مرد را به عوض زن و دو شخص آزاد را در مقابل یک شخص شریف آزاد قصاص می نمودند

خداوند متعال این قانون ظالمانه را ملغی قرار داده بر مؤمنان برابری و مساوات را فرض گردانید و فرق میان شریف و وضع را از بین برد و خبر داد که مردم در زنده گی برابر اند چه ثروت مند باشند یا فقیر، حاکم باشند یا محکوم؛ لذا شما هرگز نمیتوانید قاتل را رها کرده و به اختیار خود به اساس تقسیم بندی های نا مشروع هر کسی را که می خواهید قصاص کنید. اینگونه قرآن مجید اساس حقوق بشر را وضع کرد و برای بشریت مساوات و عدل را به ارمغان آورد.

قابل تذکر است که مفهوم این آیت در نزد فقهای مذهب حنفی این نیست که شخص آزاد در صورتیکه غلامی را کشت و یا مرد زنی را بقتل رسانید قصاص نشود؛ زیرا رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: (المسلمون تتكافأ دماؤهم) "مسلمانان در خون خویش برابر اند" و آیه کریمه در حقیقت معتقدات خاص جاهلیت را نشانه قرار داده نمیتوان از آن مفهوم مخالف آن را مراد گرفت، و در اخیر این آیت مبارکه به حکم دیگری از احکام شرع اشاره می شود که همانا دیت است و آن عبارت از این است که در صورت گذشت وارثین مقتول قصاص قاتل و یا در صورت قتل خطا از قاتل خون بها گرفته شده و به ایشان سپرده می شود، خدای متعال برای تخفیف بر بنده گان جزای قاتل را منحصر به قصاص نکرده بلکه وارث را به عفو و دیت که دو حکم دیگر در مورد قتل در شریعت اسلام محسوب می شوند ترغیب نموده است.

﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ...﴾ این آیت کریمه یکی از بلیغ ترین آیات قرآن مجید است که در الفاظ کم آن معانی و مفاهیم بزرگ نهفته است، از فصیح ترین جملات عرب این بود که می گفتند: "القتل أنفى للقتل" (کشتن قاتل از بین برنده ترین وسیله قتل است) هنگامیکه آیت فوق نازل گردید معلوم شد که در قول فصحای عرب هم لفظ قتل آمده و هم دو مرتبه تکرار شده است که هر دو خلاف فصاحت کامل است. و در معنی و تفسیر آیت مبارکه آمده است که چون قاتل یقین پیدا کند بر اینکه اگر فردی را که قصد کشتن او را دارد بکشد خود نیز کشته می شود از قتل دست بر می دارد به این طریق خود زنده می ماند و آن فرد نیز زنده می ماند و از بروز خلاف و خون ریزی بین قوم و قبیله قاتل و مقتول هم جلوگیری بعمل می آید و بالاخره باعث زنده گانی خلق کثیر شده حیات مردم محفوظ می گردد.

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ...﴾ در این آیت مبارکه خداوند متعال به یکی از اصول اخلاقی و اجتماعی اشاره میکند که عبارت است از وصیت کردن کسیکه گمان نزدیکی مرگ را بر خود می برد در حالیکه مال زیادی را خدای متعال بر وی ارزانی نموده است برای اینکه مال او بگونه عدل و انصاف بر والدین و نزدیکانش بعد از مرگ وی تقسیم شود. این حکم در اول امر بر مسلمانان فرض بود بعدا با نزول آیاتیکه در آن موارد میراث معلوم و مشخص شد نسخ گردید لیکن بطور استحباب در مورد غیر ورثه حکم آن باقی ماند بشرط آنکه زیاده از ثلث مال وصیت نکند؛ چنانچه در حدیث شریفی که امام بخاری روایتش نموده آمده است: (الثلث والثلث كثير... الحديث) "وصیت باید از سه یک مال باشد و این هم در حقیقت زیاد است".

﴿فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَمَا سَمِعَهُ...﴾ افرادی که امانت وصیت بدوش آنها سپرده می شود همانا شاهدان، نویسندگان وصیت یا خود وصیت شونده گان اند در این آیت کریمه انداز شدید آمده است که مبادا این افراد

صورت واقعی وصیت را تغییر دهند و به نحو دیگر جریان را به نفع خود یا دیگران در آورند در این صورت گناه بزرگ بدوش آنها بوده و از خدای نهایت آگاه و شنوا هر گز پنهان نخواهند بود. و آیت اخیر **﴿فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا...﴾** بیان استثنا را میکند که حق مداخله را برای بعض افرادی که در وصیت کننده نوعی خلاف را مشاهده می کنند می دهد؛ مثلاً اگر کسی که دید وصیت کننده یکی از ورثه را از مال محروم کرده یا بیشتر از ثلث مالش را وصیت کرده است در این صورت یا وصی را متوجه اشتباهش می سازد یا بنحو دیگری و به نیت نیک در امر وصیت تصرف خاصی می نماید.



شاگردان در مورد اینکه قرآن مجید اصول نیکویی و بنای هدایت را در چه اموری دانسته است بحث و گفتگو نمایند.

فواید درس

- آیات مبارکه فوق مجموعه از پندها و اندرزها را در بر دارد که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می شود:
- ★ بیان حکم قصاص و تأکید بر امر مساوات و برابری در قصاص و در چگونگی آن.
- ★ رحمت و آسان گیری اسلام در اجازه دادن به بخشش و دیت در عوض قصاص.
- ★ فصاحت و بلاغت قرآن کریم که یکی از جوانب اعجاز قرآن است.
- ★ مستحب بودن وصیت برای کسیکه مال زیادی را به ارث می گزارد.
- ★ حرمت تبدیل و تغییر وصیت بگونه ضرر آمیز.



۱) کلمات ذیل را معنی کنید:

{البر}{ذوی القربی}{ابن السبیل}{فی الرقاب}{حین البأس}{کتب}{جنفاً أو إثماً}

۲) نزول آیه **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ﴾** برای از بین بردن کدام قانون جاهلیت بوده است؟

۳) در قصاص چگونه زنده گانی است؟

۴) مراد از تخفیف و رحمت در قول خدای متعال: **﴿ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ﴾** چیست؟



کارخانه‌گی

در مورد رعایت حقوق بشر در دین مبین اسلام و از بین بردن نظام طبقاتی در روشنائی حکم قصاص مقاله مختصری را بنویسید که ده سطر را در بر گیرد.

آیه (۱۸۳-۱۸۵) سورة بقره

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (۱۸۳)
 أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ
 طَعَامُ مَسْكِينٍ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (۱۸۴) شَهْرُ
 رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِّنكُمُ الشَّهْرَ
 فَلْيُصِمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ
 وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُم وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (۱۸۵)

معنای کلمات

{الصِّيَامُ}	در لغت بمعنی امساک اما مراد از آن در اینجا ممانعت نفس است از خوردن و آشامیدن و جماع از صبح صادق تا غروب شمس. شمرده شده.
{مَّعْدُودَاتٍ}	این کلمه به دو گونه معنی شده است ۱- طاقت دارند روزه را ۲- به مشقت روزه می گیرند.
{يُطِيقُونَهُ}	هدایت کننده.
{هُدًى}	نشانه‌های واضح و آشکار.
{بَيِّنَاتٍ}	جدا کننده حق از باطل. (یکی از نامهای قرآن کریم).
{الْفُرْقَانِ}	دریابد و حاضر آید.
{شَهِدَ}	تا به بزرگی یاد کنید.
{لِتُكَبِّرُوا}	

ترجمه

ای کسانی که ایمان آورده اید فرض گردانیده شده بر شما روزه چنانچه فرض شده بود بر کسانی که پیش از شما بودند تا شما پر هیزگار شوید (۱۸۳) روزه‌های شمرده شده (معین) پس هر کسی که از شما مریض باشد یا در سفر باشد لازم است بر وی روزه گرفتن به شمارش آن روزها از ایام دیگر، و بر کسانی که طاقت دارند روزه را (مریض و مسافر نیستند، یا بر کسانی که روزه گرفتن مر ایشان را طاقت فرسا است) فدیة دادن است طعام مسکین، و هر آنکس بر نیکی بیفزاید پس آن بهتر است مر او را، و روزه گرفتن تان بهتر است مر شمارا اگر بدانید (۱۸۴) ماه رمضان ماهی است که فرو فرستاده شد در آن قرآن در حالیکه هدایت است مردمان را ودلیل‌های روشن است از رهنماییها و امتیاز حق از باطل، پس کسی که در یابد از شما آن ماه را باید روزه گیرد آن را و هر که بیمار یا در سفر باشد پس بر وی لازم است روزه گرفتن به شمار آنچه فوت شده از روزه‌های دیگر، اراده دارد خدای متعال به شما آسانی را و نمی‌خواهد به شما دشواری را و خواسته تا اینکه عدد روزه را تکمیل کرده و به بزرگی یاد کنید خدا را بر آنکه شمارا راهنمود ساخت و تا شما شکر گزار شوید (۱۸۵)

تفسیر مختصر

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ...﴾ هنگامیکه رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - به مدینه منوره هجرت نمودند و مدینه سرزمین اسلام قرار گرفت تشریعات و احکام اسلامی رو به افزایش آغاز کرد؛ چنانچه در آیات سابقه حکم حرمت گوشت بعضی از حیوانات وقصاص و وصیت ذکر گردید و در سال دوم هجرت این آیت مبارکه که بیان گر یکی از ارکان مهم اسلام؛ یعنی روزه است نازل گردید. در ابتدا این آیت مبارکه مانند بسیاری از آیات دیگر خطاب به ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ آمده که نوعی تشویق و ترغیب به حساب می‌رود یعنی ای اهل ایمان متوجه باشید که این دستور خاص برای شما است و شما چون مؤمن هستید انتظار لبیک و اطاعت می‌رود، همچنان در این آیت مبارکه برای دلداري مؤمنان اشاره بدان شده است که این فریضه از چنان اهمیت بر خوردار است که وجیبه پیغمبران و امت‌های گذشته نیز بوده است، و در اخیر آیت هدف از این آزمون بزرگ تذکر یافته است که همانا رسیدن به تقوی و پر هیزگاری می‌باشد.

گوشه از فضایل روزه

روژه ماه مبارک رمضان از فضیلت‌های مادی و معنوی زیاد بر خور دار است از آن جمله فرض بودن آن را بر همه امت‌ها میتوان به حساب آورد اگر روزه یک عبادت بس بزرگ نمی‌بود از چنین عمومیت و شمولیت بر خوردار نمی‌شد.

یکی دیگر از فضایل روزه این است که سبب مغفرت و بخشش ذنوب می‌گردد رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: (مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ) [رواه البخاری] کسیکه رمضان را از روی ایمان داری و امید ثواب روزه بدارد گناهان گذشته اش مورد مغفرت و بخشش قرار می‌گیرد.

همچنان از فضایل روزه این است که مزد آن محدود به اندازه خاصی نبوده خدای متعال به مقدار که خود می‌خواهد اجر و پاداش نصیب روزه دار میکند در حدیث صحیح آمده است: (كُلُّ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ لَهُ إِلَّا الصَّوْمَ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ) [رواه البخاری] تمام اعمال فرزندان آدم مربوط به خود شان است مگر روزه چرا که روزه از من است و من خود ثواب و مزد آن را می‌پردازم؛ یعنی به اندازه که خود می‌دانم و غیر از من کسی نمی‌داند. دیگر از فضایل روزه این است که صاحب خود را در روز قیامت شفاعت میکند پیغمبر خدا ﷺ فرمودند (الصَّيِّمُ وَالْقُرْآنُ يَشْفَعَانِ لِلْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...) [رواه احمد فی مسنده] روزه و قرآن شفاعت میکنند برای بنده در روز قیامت. علاوه از آنچه بدان اشاره شد از نظر صحت و جسمانی، از نظر روحی و روانی، از نظر اجتماعی و غیره هزاران فضیلت و فائده در این نظام تربیتی آسمانی وجود دارد که جای تفصیل آن در این تفسیر مختصر نیست.

﴿أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ...﴾ یعنی روزه فرض شده بر شما آنقدر زیاد نیست که از عهده آن برآمده نتوانید بلکه روزهای چند محدود می‌باشد و در آیت بعدی بدان تصریح گردیده که عبارت از یک ماه (ماه مبارک رمضان) است، علاوه بر آن شما از آسانی دیگر نیز برخوردار هستید که اگر مریض یا مسافر باشید اجازه افطار کردن (خوردن) را دارید بشرط اینکه آن روز هارا قضایی بیاورید.

تفسیر جمله ﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ﴾ مفسرین کرام این جمله از آیت مبارکه را به دو گونه تفسیر نمودند که هر دو توجیه صحیح و درست است تفسیر اول این است: "یطيقونه" طاقت دارند روزه را چنانچه

در ترجمه نیز ذکر گردید. فرمودند چون مردم به روزه گرفتن یک ماه مسلسل عادت نداشته و بر آنها دشوار تمام می‌شد؛ لذا برای سهولت امر حکم چنین آمد که اگر شما مریض یا مسافر هم نبودید؛ اما روزه گرفتن بر شما دشوار بود اجازه خوردن را دارید؛ لیکن باید بجای هر روز تان یک مسکین را طعام بدهید بعداً این حکم با نزول آیت بعدی ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾ منسوخ گشت و برای کسانی که عذر شرعی نداشته باشند جز از روزه گرفتن راه دیگری باقی نماند. تفسیر دوم این است: "یطبقونه" به تکلف و طاقت فرسایی روزه می‌گیرند به این معنی که مریض یا مسافر نیستند اما روزه بر آنها سخت است مانند پیران و بزرگسالان از مردان و زنان آنانیکه به اصطلاح فقها به ایشان شیخ فانی اطلاق می‌شود پس برای آنها جایز است روزه را افطار نمایند و بجای روزه فدیة بپردازند، اساس این قول بر این است که "یطبقونه" از تطبیق گرفته شده است که بمعنی به تکلف کاری را انجام دادن می‌آید، بنا بر این تفسیر، آیت دوم ناسخ برای آیت اول نیست؛ بلکه حکم فدیة دادن افراد مذکور کماکان ادامه دارد؛ البته تفسیر اول راجح تر در نزد مفسرین است و در مورد اقوال دیگری نیز ذکر شده است که درینجا مجال ذکر آن نیست.

قابل تذکر است که مقدار فدیة روزه نزد فقهای مذهب حنفی نیم صاع از گندم و یک صاع از جو و حبوبات دیگر مقدر شده است، البته وزن صاع به گرام بنابر تحقیقی که دکتر وهبة الزحیلی در مقدمه کتاب "الفقه الإسلامی و أدلته" کرده است صاعیکه امام شافعی و صاحبان امام ابوحنیفه به آن قایل بودند (۲۱۷۶) گرام می‌شود و صاعیکه امام ابوحنیفه و باقی فقهای عراق به آن قایل بودند (۳۸۰۰) گرام می‌شود، اما بخاطر احتیاط چنانچه امام نووی فرموده است بهتر آن است که فدیة دهنده حد اعلی را در نظر بگیرد یعنی مقداری بپردازد که احتمال زیاد بودن از مقدار شرعی را داشته باشد نه کم بودن را مثلاً یک صاع را چهار کیلو (۴۰۰۰ گرام) پوره به حساب آورد و چون نیم صاع از گندم فدیة می‌پرداخت دو کیلو پوره بدهد. و الله اعلم.

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ...﴾ در این آیت مبارکه ایام معدودات تعیین و مشخص شده است که آن ایام کدام اند یعنی عدد روز هائیکه بر شما روزه گرفتن آنها فرض شده است یک ماه در هر سال است و آن ماه عبارت از ماه مبارک رمضان می‌باشد بعداً به فضیلت و برتری این ماه اشاره شده که مهمترین آن نزول قرآن مجید در این ماه می‌باشد که برای اولین بار از لوح محفوظ به آسمان دنیا در شب لیلة القدر بطور مکمل نازل گردید و از آنجا کم کم بطور تدریجی به رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - نازل شد و اولین نزولش بر رسول خدا نیز در همین ماه مبارک بود؛ همچنان این آیت به اهمیت قرآن پاک که به برکت نزولش ماه رمضان میمون و مبارک گشت اشاره دارد که می‌فرماید ﴿هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ﴾ یعنی آن قرآن نازل شده هدایت کامل برای تمام بشریت است نه برای یک قوم و قبیله خاص، و یگانه فیصله کننده بین حق و باطل است، و در اخیر این آیت مبارکه حکم فرضیت روزه بر همه کسانی که شاهد فرارسیدن ماه مبارک رمضان باشند بیان گردیده فقط مریضان و مسافران از آن مستثنی می‌شوند؛ البته آنها نیز مطلقاً معاف نمی‌باشند بلکه باید همین روزهای خود را بعداً قضایی آورده و عدد ایام روزه را پوره گردانند. بنده مسلمان این را باید بداند که خدای متعال در مکلف ساختن بنده گان به عباداتی که در نتیجه نفع آنها به خود بنده گان می‌رسد نیز مراعات حال آنها را کرده و بر مریضان و مسافران و ضعیفان تخفیف آورده است. یقیناً خدای پاک بنا به ارشاد این آیت مبارکه به بنده گانش آسانی (یسر) را می‌خواهد نه سختی (عسر) و مشقت را، همچنان

این را نباید فراموش کرد که فرایض دین و احکام اسلام و نزول کلام خدا همه و همه سلسله هدایات اند که خدای متعال به بنده گانش ارزانی فرموده است؛ لذا باید شکر منعم را از یاد نبرد ﴿وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾.



شاگردان به دو دسته تقسیم گردند و هر گروه با گروه دیگر در مورد فضایل روزه گرفتن بحث و گفتگو نمایند بنحویکه چند فضیلت را این گروه و چند فضیلت را گروه مقابل ذکر نماید.

فواید درس

در آیات مبارکه فوق مجموعه ای از پندها و اندرزها نهفته است که ذیلاً به گوشه ای از آنها اشاره می گردد:

- ★ بیان فضیلت ماه مبارک رمضان و فضایل قرآن.
- ★ فرضیت روزه ماه رمضان بر تمام افراد مکلف.
- ★ رخصت برای مریضی که در روزه گرفتن آن بیم شدت مرض یا تاخیر صحت وجود داشته باشد.
- ★ واجب بودن قضا آوری بر کسیکه به اساس کدام عذر شرعی افطار کرده باشد.
- ★ آسان گیری شریعت اسلامی و دوری آن از هرگونه حرج و سختی.
- ★ پدیدار شدن شکر بنده گان در انجام طاعات و عبادات.



۱) کلمات ذیل را معنی کنید:

- {الصيام}{یطبقونه}{تطوع}{بینات}{الفرقان}
- ۲) روزه در کدام سال بر مسلمانان فرض قرار داده شد؟
- ۳) سه فضیلت از فضایل روزه گرفتن را یاد آور شوید.
- ۴) علما کرام جمله ﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ﴾ را چگونه تفسیر نموده اند.
- ۵) چگونگی نزول قرآن مجید را در ماه مبارک رمضان واضح سازید؟
- ۶) در چه صورت جمله "فلیصمه" ناسخ حکم قبلی خویش قرار می گیرد؟



کارخانه گی

شاگردان به اختیار خود در باره یکی از دو موضوع ذیل مقاله کوتاه بنویسند:

- ۱- فضایل روزه، فضایل ماه رمضان و فضایل قرآن پاک.
- ۲- یسر و آسانی در دین مبین اسلام.

آیه (۱۸۶-۱۸۸) سورة بقره

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ (۱۸۶) أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾ (۱۸۷) وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (۱۸۸) ﴿

معنای کلمات

- {الدَّاعِ} سؤال کننده و حاجت خواه.
- {فَلْيَسْتَجِيبُوا} باید فرمان برداری کنند.
- {يَرْشُدُونَ} راه نجات را دریابند (در اصطلاح قرآنی به علم و عمل به آنچه مورد حب و رضای خدا می شود و اجتناب از آنچه مورد نارضایتی وی می گردد رشد گفته می شود).
- {الرَّفَثُ} جماع کردن.
- {لِبَاسٌ لَكُمْ} کنایه از نزدیکی شدید زن و مرد است؛ مانند نزدیک بودن لباس با بدن، و نیز کنایه از زینت بودن هریک از زوجین و عیب پوشی شان یکدیگر راست.
- {بَاشِرُوهُنَّ} همبستری کنید با ایشان (کنایه است از جماع کردن).
- {كَتَبَ اللَّهُ} مقدر کرده است خدا.
- {الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ} صبح کاذب که عبارت از سفیدی ستون ماندنی است که در افق ظاهر می شود.
- {الْخَيْطُ الْأَسْوَدُ} سیاهی که بعد از سفیدی اول پیدا شده او را کاملاً از بین می برد.
- {الْفَجْرِ} روشنایی پهنآوری که تاریکی مذکور را از بین برده و تمام افق را در بر می گیرد.
- {حُدُودُ اللَّهِ} جمع حد، وحد عبارت از قوانین خداوندی است که از بنده گان انجام یا ترک آنها طلب می شود.
- {الْبَاطِلُ} خلاف حق.
- {تُدْلُوا} ادلاء به انداختن چیزی گفته می شود و مراد در اینجا دادن چیزی بطور رشوت به قاضی و حاکم است تا به وسیله آنها فرد دارایی دیگران را غصب کند.

ترجمه

و هنگامیکه بپرسند از تو بنده گان من از (دوری و نزدیکی) من پس هرآینه من نزدیکم، اجابت میکنم دعای طلب کننده را وقتیکه بخواهد از من، پس باید فرمان برداری کنند احکام مرا و باید ایمان آورند به من تا ایشان راه نیک را در یابند (۱۸۶) حلال گردانیده شد برای شما شب روزه، مباشرت (جماع) با زنان تان، ایشان جامه [عفاف] اند برای شما و شما نیز لباس [عفت] آنها هستید، خدا دانست هر آینه شما [در صورت دوام منع] خود را به گناه می افکندید؛ پس قبول کرد توبه شما را و در گذشت از شما، اکنون (در شب های رمضان) مباشرت کنید با ایشان و طلب کنید آنچه را که مقدر کرده است خدا برای شما (فرزند) و بخورید و بیاشامید تا آشکار شود به شما خط سفید روز از سیاهی شب در سپیده دم، باز تمام دارید روزه را تا (اول) شب، و نزدیکی (جماع) نوزید با زنان در حالیکه شما معتکف باشید در مساجد، این احکام، حدود دین خدا است پس نزدیک مشوید (نشکنید) آنها را اینچنین بیان میکند خدا آیت های خود را بمردمان شاید ایشان بپرهیزند (۱۸۷) و مخورید مالهای یکدیگر تان را در بین خود به ناحق و مرسانید آنرا بسوی حاکمان تا [بوسیله رشوه و زور] بخورید حصه را از مال های مردم به گناه در حالیکه شما میدانید (۱۸۸)

تفسیر مختصر

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ...﴾ گروهی از صحابه کرام نزد رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - آمده پرسیدند: اقرب ربنا فنناجیه أم بعيد فننادیه؟ آیا خدای ما به ما نزدیک است که با صدای آهسته او را یاد کنیم یا از ما دور است که به آواز بلندش بخوانیم؟ در جواب، این آیه مبارکه نازل گردید که خدای متعال به شما نزدیک است؛ بلکه دعای شما را می شنود و اجابت میکند، در این آیه مبارکه بعد از اشاره به اموری که متعلق به خداست یعنی نزدیکی و قربت او به بنده گان و پذیرش او دعا و نیایشها را به امر دیگری اشاره شده است که مربوط به بنده گان است؛ یعنی ایمان و استجابات از اوامر و نواهی خدا و شریعت خدا؛ چنانچه یگانه راه کامیابی و رشاد را در همین اطاعت و ایمان منحصر می نماید.

﴿أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيِّمِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ...﴾ در ابتدای فرضیت روزه حکم بر این بود که هر کسی که قصد روزه فردا را داشت در هر ساعتی از شب که می خوابید از همان لحظه به بعد برایش خوردن و آشامیدن و نزدیکی با همسر جواز نداشت هر چند که در اول شب خوابیده باشد این امر بر صحابه کرام سخت تمام شد و حتی بعضیها خود را در امر همبستری با زنان شان اداره کرده نتوانستند چون رسول خدا را از این امر آگاه ساختند این آیه مبارکه نازل گردید که خوردن و نوشیدن و جماع کردن را برای مسلمانان در طول شب تا هنگام طلوع فجر مباح قرار داد و جمله ﴿عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ﴾ اشاره به همان کوتاهی است

که از پیش بعضی‌ها صادر شد که بعد از خوابیدن با همسران شان جماع کردند؛ چنانچه خدای متعال این را هم میدانست که مردمان بعد از صحابه به مراتب بیش از آنها این اشتباه را مرتکب خواهند شد؛ لذا به برکت توبه آنها و اعتراف شان نزد رسول گرامی خداوند متعال بر همه امت آسانی فرمود. در این آیه مبارکه برای توضیح بیشتر حدود روزه مشخص گردیده است که از چه وقت آغاز می‌شود و تا چه وقت ادامه پیدا میکند یعنی از صبح صادق تا غروب آفتاب. نیز احکامی در مورد اعتکاف که یکی از اعمال بسیار عالی روزه داران است بیان گردیده (البته اعتکاف از نظر حکم سنت مؤکده کفایی است و بدون صوم اعتکاف سنت نمی‌شود) و در اخیر اعلان شده است که واجبات و محرمات بیان شده حدود و آیات خداست که هرگز نزدیکی به آن یعنی شکستادن و تجاوز از آنها جایز نیست.

﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ...﴾ خدای متعال بعد از اینکه در آیه سابقه خبرداد که او تعالی احکام دین خود را به مردم بیان می‌کند تا تقوی را به انجام کارهای معروف و ترک منکرات پیشه بگیرند، در این آیه به یک امر مهم اجتماعی و اخلاقی اشاره میکند که همانا منع خوردن مال‌های مسلمانان بگونه ناحق و نا رواست که مطلقاً بر مسلمان حرام می‌باشد. آیت مبارکه ضمن بیان این حکم به یکی از بدترین انواع خوردن مال دیگران اشاره دارد که همانا از طریق دادن رشوت به حکام و قضات صورت می‌گیرد، این کار باعث آن می‌شود تا قاضی به نفع ظالم فیصله کند و حکام از فیصله شان حمایت نمایند و مردمان رشوه دهنده از طریق بهتان و گواهی‌های دروغین وقسمهای ناحق به مال و منال دیگران دست یابند.

فعالیات

شاگردان در باره حرمت شدید خوردن مال دیگران بدون رضایت آنها بگونه ناحق و ظالمانه که آیت اخیر بدان اشاره دارد و همچنان در مورد روش‌های مختلفی که ممکن است منجر به تجاوز به مال و ثروت مسلمانان گردد و در دین و شریعت اسلام حرام و ناجایز است با یکدیگر مباحثه و مناقشه نمایند.

فواید درس

آیات مبارکه فوق مملو از فواید و آموختنیهایی است که ذیلاً به بعضی از آنها اشاره می‌گردد:

★ نزدیکی خدای متعال به بنده گان؛ زیرا عالم و عالمیان همه در ید قدرت خدا و تحت سلطنت او قرار دارند.

★ کراهیت بلند آوازی در عبادات مگر در بعضی موارد مثل تلبیه و اذان و اقامت و تلاوت در نمازهای جهری.

- ★ ثبوت کمال و رشد در اطاعت از خدا، و جهل و گمراهی در معصیت از خدا.
- ★ جواز خوردن و آشامیدن و جماع کردن در شبهای روزه از غروب شمس تا طلوع فجر.
- ★ بیان حد مقرر روزه؛ یعنی از صبح صادق تا غروب شمس.
- ★ بیان آنچه که روزه دار باید از آن بکلی امتناع ورزد؛ یعنی خوردن و نوشیدن و جماع کردن.
- ★ مشروعیت اعتکاف بطور خاص در ماه مبارک رمضان.
- ★ تعلیم ادب سخنگویی؛ چنانچه قرآن مجید کلمه مباشرت (همبستری) را کنایتاً بجای وطی (جماع) استعمال نموده است.
- ★ آشکارا ساختن مقصد و هدف از وضع قوانین و حدود شریعت که همانا نایل آمدن به تقوی و پرهیز گاری است.
- ★ حرمت خوردن مال مسلمان بغیر حق برابر است که بگونه دزدی باشد یا غصب یا فریب کاری و حيله گری.
- ★ حرمت رشوه دادن به حکام و صاحبان امور.



(۱) کلمات ذیل را ترجمه کنید:

"{الداع} {یرشدون} {الرفث} {باشروهن} {حدود الله} {الباطل} {تدلوا}"

(۲) چگونه خداوند به بنده گانش نزدیک است؟

(۳) شان نزول آیه مبارکه ﴿أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيِّمِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ﴾ را بیان دارید.

(۴) جمله ﴿حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ﴾ را ترجمه و تفسیر کنید.

(۵) حکم اعتکاف چیست؟

(۶) این قسمت از آیه مبارکه ﴿وَتَدُلُّوْا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ﴾ اشاره به چه چیز میکند؟

(۷) در روشنایی آیت فوق حکم حرمت اموال مردم را بیان دارید.



شاگردان خلاصه احکامی را که سه آیت فوق بدانها اشاره دارد در چند سطر نوشته، محل استدلال هر حکم را از آیت مشخص نمایند.

آیه (۱۸۹-۱۹۳) سورة بقره

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۱۸۹﴾ وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿۱۹۰﴾ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿۱۹۱﴾ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۱۹۲﴾ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿۱۹۳﴾﴾

معنای کلمات

- {الْأَهْلَةُ}** جمع هلال است و هلال در عربی به ماه نو گفته می شود از ابتدا تا سه روز اول ظهورش.
- {الْمَوَاقِيتُ}** جمع میقات بمعنی وقت محدود معلوم برای مردمان.
- {سَبِيلِ اللَّهِ}** راه منتهی شونده به رضوان خدا که اسلام است.
- {لَا تَعْتَدُوا}** از حد تجاوز نکنید.
- {ثَقِفْتُمُوهُمْ}** بکشتن شان دست رسی پیدا کردید.
- {الْفِتْنَةُ}** شرک به خدای متعال.
- {الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ}** مراد خانه کعبه معظمه و حرم اطراف آن است.

ترجمه

می پرسند ترا (ای محمد) از سبب اختلاف ماهها بگو این تعیین اوقات است برای مردمان و برای [عبادات] حج و نیکوکاری بدان نیست که در آید در خانه ها از پشت آنها ولكن نیکویی آنست که کسی از خدا بترسد و در آید خانه هارا از دروازه های آنها و بترسید از خدا باشد که کامیاب شوید (۱۸۹) و جنگ کنید (جهاد نمایید) در راه خدا با آنانیکه به جنگ شما بر می خیزند، و از حد مگذرید هر آینه خدا دوست ندارد متجاوزین را (۱۹۰) و بقتل رسانید ایشان (مشرکین) را هر جا که بیابید آنها را، و برانید ایشان را از آنجاییکه (وطنیکه) بیرون راندند شمارا، و فتنه گری (از دین باز داشتن) سخت تر است از کشتار، و قتال مکنید با ایشان در نزد مسجد حرام تا جنگ کنند با شما در آنجا، پس اگر جنگ کردند با شما [در این صورت]

بکشید ایشان را چنین است سزای کافران (۱۹۱) پس اگر باز گشتند (از شرک و ستم) هر آینه خدا بسیار آمرزنده و نهایت مهربان است (۱۹۲) و جهاد کنید با ایشان تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و دین خدا حاکم باشد پس اگر دست کشند از فساد (شرک) پس نیست هیچ دشمنی مگر بر ستمکاران (۱۹۳)

تفسیر مختصر

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ...﴾ چون در آیات گذشته احکام روزه بیان گردید و در آیات بعدی ذکر حج به میان می‌آید، در بین این دو واجب بزرگ، یادی از هلال که وقت مقررۀ هر دو بوسیله آن مشخص و معلوم می‌شود به میان آمد. و شان نزول این آیت مبارکه آن بود که عدۀ از صحابه کرام در مورد علت کم شدن و زیاد شدن ماه از جناب رسول - صلی الله علیه وسلم - پرسیدند، خداوند متعال رسولش را خبر داد تا به آنها بفهماند که این کمی و بیشی برای آنست تا بنده گان وقت‌های مقررۀ خویش را بشناسند، ماهها شناسایی گردد و وقت روزه و حج مشخص شده و زنها عدت خویش را بدانند و عموم مردم اوقات بیع و شرا و ادای قروض و غیره را معلوم کرده بتوانند همین چیز حکمت کمی و زیادی ماه است و شما باید شکر الله متعال را در مقابل هدایت و رهنمایی او تعالی بجا آورید.

ربط جزء دوم آیت با اول آن

چون در آیت کریمه ذکر از هلال به میان آمد و علت ذکر آن مسأله روزه و حج و تعیین اوقات این دو بود، در جزء دوم این آیت امری بیان می‌گردد که آنها را مربوط به عملکرد عدۀ از مردم در امر حج است، در زمان جاهلیت قبل از اسلام مردم مدینه عادتاً را ایجاد کرده بودند که چون احرام به قصد حج یا عمره می‌بستند و از خانه شان بیرون می‌شدند باز چون بکدام غرض خاصی قصد داخل شدن به خانه را می‌کردند از دروازه داخل نمی‌شدند بلکه دیوار پشت خانه را سوراخ کرده از آن طریق وارد خانه می‌شدند و این کار را عبادت و طاعت می‌پنداشتند! خدای متعال این روش جاهلی را باطل گردانید و فرمود نیکویی و تقوی در این گونه بدعت کاریها نیست، به خانه‌های تان از دروازه داخل شوید اگر چه برای حج یا عمره احرام بسته باشید و از خدا بترسید که رستگاری تان در آن است.

﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ...﴾ این سه آیت مبارکه از جمله اولین آیاتی اند که در مورد قتال با مشرکین نازل گردیده است که متضمن اجازه قتال برای رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - و مسلمانان با کسانی که بر جان و مال آنها تجاوز می‌کردند می‌باشد مراد از "سبیل الله" اعلاء و بلند کردن کلمه و دین خداست یعنی اینکه قصد از جهاد هیچ چیز دیگری جز از سربلندی دین نباید باشد، در

آیت کریمه اول و دوم به چند چیز اشاره گردیده است. اول اینکه شما با کسانی جنگ کنید که با شما جنگ را آغاز می‌کنند و با کسانی که بسوی شما دست درازی نمی‌کنند نجنگید. دوم اینکه مقاتلین را در هر جای که یافتید بکوبید بلکه برانید ایشان را از دیار شان چنانچه شما را از خانه و دیار تان بیرون کردند. سوم اینکه در قتل ایشان هیچ گونه تشویشی به شما ایجاد نشود؛ زیرا فتنه و فساد ایشان که مسلمانان را به انواع شکنجه‌ها و فریب کاریها مجبور به کفر و شرک میکنند بسیار بالا تر از قتل و قتال است. چهارم اینکه در محدوده حرم مطهر (کعبه شریفه و حوالی آن) شما مبادرت به قتال نکنید و حرمت آن را حفظ کنید مگر در صورتیکه آنها با شما در همین حدود آغاز به جنگ نمودند باز در این صورت اجازه دفاع را دارید و در اخیر بیان میدارد که این قتل کردن و جلاوطن نمودن جزای کافرانی است که به دین و جان دیگران اعتدا میکنند. در آیت کریمه سوم به وسعت کرم خدا اشاره نموده میفرماید: اگر این افراد از کفر و شرک و تجاوز شان باز گشتند و ایمان آوردند، بدون شک خدای عالمیان بخشنده و مهربان است در آن صورت تمام جرم‌های سابقه شان معاف شده و دشمنی به دوستی مبدل می‌گردد.

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً...﴾ این آیه کریمه تأکیدی بر آیات سابقه است، در این آیت اجازه قتال مستمر و بادوام با مشرکین داده شده تا که در مکه مکرمه دیگر هیچ مسلمانی بخاطر دین و عقیده اش مورد شکنجه قرار نگیرد؛ بلکه هیچ گونه شرک و بی دینی وجود نداشته باشد و دین فقط دین خدا باشد و در اخیر آیت یکبار دیگر تأکید می‌گردد که اگر این افراد از اعمال و عقاید شان باز گردند بدانند که دشمنی اسلام و مسلمین فقط با ظالمان است.



شاگردان در مورد بدعت تراشی در دین و لو به نیت پاک و به مقصد ثواب باشد با یکدیگر بحث و گفتگو کنند و در روشنایی آیات و اقوال علما حکم آنرا بیان نمایند.

فواید درس

در آیات مبارکه فوق مجموعه ای از فواید و آموختنیها قرار دارد که به گوشه ای از آنها اشاره می‌گردد:

★ مسلمان باید از چیزهایی سؤال نماید که در آنها نفعی وجود داشته باشد و از آنچه مربوط به وی نیست یا از حدود عقل و درک او خارج است سؤال نکند.

★ برای مسلمانان ماه‌های قمری دارای ارزش و اهمیت زیاد است؛ زیرا به وسیله آنها اوقات بسیاری از عبادات شناخته می‌شود.

★ حرمت وعدم جواز بدعت تراشی در دین اگر چه به نیت عبادت و حصول اجر باشد.

★ وجوب قتال با کسیکه با مسلمانان به جنگ بر می‌خیزد.

★ حرمت تجاوز و تعرض در قتال مانند کشتن اطفال و زنان و کهن سالان مگر اینکه دست به جنگ بزنند.

★ حرمت جنگ در محوطه حرم مطهر مکه معظمه مگر اینکه دشمن در آنجا شروع به جنگ کند.

★ اسلام آوردن شخص، تمام اعمال زشت گذشته او را محو می‌سازد.

★ وجوب جهاد هنگامیکه مسلمانان یک منطقه بخاطر دین و عقیده خویش مورد اذیت و آزار قرار گیرند.



(۱) کلمات ذیل را ترجمه کنید:

"{الأهله} {المواقیت} {ولا تعتدوا} {ثقفتموهم} {الفتنة} {فلا عدوان}"

(۲) مقصد از پرسش صحابه کرام در مورد ماه چه بود؟

(۳) آیات این درس علت و دلیل اجازه قتال را برای مسلمانان چه چیز دانسته است؟

(۴) مقصد و هدف از جهاد چه باید باشد؟

(۵) حکم قتال در کعبه و حرم شریف چیست؟



کارخانه‌گی

در تفسیر آیه مبارکه ﴿فَإِنْ أَنْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ یک مقاله کوتاه بنویسید که متضمن بیان وسعت عفو و کرم خداوند و رفعت و عظمت اسلام باشد.

آیه (۱۹۴ - ۱۹۶) سورة بقره

﴿الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتِ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿١٩٤﴾ وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٩٥﴾ وَاتَّمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٩٦﴾﴾

معنای کلمات

{الشَّهْرُ الْحَرَامُ} ماهی که قتل در آن حرام است و آنها عبارت از چهار ماه اند سه ماه پی در پی یعنی

ذو القعدة و ذوالحجة و محرم و یک ماه جدا یعنی رجب.

{الْحُرُمَاتُ} جمع حرمت است یعنی آن چیز هایی که تجاوز کردن به آنها (یا در آنها به چیزی دیگر)

حرام است مانند ماه حرام، بلد حرام، احرام و غیره.

{التَّهْلُكَةُ} هلاکت.

{أَحْسِنُوا} احسان و نیکی کنید.

{وَاتَّمُوا} به سر رسانید.

{أُحْصِرْتُمْ} مراد از احصار آنست که حاجی از رسیدن به حج یا عمره به سبب دشمن یا مرض شدید باز بماند.

{مَا اسْتَيْسَرَ} آنچه که آسان باشد.

ترجمه

ماه‌های حرام مقابل ماه‌های حرام است و حرمت‌ها با همدیگر مساوی اند، پس کسی که تجاوز کند بر شما تعدی کنید بر او بقدر ستمی که بر شما رسانده است، و بترسید از خدا و بدانید که خدای متعال با پرهیزگاران است (۱۹۴) و اتفاق کنید در راه خدا و می‌فکنید خویش را در هلاکت، و نیکویی کنید هر آینه خدا دوست میدارد نیکو کاران را (۱۹۵) و تمام کنید [اعمال] حج و عمره را برای خدا و اگر شما منع کرده شدید پس قربانی کنید آنچه مقدور و میسر است بر شما و متراشید سرهای تان را تا آنکه قربانی شما

به محل ذبح برسد، پس هر که از شما بیمار باشد یا او را مشکلی باشد در سرش پس (سر بتراشد) و لازم است بر وی فدیة دادن از (قبیل) روزه یا خیرات یا ذبح حیوان، و چون ایمن شدید (ترس و خوف بر طرف شد) پس هر که تمتع حاصل کرد به ادای عمره تا وقت حج بروی لازم است قربانی کردن آنچه میسر است از هدیه و هر کس نیابد هدیه لازم است که روزه گیرد سه روز در ایام حج و هفت روز وقتی که بازگشت (یعنی بعد از فراغت از اعمال حج)، این ده روز کامل است، این حکم برای کسیست که نباشد از باشندگان مسجد حرام و بترسید از خدا و بدانید که هر آینه خدا سخت عقوبت کننده است (۱۹۶)

تفسیر مختصر

﴿الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ...﴾ از روزگاران حضرت ابراهیم خلیل - علیه السلام - مکه مکرمه سرزمین امن و امان بود و همچنان چهار ماه ذوالقعدة و ذوالحجة و محرم و رجب ماههای امن و سلام بودند، درین ماهها در سرتاسر مملکت عرب جنگ خاموش و تعرض حرام می گردید. در ذی قعدة سال ششم هجرت حضرت پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - با جماعتی از اصحاب بقصد عمره عازم خانه کعبه گردیدند، چون بکعبه نزدیک شدند مشرکان مکه مسلمانان را از زیارت خانه خدا مانع شدند بالاخره قرار به صلح شد؛ به این صورت که امسال مسلمانان بدون زیارت باز گردند و سال آینده آمده عمره کنند و در مدت سه روز به فراغت و اطمینان در کعبه باشند و بعد از آن مراجعه کنند؛ چون در ذیقعدة سال هفتم هجرت حضرت پیغمبر عزم کعبه نمود اصحاب کبار به این فکر شدند که اگر اهل مکه پیمان خویش را نقض نمایند و بجنگ برخیزند چه باید کرد اگر با ایشان بجنگیم ماه حرام است و ما در احرامیم و مکان نیز حرم مکه معظمه است، و اگر نجنگیم عمره چگونه ادا شود لذا این آیه مبارکه و آیات قبل از آن که در آنها اجازه قتال داده شد برای رفع این تشویش نازل گردید. در این آیه اشاره بدان شده است که این ماه حرام؛ یعنی ذی قعدة که شما در آن به غرض ادای قضای عمره روانید عوض ذی قعدة سال گذشته است که کافران شمارا از عمره باز داشته بودند، اکنون شما اگر رفتار نادرستی از ایشان مشاهده کردید بدون تشویش انتقام خویش را بگیرید؛ زیرا حرمت در مقابل حرمت و تمام حرمتها بگونه برابر باید رعایت شوند در صورتیکه یک بار آنها حرمت ماه را شکستاندند، اگر بار دوم چنان کردند شما نیز هیچ نوع حرمتی را پاس مدارید و دست بعمل مشابه بزنید، و در همه کارهای تان خوشنودی خدا را بطلبید که خدا با پرهیزگاران است.

ملاحظه: حرمت ماههای حرام بعداً در دین مبین اسلام منسوخ قرار داده شد و دلیل آن قتال رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - است با قبایل هوازن و ثقیف در شوال و اول ذی القعدة که از جمله اشهر الحرام بود.

﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...﴾ این آیه مبارکه مسلمانان را به انفاق مال در راه تجهیز و آماده گی برای جهاد امر

میکند و آنها را هشدار میدهد که اگر از این امر بزرگ غفلت بورزند در حقیقت خویش را هلاک می‌سازند؛ زیرا دشمنان شان در کمین اند و هرگاه سستی و کسالت شان را مشاهده کنند فرصت را غنیمت شمرده بر آنها هجوم می‌آورند و در نتیجه آنها مغلوب و خوار و ذلیل خواهند شد.

﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...﴾ خدای متعال بنده گان مؤمن خویش را امر میکند به اینکه حج و عمره را برای او به اتمام برسانند و بگونه درست و به اخلاص کامل ادا نمایند، و در صورت ایجاد کدام ممانعت در سر راه شان در حالیکه احرام بسته باشند برای بیرون آمدن از احرام حیوانی را که برای شان میسر است برای ذبح نمودن به حرم بفرستند و بعد از رسیدن آن به حرم با تراشیدن یا کم کردن موی سرشان از احرام خویش خارج شوند؛ همچنان به مناسبت این حکم حکم دیگری را نیز بیان می‌کند و آن اینکه اگر کسی مریض باشد و یا در ناحیه سر مشکلی داشته باشد و به این اساس مجبور به تراشیدن سر یا پوشانیدن آن شود با دادن فدیة میتواند این کار را انجام دهد و آن شخص مختار است که در فدیة خود یکی از سه چیز را انتخاب کند: یا سه روز روزه یا طعام دادن شش مسکین یا ذبح یک گوسفند و در اخیر این چیز را نیز تعلیم داده است که آن عده افرادی که در ماه حج می‌خواهند دو استفاده جداگانه را نمایند؛ یعنی هم عمره ادا نمایند و بعد از فراغت از آن از احرام بیرون شوند باز بار دوم برای حج فرضی احرام بسته و ادایش کنند بر آنها واجب است حیوانی را که میسر است از قبیل گوسفند یا گاو یا شتر ذبح نمایند؛ اگر این کار را کرده نتوانستند باز برای آسانی بیشتر سه روز از ایام اول ماه ذی الحجه و هفت روز را بعد از فراغت از اعمال حج روزه بگیرند؛ البته این حکم مخصوص غیر ساکنین مکه مکرمه می‌باشد.

بنابر این تفسیر جمله ﴿فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ﴾ چنین می‌شود: کسی که احرام به عمره ببندد در ماه‌های حج باز خود را از احرام حلال نموده در مکه مکرمه باقی بماند تا حج خویش را ادا کند.



چگونه به تعبیر قرآن مجید ترک جهاد و خرج نکردن در راه جهاد و تجهیز سپاه اسلامی سبب هلاکت مسلمانان می‌شود؟ این موضوع را شاگردان بین خود بیشتر مورد بحث و گفتگو قرار دهند و حالت مسلمانان امروزه را با حالت مسلمانان گذشته مقایسه نمایند.

فواید درس

به چندی از فواید و آموختنی‌های که از آیات مبارکه فوق استفاده می‌شود ذیلا اشاره می‌گردد:

★ جواز معامله به مثل و مجازات کردن تجاوز کننده گان طبق احکام شریعت اسلامی.



- ★ همراه بودن خدای متعال با اهل ایمان و تقوی و احسان.
- ★ فضیلت و بزرگی احسان و نیکویی.
- ★ بیان بعضی از احکام حج و عمره
- ★ بیان حکم احصار (باز ماندن از ادامه حج و عمره) یعنی ذبح حیوان و شکستادن احرام و قضا آوردن حج یا عمره در وقت مناسب دیگر.
- ★ بیان فدیة تراشیدن یا پوشانیدن سر یا پوشیدن لباس دوخته شده در هنگام احرام (روزه گرفتن یا طعام دادن مسکین یا ذبح حیوان).
- ★ بیان حکم تمتع (جمع کردن بین عمره و حج به دو احرام جداگانه) که عبارت از ذبح گوسفند یا روزه گرفتن سه روز در مکه و هفت روز بعد از رجوع از حج برای غیر ساکنین مکه مکرمه است.



(۱) کلمات ذیل را معنی کنید:

- {الحرمت} {التهلکة} {أحصرتم} {الهدی} {ما استیسر}
- (۲) ماه‌های حرام چند ماه بودند نام ببرید؟
- (۳) چند نمونه از حرمت دین را ذکر کنید.
- (۴) معنی و مفهوم تمام کردن حج یا عمره چیست؟
- (۵) این بخش از آیه مبارکه را تفسیر کنید ﴿فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ﴾
- (۶) چهار نکته از پندها و اندرزهای این درس را بیان دارید.



کارخانه‌گی

شاگردان مهمترین احکام شرعی هریک از احصار و تمتع و ارتکاب ممنوعات احرام (مثل تراشیدن سر و پوشیدن آن یا پوشیدن لباس غیر احرام به سبب مرض یا عذر دیگر) را از آیات این درس استخراج نموده در یک صفحه تحریر کنید.

آیه (۱۹۷-۲۰۲) سوره بقره

﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ ﴿١٩٧﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفْضَيْتُمْ مِنْ عَرَافَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ ﴿١٩٨﴾ ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٩٩﴾ فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ ﴿٢٠٠﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿٢٠١﴾ أُولَٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٢٠٢﴾﴾

معنای کلمات

{أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ} ماه‌های معلوم و مشخص که عبارتند از شوال و ذوالقعدة و ده روز از ذی الحجة.

{فَرَضَ} لازم گردانید.

{رَفَثَ} رفت به جماع و مقدمات آن اطلاق می‌گردد.

{فُسُوقَ} خارج شدن از اطاعت خدا با ترک واجب و یا ارتکاب فعل حرام.

{جِدَالَ} جدال یعنی خصومت و نزاع.

{جُنَاحُ} گناهی.

{فَضْلًا} فایده که از مال تجارت بدست آید.

{أَفْضَيْتُمْ} افاضه یعنی پایین آمدن حجاج، در روز نهم از ماه ذی حجة بعد از غروب شمس

از عرفات بسوی مزدلفه.

{الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ} مراد مزدلفه است.

{قَضَيْتُمْ} ادا کردید و فارغ شدید.

{الْمَنَاسِكِ} جمع منسک یعنی عبادات مختلفه حج.

{خَلَاقٍ} حصه و نصیب.

ترجمه

حج (واجب) در ماه‌های معین است؛ پس کسیکه در آنها برخود حج را لازم گردانید جایز نیست (به وی) جماع با زنان و نه کار ناروا و نه منازعه در هنگام حج، و هر آن نیکویی را که انجام می‌دهید میداند آنرا

خدا، و توشه بر گیرید که بهترین توشه پرهیز گاریست و بترسید از من ای صاحبان خرد (۱۹۷) نیست بر شما گناهی در اینکه خواهان شوید فضل خدا را (نفع در تجارت) از پروردگار تان، پس آنگاه که باز گشتید از عرفات یاد کنید خدا را نزد مشعر حرام، و یاد کنید خدا را چنانچه هدایت کرده شمارا پس از آنکه بودید از جمله بی خبران (۱۹۸) بعد از آن باز گردید برای طواف از آنجا که باز می‌گردد مردم و بخشش بخواهید از خدا هر آینه خدا بسیار آمرزنده نهایت مهربان است (۱۹۹) پس وقتی که ادا کردید مناسک حج خود را یاد کنید خدا را به همان گونه که پدران خویش را یاد میکردید؛ بلکه بیشتر از آن خدا را یاد کنید، بعضی از مردم کسیست که (از خدا تمنای متاع دنیوی تنها کند) گوید: پروردگارا بده به ما (نصیب ما) در دنیا و نیست او را در آخرت هیچ نصیب (۲۰۰) و بعضی از مردم کسیست که میگوید پروردگارا بده ما را در دنیا خوبی و در آخرت خوبی و نگهدار ما را از عذاب دوزخ (۲۰۱) هر یک از این دو فرقه ایشان راست بهره از [جزای] آنچه کسب نمودند و خدا زود حساب کننده است (۲۰۲)

تفسیر مختصر

﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ...﴾ به سلسله احکام سابقه حج و عمره این آیات مبارکه نیز در مورد حج سخن می‌گویند، و چون حج یکی از فرایض بزرگ و مملو از حکمت و علم است؛ لذا هدایات متعددی در مورد آن نازل گردیده است در این آیه مبارکه خدای متعال خبر میدهد که برای حج ماه‌های معلومی است و فقط در آنها برای حج احرام بسته می‌شود نه در غیر آنها و نیز خبر میدهد اینکه بر کسانی که احرام به حج می‌بندند بر آنها واجب است اجتناب کردن از جماع با زنان شان و ارتکاب معاصی و جنگ و جدال، زیرا این عبادت جنبه تربیتی و تزکیه قوی دارد و در حقیقت آزمون است که فرد باید از آغاز تا انجام بر نفس و هوای خویش تسلط و حاکمیت کامل داشته باشد تا همین حالت بعد از حج در وی ادامه پیدا کند. و در اخیر مسلمانان را آگاه می‌سازد بر اینکه زاد و توشه گرفتن برای حج مخالف تقوی نیست؛ بلکه لازمه سفر حج است تا حاجی بار دوش دیگران نگردیده دست به سؤال دراز نکند. ضمن ابراز اینکه بهترین توشه‌ها توشه تقوی و ترس از خداوند است که مسلمان باید همیشه آن را با خود داشته باشد. ﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ...﴾ در این آیت کریمه کسب رزق و روزی حلال را از طریق تجارت برای مسلمان در سفر حج مباح میدانند و عادت آن عده را کاملاً مردود می‌شمارد که خود را توکل کننده گان واقعی می‌پنداشتند و با دست‌های خالی عازم سفر حج می‌شدند. اینجا قرآن مجید مسلمان قوی و مالدار را که از راه‌های حلال و پاک کسب روزی میکنند ترجیح داده تشویق می‌نماید که از منفعتهای خدایی استفاده بعمل آورد؛ البته این را نیز تذکر بلکه هشدار میدهد که

مبادا تجارت شمارا از یاد خدا غافل کند ﴿فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ﴾ چون از عرفات پایین آمدید نزد مزدلفه خدا را یاد کنید. مفسرین گفته اند مراد از آیه کریمه ادای نمازهای شام و خفتن بطریقه جمع بین صلاتین (جمع تاخیر) میباشد؛ چنانچه در سنت نبوی ثابت شده است و نیز ادای نماز فجر در وقت آن؛ البته ذکر خدا عام است که شامل نماز و تلاوت قرآن پاک و تسبیح و تهلیل و غیره می شود.

﴿ثُمَّ أَفِضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ...﴾ چون اسلام دینی است که تمام تبعیض های قومی، قبیله ای و نژادی را ملغی و منسوخ میداند و هیچ یکی را بر دیگری برتری نمی بخشد بجز از برتری به اساس تقوی و پرهیزگاری؛ لذا این آیه کریمه بیکی از عادات دیگر جاهلیت اشاره کرده آنرا از بین برمیدارد؛ چنان بود که قبیله قریش و حلفای آنها که به حمس معروف بودند در میدان مزدلفه می ماندند و به تپه عرفات بلند نمی شدند و چون حجاج دیگر به مزدلفه می رسیدند با ایشان یکجا بطرف منی حرکت می کردند به این دلیل که عرفات از حرم خارج است و ما نباید از حرم خارج شویم و این را مایه برتری خویش میدانستند قرآن مجید فرمود از همان جایی که عموم مردم پایان می شوند؛ یعنی عرفات شما هم پایان شوید و از کردارهای گذشته خویش استغفار نمایید که خدا بخشنده و مهربان است.

﴿فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ...﴾ این آیات آیات آخرین در احکام حج است، در زمان جاهلیت مردم عادت داشتند بعد از فراغت از مراسم حج گرد یکدیگر جمع شده پدران و آبای خویش و مفاخر آنها را بکثرت یاد آور می شدند و به انساب خویش افتخار می ورزیدند آیه مبارکه اول، مسلمانان را دستور داد که بعد از فراغت از مناسک حج؛ یعنی بعد از زدن جمرات و قربانی و طواف افاضه بجای ذکر پدران، خدا را بشکر نعمت هایش و خاصاً نعمت پوره کردن حج بسیار و بیشتر از ذکر آنها یاد کنند؛ بعد از آن حقیقت حال افراد مختلف را بیان میدارد خصوصاً کسانی که قبل از اسلام بودند و کسانی که بعد از مشرف شدن به اسلام فریضه حج را ادا میکنند آن عده در دعا و نیایش خویش فقط طلب گار دنیا می شدند و بس؛ پس اینچنین افرادی به فرموده این آیت از آخرت نصیب ندارند در مقابل این گروه کسان دیگری اند که طلب گار نیکویی دنیا و آخرت هر دو شده و از عذاب خدا پناه می خواهند.

مسلمان باید با رهنمایی این آیه کریمه چنان به دنیا مشغول نشود که هم و غمش دنیا باشد؛ بلکه به آخرت و آنچه باعث نجات در آخرت می شود نیز توجه جدی داشته و بین دنیا و آخرت چنان توازن دقیق برقرار نماید که منجر به توازن در زنده گی و عمل وی گردد.

فواید درس

- ★ بیان حرمت جماع وجدال در هنگام احرام.
- ★ بیان فضیلت انجام اعمال خیر برای حاجی در اثنای حج تا اینکه اجر بیشتری را کسب کند.
- ★ مباح بودن تجارت برای حاجی به نیت کسب رزق حلال به شرط اینکه مقصد وی از حج این چیز نباشد.
- ★ وجوب وقوف در مزدلفه.
- ★ وجوب شکر گزاری خدای متعال به ذکر و اطاعت آن بر نعمت هدایت و رهنمایی.
- ★ وجوب مساوات و برابری بین تمام مردم در ادای مناسک حج.
- ★ ترغیب در استغفار و یاد آوری خدای متعال به کثرت.
- ★ فضیلت خواستن خیر دنیا و آخرت از خدای متعال.



- (۱) کلمات و جملات ذیل را ترجمه کنید:
{فلا رفت} {ولا فسوق} {ولا جدال} {فضلاً} {المشعر الحرام} {المناسک} {خلاق}
- (۲) ماه‌های حج کدامند؟
- (۳) سه چیز از محرمات حج را نام ببرید.
- (۴) برای چه کسانی قرآن مجید فرمود: "و تزودوا".
- (۵) ذکر خدا نزد مشعر الحرام (مزدلفه) شامل چه موارد می‌شود؟
- (۶) در زمان جاهلیت ذکر کردن پدران چه گونه بود و قرآن مجید به پیروان خود چه هدایت فرمود؟
- (۷) دعایی که آیت فوق به آن امر نمود کدام دعا است؟



سه عادت از عادات جاهلیت را که آیات مبارکه فوق آنها را نشانه قرار داده مردود ساخت مشخص کنید و بطور اختصار بنویسید که قرآن مجید چه رهنمایی‌هایی را در این موارد نازل فرمود.

آیه (۲۰۳-۲۰۶) سوره بقره

﴿وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ (۲۰۳) وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ ﴿۲۰۴﴾ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ ﴿۲۰۵﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿۲۰۶﴾﴾

معنای کلمات

{مَعْدُودَاتٍ}	شمرده شده. (مراد ایام تشریق است یعنی سه روز بعد از عید)
{تَعَجَّلَ}	عجله نماید.
{تَأَخَّرَ}	تاخیر کند.
{فَلَا إِثْمَ}	نیست گناه.
{تُحْشَرُونَ}	جمع کرده می‌شوید برای حساب و جزای روز قیامت.
{يُعْجِبُكَ}	به تعجب می‌اندازد ترا و نیک می‌پنداری او را.
{فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا}	در امور دنیا.
{أَلَدُّ}	سخت و شدید.
{الْخِصَامِ}	خصومت.
{الْحَرْثَ}	زراعت
{وَالنَّسْلَ}	نسل
{الْعِزَّةُ}	غرور و تعصب.

ترجمه

و یاد کنید خدا را در روزهای شمرده شده پس کسی که شتاب کرد (به انجام اعمال) در دو روز نیست گناهی بر او، و هر که تاخیر کند نیز نیست گناهی بر او (این آزادی اختیار) برای کسی است که تقوی را

پیشه کند و بترسید از خدا و بدانید که هر آینه شما بسوی او جمع خواهید شد (۲۰۳) و بعضی از مردمان کسیست که به شگفت می‌آورد ترا سخن او در باره زنده گانی دنیا و گواه می‌گرداند خدا را به راستی نیت خود، حال آنکه او سخت‌ترین ستیزه کننده گان است (۲۰۴) و هنگامیکه از پیش تو باز گردد تلاش میکند در زمین تا فساد کند در آن و هلاک گرداند حاصلات و جانوران را و خدا دوست ندارد فساد را (۲۰۵) و چون او را (به نصیحت) گویند بترس از خدا خود پسندی او را بر انگیزاند به گناه، پس کافی است او را دوزخ و هر آینه بد جایگاهی است جهنم (۲۰۶)

تفسیر مختصر

﴿وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ...﴾ خدای متعال بنده گانش را امر می‌کند به التزام به ذکر خدا، در ایام تشریق که بنا به روایات و اقوال صحابه کرام روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه است. این ذکر باید در عموم اوقات و خاصاً هنگام جمره زدن و بعد از نمازهای پنجگانه باشد، و وجوب آن فقط برای حجاج نیست بلکه شامل همه نماز گزاران است؛ اما کلمات ذکر عبارت اند از گفتن **الله أكبر الله أكبر لا إله إلا الله الله أكبر الله أكبر والله الحمد**؛ البته ذکر که مخصوص به نمازهای پنجگانه است از ظهر روز عید آغاز گشته و تا عصر روز سوم عید ادامه پیدا میکند، در اخیر این آیه کریمه برای آسانی کار این حکم نازل گردید که اگر کسی خواسته باشد بعد از زدن جمرات در روز دوم تشریق به خانه خویش بر گردد گناهی بر او نیست؛ چنانچه برای کسیکه سفرش را به تاخیر بیندازد و هر سه روز را مکمل جمره بزند نیز حرجی نخواهد بود؛ لیکن این آزادی در اختیار و عدم گناه را آیت مبارکه مقید بقید تقوی میداند که همانا ادای واجبات و ترک محرمات است؛ پس اگر کسی معصیت دیگری را انجام دهد بدون شک بروی گناه خواهد بود.

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...﴾ احکامی که در مورد حج بود در اینجا به پایان رسید و در ضمن این احکام به دو نوع از مردمان اشاره شد یکی آن مشرکی که تنها طلبگار دنیا است ﴿فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا﴾ و یکی آن عده مؤمنانی که از خدای خویش خیر دنیا و آخرت هردو را طلب میکنند ﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ...﴾ اکنون به این مناسبت حال منافقان که نوع سوم به حساب می‌روند بیان می‌گردد، خداوند متعال در سه آیت پی در پی پیغمبر خویش و از طریق او همه مؤمنان را خبر میدهد اینکه کسانی از مردمان هستند که چون با تو سخن گویند تیزی زبان شان بحدی است که تو را به شگفت

می‌آورد و با قسم‌های دروغین خویش چنان وانمود می‌سازند که مخلص‌ترین افراد اند در حالی که ایشان دشمنان سرسخت الله و رسول می‌باشند، این گونه افراد چون از مجلس تان بیرون شوند کار شان در زمین فساد و تخریب است؛ بحدی که حتی بر کشت زارها و حیوانات نیز رحم نمی‌کنند و چون دست یابند همه چیز را از بین می‌برند؛ اما بدانند که اعمال منافقانه اینها در نزد خدا زشت و قبیح است و خداوند نه خود شان و نه عمل شان را دوست دارد.

در آیت سوم بیکی از صفات درونی این منافقان اشاره شده که اگر مورد نصیحت و پند قرار گیرند و به ایشان گفته شود از خدا بترسید و مرتکب جرم و جرایم نشوید سر تا پای شان را کبر و غرور و خود بینی فرامی گیرد و هیچ گاه امر بمعروف و نهی از منکر در قلوب شان راه پیدا نمی‌کند، یقیناً سبب این همه عکس العمل‌ها گناهانی اند که قلوب شان را سیاه ساخته است پس جایگاه اینگونه افراد جهنم است که بدترین مقام هاست، گفته شده که بطور مشخص مراد از آیات کریمه یا شأن نزول آنها کسی بنام اخنس بن شریق بوده که زبان بسیار تیز و چالاک و قلب پر از کینه داشت و چون با رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - رو برو می‌شد خود را مؤمن صادق و مخلص معرفی می‌کرد؛ اما پشت پرده از هیچ نوع دشمنی دریغ نمی‌ورزید.



شاگردان در مورد ایام تشریق، تکبیرات تشریق و مدت این تکبیرات با یکدیگر مباحثه و مناقشه کنند تا تفسیر آیه کریمه ﴿وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ﴾ واضح گردد.

فواید درس

- ★ وجوب وقوف در منی دو یا سه شبانه روز و وجوب جمره زدن همراه با ذکر خدا.
- ★ اجازه سفر کردن برای کسی که جمرات روز دوم را زده باشد.
- ★ حصول تقوی به یاد آوری حشر و حساب.
- ★ هشدار از فریب خوردن به فصاحت و تیز زبانی انسانهایی که از اهل ایمان و اخلاص نباشند.
- ★ بدترین مردمان کسانی اند که در زمین خدا فساد می‌کنند از هر نوعی که باشد خاصاً فسادی که

سبب هلاکت انسانها و حیوانات و کشت زارها شود.

★ گفتن جمله "خدا میداند" یا "خدا شاهد است" قسم محسوب می‌شود لذا مسلمان در صورتیکه میداند که در دلش چیز دیگری خلاف آنچه میگوید میباشد نباید این جمله را بکار ببرد.

★ هنگامی که به مسلمان گفته شود از خدا بترس نباید بدش بیاید، یا بر کسی که او را امر به تقوی کرده است غضب کند؛ بلکه باید به گناهش اعتراف کرده استغفار نماید.



۱) کلمات و جملات ذیل را ترجمه کنید:

{تَعْجَلُ فِي يَوْمَيْنِ} {وَمَنْ تَأْخُرُ} {يُعْجِبُكَ} {أَلَدُ الْخِصَامِ} {تَوَلَّى} {الْحَرْثُ وَالنَّسْلُ}

۲) مراد از ایام معدودات کدام ایام است؟

۳) از آیه کریمه حکم وقوف در منی چگونه استنباط می‌شود؟

۴) شأن نزول آیه کریمه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ چیست؟

۵) ربط این آیات را با آیات ما قبل بیان دارید.

۶) جزای فساد کاری در زمین را آیه مبارکه چه تعیین کرده است؟

۷) مسلمان در مقابل کسی که به وی بگوید از خدا بترس و چنین کاری را انجام مده چگونه عکس العمل باید نشان دهد؟



کارخانه‌گی

قرآن مجید در آیات مبارکه این درس به چند نمونه از صفات و نشانه‌های منافقین اشاره کرد که از آن جمله قسم‌های دروغین، فساد کاری در زمین و تکبر در برابر نصیحت است. در باره این صفات با استدلال به نص قرآنی یک مقاله مختصر بنویسید.

آیه (۲۰۷-۲۱۱) سوره بقره

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ (۲۰۷) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿۲۰۸﴾ فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۲۰۹﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿۲۱۰﴾ سَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُمُ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۲۱۱﴾ ﴿

معنای کلمات

{يَشْرِي}	می فروشد.
{نَفْسَهُ}	نفس خویش را. (برای خدا از طریق جهاد با نفس و مالش)
{السَّلَام}	اسلام.
{كَافَّةً}	بطور کامل.
{خُطَوَاتِ}	گام ها.
{ظُلَلٍ}	سایه بان جمع ظله است؛ یعنی هر آنچه سایه می افکند مانند ابر و درخت و غیره.
{الْغَمَامِ}	ابر سفید رنگ.

ترجمه

و بعضی از مردم کسیست که میفروشد نفس خود را برای طلب رضای خدا و الله تعالی بسیار مهربان است بر بنده گان (۲۰۷) ای مؤمنان در آید در اسلام بطور کامل و پیروی مکنید گامهای شیطان را هر آینه او شمارا دشمن آشکار است (۲۰۸) اگر باز به راه خطا رفتید بعد از آنکه آمد به شما حجت های روشن پس بدانید که خدا (بر گرفت خطا کاران) توانا و باحکمت است (۲۰۹) آیا کافران جز این انتظار دارند که بیاید ایشان را الله (امر خدا) در سایبانی از ابر و فرشتگان، و به انجام رسد حکم (قهر خدا) و بسوی خدا باز گردانیده می شود همه کارها (۲۱۰) سؤال کن از بنی اسرائیل چقدر دادیم ایشان را ادله روشن و هر کس بدل کند نعمت خدا را (بکفر) بعد از اینکه بیامد او را، پس هر آینه خدا سخت عقوبت کننده است (۲۱۱)

تفسیر مختصر

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ...﴾ در مقابل ذکر منافق یادی از مؤمن راستین می‌شود، مؤمن واقعی آن کسی است که نفس خویش را برای بدست آوردن رضای خدا بفروش می‌گذارد و آن را بسیار با ارزشتر از نفس خویش میدانند نه مانند آن منافقی که از دورویی و قسم‌های ناحق و فساد و غیره استفاده کرده فقط خود و غرور نفس خویش را حفظ می‌نماید. در مورد شأن نزول آیت کریمه آمده است که چون صهیب رومی صحابه جلیل القدر پیغمبر خدا به ارادهٔ هجرت به مدینه منوره عازم سفر گشت مشرکان بر سر راهش کمین بسته خواهان جنگ یا گرفتن تمام دارایی وی شدند صهیب رضی الله عنه خانه و اموال خویش را به ایشان وا گذاشت بشرط اینکه مانع هجرت وی نگردند و چون بنزد رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - رسید این آیه در وصف او نازل شد؛ اما عموم لفظ آیت همه مؤمنان راستین را که در راه خدا از جان و مال خویش تیر می‌شوند شامل می‌شود.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً...﴾ در این آیه کریمه الله تبارک و تعالی بنده گان مؤمن خویش را امر میکند که بگونهٔ شامل و کامل اسلام را قبول کرده وارد آن شوند به این معنی که در تمام ابعاد زنده‌گی از اسلام اطاعت کنند هم عبادت شان موافق به احکام اسلام باشد وهم معاملات و سیاسات و حکومت داری و تمام مسایل اجتماعی شان؛ چنین نباشند که از قوانین و دستورات اسلامی هر آنچه موافق هوا و هوس شان باشد بپذیرند و هر آنچه خوش شان نیاید ترکش کنند. و همچنان آنها را نهی میکند از اینکه مبدا گامهای شیطان را در خوب جلوه دادن منکرات متابعت کنند؛ چون همین شیطان بود که برای یهود و نصاری بسا اموری را که در دین نبود مزین و مقدس جلوه داد تا آنها را گمراه کرد و باعث تحریف دین گردید، میگویند چند تن از یهودیان اسلام آوردند و خواهان آن بودند که ضمن مراعات احکام اسلام به تورات نیز عمل نمایند مانند تعظیم و احترام روز شنبه، حرام پنداشتن شیر و گوشت شتر، تلاوت تورات و غیره. این آیت فرود آمد که اسلام دین کامل است و هیچ نیازی به بدعت کاری یا گرفتن قوانین از ادیان دیگر ندارد.

﴿فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ...﴾ این آیه کریمه یکی از شدیدترین آیات تهدید کننده است

برای کسانی که شیطان آنها را فریب میدهد و آنها بعضی از احکام اسلام را قبول میکنند و بعضی را نمیکند در حالی که خوب میدانند که اسلام حق است و قوانین آن بهترین و مکمل‌ترین است که هم با طبیعت انسانی موافق بوده و هم با مقتضای هر عصر و زمان مناسب است، لذا می‌فرماید اگر شما از راه راست لغزیدید بعد از اینکه دلایل واضحه قرآن و سنت به شما رسید پس آگاه باشید که خداوند متعال از شما انتقام میگیرد زیرا او غالب و بر همه چیز توانا است.

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ...﴾ این آیه کریمه با بیان عاقبت سوء تردد کننده گان در دین و بی‌اعتنایی کننده گان به آن عقل و احساس مخاطبین را مورد خطاب قرار میدهد و به مردم میفهماند که آینده آنهايي که با وجود رسیدن آیات و براهین آسمانی به ایشان بطور درست دین خدا را نمی‌پذیرند و در آن داخل نمی‌شوند تار و تاریک است چراکه عذری برای شان نزد پروردگار نیست آنها انتظار نمی‌کشند مگر عذاب سخت خدا را و در هنگام دیدن آن یقیناً که ایمان نیز می‌آورند؛ اما آن وقت ایمان شان هیچ نفع و سودی نخواهد داشت چون قضا و حکم خداوند در باره شان جاری می‌گردد (و قضي الأمر) پس شما ای صاحبان عقل قبل از رسیدن چنان لحظات، مخلصانه ایمان بیاورید و احکام دین را به تمسخر نگیرید.

﴿سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُم مِّنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ...﴾ این آیه کریمه بگونه مثال از کسانی یاد میکند که به آنها آیات و نشانه‌های واضح خداوندی نازل شد؛ اما ایشان پند حاصل نکردند و مستحق گرفت خدا شدند. آری آنها فرزندان یعقوب که مشهور به اسرائیل (بنده خدا) هستند و به آنها اهل کتاب (یهود و نصاری) گفته می‌شود این جماعت به آیات خدا کفر ورزیدند؛ اما به آنها نفعی نرسید؛ زیرا هر آن که به آیات خداوند کفر بورزد خدا سخت عذاب کننده است، اینچنین خواهد بود حال هر آن جماعتی که آیات خدا را نادیده بگیرد.

فواید درس

- ★ ترغیب در جهاد بنفوس و مال و جواز بیرون شدن مسلمان با تمام دارایی اش در راه خدا.
- ★ ترک فرائض و حلال شمردن حرمت‌ها، نمادهای واضح از پیروی شیطان است.
- ★ وجوب ترس و بیم از عقوبت خداوندی هنگام ارتکاب گناهان بزرگ (چون امن از عذاب خدا کفر

شمرده می‌شود).

☆ حرمت تأخیر کردن در توبه.

☆ هشدار شدید قرآن مجید از کفران انسانها به نعمت‌های خداوند که بزرگترین آنها نعمت اسلام است زیرا این گونه کفران باعث نزول عذاب دردناک می‌شود.

☆ اسلام دین و نظام مکمل و همه جانبه زنده‌گی است.



(۱) کلمات ذیل را ترجمه کنید:

{السلام} {کافّة} {فإن زلّتم} {البينات} {ظلل} {الغمام}

(۲) شأن نزول آیه کریمه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ...﴾ را بیان دارید؟

(۳) اعتبار در الفاظ قرآنی به عموم لفظ است یا بخصوص مورد؟

(۴) کلمه "کافّة" را تفسیر و توضیح نمایید.

(۵) مثالهای از پیروی خطوات شیطان ذکر کنید.

(۶) نظریه گروهی از یهودیان را بیان بدارید که آیه کریمه ﴿فِي السَّلَامِ كَافَّةً﴾ آنرا رد می‌نماید.

(۷) آیات این درس جزای پیروی از شیطان را بعد از علم پیدا کردن به آیات واضحه خداوند چه میدانند؟



کارخانه‌گی

در مورد تفسیر آیه کریمه ﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ...﴾ چند سطر

بنویسید.

آیه (۲۱۲-۲۱۴) سوره بقره

﴿زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (۲۱۲) كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (۲۱۳) أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهَ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾ (۲۱۴)

معنای کلمات

{أُمَّةً وَاحِدَةً}	یک امت، امت یگانه.
{الْكِتَاب}	اسم جنس است که شامل تمام کتابهای آسمانی می شود.
{بَغْيًا}	از روی ظلم و تجاوز.
{صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ}	راه راست. مراد اسلام است زیرا پیرو خویش را به سعادت دارین می رساند.
{أَمْ حَسِبْتُمْ}	آیا گمان بردید.
{مَثَلُ}	صفت و حال .
{الْبَأْسَاءُ}	سختیهایی که بسبب فقر و غیره دامن گیر انسان شود.
{وَالضَّرَاءُ}	امراض، جراحات، قتل و غیره.

ترجمه

زینت داده شده برای کسانی که کافر شدند زنده گانی دنیا و تمسخر میکنند بر کسانی که ایمان آورده اند ولی کسانی که پرهیزگاری کردند بالاتر از کافران اند روز قیامت و خدا روزی میدهد کسی را که خواهد بی شمار (۲۱۲) مردمان، یک امت واحد بودند (دین توحید، و چون اختلاف کردند) پس فرستاد خدا

پیغمبران را بشارت دهنده گان (نیکوکاران را) و ترساننده گان (بدکاران را) و فرستاد با ایشان کتاب را براستی، تا حکم کند میان مردمان در آنچه که اختلاف کردند در آن، و اختلاف ننمودند مگر کسانی که داده شد ایشان را کتاب، بعد از آنکه آمد ایشان را حجت‌های روشن، برای تعدی به حقوق یکدیگر، پس رهنمود ساخت الله کسانی را که ایمان آوردند از آن شبهات و اختلافات به نور حق به اراده خود. و خدا راه می‌نماید کسی را که خواهد بسوی راه راست (۲۱۳) آیا گمان کرده اید که داخل می‌شوید در بهشت حال آنکه هنوز نرسیده است شمارا حالت آنانیکه گذشتند پیش از شما، رسید به ایشان سختیها و محنت‌ها و همواره پریشان خاطر و هراسان بودند تا آنکه پیغمبر و آنانیکه ایمان آورده بودند باوی گفتند: کی می‌آید مدد خدا؟ آگاه باشید هر آئینه مدد خدا نزدیک است (۲۱۴)

تفسیر مختصر

﴿زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا...﴾ خدای متعال خبر میدهد که شیطان برای مردمیکه به خدا و شریعت او کفر ورزیدند زندگانی دنیا را بسیار مزین گردانیده است پس آنها دنیا رغبت بی نهایت ورزیدند بحدیکه آن عده از مؤمنانی را که دنیا اعتنای زیاد نمی‌کنند بلکه کوشش شان بیشتر برای آخرت شان است و چون مال دنیا بدست شان قرار گیرد در راه خدا به مصرف می‌رسانند آنها را مورد تمسخر خویش قرار میدهند اما خدای پاک رد بر تمسخر کفار این را نیز خبر میدهد که بزودی بنده‌های متقی خویش را در جایگاهای بلند جنت قرار میدهد و تمسخر کننده گان را مجازات می‌کند.

﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ...﴾ این آیه کریمه به تاریخ تفرقه انسانها به مؤمن و غیر مؤمن اشاره دارد، می‌فرماید: مردم در مدت زمانی طولانی (بنابه تفسیری که در روایات آمده است مراد از زمان آدم تا زمان نوح است که ده قرن را در بر گرفت) همه یک امت واحده بودند و فقط خدا را می‌پرستیدند تا اینکه شیطان بمکر و فریب عبادت غیر خدا را بمردم زیبا جلوه داد و شرک و گمراهی بوجود آمد و از آن لحظه به بعد خدای متعال برای هدایت مردم پیغمبران خویش را فرستاد (یعنی اینکه چون گمراهی بوجود آمد نیاز برآن شد تا کسانی پرچم هدایت را بدوش بگیرند) و اولین پیامبران حضرت نوح علیه السلام بود. کار پیامبران الهی این بود که مردم را به جنت و رضوان خداوند بشارت داده و از عذاب سخت بیم میدادند. و چون عده ای این دعوت را پذیرفتند و عده دیگر نپذیرفتند

تفرقه و اختلاف بین مؤمن و کافر و موحد و مشرک آغاز شد و برای رفع این نزاع و تبیین حق، خدای متعال کتابهایی را نیز فرو فرستاد. در حقیقت با نزول این کتابهای حق باید اختلافات برداشته می‌شد، مگر کسانی بخاطر حب دنیا یا ریاست و جاه‌شان با وجود اینکه دلایل واضح به ایشان رسید به اختلاف خویش ادامه دادند و بغض و حسد آنها را فراگرفت که واضح‌ترین مثال این گروه یهود و نصاری هستند که بیشترین پیغمبران در میان آنها آمد و تورات و انجیل بر ایشان نازل شد اما آنها در بسیاری از احکام الهی اختلاف کردند و آن را تحریف نمودند و منکر رسالت پیغمبران شدند بلکه آنها را کشتند، و در اخیر آیت به هدایتیکه نصیب امت محمد - صلی الله علیه و سلم - شد اشاره می‌شود ﴿فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ﴾ خداوند بفضل و کرم خود مؤمنان را نسبت به آنچه دیگران در آن اختلاف کردند هدایت فرمود پس آنها بسعی و تلاشی که از خود بخرج دادند دنبال حق رفتند و چون حق را دریافتند عناد ننموده نه منکر احکام خدا شدند و نه تحریف و تبدیل کردند، بیشک خدا کسی را که بخواهد براه راست هدایت میکند.

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ...﴾ شاید عده از مسلمانان سختیهایی را که بر آنها می‌آمد سخت می‌پنداشتند و این وسوسه برای آنها پیدا می‌شد که چرا دین بزودی انتشار نمی‌یابد و نصرت همه جانبه نصیب نمی‌گردد و ما در رفاه قرار نمی‌گیریم؟ این آیه کریمه درس بزرگی را برای همه مسلمانان و خاصاً عجله‌کننده‌گان داد که حقیقت امر اینچنین نیست، شما تا مورد آزمایش خداوند قرار نگیرید و از آن کامیاب بیرون نشوید مستحق جنت نمی‌گردید، مؤمنین مخلص قبل از شما نیامده اند مگر اینکه بر آنها انواع رنجها و سختیها پیش می‌آمد؛ سختی‌ها بحدی می‌رسید که نه تنها خود مؤمنان بلکه پیغمبران شان نیز از تاخیر نصرت بدرگاه خدا به فریاد و تضرع می‌افتادند تا اینکه برای شان بشارت داده می‌شد که نصرت خدا قریب است، البته این اظهار ایشان از طریق شک نبود بلکه بمقتضای طبیعت بشری بود یا اینکه بگونه درخواست بود که در قالب سؤال مطرح می‌شد و در همه حال نشان دهنده آن بود که بی‌نوایی و فاقه و مصاب شدن بامراض گوناگون و آزار و اذیت کافران بحد نهایی خود رسیده بود؛ پس شما هم در برداشت سختی‌ها و مشکلات باید صبور باشید و مضطرب نشوید که نصرت خدا عنقریب آمدنی است.

فواید درس

- ★ هشدار از پیروی زینت‌های دنیا و فراموشی آخرت.
- ★ دلداری و اطمینان دادن برای دعوتگرانی که مورد تمسخر بی خردان قرار میگیرند.
- ★ اصل دین و اساس فطرت بشریت بر توحید است و شرک امر نوپیدا و مکر شیطان‌یست.
- ★ وظیفه مهم پیغمبران بشارت دادن متقیان و بیم دادن فاجران است. برای رسیدن به این هدف گاهی قتال و جهاد در برابر کسانی که مانع رسیدن دعوت به مردم میشوند مشروع می‌شود.
- ★ اختلاف در کتاب آسمانی و دین از علامات ذلت و خسران یک امت و اسباب شکست آن است، لذا مسلمانان از این چیز باید در حذر باشند.
- ★ آزمایش شدن به تکالیف شرعی از قبیل جهاد بنفس و مال و دیگر امور، شرط ضروری برای داخل شدن به جنت است.
- ★ انسان مسلمان باید بنده گان صالح خدا و صبر و تحمل شان را بهترین الگو برای خویش بداند.



(۱) کلمات ذیل را ترجمه کنید؟

{أمة واحدة} {أوتوه} {بغياً} {أم حسبتم} {مثل} {البأساء والضراء}

(۲) علامت آنانی که دنیا را هدف زنده‌گی خویش قرار میدهند چیست؟

(۳) چند نمونه از امتهای راکه در کتابهای خویش اختلاف نمودند نام ببرید؟

(۴) جمله «فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ» را تفسیر کنید و بیان بدارید که مراد از این هدایت چیست؟

(۵) مراد از صراط مستقیم که در آیه مبارکه آمده است کدام راه و روش است؟



در مورد حکمت ارسال پیغمبران و انزال کتب آنچنان که آیات مبارکه این درس به آن اشاره دارد یک مقاله مختصر بنویسید.

آیه (۲۱۵-۲۱۸) سورة بقره

﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٢١٥﴾ كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢١٦﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢١٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢١٨﴾﴾

معنای کلمات

{مِنْ خَيْرٍ}

از مال. (خیر در مواردی به مال اطلاق می‌گردد)

{كُرْهُ}

ناپسند، ناگوار.

{عَسَىٰ}

شاید: این فعل معنای ترجی و توقع را میدهد برهرچه که داخل شود حصول آن متوقع

است نه حتمی الحصول مگر اینکه از جانب خدا باشد که در آن صورت فائده یقین را میدهد.

{صَدُّ}

باز داشتن.

{الْفِتْنَةُ}

شرک و جلوگیری مؤمنان از ایمان آوردن.

{حَبِطَتْ}

محو و نابود گردید.

ترجمه

می پرسند از تو که چی نفقه کنند بگو آنچه انفاق میکنید از خیر پس باید برای مادر و پدر و خویشاوندان و یتیمان و فقیران و مسافران باشد و آنچه نیکویی کنید هرآئینه خدا به آن آگاه است (۲۱۵) فرض قرار داده شده بر شما جهاد حال آنکه ناگوار است بر شما، لکن شاید شما ناگوار پندارید چیزی را حال آنکه آن بهتر باشد برای شما، و شاید شما دوست دارید چیزی را حال آنکه آن شر باشد برای شما، و الله میداند و شما نمیدانید (۲۱۶) می پرسند ترا راجع به جنگ در ماه حرام بگو جنگ در آن گناه بزرگ است ولی بازداشتن

خلق از راه خدا و کفر بخدا و پایمال کردن حرمت مسجد الحرام و بیرون کردن اهل آن از آن گناه بزرگتر است نزد خدا و فتنه گری (شرک و بازداشتن مردم از دین) بزرگتر است از قتل، و پیوسته می‌جنگند (کفار) با شما تا آنکه برگردانند شمارا از دین تان اگر بتوانند، و هر که برگردد از شما از دین خود و بحال کفر باشد تا بمیرد پس آن گروه کسانی اند که ضایع شده اعمال ایشان در دنیا و آخرت و آن مردم اهل آتش اند ایشان در آن جاوید اند (۲۱۷) هرآئینه کسانی که ایمان آوردند و هجرت و جهاد کردند در راه خدا آن گروه امید وارند رحمت خدا را و خدا بخشنده مهربان است (۲۱۸)

تفسیر مختصر

﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ...﴾ از صحابه کبار رسول الله - صلی الله علیه و سلم - کسی بنام عمرو بن الجموح که صاحب مال و ثروت بود پرسید یا رسول الله از چه چیز باید انفاق کرد؟ در جواب این آیه کریمه نازل شد که در آن به چند چیز اشاره گردید اول اینکه انفاق از مال می‌شود. دوم اینکه مستحقین انفاق در قدم اول والدین انسان اند در صورت فقیر بودن شان بعد از آن نزدیکان و یتیمان و مساکین و مسافران دور از وطن اند، سوم اینکه هر آن خیری را که انجام می‌دهید بدانید که در پیش خدا محفوظ است خدا بر آن آگاه است و پاداش او را به شما خواهد داد، در جزء اخیر آیت ترغیب و تشویق است بر انجام کارهای نیکو.

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ...﴾ این آیه مبارکه از فرض شدن جهاد خبر می‌دهد و در ضمن اشاره بر این دارد که خدای متعال خوب میدانند این را که طبیعت انسانی شما قتال را نمی‌پسندد زیرا در آن زحمات و رنجهای زیاد و حتی ضیاع نفس و مال است، لیکن در این قتال حکمت‌های نهفته است که شاید بزودی شما متوجه آنها نشوید. اصلاً بسا امور چنان اند که ظاهراً به شما ناپسند معلوم می‌شوند در حالیکه خیر شما در آنها نهفته است و بالعکس خیلی کارهای هستند که ظاهراً به شما محبوب و پسندیده اند در حالیکه جز شر چیزی دیگری را برای شما در قبال ندارند. حقیقت این کارها فقط به خدا معلوم است پس جهاد در راه خدا از قبیل اول و ترک جهاد از قبیل دوم است به این معنی که قیام به امر جهاد اگر چه ظاهراً ناپسند معلوم می‌شود اما عزت دنیا و نصرت دین و اجر و ثواب بزرگ اخروی در آن است و ترک جهاد اگر چه ظاهراً پسند نفس و طبیعت است اما ذلت دنیا و ضیاع دین و سوء جزاء آخرت در آن مضمّر است.

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ...﴾ چون خدای متعال از فرض بودن جهاد خبر داد و آنرا باعث خیر برای مسلمانان شمرد شوق جهاد در قلوب مؤمنین افزوده شد و رسول خدا در سلسله فرستادن مجموعه‌های مجاهدین یک گروه کوچکی را به قیادت عبد الله بن جحش بغرض مراقبت از تحرکات قریش به منطقه (انخله) در نزدیکی مکه فرستاد تا از احوال کفار خبر دار شوند. دستور پیامبر - صلی الله علیه

وسلم- به این گروه این بود که با دشمن درگیر نشوند. تقدیر خداوند بر این رفته بود که این گروه با کاروانی از قریش مواجه شوند و جنگ در میان شان صورت گیرد در این قتال عمرو بن الحضرمی رئیس کاروان کشته شد و دو نفر دیگر قریش به اسارت افتاد و کاروان بتصرف مسلمانان در آمد اما این واقعه در شب اول رجب که از ماه‌های حرام بود بوقوع پیوست لذا قریش غوغای بزرگی را به پا کردند که محمد حرمت ماه حرام را رعایت نمیکند چنانچه یهود و منافقین مدینه نیز این خبر را انتشار داده علیه مسلمانان به سخن چینی آغاز نمودند تا اینکه رسول خدا کاروان و اسیران را بدون هیچ گونه فیصله بحال شان گذاشت و عبد الله بن جحش و رفقاییش با ملامتی مسلمانان رو برو شدند این حالت ناگوار ادامه داشت تا اینکه هر دو آیت اخیر این درس نازل گردید. در آیت اول جواب واضح برای مشرکین داده شد بر اینکه درست است که قتال در ماه حرام گناه بزرگ است اما گناه شما کسانی که اعتراض میکنید خیلی بزرگتر از این گناه است؛ شما مردم را از دین خدا باز میدارید و بخدا کفر می‌ورزید و از مسجد حرام که حرمت او مثل حرمت ماه حرام است نیز مردم را مانع می‌شوید بلکه اهل مسجد الحرام را از آن بیرون می‌رانید همه اینها گناهان بزرگتر اند نزد خدا از آنچه مسلمانان انجامش دادند، علاوه از آن فتنه را که شما پیش گرفتید که عبارت از شرک بخدا و تعذیب و شکنجه مؤمنان بخاطر ایمان آوردن شان است جرم سنگین تر از قتل در ماه حرام محسوب می‌شود. بعد از این جواب دندان شکن، آیت کریمه مسلمانان را به یک امر مهم آگاه می‌سازد که متوجه باشید این دشمنان قسم خورده تان همیشه با شما در ستیز خواهند بود تا شمارا از دین تان برگردانند؛ اما هر آن کس از دین برگردد و بکفر خویش بمیرد بداند که همه اعمالش را بخاک یکسان کرده و برای همیشه از اهل جهنم خواهد شد.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا...﴾ این آیه مبارکه بطور خاص عبد الله بن جحش و یاران او را تزکیه میکند و ایشان را مطمئن می‌سازد که نزد خدا گناه کار شمرده نمی‌شوند؛ چون آنها در قدم اول ایمان آوردند، بعد از آن هجرت کردند و باز در راه خدا جهاد نمودند؛ لذا امید شان برحمت پروردگار شان است و خداوند بخشاینده و مهربان است، اما بطور عام و بر اساس قاعده «العبرة لعموم اللفظ لا بخصوص السبب» همه کسانی را که موصوف بصفات مذکوره باشند شامل می‌شود.



قرآن مجید رد بر اعتراض مشرکین مبنی بر عدم مراعات حرمت ماه حرام از جانب مسلمانان چه اموری را مطرح کرد که ارتکاب آنها عظیمتر از هجوم در ماه حرام بود، در این مورد بحث و گفتگو نمایید.

فواید درس

- ★ ارزش سؤال کردن برای کسیکه نمیداند تا علم حاصل کند (سؤال نصف علم است).
- ★ فضیلت انفاق بر افراد مذکور در آیه در صورت که انفاق کننده غنی و آنها فقیر باشند.
- ★ ترغیب در فعل خیر و وعده خداوند به اعطاء جزاء بزرگ.
- ★ وجوب برپا کردن فریضة جهاد بخاطر نشر اسلام و دفاع از مقدسات آن و عزت مسلمین.
- ★ نادانی انسان به عواقب امور سبب می شود تا مکروهات را پسند کند و امور محبوب را مکروه بداند.
- ★ اوامر خداوند همه خیر و حکمت است و نواهی او تعالی شر و ضرر محض است، لذا فعل اوامر و ترک نواهی واجب است.
- ★ کشف و افشای سرشت بد کفار یعنی عزم دایم شان برای مبارزه علیه مسلمانان تا اینکه آنها را از دین و آیین شان باز گردانند.
- ★ مرتد شدن از دین تمام اعمال نیک را از بین می برد، اگر مرتد توبه کند عملش دوباره آغاز می شود، اگر قبل از توبه بمیرد برای همیشه از اهل جهنم خواهد بود.
- ★ فضیلت ایمان و هجرت و جهاد در راه خدا.



(۱) کلمات ذیل را ترجمه کنید:

{من خیر} {کُره} {عسی} {کبیر} {صد} {اکبر} {الفتنة} {حبطت}

(۲) کلمه "الأقربین" چه کسانی را شامل می شود؟

(۳) به چند نکته از ارزشهای نهفته در جهاد و ضررهای موجود در ترک آن اشاره کنید؟

(۴) جمله ﴿وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ﴾ را ترجمه و تفسیر نمایید؟

(۵) مراد از آیه کریمه ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...﴾ بطور خاص و عام چه

کسانی اند؟



کارخانه‌گی

در مورد شأن نزول آیه کریمه ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ...﴾ با در نظر داشت جزئیات آن یک صفحه بنویسید.

آیه (۲۱۹-۲۲۱) سوره بقره

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ﴾ (۲۱۹) فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْتَبْتُمْ إِنْ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۲۲۰﴾ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَأَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿۲۲۱﴾﴾

معنای کلمات

{الْخَمْرُ}

شراب، هر آنچه عقل را مختل کند بنحویکه نوشنده آن بین خوب و بد تمیز کرده نتواند، لفظ خمر به آب انگور و خرما و جو در صورتیکه نشه آور باشد اطلاق می گردد. قمار.

{الْمَيْسِرُ}

{مَنَافِعُ}

جمع منفعت یعنی فائده.

{الْعَفْوَ}

مراد از عفو در اینجا چیزهای زائد از حاجت انسان است.

{تُخَالِطُوهُمْ}

خلط و یکجا کنید مال ایشان را با مال خویش.

{لَأَعْتَبْكُمْ}

شما را در تکلیف و مشقت واقع می کند.

{الْأَمَةُ}

زن غیر آزاد (کنیز).

{يَدْعُونَ}

می خوانند و می کشانند.

{إِلَى النَّارِ}

بسوی آتش.

{آيَاتِهِ}

احکام دین و مسایل شریعت خویش را.

ترجمه

می پرسند ترا از حکم شراب و قمار بگو در هردو گناه بزرگست و منفعت های برای مردمان، و گناه هردو بزرگتر است از سود آنها، و می پرسند ترا که چه چیز را انفاق کنند بگو آنچه که زائد از حاجت (ضرورت های اولیه زنده گانی) باشد، این چنین بیان میکند خدا برای شما احکام را تا شما فکر کنید (۲۱۹) در کارهای دنیا و آخرت، و می پرسند ترا در مورد یتیمان بگو به صلاح آوردن کارشان بهتر است و اگر مال آنها را با مال خود مخلوط نمودید پس آنها برادران شما اند، و خدا میداند تباه کار را از اصلاح کننده، و اگر میخواست الله بر شما سختی می آورد هر آئینه الله غالب باحکمت است (۲۲۰) و نکاح نکنید زنان مشرکه را تا آنکه ایمان آورند و هر آئینه کنیز مسلمان بهتر است از زن آزادیکه مشرکه باشد هر چند به شگفت آورد شمارا،

و به نکاح ندهید زن مؤمنه را به مردان مشرک تا آنکه ایمان آورند و هر آئینه غلام مسلمان بهتر است از مرد آزاد مشرک هر چند به شگفت آورد شمارا، آن گروه دعوت مینمایند بسوی آتش، و خدا میطلبد بسوی بهشت و آمرزش بحکم خویش و بیان میکند احکام خود را بمردم تا ایشان پند گیرند (۲۲۱)

تفسیر مختصر

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ...﴾ عربها در زمان جاهلیت به شراب نوشی و قمار بازی عادت داشتند و حکمت خداوندی مقتضی آن بود که در اول ظهور اسلام روی توحید و ایمان به آخرت و بعثت کار شود زیرا همین ایمان سبب استقامت و ترک زشتیها می‌شود، و چون رسول خدا با اصحاب خویش به مدینه منوره هجرت کردند و کم کم مجتمع اسلامی شروع به تشکیل یافتن کرد پایه‌گذاری احکام و قوانین اسلامی برای این مجتمع نیز بتدریج شروع شد. روزی چنین اتفاق افتاد که یکی از صحابه برای جمعی امامت داد در حالیکه قبل از آن خمر نوشیده بود لذا آیات قرآن مجید را بنحو غیر درست تلاوت کرد اینجاست که اولین حکم در مورد شراب نازل شد که ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ...﴾ [النساء: ۴۳] هنگامیکه شما شراب نوشیده‌اید به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه تلاوت میکنید. این حکم قدم اول برای تحریم شراب بود زیرا در بعض اوقات آن را ممنوع قرار داد و بر اساس آن مؤمنان در هنگام نمازها از نوشیدن شراب ابا می‌ورزیدند تا اینکه بعضی از صحابه در مورد شراب و قمار از رسول خدا ﷺ بیشتر معلومات خواستند همان بود که این آیت نازل گردید ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ﴾ این حکم قدم دوم برای تحریم بود زیرا ضمن اینکه منافع زود گزر شراب و قمار را منکر نشد اما فرمود که در این دو چیز گناه و ضررهای بزرگی قرار دارد لذا بسیاری از اصحاب رسول شرب خمر و عمل قمار را ترک کردند اما عده اندکی چون در این آیت نیز مطلقاً حرام قرار داده نشده بود گاهی به آن روی می‌آوردند. از میان اصحاب حضرت عمر بن الخطاب بسیار امید آن را میکرد که حکم نهایی در مورد شراب نازل شود و همیشه با خود میگفت "اللهم بین لنا فی الخمر بیاناً شافياً" ای خدای بزرگ برای ما در مورد شراب بیان نهایی بفرست تا اینکه خدای متعال دعای وی را استجابت کرد و آیه مبارکه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [المائدة: ۹۰] نازل گشت و حضرت عمر بشوق کامل فرمود (انتهینا ربنا) پروردگارا از این اعمال باز گشتیم و امر ترا به جان و دل پذیرفتیم پس در این مرحله سوم بطور قطعی ونهائی شراب نوشی و قمار بازی تحریم گردید و رسول خدا بالای شراب خوار حد شرعی را قرار داد که شلاق زدن است و شراب را أم الخبائث یعنی مادر همه پلیدیها نام گذاشت و فرمود "مدمن الخمر لا یکلمه الله یوم القیامة ولا یزکیه" در روز قیامت خدای متعال با انسان شراب خوار نه سخن میزند و نه او را تزکیه و پاک میسازد.

قابل ذکر است که گناه کبیر شراب و قمار چنانچه در آیات سورة مائده آمده است در این است که این دو باعث دشمنی و کدورت بین مسلمانان می‌شوند و از ذکر خدا و نماز انسانها را باز میدارند پس بزرگتر از این گناه چه گناهی خواهد بود اما منافع اندکی که به آن اشاره شده از آن جمله فائده دنیوی

در ساختن و تجارت کردن آن و احساس خوشی زود گزر یا پیدایش سخاوت مندی نا خود آگاه میباشد چنانچه در قمار دست رسی به چیزی از مال دنیا بدون از رنج و زحمت و نفع بردن بعضی فقراء از منافع آن محسوب می شد زیرا عربها این عادت را هم داشتند که گاهی شتران خویش را در قمار می گذاشتند و بعد از بردن طرف برنده آنها را برای فقراء و مساکین ذبح میکرد.

در این آیه مبارکه، علاوه بر آمدن جواب آسمانی در امر شراب و قمار به سؤال دیگری نیز پاسخ داده شده و آن این بود که بعد از نزول آیه مبارکه ﴿وَأَنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ کسانی خواستند تا بهتر بدانند که کدام حصه از مال را باید در راه خدا انفاق کنند خدای متعال برای آسانی بر امت اسلام فرمود (قل العفو) بگو هر آنچه که زائد باشد از حاجت و نفقه تان یعنی شما مکلف نیستید که چون چیزی را بدست آوردید با وجود احتیاج خود تان آنرا انفاق نمائید.

﴿فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى...﴾ جزء اول این آیه مبارکه مربوط به جمله اخیر آیت قبلی است یعنی خدای متعال احکام خویش را برای شما بیان میدارد تا شما بیندیشید در امر دنیا و آخرت تان پس برای دنیا بقدر حاجت کار کنید و آخرت خویش را هرگز از یاد نبرید اما سبب نزول قسمت های بعدی این آیت آن بود که چون آیت سوره نساء نازل شد ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا﴾ [النساء: ۱۰] مسلمانان از این وعید شدید سخت ترسیدند و هر آن کس که در خانه اش یتیمی بود مجبور برآن شد تا طعام و شراب یتیم را از طعام خود جدا بسازد و بالآخره به یک مشکل بزرگی مواجه شده راه خلاصی از آن را جویا شدند. همان بود که این آیت نازل گردید که هدف مهم نگهداری مال یتیمان است تا از پیش تان ضایع نشود نه مخلوط نکردن آن اگر مال ایشان را با مال خود یکجا بسازید بقصد حمایت و رشد دادن اشکالی ندارد زیرا آنان برادران تان اند لیکن بر حذر باشید که خداوند از قلب کسانی که قصد فاسد در دل داشته باشند خدا به آنها خوب آگاه است و اگر بخواهد میتواند شمارا در همان مشقت تان باقی بدارد (و لو شاء الله لأعنتکم) لیکن چنین اراده را در حق شما ندارد و او غالب در امر خود و حکیم در کار خود است.

﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَنَّ...﴾ برای اینکه مسلمانان شخصیت اسلامی خویش را حفظ کنند در این آیه مبارکه نهی آمد از ازدواج کردن مرد مسلمان با زن مشرکه و همچنان از ازدواج کردن زن مسلمان با مرد مشرک مگر در صورتیکه ایمان را قبول کنند اگر چه حسن و زیبایی شان یا ثروت و مال شان مسلمان را به تعجب اندازد و برای تاکید بیشتر فرمود خوب متوجه باشید که یک کنیز یا غلام مسلمان بهتر از آزاد کافر است بدلیل اینکه آنها شما و فرزندان آینده تان را بسوی جهنم می خوانند و برای مسلمان از این خطر بالاتر چه باشد.

ملاحظه: حکم این آیه مبارکه در صورتیکه مفهوم آن عام و شامل اهل کتاب دانسته شود به آیات دیگر خاص شده است زیرا نکاح زنان اهل کتاب بشرط اینکه پاکدامن باشند به حکم آیه کریمه ﴿وَالْأَخْصَانَاتِ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ﴾ [المائدة: ۵] مباح قرار داده شده البته بعضی از مفسرین اهل کتاب (یهود و نصارا) را در صورتیکه به اساسات کتاب خویش ملتزم باشند و شرک نورزند از جمله مشرکین نمی شمارند بنابر این رای تخصیصی در آیت نیست و نکاح مطلق مشرکین و مشرکات و کفار و ملحدین حرام و نا جائز است.

شاگردان اضرار شراب نوشی و گناه آن را با استفاده از آیات کریمه و احادیث رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در یک بحث آزاد بیان و توضیح نمایند.

فواید درس

- ★ اثبات گناه بزرگ در شراب نوشی و قمار بازی.
- ★ بیان فضیلت صدقه دادن.
- ★ بیان فضیلت تفکر در امر دنیا و آخرت تا برای هریک به اندازه ارزش آن کار و عمل صورت گیرد.
- ★ جواز مخلوط ساختن مال یتیم با مال کسیکه سرپرستی آن را میکند در صورتیکه برای یتیم مفید تر باشد.
- ★ بیان حرمت مال یتیم و هشدار از نزدیکی به آن یا خلط آن با مال خود در صورتیکه سبب نقصان و ضیاع مال یتیم شود.
- ★ بیان تحریم ازدواج با زنان مشرکه.
- ★ نفرت و بی زاری از خلط شدن با مشرکان و ترغیب در دوری جستن از آنها زیرا مصاحبت با آنها تاثیرات منفی را روی انسان مسلمان می گذارد.



(۱) کلمات ذیل را ترجمه کنید:

{الخمير} {الميسر} {المنافع} {العفو} {لأعتنکم} {ولو أعجبتکم}

(۲) حکمت تحریم تدریجی شراب و قمار را بیان کنید.

(۳) انسان مسلمان طبق آیت شریفه تا چه اندازه که مال داشته باشد انفاق بر وی لازم می گردد؟

(۴) فایده تفکر در امر دنیا و آخرت چیست؟

(۵) سبب نزول آیه کریمه ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ﴾ را بیان دارید.

(۶) حکمت و رمزی که در حرمت نکاح کردن با مشرکان نهفته است چیست؟

(۷) حکم آیه مبارکه ﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ﴾ را از دید گاه مفسرین بیان دارید.



کارخانه‌گی

در باره مراحل سه گانه و نزول تدریجی حرمت شراب یک مقاله مختصر بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

آیه (۲۲۲-۲۲۵) سوره بقره

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ (۲۲۲) نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (۲۲۳) وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (۲۲۴) لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾ (۲۲۵)

معنای کلمات

{الْحَيْضُ}	مکان و زمان حیض و حیض به خون ماه واری گفته می شود که از رحم زن بیرون می شود.
{أَذَى}	نجاست و ضرر.
{فَاعْتَزِلُوا}	ترک کنید، دوری بجوید.
{تَطْهَرْنَ}	خوب پاک شدند، یعنی خون حیض قطع گردید و ایشان غسل کردند.
{حَرْثٌ}	کشت زار. (برای شما یعنی محل پیدایش اولاد تان اند)
{أَنَّى شِئْتُمْ}	چگونه که می خواهید (بشرط اینکه در محل مجاز آن باشد و مشکل حیض و نفاس نداشته باشد).
{قَدِّمُوا}	پیش بفرستید.
{عُرْضَةً}	وسیله منع چیزی.
{أَيْمَانٌ}	جمع یمین بمعنی قسم.
{اللَّغْوِ}	چیز باطل لغو اصلا به چیز باطل گفته می شود.

ترجمه

و سؤال میکنند ترا از حیض (عادت ماه وار زنان) بگو که آن نجاست است پس دوری گزینید از زنان (مباشرت آنان) در حال حیض، و نزدیکی نکنید بایشان تا آنکه پاک شوند، پس چون بخوبی پاک شدند نزدیکی کنید با ایشان از آن راه که مباح کرده است شمارا خدا (یعنی قُبُل) هر آئینه خدا دوست میدارد توبه کننده گان را و دوست میدارد پاک شونده گان را (۲۲۲) زنان شما کشت زار شما اند (محل کشت فرزندان صالح) پس بیائید به کشت زار خویش هر روشی که خواهید، و پیش فرستید (یعنی اعمال صالحه را) برای خویشتن، و بترسید از خدا و بدانید که محققا نزد خدا خواهید رفت، و بشارت ده اهل ایمان را (۲۲۳) و مگردانید نام خدا را آماج برای سوگندان خویش تا اینکه خود را نیکو کار و پرهیزگار قلم داد نمائید، و مصلح میان مردم جلوه دهید، و خدا شنوای داناست (۲۲۴) مؤاخذه نمیکند خداوند شمارا به سوگندهای لغو تان و لیکن مؤاخذه می کند شمارا بآنچه که قصد کرده است دلهای شما و خدا آمرزنده برد بار است (۲۲۵)

تفسیر مختصر

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَيْضِ...﴾ از جمله عادات یهودیان این بود که چون زن در حال حیض می بود خوردن و نوشیدن و نشست و برخاست را باوی بطور کلی ترک میکردند یعنی او را در انزوا قرار میدادند. در این مورد عده از صحابه کرام خواهان معلومات شدند که آیا واقعاً بازن در ایام حیض باید چنین رفتار شود. آیت مبارکه فوق نازل گردید و در آن مسلمانان را متوجه دو مسئله مهم ساخت اول اینکه اسلام دین معاشرت و عاطفه و مهربانی است لذا مسلمان هر گز نباید بازن در ایام عادت ماهوار چنان معامله و رفتار کند که یهود و اهل جاهلیت میکردند پس ترک صحبت و همنشینی با زن و او را در گوشه و انزوا قرار دادن کار مسلمان نیست. دوم اینکه اسلام در کنار اینکه مهربانی و معاشرت نیک را بین زن و مرد توصیه میکند اما پاکی و طهارت را نادیده نگرفته از وقوع در پلیدی ها جلوگیری بعمل می آورد که از آن جمله خون حیض است لذا نباید این همنشینی بحدی برسد که در ایام حیض مرد بازن مقاربت و همبستری (جماع) کند که این کار بحد خود نامشروع است پس در ایام جریان خون همچنان که در حدیث شریف نیز آمده است مرد نباید از محیض یعنی محل حیض (فرج) زن استفاده کند حتی در بعضی روایات محدوده حرمت از زیر ناف تا زیر زانو آمده است و مقصود از اعتزال ﴿فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ﴾ همین توجیهات است نه بیشتر از این. البته چون زن از خون حیض پاک شد و علاوه بر آن غسل هم نمود همبستری و مقاربت با او مباح می گردد، مفسرین کرام مراد از ﴿حَتَّى يَطْهُرْنَ﴾ قطع حیض و مراد از ﴿فَإِذَا تَطَهَّرْنَ﴾ غسل کردن را دانستند و در اخیر آیت اشاره بر این است که جواز مقاربت نیز از خود حد خاصی دارد و در آن نیز طهارت و پاکیزه گی باید مراعات گردد یعنی محلیکه مقاربت در آن صورت میگیرد همان جای باید باشد که از جانب خداوند مشروع قرار داده شده نه محل دیگر نامشروع (دبر) بدون شک عمل کردن طبق این معیار نشانه پاکی و انابت بسوی خداست که خداوند این گروه توبه کننده و پاک صفت را دوست میدارد.

﴿نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ...﴾ این آیه کریمه که حیثیت دلیل و حکمت بر یکی از احکام آیه قبله یعنی تخصیص محل جماع را دارد نیز در جواب سؤالی مبنی بر جواز یا عدم جواز نزدیکی بازنان از طرف پشت سر نازل گردیده است زیرا یهودیان عقیده بر این داشتند که اگر کسی بازنش از طرف پشت نزدیکی کند ولو که در محل مجاز هم باشد این کار نا جائز است و فرزندیکه از این طریق پیداشود احوال (قیچ) بدنیا می آید در این مورد از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - پرسیده شد در جواب این آیه مبارکه نازل گشت که در آن زنها به مزرعه یا محل کشت و زراعت تشبیه گردیده اند زیرا همچنانکه زمین بقصد رویانیدن و حاصل دادن چیزی کشت می شود و از آن محصول بدست می آید نطفه انسان در رحم زن نیز کشت می گردد که محصول آن اولاد است از این تشبیه بخوبی معلوم می شود که چرا محل جماع مختص شد و تجاوز از آن چنانچه در احادیث ثابت گردیده است لواطت و

گناه کبیره محسوب گردید و بر فاعل آن لعنت فرستاده شد چون هیچ کار مسلمان نباید بدون از هدف نیک باشد و محلی که قصد و هدف نیک یعنی زرع اولاد در آن ممکن است محدود و مشخص است از جانب دیگر طب امروزه ثابت کرده است که لواطت با زنان و مردان انواع مختلف مرض هارا بوجود می آورد که علاج آنها ناممکن است، آیه کریمه بعد از اثبات این موضوع به امر دیگری اشاره کرد که رد بر خصلت های یهودیت است ﴿فَاتُوا حَرَّتْكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ﴾ بهرگونه که میخواهید به محل کشت تان نزدیک شوید یعنی ایستاده یا نشسته از پیش رو یا از پشت سر قید و شرط و ممنوعیتی برای شما در این حالات نیست زمانیکه محل جماع یکی باشد که برای تان مباح قرار داده شده است، و در اخیر اشاره بر این دارد که مبادا غفلت بر شما چیره گردد و دیدار و لقاء خدا را فراموش کنید ﴿وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ﴾ برای نفس های خویش عمل نیک پیش فرستید و بدانید که بزودی با خدای خویش ملاقی خواهید شد و این لقاء فقط برای مؤمنین نوید بخش هست.

﴿وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ...﴾ این آیه کریمه و آیه بعدی در مورد قسم احکام خاصی را بیان میدارند. اول اینکه نباید قسم به خدا را مانع از انجام امور خیر قرار داد مثل اینکه کسی قسم یاد کند که صدقه نمی دهد، با فلان کس گپ نمی زند، بین دو کس صلح نمی آورد و از این قبیل هر خیر دیگری. مفسرین کرام جمله (عرضه لایمانکم) را در روشنائی جمله بعدی چنین ترجمه کردند "مانعاً لكم من فعل خیر أو ترک إثم أو اصلاح بین الناس" سوگند به خدا را مانع برای خود از فعل خیر یا ترک گناه یا اصلاح بین مردمان نگردانید و اگر کسی چنین سوگندی یاد کرد برای او بهتر آن است که کفاره بدهد و با انجام آن فعل خویش را از آن قسم بیرون آورد، جمله بعدی ﴿أَنْ تَبْرُوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ﴾ را علماء عطف بیان یا بدل از "ایمانکم" دانستند که در حقیقت آنرا تفسیر و توضیح مینماید. دوم اینکه در بعض از انواع قسم مؤاخذه نیست اما در بعض دیگر هست. ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ﴾ شمارا خداوند در قسم های لغو تان مؤاخذه نمی کند، قسم لغو همان است که انسان بر چیزیکه گمان وقوع آنرا کند قسم یاد کند اما بر خلاف گمان و توقع وی آن چیز واقع نشده و او از عدم وقوع آن بی خبر باشد، یا بدون قصد ضمن کلام شخص کلمه والله و بالله ذکر شود. ﴿وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ﴾ لیکن شمارا به قسم هاییکه قلب های تان قصدا انجام میدهد مؤاخذه مینماید، اگر کسی به دروغ و ناحق و بطور قصد و تعمد قسم یاد کند از آن طریق منفعتی بوی برسد این یمین غموس نامیده می شود زیرا معنی غمس غوطه ور شدن است و اینگونه قسم صاحبش را در گناه و عذاب خداوند غوطه ور میسازد، در بین این دو یمین، یمین دیگری قرار دارد که بنام منعده یا معقوده یاد می شود و آن قسم خوردن بر انجام چیزی یا ترک آن در زمان آینده (مستقبل) است و در آن یا فرد باید آن چیز را انجام ندهد یا در صورت انجام آن کفاره بایدپردازد که در آیت مبارکه ﴿وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ...﴾ (المائدة : ۸۹) ذکر آن آمده است.

در آخر آیه اول این درس آمده است ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ و در آخر آیه دوم این درس آمده است ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ﴾ در مورد اینکه چه ربطی بین موضوعات مطرح شده در ابتدای آیات و این جملات قرار دارد شاگردان با همکاری استاد محترم مضمون تفسیر با یکدیگر مناقشه و مباحثه نمایند.

فواید درس

- در آیات مبارکه فوق مجموعه از پندها و اندرزها نهفته است، که ذیلاً بگوشه از آنها اشاره می گردد.
- ☆ حرمت جماع اثناء حیض و نفاس بسبب ضرر هاییکه در پی دارد.
- ☆ حرمت وطء زن در ناحیه دبر.
- ☆ وجوب اختیار کردن پاکی از گناهان به توبه و پاکی از نجاستها به آب.
- ☆ وجوب پیش فرستادن اعمال صالحه تا آنکه توشه مسلمان در دار آخرت باشد.
- ☆ بشارت خداوندی برای مردان و زنان مسلمان که عمل نیک انجام می دهند.
- ☆ عدم جواز سوگند یاد کردن در ترک اعمال خیر.
- ☆ لزوم کفاره دادن، در صورتیکه شخصی قسم یاد کند بر اینکه فلان کار نیک را انجام نمیدهد.
- ☆ عدم مؤاخذه خداوند بنده مسلمان را بر قسم لغو.
- ☆ مؤاخذه شدن مسلمان بر قسم دروغ که بطور قصدی صورت پذیرد.



(۱) کلمات ذیل را معنی نمائید:

{أَذَى} {فاعزلوا} {إذا تطهروا} {حرث لكم} {عرضة} {إيمان} {اللغو}

(۲) شأن نزول آیه اول این درس را بیان دارید.

(۳) معنی «يُطَهِّرُنَ وَتَطَهَّرُنَ» چیست؟

(۴) چرا در آیت کریمه زنها به کشت زار تشبیه گردیده اند؟

(۵) این مشابَهت به چه حکمتی اشاره دارد؟

(۶) اگر کسی بر ترک عمل خیر قسم یاد کند چه باید انجام دهد؟

(۷) چهار نمونه از رهنمائی ها و اندرزهای این درس را بیان دارید.



کارخانه گی

در مورد انواع قسم و حکم آنها چنانچه آیات کریمه این درس بدان اشاره دارد یک صفحه بنویسید.

آیه (۲۲۶-۲۲۸) سوره بقره

﴿لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (۲۲۶) وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۲۷﴾ وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۲۲۸﴾﴾

معنای کلمات

{يُؤْلُونَ}

ایلاء میکنند. (کسیکه قسم یاد میکند که بازنش جماع نخواهد کرد به این قصد ایلاء گفته می شود)

{تَرَبُّصُ}

انتظار و مهلت.

{فَاءُوا}

باز گشتند (یعنی به همبستری با زنهای شان بعد از امتناع ورزیدن از آن به قسم های شان)

{عَزَمُوا}

قصد قلبی نمودند و تصمیم گرفتند.

{الْمُطَلَّقَاتُ}

جمع مطلقه است و مطلقه به آن زن اطلاق می شود که شوهرش او را طلاق داده باشد

یا

قاضی حکم طلاق او را صادر کرده باشد.

{يَتَرَبَّصْنَ}

انتظار بکشند.

{قُرُوءٍ}

قرء به مدت پاکی زن از حیض و همچنان به مدت حیض گفته می شود.

{بُعُولَتُهُنَّ}

شوهرهای ایشان.

{فِي ذَلِكَ}

"ذلك" اشاره بطرف مدت انتظار است.

{وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ} و بر زنان بالای مردان عین آن حقوقی است که بر مردان بالای زنان است.

ترجمه

برای آنانی که ایلاء میکنند با زنان خویش (به ترک مباشرت آنها قسم میخورند) چهار ماه انتظار کشیدن است، پس اگر باز گشتند (از قسم خود) هر آئینه خدا آمرزندهٔ مهربان است (۲۲۶) و اگر قصد طلاق کردند پس هر آئینه الله شنوای دانا است (۲۲۷) و زنانی که طلاق داده شده اند انتظار کشند به نفسهای خود سه حیض را (از ازدواج خودداری کنند) و حلال نیست به آنها که پنهان دارند آنچه را که آفریده است خدا در رحمهای ایشان اگر ایشان ایمان دارند به الله و روز قیامت، و شوهران شان سزاوار ترند به باز آوردن ایشان (به زنده گی زناشویی خود) در آن مدت اگر نیت سازش دارند، و زنان را بر

شوهران مثل آن حقوقی است که شوهران را بر زنان است بوجه پسندیده، لیکن مردان را هست افزونی [خاصی] و خدا (برهرچیز) توانا و با حکمت است (۲۲۸).

تفسیر مختصر

﴿لِّلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِن نِّسَائِهِمْ...﴾ چون در آیت سابق ذکر از قسم خوردن و اینکه نباید قسم مانع انجام کار خیر شود به میان آمد، در این دو آیه مبارکه به همین مناسبت حکم آن یمینی بیان می‌گردد که بقصد عدم نزدیکی یعنی جماع با زن ایراد شود که آن را ایلاء میگویند و ایلاء نیز در عربی معنی قسم را میدهد لیکن اصطلاحاً خاص گردیده به همین قسم فوق الذکر. در زمان جاهلیت مردم رسم و رواج داشتند که بههدف فشار آوردن بر زنان قسم یاد میکردند که یکسال یا بیشتر از آن با زن خویش مقاربت نمیکند لذا او را در این مدت رها میکردند در حالیکه نه میتوانست شوهر دیگری را برگزیند چون در نکاح کسی بود و نه در حقیقت شوهر داشت زیرا آن مرد برای مدت طولانی یا نا معلوم رهاش کرده بود، چون بعد از اسلام نیز عده مرتکب این عمل نا درست شدند این آیات مبارکه نازل گردید و برای ایلاء کننده گان وقت خاص یعنی چهار ماه فرصت داد تا خوب فکر بکنند که اگر این ضرر را میخواهند خاتمه دهند پس رجوع کنند و از قسم خود با ادای کفاره برگردند و اگر قصد رجوع به زنان شان را ندارند پس باید آنان را طلاق دهند و گرنه با گذشت مدت محدود طلاق واقع می‌گردد و شریعت اسلام نمی‌گزارد که در حق زنان ظلم صورت گیرد. چون اسلام نمی‌خواهد که به آسانی شیرازه یک خانواده از هم بپاشد، لذا مدت کافی برای اندیشیدن داد تا باشد که هم زن در این مدت متوجه نقایص خود شود و هم شوهر در این مدت به خود برگردد و مصلحت خود و زنش را دریابد. و بمنظور تشویق و ترغیب بر رجوع کردن به زن، در اخیر آیت اول خدای پاک فرمود: ﴿فَإِنْ فَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ اگر برگشتند از قسم‌های خود و رجوع نمودند به زنده‌گی خویش بدانند که خداوند آمرزنده مهربان است. یعنی آنها را می‌بخشاید و بر آنها مهربانی میکند و در آیت بعدی خبر داد که اگر واقعاً قصد طلاق را دارند پس متوجه باشند که خدای عالمیان شنوا و داناست لذا به اندیشه ضرر رساندن به زنان خویش نباشند.

﴿وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ...﴾ سر از این آیه مبارکه تا پنج آیت بعدی احکام طلاق بتفصیل بنحویکه بیان گراهتمام دین مبین اسلام به عدالت اجتماعی است ذکر می‌گردد، و وجه مناسبت بین این آیات و آیات قبلی این است که همچنانکه در مسئله ایلاء به تربص یعنی انتظار کشیدن اشاره شد در این آیت نیز بنوع دیگری از تربص اشاره می‌گردد یعنی انتظار کشیدن زن مطلقه. مراد از مطلقات در این آیه مبارکه همان زنانی اند که مرد شان با آنها نزدیک شده (همبستری کرده) و آنها بار دار هم نیستند و حیض می‌بینند. زیرا هریک از این افراد حکم جداگانه دارند که در آیات دیگر آمده است اما حکم اینگونه زنان به اساس این آیت قرآنی این است که باید سه قرء انتظار بکشند و تا گذشت این مدت با کسی نکاح نکنند.

توضیحاتی چند در معنی و مفهوم قرء:

علماء در معنی و مراد قرء بخاطر اطلاق شدن آن هم بر حیض و هم بر طهر بعد از حیض، از عصر صحابه تا کنون دو نظریه را پیش نموده اند. حضرت عمر و علی و ابن مسعود - رضی الله عنهم - و

بتبع شان فقه‌های مذهب حنفی و حنابله این قول را ترجیح دادند که مراد از قرء در این آیت مبارکه حیض است یعنی زنده‌ای طلاق شده باید سه حیض را عدت بگذرانند، اما ام المؤمنین عائشه صدیقه و عبد الله بن عمر و زیدبن ثابت و بتبع شان شوافع و مالکیه این قول را ترجیح دادند که مراد از قرء طهر است یعنی ایامیکه بین دو حیض قرار دارد پس معنی در نزد آنها چنین می‌شود زنده‌ای طلاق شده باید سه طهر را بگذرانند. دلایل هریک از فریقین در کتب فقه و اصول فقه ذکر است درس حاضر گنجایش تفصیل آن را ندارد همین قدر باید دانست که این اختلاف در آنچه مقصود و هدف اصلی آیت است تغییر خاصی را ایجاد نمی‌کند زیرا مقصود آنست که خالی بودن رحم زن از نطفه شوهر اول واضح و هویدا گردد و این چیز هم به سه حیض معلوم می‌گردد و هم به سه طهر، بهر صورت این مدت را که در حدود سه ماه را در بر میگیرد باید بگذرانند البته این شبهه را کسی ایجاد نکند که در صورتیکه مقصد خالی بودن رحم یا نبودن آن است پس این کار احتمالاً از طریق وسائل طبی امروزه به یک روز معلوم گردد لذا چه ضرورت به گذشت سه حیض یا سه طهر است چون اولاً ده‌ها حکمت و فائده دیگر در تعیین این مدت نهفته است و ثانیاً چون امر آسمانی بر چیزی صراحت داشته باشد کسی را حق فلسفه تراشی در آن نیست و مسلمان واقعی به جان و دل باید اطاعت و فرمانبرداری کند.

نکاتی چند در آداب معاشرت:

فراموش نباید کرد که این آیه مبارکه به چند چیزیکه دارای اهمیت فراوان هستند اشاره دارد از آن جمله اینکه: چون زنی طلاق شود از نظر روانی شاید احساس کند که بزودترین فرصت باید به اثبات برساند که طلاق آن به سبب کدام ضعف و کمی در آن نبوده و او از تشکیل زنده‌گی زناشوئی جدید عاجز نیست لذا فوراً پس از طلاق باید با کسی دیگری ازدواج کند! اما قرآن مجید با حکمت خاص خود زن را متوجه ساخت که تشکیل خانواده جدید عیب نیست اما هر روز انتقال از یک شوهر به شوهر دیگر برای یک زن با کرامت و با شخصیت عیب است زن مطلقه باید مدتی را بگذراند و به عجله و عاطفه تصمیم نگیرد و خود سراسیمه دنبال شوهر نشود تا باشد دیگران به سراغ او بیایند و او با خیال راحت بهترین را انتخاب کند، نکته دیگر این است که زن را بر حذر داشت از اینکه نشاید بخاطر عجله در ازدواج پس از طلاق کتمان حقائق کند و چیزی را که خداوند در رحمش خلق نموده است که از نطفه شوهر اولش می‌باشد پنهان کند که این کار باعث بهم ریختن و گم شدن نسب‌ها می‌شود و مشکلات اجتماعی را بار می‌آورد.

همچنان جمله **﴿وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ﴾** اشاره به حکمت دیگری دارد که همانا ترغیب و تشویق طرفین به پیوند دوباره زنده‌گی شان است قبل از اینکه متلاشی شود و این در صورت است که مرد زنش را طلاق رجعی داده باشد یعنی یک طلاق. پس بهتر آن است که مرد مثبت‌ها و منفی‌های جدائی را درست بسنجد و بداند که منفی‌ها به مراتب بیش از مثبت هاست و زن متوجه شود که کرامت و عزت امر در همان استمرار زنده‌گی مشترک او با شوهرش می‌باشد لذا در عملکردهای خود اصلاح بیاورد که قید **﴿إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا﴾** اشاره به همین پشیمانی طرفین از اشتباهات سابقه و کوشش به بهتر کردن معاشرت در آینده است.

به تعقیب آنچه گذشت جمله **﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَ بِالْمَعْرُوفِ﴾** اشاره به حقوق مساوی طرفین است بر

یکدیگر یعنی همان گونه که مردها بالای زنها حقوقی دارند زنها نیز بالای مردها از حقوقی برخوردارند. باید دانست که مماثلت در وجوب مراد است نه در اعمال، یعنی لازم نیست که چون زن لباس مرد را شست مرد هم لباس زن را بشوید بلکه مرد باید خدمات را انجام دهد که مناسب حال اوست و مراد از (بالمعروف) همان چیزی است که طبیعت سالم آنرا می‌پسندد، و در اخیر آیت به مرتبه خاص قیمومیت و اداره مرد که در حقیقت یک مسؤولیت اجتماعی است اشاره گردیده فرمود **﴿وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ﴾** معلوم است که زن و مرد توأم با اولاد شان یک مجتمع کوچکی را تشکیل میدهند و هیچ مجتمعی بدون از قوانین و فرد تدبیر کننده به پیش نمی‌رود لذا در خانواده این مسؤولیت به مرد سپرده شده و به اساس زحماتی که در این راستا میکشد و مصارفی را که متحمل می‌شود مزیتی برای او در نظر گرفته شده است.



شاگردان در مورد تعریف لغوی و اصطلاحی ایلاء و احکام شرعی مربوط به آن بحث و تبادل نظر کنند.

فواید درس

- در آیات مبارکه فوق مجموعه از پندها و اندرزها نهفته است که ذیلاً به بعضی از آنها اشاره می‌گردد.
- ★ بیان حکم ایلاء و عدالت اسلامی در ممانعت از ظلم به زنان.
- ★ اهتمام دین مبین اسلام به جلوگیری از فروپاشی نظام خانواده‌گی.
- ★ بیان عده مطلقه در صورتیکه عادت ماه وار او (حیض) قطع نشده باشد.
- ★ مستحق بودن شوهر به رجعت بازنش در ایام عده وی و عدم جواز خواستگار شدن کسی برای نکاح با وی در این ایام.
- ★ اثبات زوجین.
- ★ تثبیت قیادت و مسؤول بودن مرد در امور خانوادگی.



- (۱) کلمات ذیل را معنی نمائید: {يُولُونَ} {تَرَبَّصْ} {فَإِنْ فُلُوا} {عَزَمُوا} {الْمُطَلَقَاتُ} {يَتَرَبَّصْنَ} {بِعَوْلَتِهِنَّ}
- (۲) شأن نزول آیه مبارکه **﴿لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ﴾** را بیان کنید.
- (۳) ربط این آیه با آیه قبلی آن را واضح سازید.
- (۴) ایلاء در زمان جاهلیت چگونه بود؟
- (۵) مراد از مطلقات در آیه کریمه **﴿وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾** کدام زنها اند؟
- (۶) از مساوات حقوق زنان و مردان چه مماثلتی مراد است؟
- (۷) جمله **﴿وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ﴾** را تفسیر و تشریح کنید؟



کار خانگی

با استفاده از درس در باره چهار مورد از آداب معاشرت که آیه اخیر این درس به آنها اشاره دارد یک مقاله کوتاه بنویسید.

آیه (۲۲۹-۲۳۰) سوره بقره

﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٢٩﴾ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٢٣٠﴾﴾

معنای کلمات

{ الطَّلَاقُ }	مراد طلاقی است که طلاق دهنده یعنی مرد حق رجعت بازنش را دارد. (طلاق رجعی)
{ مَرَّتَانِ }	دوبار است.
{ إِمْسَاك }	نگهداشتن.
{ تَسْرِيح }	رها کردن.
{ حُدُودُ اللَّهِ }	احکام خدا. (عبارت از حسن معاشرت بین زوجین است).
{ افْتَدَتْ }	عوض خویش دهد زن برای مرد. (یعنی خلع کند)
{ فَلَا جُنَاحَ }	نیست گناه و حرجی.
{ أَنْ يَتَرَاجَعَا }	اینکه رجوع کند هریک از زوجین بدیگری بعقد جدید.

ترجمه

طلاق (طلاقی که شوهر حق رجوع کردن را دارد) دو بار است، پس نگهداشتن است بوجه پسندیده یا رهاکردن است به نیکویی، و حلال نیست برای شما که بگیرید از آنچه داده اید زنان را چیزی (یعنی از مهر) مگر آنکه بترسند (زن و شوهر) که بر پا ندارند احکام خدا را پس اگر ترسیدید که بر پا ندارند احکام الله را [در چنین صورت] نیست گناهی بر زوجین در آنچه پردازد زن (از مهر خویش) به مرد، این است احکام خدا پس سرکشی نکنید از آن و هر که تجاوز کند از احکام خدا پس آن گروه ایشانند ستمکاران (۲۲۹) پس اگر طلاق داد زن را (بار سوم) دیگر آن زن برای وی حلال نیست تا نکاح کند زن شوهر دیگری را، اگر طلاق کردش (شوهر دوم) پس نیست گناهی بر هر دو (زن و شوهر اول) اگر به زوجیت برگردند (به نکاح جدید) در صورتی که گمان دارند بر پا میتوانند داشت احکام خدا را، این است احکام خدا که بیان میکند آنها برای قومیکه می دانند (۲۳۰)

تفسیر مختصر

﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ...﴾ عادت عرب بر این بود که اگر مرد زنش را دهها طلاق میداد باز هم حق رجوع کردن به وی را میداشت مادامیکه که زن در عدت می‌بود و چون در این کار ضرر و بی حرمتی به زنان بود خداوند متعال این آیه مبارکه را نازل کرد که در آن برای مرد فقط در دو طلاق حق مراجعت داده شده آنهم در مدتیکه زن در عدت خویش قرار داشته باشد، پس اگر عدت زن گذشت یا مرد سه طلاق زنش را داد دیگر حق رجعت او سلب شده و زن بر وی حرام می‌گردد لذا معنی آیه کریمه چنین می‌شود که طلاق رجعی دو مرتبه است که بعد از آنها دو اختیار پیش روی مرد قرار دارد یا رجعت به زن (امساک) یا جدائی از زن و حرمت که این حرمت یا به طلاق سوم ثابت می‌گردد و یا به گذشتن عده زن البته هم رجعت بگونه پسندیده باید باشد یعنی به نیت ادامه زنده‌گی زناشویی و تعامل نیک و هم‌رهائی بگونه نیکو باید باشد یعنی بدون از ظلم و ستم و با پرداخت حقوق زن چنانچه جمله بعدی یعنی ﴿وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا بِمَا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا﴾ اشاره به همین احسان مطلوب دارد یعنی برای شما جائز نیست که از مهر زنان در صورتیکه ادایش کرده باشید چیزی پس بگیرید یا در صورتیکه خواسته باشید حالا مهر را ادا کنید چیزی را کم کنید که این کار خلاف احسان است.

شان نزول آیت

اگر چه بطور عموم رفع و برداشت همان عادت جاهلیت که قبلا به آن اشاره شد شان نزول آیت به حساب می‌رود لیکن سببیکه بطور خاص در مورد آن آیت فوق نازل گردیده بنابر روایات صحیحه آن بود که مردی به زنش گفته بود با تو کاری خواهم کرد که بطور دائم نه مطلقه باشی و نه زن من آن زن پرسید چگونه؟ مرد جواب داد که طلاق میدهم و چون آخرین روزهای عده فرا رسید به تو رجوع میکنم باز طلاق میدهم باز رجوع میکنم و تا آخر زنده‌گی این کار را ادامه میدهم و طبق عادت عرب قبل از اسلام این کار برای او مباح بود پس آن زن داد خویش را به رسول خدا رسانید و این آیه مبارکه نازل گردید و از ظلم و تعدی در حق زنان جلوگیری شد.

توضیح مهم

آیه مبارکه در نزد بسیاری از مفسرین بیان گر عدد طلاق رجعی است که دو طلاق میباشد، برابر است که این دو طلاق جدا جدا داده شود یا یکجا و به یک لفظ باشد یا به دو لفظ در این صورت مراد از "مَرَّتَانٍ" حقیقت تشنیه است و مراد از ﴿أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ﴾ این است که با زن رجعت صورت نگیرد و با گذشت عده آن زن بائن گردیده بر شوهرش حرام شود.

اما در نزد بعضی دیگر از مفسرین آیت بیان گر عدد طلاق شرعی است که سه طلاق است و به سه مرتبه

جدا گانه داده می‌شود نه به یک لفظ و به یک وقت در این صورت مراد از "مرتبان" تکرار است یعنی یکی بعد از دیگر و مراد از «أَوْ تَسْرِيحُ بِإِحْسَانٍ» طلاق سوم است چنانچه در حدیث شریف نیز آمده، کسی از رسول خدا پرسید خدای متعال دو طلاق را در قرآن مجید ذکر کرده است پس طلاق سوم در کجاست ایشان فرمودند «أَوْ تَسْرِيحُ بِإِحْسَانٍ» پس تسریح یعنی طلاق.

خلع

این جزء از آیه مبارکه «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ» اشاره به خلع دارد و خلع در لغت کشیدن و بیرون کردن را میگویند و در اصطلاح عبارت از این است که زنی با دادن مهرش یا چیز دیگری به شوهر خود را از قید نکاح او بیرون آورد. البته این خلع کردن بنابر هدایت این آیه کریمه در صورتی جائز است که مرد تقصیری در قبال زن نداشته باشد، اما زن طبیعتاً با این مرد نسازد و ترس از آن باشد که احکام و حدود خداوندی بین زن و مرد مراعات نگردد لذا در چنین حالتی میتواند مرد در مقابل خواستار زن مبنی بر جدائی و جبران خسارات مادی و معنوی چیزی از زن بگیرد و گرنه برای مرد گرفتن چیزی از زن در مقابل طلاق جائز نیست.

«إِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ...» اشاره به طلاق سوم و حکم آن است یعنی اگر بعد از دو طلاق که گذشت و شوهر حق رجعت را داشت طلاق دیگری نیز داد در این صورت حلال بودن آن زن به این مرد به انتها می‌رسد مگر در یک صورت و آن این است که زن با شوهر دیگری نکاح کند و آن شوهر باوی جماع نماید. پس اگر طلاقی بین این دو صورت گرفت بعد از گذشت عدت شوهر اول میتواند با این زن دوباره نکاح نماید چنانچه در حدیث صحیح قید نکاح و جماع هر دو آمده که تفسیری برای آیت بحساب می‌رود. «إِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ طَلَّ أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ» اگر شوهر دوم زن را طلاق داد در این حالت گناهی به طرفین یعنی زن و شوهر اول نیست که دوباره بیکدیگر مراجعه کنند که این مراجعه به نکاح جدید می‌شود زیرا این زن مثل زن اجنبیه بر شوهر اول حرام شده بود و حالا دوباره می‌تواند با او نکاح کند.

موضوع اقامت حدود خدا در این آیات چند بار تکرار شده است و مراد از آن حسن معاشرت، خلق نیکو، عدم ظلم به یکدیگر و مراعات حقوق شرعی و اجتماعی است و این تکرار نشانه این می‌باشد که اسلام حنیف به حقوق زنان و احترام به آنان و کرامت انسانی شان اهمیت بسیار قایل است و برخلاف اتهامات نا درست دشمنان اسلام بهر گونه ممکن سعی و تلاش دارد تا در حق زنان کوتاهی صورت نگیرد بلکه از همه احکامیکه در این دروس خواندیم بخوبی معلوم می‌شود که چقدر دروغ پردازان علیه اسلام از واقعیت دور و از انصاف تهی اند.

موضوع عادات مردم زمان جاهلیت در مورد طلاق و جوانب منفی آن بر زنده گی زنان را در صنف مطرح کرده مورد مناقشه قرار دهید.

فواید درس

- در آیات مبارکه این درس بسیاری از اندرزهای مهم وجود دارد که به عده از آنها ذیلاً اشاره می‌گردد:
- ★ بیان طریقه درست و شرعی طلاق.
- ★ حرام شدن زنیکه سه طلاق داده شده باشد بر شوهر مگر بعد از نکاح دیگر و طلاق شدن یا فوت شوهر ثانی.
- ★ مشروعیت خلع.
- ★ وجوب مراعات حدود و احکام خداوندی و حرمت تجاوز از آنها.
- ★ حرمت ظلم و آن به سه نوع است: اول شرک به خدا و این ظلم بجز از توبه و رجوع از آن بخشیده نمی‌شود، دوم ظلم به بنده گان خدا و این ظلم به مسترد کردن حقوق یا معاف کردن عباد بخشیده می‌شود سوم ظلم به نفس به تجاوز کردن از حدود الله. بخشیدن یا نبخشیدن این ظلم مربوط به مشیئت خداوند عز و جل می‌باشد.



- (۱) کلمات ذیل را ترجمه کنید:
- {فِإِمْسَاكٌ} {أو تسريح} {حدود الله} {فیما افتدت به} {فلا جناح} {أن یتراجعا}
- (۲) طلاق رجعی به چه طلاقی گفته می‌شود؟
- (۳) عدد طلاق هائیکه شوهر حق رجعت را در آنها دارد چند است؟
- (۴) مراد از امساک بمعروف و تسریح به احسان چیست؟
- (۵) شان نزول آیه مبارکه ﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ﴾ را بیان دارید.



کارخانه گی

در مورد اهمیت تشکیل خانواده و اجتناب از چیز هائیکه باعث بروز مشکلات در روابط زن و شوهر و بالاخره وقوع طلاق می‌شود مقاله بنویسید که از یک صفحه کم نباشد.

آیه (۲۳۱-۲۳۲) سوره بقره

﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَبُغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٣١﴾ وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَبُغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَمِ أَزْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٣٢﴾﴾

معنای کلمات

{أَجَلَهُنَّ} میعاد خویش، مراد نزدیک شدن زن است به خلاصی عده.

{ضِرَارًا} برای ضرر رسانیدن.

{هُزُوعًا} بازی و تمسخر.

{نِعْمَةَ اللَّهِ} نعمت خداوند، (مراد اسلام است)

{الْحِكْمَةُ} علم (مراد سنت نبوی است)

{لَا تَعْضُلُوهُنَّ} مانع نشوید ایشان را.

{تَرَاضَوْا} تراضی به رضایت جانبین گفته می‌شود.

{أَزْكَى لَكُمْ} بهتر و نافع تر است.

{أَطْهَرُ} پاکیزه تر.

ترجمه

و هنگامیکه طلاق دادید زنان را چون به عدت خویش رسیدند (نزدیک شدند به انتهای عدت) پس نگهدارید ایشان را بوجه پسندیده (موافق دستور خدا) یا رها کنید ایشان را بوجه پسندیده، و نگه ندارید ایشان را برای ضرر رساندن تا بر آنها ستم کنید، و هر کس چنین کند همانا بر خود ظلم کرده است، و احکام خدا را به مسخره بگیرید، و به یاد آورید نعمت خدا را که بر شما ارزانی فرموده است و [بخصوص] آنچه فرو فرستاد بر شما از کتاب و علم که پند میدهد شمارا به آن و بترسید از الله و بدانید که هرائینه الله بهر چیز داناست (۲۳۱) و هنگامیکه طلاق دادید زنان را چون رسیدند به منتهای عدت

شان پس منع مکنید ایشان را از اینکه نکاح کنند شوهران شان را وقتیکه راضی باشند در میان خود بوجه پسندیده، بدین سخن پند داده می‌شود آن کسی از شما که ایمان دارد به الله و روز قیامت این کار نافع تر است به شما و پاکتر، خدا میداند و شما نمیدانید (۲۳۲)

تفسیر مختصر

﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ...﴾ آیه مبارکه یک مرتبه دیگر بنده گان مؤمن را امر میکند که اگر طلاق بین شان و بین زنهای شان رخ داد و آنها به طلاق شرعی (یعنی به اوقات مختلف نه در وقت واحد و در هنگام پاکی زن از حیض) زنهای شان را طلاق گفتند پس چون زن به آخرین ایام عده خویش رسید شاید در این هنگام اعمالی مشابه قباحت‌های مردمان قبل از اسلام را انجام دهند. باید یا به نیت خوب و اصلاح و زنده‌گی شرافتمندانه برگردانند آنها به سوی خود و یا اینکه رهای شان کنند تا عده شان پوره شود و در این صورت هم نیکوئی و احسان را فراموش نکنند یعنی به آنها حق شان را بپردازند و از آنها بدگوئی نکنند و در جامعه بد نامی برای شان ایجاد نکنند.

نکته دیگری که آیه مبارکه به آن اشاره دارد این است که نشود کسی برای انتقام جوئی از زن باوی مراجعه کند به نیت ضرر رساندن به اینگونه که نه طلاقش بدهد و نه حسن معاشرت با وی داشته باشد تا اینکه زن مظلوم مجبور به پرداختن چیزی برای رهایی خود شود خلع نماید. خداوند متعال برای بزرگ جلوه دادن گناه این کار علاوه از اینکه آنرا تجاوز از حدود خدا دانست فرمود ﴿وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ﴾ کسیکه این کار را قصدا و عمدا انجام دهد بداند که بر نفس خویش ظلم نموده است. متصل به آن این را نیز گوشزد ساخت که ﴿وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوءًا﴾ این آیات خدا را که منظور آن احکام خداوندی اعم از اوامر و نواهی است به باد تمسخر نگیرید و به آنها بی اعتنائی نکنید که جزای آن سخت و سنگین خواهد بود.

در اخیر آیه مبارکه یاد دهانی است مؤمنان را بر نعمت‌های خداوند که بزرگترین آنها نعمت اسلام است و از بین نعمت‌های دیگر بطور خاص به نعمت فرستادن کتاب و حکمت که مفسرین کرام مراد از آن را سنت نبوی گرفته اند اشاره گردیده و تصریح شده است که این کتاب و سنت سراسر پند و نصیحت است برای شما پس از شکر این نعمات تغافل نورزید و تقوی را پیشه خویش قرار دهید.

﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ...﴾ این خطاب متوجه اولیاء زن میباشد به آنها دستور میدهد که چون زن از جانب شوهرش طلاق شد و عدت وی گذشت و حق رجعت

مرد از وی سلب شد در این صورت اگر مرد خواهان نکاح دوباره شد و زن نیز موافقت داشت و هردو عزم بر معاشرت نیک داشتند، شاید اولیاء زن او را از این برگشت به زنده‌گی مشترک و عقد دوباره نکاح با شوهر مانع شوند. (عضل) از نظر لغوی در تنگنا قرار دادن را گویند چنانچه در عربی گفته می‌شود: "عَضَلْتُ عَلَيْهِ أَى ضَيَّقْتُ عَلَيْهِ" یعنی بر او سخت گرفتم و او را در تنگنا قرار دادم از همین لحاظ معنی منع کردن را نیز می‌دهد چون همین فشار و تنگی باعث جلوگیری و ممانعت می‌شود، از همین جاست که عدۀ از مفسرین خطاب را متوجه شوهران دانسته اند به این معنی که شما چون زنان تان را طلاق دادید و در ایام عدت رجعت هم ننمودید پس بعد از بائن شدن زن او را در تنگنا قرار ندهید از اینکه برای خویشتن هر آنکسی را که می‌خواهند شوهر انتخاب نموده و با وی نکاح کند. مفسرانی که این گونه تفسیر میکنند می‌گویند ضمیر در ﴿طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ﴾ راجع به شوهران است پس این خطاب با خطاب در ﴿فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ﴾ توافق پیدا کرده توجیه مذکور را ترجیح می‌بخشد.

اما چون به شأن نزول آیت نظر شود تفسیر اول یعنی خطاب به اولیاء زن راجح به نظر می‌رسد زیرا در مورد شأن نزول آیت چنین آمده است: یکی از اصحاب کرام بنام معقل بن یسار - رضی الله عنه - خواهری داشت که شوهرش او را طلاق داده بود و عدت وی نیز گذشته بود آنها می‌خواستند دوباره به زنده‌گی خویش برگردند و هردو جانب راضی بودند لیکن معقل با این کار مخالفت می‌ورزید همان بود که این آیت نازل گشت و او را از این منع کردن باز داشت، چنانچه او به این ندای آسمانی لبیک گفت و اطاعت کرد. ﴿ذَلِكَ يُوعِظُ بِهِ ... ذَلِكُمْ أَزْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ﴾ ذلک اشاره به نهی مذکور است (نهی از ممانعت) و "ذلکم" اشاره به ترک آنچه از آن نهی آمده است یعنی ترک ممانعت اما کاف در هردو برای خطاب است که در موضع اول بصورت مفرد (لک = برای تو) و در موضع دوم بصورت جمع (لکم = برای شما) آمده است و این طرز خطاب (خطاب به ضمیر مفرد و تشبیه و جمع برای یک نوع مخاطب) در قرآن مجید زیاد موارد استعمال دارد که جای تفصیل آن تفاسیر بزرگ است. می‌فرماید از این نهی کسانی واقعاً وعظ و نصیحت می‌پذیرند که به خدا و روز آخرت ایمان داشته باشند، باز می‌فرماید ترک این ممانعت بسیار بهتر و پاکیزه تر برای شما و جامعه شماست زیرا خداوند به شما و نفوس شما آگاه تر از خود شماست.



شاگردان در مورد گناه بزرگ کسانی که احکام خدا را به تمسخر می‌گیرند با یکدیگر بحث و گفتگو نمایند.

فواید درس

در آیات مبارکه این درس بسیاری از اندرزهای مهم قرار دارد که به عده از آنها ذیلاً اشاره می‌گردد.

- ★ حرمت رجوع به زن به نیت ضرر رساندن و فشار آوردن بر وی تا با مرد خلع نماید.
- ★ حرمت بی اعتنائی به احکام شریعت و عدم مراعات آنها.
- ★ وجوب یاد آوری نعمت‌های خداوند و شکر آنها به زبان و به قلب.
- ★ مسلمان باید همیشه متوجه باشد که خداوند متعال از اعمال و احوال او آگاه است. ﴿وَأَعْلَمُوا
- أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾.
- ★ عدم جواز ممانعت زن از رجوع دوباره به قید نکاح کسی که او را طلاق داده است (شوهر اولش).
- ★ بیان اینکه تمامی خیر و طهارت در اطاعت از اوامر و نواهی خداوند نهفته است.



(۱) کلمات ذیل را ترجمه کنید:

{ضرراً} {هزواً} {الحكمة} {تراضوا} {أزکی لكم} {أطهر}

(۲) معنی و مفهوم این جمله از آیه مبارکه چیست ﴿فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ﴾؟

(۳) جزای آنانیکه به نیت ضرر رساندن به زن بعد از طلاق به وی رجوع میکنند در آیه کریمه
چی بیان شده است؟

(۴) مقصد از ﴿آيَاتِ اللَّهِ﴾ در آیه کریمه این درس چیست؟

(۵) معنی لغوی "لا تعضلوهن" را بیان دارید.



کارخانه‌گی

فواید و اندرزهای این درس را در یک صفحه بنویسید، سعی کنید علاوه از نکات مذکوره بعضی نکات دیگر را نیز علاوه نمایید.

آیه (۲۳۳-۲۳۴) سوره بقره

﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۲۳۳﴾ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿۲۳۴﴾﴾

معنای کلمات

{حَوْلَيْنِ}	دو سال.
{الْمَوْلُودَ لَهُ}	مراد پدر است.
{بِالْمَعْرُوفِ}	به نیکویی .
{وُسْعَهَا}	طاقت و توان آن.
{لَا تُضَارَّ}	ضرر رسانده نشود.
{الْوَارِثِ}	مراد وارث پدر است.
{فِصَالًا}	از شیر جدا کردن.
{يُتَوَفَّوْنَ}	مدت عمر شان پوره می گردد. (می میرند)
{يَذَرُونَ}	ترک میکنند.
{يَتَرَبَّصْنَ}	درنگ کنند و انتظار بکشند.

ترجمه

و مادران باید که شیر دهند فرزندان خویش را دو سال کامل، این حکم برای آن کس است که اراده تمام کردن مدت شیر خوارگی را دارد، و بعهده پدر است نفقه و پوشاک زنان شیر ده بوجه پسندیده، تکلیف داده نمی شود هیچ کس مگر قدر توانائی او، رنجانیده نشود هیچ مادری بسبب فرزند وی و نه پدری بسبب فرزند وی و بر عهده وارث است مانند آنچه بعهده پدر است، و اگر بخواهند پدر و مادر از شیر باز گرفتن فرزند (یعنی قبل از دوسال) به رضامندی و مشورت یکدیگر نیست گناهی بر ایشان، و اگر خواهید که شیرده (دایه) گیرید برای فرزندان خویش (در آن نیز) نیست گناهی بر شما در صورتیکه تسلیم نمودید آنچه را که دادنش را مقرر کردید به خوش خوئی و بترسید از خدا و بدانید که خدا به

آنچه می‌کنید بیناست (۲۳۳) و کسانی که می‌میرند از شما و می‌گذارند زنان شان را (زنان شان در زنده‌گی بسر می‌برند) باید که انتظار کشند این زنان به نفسهای خویش چهار ماه و ده روز پس چون رسیدند به میعاد خویش (مدت مذکور سپری شد) نیست گناهی بر شما که آنان در حق خویش کار شایسته کنند (یعنی نکاح بطور شرع یا زینت) و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است (۲۳۴)

تفسیر مختصر

﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ...﴾ به مناسبت احکام و مسایل طلاق در این آیه مبارکه یک حکم دیگر بیان گردیده است و آن مسأله رضاع یعنی شیر خواره‌گی است در صورتیکه زن طلاق گردد و فرزند شیر خوار داشته باشد، می‌فرماید: مادران دو سال کامل حق دارند که فرزندان خویش را شیر دهند اگر می‌خواستند آنها و پدران اطفال مدت شیرخواره‌گی را برای اطفال خویش مکمل نمایند لیکن در این مدت لازم است بر پدر تا نفقه شیردهنده یعنی مادر طفل را که عبارت از طعام و لباس آن است بپردازد البته بگونه معروف یعنی بحد توانائی، پدر اگر فقیر است بحد توان او و اگر غنی است نیز بحد توان او زیرا در دین اسلام هیچ کسی بالاتر از توانش مکلف به چیزی نمی‌گردد.

مراد از ﴿وَالْوَالِدَاتُ﴾ چنانچه تفسیرش گذشت مادران طلاق شده است چون سیاق آیات در مورد طلاق و احکام طلاق میباشد لیکن عده از مفسرین کلمه ﴿وَالْوَالِدَاتُ﴾ را عام میدانند که شامل همه مادرانیکه در قید نکاح شوهر هستند و یا نیستند می‌شود چون لفظ عام آمده است و کدام تخصیص در نص آیت مبارکه موجود نیست پس حکم آن نیز عام است و اشاره به وجوب نفقه زن است بالای مرد در همه حالات و خاصاً هنگامیکه زن فرزند مرد را شیر میدهد.

از جمله ﴿حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ﴾ بسیار از فقهاء استدلال نموده اند که مدت نهائی شیرخواره‌گی طفل دو سال است لیکن امام ابو حنیفه - رحمه الله - این مدت را دو سال و شش ماه دانسته و به آیت دیگر قرآن مجید که می‌فرماید: ﴿وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا﴾ [الأحقاف: ۱۵] استدلال جسته است که تفصیل آن در کتب فقه آمده است.

بعد از آن آیه مبارکه اشاره به این میکند که نباید هیچ مادری بسبب فرزندش اذیت و آزار ببیند به این معنی که نباید از شیردادن طفلش محروم گردد یا مجبور به شیردادن شود در حالیکه نخواسته باشد، یا نفقه بوی داده نشود یا بسیار چیز کم به او داده شود خلاصه به هیچ نحوی به مادر ضرر نرسد، متصل به آن همین حکم را در شان پدر نیز تصریح می‌کند که هیچ پدری نیز بسبب فرزندش آزار داده نشود به اینطور که نفقه گزاف از او گرفته شود یا به هر نوع دیگری، و از مهمترین ضررها این است که یکی از پدر و یا مادر محروم از محبت و دیدار فرزند شود زیرا این کار هم بر پدر و هم بر مادر سخت تمام می‌شود.

﴿وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ...﴾ این جمله عطف است بر جمله ﴿وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ﴾ یعنی بر وارث پدر یا بر وارث طفل، و منظور از وارث همان کسی است که حکم میراث بین او و بین پدر یا طفل ثابت است

مثل پدر کلان، برادران و غیره پس بر این وارث در صورت وفات پدر یا فقیر بودن و عاجز ماندن آن از نفقه ادای نفقه لازم است در مفهوم وارث خود طفل هم داخل می‌شود پس اگر از پدر برای او سرمایه به میراث رسیده بود مصارف شیر دهنده خواه مادر وی باشد یا دیگری از مال او گرفته می‌شود، این جمله از آیت کریمه نشان دهنده قوت برادری و محبت در یک خانواده اسلامی است که در صورت لزوم هریکی بنوبه خود حاجت دیگران را باید پوره نماید و کودک مانند جوامع غربی بدون از سرپرست و به یتیم خانه‌های دولت باقی نماند.

آیه مبارکه بعد از این به دو حکم دیگر اشاره دارد اول اینکه اگر مشوره پدر و مادر بر این شد که فرزند شان را قبل از مدت دو سال از شیر باز دارند گناهی متوجه آنها نیست.

﴿فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ...﴾ امام قرطبی در تفسیر خود نوشته است: فصال در اصل بمعنی تفریق و جدائی است و به نهایت دوره شیر خواره‌گی هم گفته می‌شود چون طفل از سینه مادر جدا کرده می‌شود، می‌فرماید: اگر مشوره پدر و مادر به این شد که قبل از تمام شدن دو سال طفل شان را از شیر باز دارند گناهی بر آنها نیست البته مقصود از مشوره این است که منفعت فرزند شان را مد نظر قرار دهند که به او ضرری متوجه نشود زیرا بهترین و مفیدترین غذا برای طفل شیر مادر است.

دوم اینکه اگر والدین خواستند برای کودک خویش زن دیگری را بحیث شیردهنده بگیرند این کار برای شان جائز است اما بشرط اینکه مزدی را که به آن قول و قرار می‌بندند بخوبی ادا کنند و به شیرده برسانند، متصل به آن پدران و مادران وعظ و نصیحت به تقوی و پرهیزگاری میکند تا احکام مذکوره را بجان و دل بپذیرند و به آنها عمل کنند و متوجه باشند که خدا آگاه و بینا بر همه چیز است.

﴿وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا...﴾ این آیه مبارکه عده آن زنانی را بیان میدارد که شوهرهای شان وفات کنند می‌فرماید: کسانی که مدت زنده گانی شان در این دنیا پوره می‌شود و روح شان در حالی قبض می‌گردد که ازدواج کرده اند پس برای زنهای شان لازم است تا چهار ماه و ده شبانه روز را انتظار بکشند در این مدت از آرایش و تجملات استفاده نکنند و کسی هم خواستگار نکاح با آنها نشود، این عدت بخاطر وفاء بحق شوهر و تشخیص خالی بودن رحم زن از اولاد است.

البته اگر زن حامله (بار دار) باشد بنا به فرمان آیت کریمه ﴿وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ﴾ [الطلاق: ۴] عدت او فقط به تولد فرزندش تمام می‌شود، در اخیر آیت به رعایت حقوق زنها در اسلام اشاره نموده می‌فرماید. چون عده مذکوره به نهایت رسید پس بر اقارب مرد یا اقارب زن هیچ گونه حرجی نیست از اینکه زن ترک قیودات کند یا برای خود شوهر به طبق قوانین شرع برگزیند. مفسرین کرام فرمودند قید نفس در جمله: (يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ) برای رغبت دادن زن است بر اینکه او باید بر نفس خود کاملاً مسلط باشد و عزم متین داشته باشد. به این معنی که نگذارد شیطان او را فریب داده به انحراف

فعالیت

در روشنائی آیت کریمه موضوع اهتمام و عنایت اسلام را نسبت به اختیار دادن به زن در انتخاب شوهر بگونه شرعی آن، مورد بحث و مناقشه قرار دهید.

درس‌ها و اندرزها

- در آیات مبارکه این درس بسیاری از اندرزهای مهم قرار دارد که به عده از آنها ذیلا اشاره می‌گردد:
- ★ مستحق تر بودن مادر به شیر دادن طفل قبل از طلاق و بعد از طلاق.
 - ★ بیان حد رضاع یعنی دوسال کامل (در نزد کسانی که این رای را ترجیح میدهند).
 - ★ جواز گرفتن عوض مادی در مقابل شیر دادن طفل کسی.
 - ★ وجوب نفقه دادن اقارب یا خویشاوندان میراث بر در صورت ضرورت یا تنگدستی شدید.
 - ★ جواز گرفتن شیر دهنده (غیر از مادر) برای طفل.
 - ★ بیان عدت زنیکه شوهرش وفات یابد.
 - ★ لزوم ترک آرایش و عدم خروج از منزل بدون از ضرورت و ممانعت مردان از خواستگاری بعد از وفات شوهر تا مدت چهار ماه و ده روز.

سؤالا

- (۱) مقصود از «الْوَالِدَاتُ» در آیه کریمه کدام مادرها هستند؟
- (۲) دو نظریه فقهای کرام را در مورد مدت شیر خواره‌گی طفل مختصرا بیان دارید؟
- (۳) مراد از "المولود له" کیست؟
- (۴) جمله «وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ» را تفسیر کنید؟
- (۵) زنیکه در عدت وفات شوهر باشد چه چیزها را باید ترک کند؟
- (۶) قید "بأنفسهن" چه چیز را افاده میکند؟

کارخانه‌گی

خلاصه احکام فقهی این درس را در کتابچه‌های خویش بنویسید.

آیه (۲۳۵-۲۳۷) سوره بقره

﴿وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عِلْمَ اللَّهِ أَنْكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجْلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢٣٥﴾ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرَهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ قَدْرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٣٦﴾ وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٣٧﴾﴾

معنای کلمات

{عَرَّضْتُمْ}	کنایه و اشاره نمودید.
{خِطْبَةِ النِّسَاءِ}	خواستگاری زنان.
{أَكْنَنْتُمْ}	پنهان داشتید.
{وَلَا تَعْزِمُوا}	قصد نکنید. (اظهار مدارید)
{عُقْدَةُ النِّكَاحِ}	عقد نکاح را.
{مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ}	مادامیکه تماس نکرده باشید ایشان را (کنایه از جماع است).
{فَرِيضَةً}	مقدار معین شده برای مهر.
{وَمَتَّعُوهُنَّ}	و بهره دهید ایشان را.
{الْمَوْسِعِ}	توانگر.
{الْمُقْتَرِ}	تنگدست.
{الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ}	مراد شوهر است.
{الْفَضْلِ}	دوستی و نیکوئی.

ترجمه

و نیست گناهی بر شما در آنچه کنایه نمودید به آن از خواستگاری زنان یا پنهان داشتید در دل‌های خود (یعنی در حال عده زن) دانست خدا که شما زود یاد خواهید کرد زنان را و لیکن قرار و پیمان نگزارید ایشان را به پنهانی مگر آنکه بگوئید سخنی پسندیده (یعنی به طور کنایه) و عزم نکنید عقد ازدواج را

با ایشان را تا آنکه رسد میعاد مقررۀ عدت به نهایت خود، و بدانید که خدا آگاه است از آنچه در دلهای شماست پس بترسید از وی و بدانید که هر آینه الله آمرزندهٔ برد بار است (۲۳۵) و نیست گناهی بر شما اگر طلاق کنید زنانی را که مساس (مباشرت) نکرده اید ایشان را یا مقرر ننموده اید برای ایشان مهری، و متاعی چند به آنها بپردازید، توانگر به اندازهٔ قدرتش و تنگدست به اندازهٔ قدرتش، بهرهٔ شایستهٔ که سزاوار مقام نیکوکاران است (۲۳۶) و اگر طلاق دهید ایشان را پیش از آنکه مساس نمایید آنها را در صورتیکه معین کرده باشید برای ایشان مهری را بایستی نصف آنچه مقرر کرده اید به آنها بدهید مگر آنکه ببخشند زنان یا ببخشند آن کسی که بدست اوست عقد نکاح و گذشت کردن به تقوی نزدیک تر است، و فراموش نکنید نیکوئی را در میان خود هر آینه الله به آنچه میکنید بیناست (۲۳۷)

تفسیر مختصر

﴿وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ...﴾ این آیه کریمه متضمن تحریم خواستگاری کردن آن عده از زنانی است که در ایام عدت قرار داشته باشند چه عدت طلاق باشد یا عدت وفات شوهر زیرا اگر طلاق رجعی باشد هنوز زن از قید نکاح مرد خارج نشده پس هیچگونه عملی بقصد خواستگاری جائز نیست و اگر طلاق بائن باشد باز هم شوهر، چنانچه در آیات قبلی گذشت، مستحق تر به نکاح این زن است و اگر عدهٔ وفات باشد این کار را عقل سلیم مناسب نمی بیند که متصل به وفات شوهر خواستگاران دنبال زن آیند. علاوه از آن احتمال می رود در صورت رواج بودن چنین کاری چون فرد مناسب یا صاحب مال به سراغ زن بیاید زن بخاطر از دست ندادن او اگر بار دار باشد حمل خود را پنهان دارد در حالیکه این کار مشکلاتی را در قبال دارد. از این نهی مذکور دو حالت استثناء شده است یکی تعریض به نکاح یعنی بصورت کنایه یا اشاره چیزی را گفتن تا زن متوجه شود که فلان شخص بعد از گذشت عدت قصد نکاح با من را دارد، تعریض ضد تصریح است و به کلامی گفته می شود که صلاحیت دلالت بر مقصود و غیر مقصود را هردو داشته باشد، دوم در دل قرار دادن این امر یعنی اینکه صرف در نیت نکاح باشد و تصریح به آن نکند و آن نیت به عمل مبدل نشود، در ضمیر خویش قرار دادن چیزی را (اکنون) میگویند.

جزء بعدی آیت مبارکه از حالات روانی انسانها خبر میدهد که خدا خوب آگاه است از اینکه شما بزودی مسئلهٔ نکاح را مطرح میکنید پس یاد آوری از آنها برای شما گناه محسوب نمی شود لیکن شما را بخاطر مصلحت خودتان مانع از این می شود که وعده های پنهانی بگذارید یا قبل از آنکه وقت مقررۀ عدت به نهایت برسد عزم این کنید که نکاحتان عقد شود.

مراد از جملهٔ مبارکه ﴿إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ همان کنایه یا تعریض است که در اول آیت بیان گردیده است اما برای تاکید دوباره در اینجا بگونهٔ استثناء از نهی مذکور در جملهٔ ﴿لَا تُؤَاعِدُوهُنَّ سِرًّا﴾

آمده است.

﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ...﴾ همچنان سلسله کلام در مورد احکام طلاق ادامه دارد و در این آیت کریمه خداوند متعال به بنده گان خویش یک مسئله دیگر را بیان می کند: بر مسلمان گناهی نیست در اینکه طلاق دهد زن خویش را قبل از همبستری کردن با وی و قبل از اینکه برای وی مهری را تعیین کرده باشد، البته بخاطر خوش ساختن خاطر آن زن در این چنین صورت باید مال و متاعی را مرد بطور هدیه به وی بپردازد و آن هم حد معین ندارد بلکه هرکسی به اندازه قدرت خود یعنی فقیر به اندازه توانائی خود چیزی بدهد و غنی به اندازه توانائی خود، یا اینکه قاضی طبق مصلحت وقت و با مراعات حالت مرد اندازه آن را تعیین نماید. دادن این مال را بسیاری از علماء با استدلال به این آیت کریمه فرض میدانند وعده آنرا مستحب میدانند چون به نوع احسان تعبیر شده است، و بهر حال این کار در حقیقت برای جلو گیری از دل شکستگی زن می باشد که بر انسان های نیکوکار لازم قرار داده شده است.

"مس" در عربی به معنی لمس است و در آیت فوق کنایه از جماع و هر آنچه قریب به جماع است میباشد، این تعبیر قرآنی تعلیم دهنده حسن ادب در سخن گفتن به انسان است تا عفت کلام را مراعات کند. و مراد از "فریضة" همان مهری است که اسلام بالای مرد واجب گردانیده است و در مقدار آن مردم را مخیر ساخته است لیکن اسلام تشویق زیاد نموده است تا اولیاء زن مهر گزاف تعیین ننمایند، بهر صورت این مهر می شود قبل از نکاح تعیین گردد و یا بعد از نکاح تعیین گردد یا هیچ تعیین نگردد لیکن علماء در این صورت مهر مثل را واجب میدانند (یعنی به اندازه مهر زنان از اقارب و خویشاوندان زن که همانند وی باشند) آیت فوق اشاره به همان صورتی دارد که مهر تعیین نگردیده و نکاح صورت گرفته باشد.

﴿وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً...﴾ این آیه کریمه بیان کننده صورت دیگری از احکام طلاق است و آن اینکه طلاق در حالی صورت گیرد که مرد زن را مساس نکرده باشد اما مهر وی تعیین شده باشد پس در این چنین صورت میفرماید ﴿فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ﴾ باید نصف آنچه مقرر نمودید به زن به بپردازید یعنی ادای این اندازه بر شما فرض است، بعد از آن برای آسانی احکام و ایجاد فضای دوستی و محبت بین خانواده ها فرمود: ﴿إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عَقْدَةُ النِّكَاحِ﴾ یعنی بر شما ادای نصف مهر فرض است مگر اینکه زن ها به شما حق خویش را معاف کنند یا همان کسیکه مالک عقد نکاح است یعنی مرد حق خویش را ببخشد و این در صورتی می شود که همه مهر را مرد به زن پرداخته باشد. پس به اساس آیت کریمه حق آن را دارد که نیم مهر را دوباره پس بگیرد مگر اینکه گذشت نماید. ممکن است آیه کریمه اشاره به دو حالت متفاوت داشته باشد حالت اول اینکه رغبت در وقوع طلاق از جانب زن باشد پس مناسب است اینکه نصف مهر تعیین شده را که حق وی است به مرد

ببخشاید، حالت دوم اینکه رغبت در طلاق از جانب مرد باشد پس مناسب است که علاوه از نصف مهر که پرداختن آن بر ذمه او واجب است نصف دیگر مهر را نیز به زن بگونه بخشش بدهد. دو جمله بعدی تشویق و ترغیب زیاد به عطوفت و مهربانی داشته میفرماید ﴿وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ﴾ به این معنی که اگر شما دو چیز را مد نظر بگیرید حتماً عفو و بخشش را ترجیح دهید یکی اینکه عفو به تقوی نزدیک تر است دوم اینکه شما فضل و احسان به یکدیگر را نباید فراموش کنید، هر مسلمان مستحق فضل است خاصاً آن کسیکه نکاح انسان با وی بسته شده باشد.

فواید درس

آیات مبارکه این درس مشتمل بر مجموعه از پند و اندرز هاست که ذیلاً به بعضی از آنها اشاره می‌گردد. ★ بیان احکام طلاق.

★ حرمت درخواست ازدواج با زن معتده (زنیکه در ایام عدت طلاق یا فوت شوهر قرار دارد).

★ جواز خواستگاری از زن معتده بطور کنایه و بلفظ غیر صریح.

★ وجوب رقیب دانستن خدا در همه حال یعنی در سر و آشکار.

★ بیان حکم زن طلاق داده شده قبل از همبستری مرد با وی و قبل از تعیین مهر.

★ زمینه سازی اسلام برای حفظ و نگهداری محبت بین دو خانواده مسلمان.



(۱) کلمات ذیل را ترجمه کنید:

{أَكُنْتُمْ} {عُقْدَةَ النِّكَاحِ} {أَوْ تَفَرَّضُوا} {وَمَتَّعُوهُنَّ} {الْمُوسِعَ} {الْمُقْتَرِ} {الْفَضْلَ}

(۲) از نهییکه در آیت کریمه نسبت به خواستگاری زن در ایام عدت آمده است کدام صورتهای استثناء شده اند؟

(۳) قرآن مجید در مورد زنیکه قبل از همبستر شدن با مرد و قبل از تعیین مهر طلاق شود چه حکم فرموده است؟

(۴) چرا آیت کریمه بجای همبستری کلمه مساس را ذکر نموده است؟

(۵) حکم قرآن مجید در مورد مهر زنیکه قبل از همبستری و بعد از تعیین مهر طلاق شده چیست؟



ترجمه آیات مبارکه این درس را بصورت جملات یعنی هر جمله را جدا جدا بنویسید.

آیه (۲۳۸-۲۴۲) سوره بقره

﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾ ﴿۲۳۸﴾ فَإِنْ خِفْتُمْ فَرَجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿۲۳۹﴾ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۲۴۰﴾ وَلِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿۲۴۱﴾ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۲۴۲﴾﴾

معنای کلمات

{حَافِظُوا}	حفاظت کنید، مداومت کنید.
{الصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ}	نماز میانه.
{قَانِتِينَ}	خشوع کننده گان و فرمان برداران.
{فَرَجَالًا}	به پای رونده گان.
{أَوْ رُكْبَانًا}	یا سواره. (بر چهار پا یا هر چیز دیگر)
{الْحَوْلِ}	سال.
{مَتَاعٌ}	بهره، متعه، نصیب.
{بِالْمَعْرُوفِ}	یعنی بگونه که نه بیحد زیاد باشد و نه بیحد کم.
{حَقًّا}	امری لازم شده.

ترجمه

مواظبت کنید بر همه نمازها و (خصوصاً) نماز میانه و بایستید بحضور الله فرمان بردارنده گان (۲۳۸) پس اگر [از دشمن و مانند آن] بیم داشتید ادا کنید نماز را پیاده یا سواره، و آن گاه که ایمن شدید یاد کنید خدا را که او آموخته است شمارا آنچه را که نمی دانستید (۲۳۹) و کسانی که می میرند از شما و می گذارند زنان شان را (زنان شان در زنده گی بسر می برند) باید وصیت کنند برای زنان خویش بهره (نفقه) یکساله دون آنکه از خانه شوهر بیرون کرده شوند، پس اگر زنها خود خارج شوند نیست گناهی بر شما در آنچه برگزیدند در حق خود از کار پسندیده و الله غالب و با حکمت است (۲۴۰) برای زنهای طلاق داده شده بهره ایست بوجه پسندیده (خوشخوئی) این کار سزاوار مردم پرهیز گار است (۲۴۱) اینگونه بیان میکند الله برای شما احکام خود را تا شما بفهمید (۲۴۲)

تفسیر مختصر

﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى...﴾ در این آیت خدای عالمیان بنده گانش را رهنمائی به آن چیزی میکند که در امر التزام و پای بندی به احکام شرعی و آداب اسلامی که ضمن این دروس گذشت کمک و مساعدت مینماید و آن عبارت از محافظت بر نمازها خصوصا نماز وسطی است. مفسرین کرام فرمودند سر اینکه این آیه کریمه در لابلای احکام ذکر گردیده اولاً این است که شاید فرورفتن در عمق احکام و مسایل یا بحث و مباحثه آنها شمارا از نماز تان باز دارد، و ثانیاً این است که چون مراعات کردن عدل و انصاف در همه احکام مذکوره لازم است پس ادای نماز بصورت درست آن بهترین وسیله برای برقرار ساختن این عدل است چنانچه قرآن مجید در جای دیگر فرموده است ﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾ [البقرة: ۴۵] شما برای پیشبرد کارهای مشکل به صبر و نماز استعانت بجوئید. همچنان نماز را سد مستحکم در برابر هجوم پدیده‌های منکر و غریزه‌های فحش میداند و میفرماید ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ "نماز باز میدارد انسان را از فحشا و منکر" [العنکبوت: ۴۵].

تعبیر به محافظت اشاره بر این است که نماز بذات خود چیزی بسیار با ارزش است زیرا معمولاً از چیز با قیمت محافظت می‌شود، و کلمه "حافظوا" ضمن اینکه دلالت بر اداء و برپا داشتن میکند دلالت بر نگهداری و مراقبت از چیزی نیز میکند.

علماء در تفسیر نماز وسطی آراء متعدد دارند، اکثر علماء بر این اند که مراد، نماز عصر است زیرا این نماز در وسط نمازهای پنج گانه قرار دارد که در یک جانب آن دو نماز روز و در جانب دیگر آن دو نماز شب است، این عده به تأیید رای خویش احادیثی را از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - آورده اند که در آنها صلات وسطی تفسیر به نماز عصر شده است از آن جمله حدیثی است که امام احمد به روایت از سمره آورده است که رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: "الصلاة الوسطی صلاة العصر" یعنی نماز وسطی نماز عصر است.

عده دیگر از علماء به ترتیب نماز صبح، ظهر، مغرب، عشاء و جمعه را نماز وسطی دانسته اند و هر گروهی توجیه علمی خویش را در این مورد، ابراز داشته است، لیکن قول راجح تر همان قول اول است. در اخیر آیت کریمه یکبار دیگر تأکید بر این مینماید که نماز شما باید توأم با خشوع و خضوع باشد زیرا "قنوت" به التزام دائمی به عبادت همگام با خشوع کامل و اطمینان قلبی گفته می‌شود.

﴿فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا...﴾ چون قنوت دلالت بر سکون و آرامش می‌نمود و بیان کننده آن بود که نماز در حال تحرک ناجائز است این آیه کریمه جواز نماز را با وجود تحرک، در یک حالت خاصی بیان میدارد که آن حالت خوف است از دشمن و یا از چیز دیگری می‌فرماید: اگر در حالت ترس و وحشت قرار داشتید اجازه دارید نماز تان را در هنگام پیاده روی یا سوار بر چیزی ادا نمائید (در این صورت روی آوردن به قبله هم شرط نیست) لیکن چون مشکل رفع گردید دوباره نماز را بصورت درست آن ادا کنید، عده از مفسرین

کرام جمله **﴿فَاذْكُرُوا اللَّهَ﴾** را در آیت کریمه به نماز به همان هیأت مطلوبه آن تفسیر نمودند. **﴿وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ...﴾** آیت کریمه دوباره به سیاق احکام طلاق و وفات بر گشت اما این بار با بیان حکم دیگر و آن اینکه بر کسانی که در مرض و فوات قرار میگیرند لازم است در مورد زنان خویش وصیت نمایند بر اینکه تا یکسال در خانه شوهر باقی بمانند (به شمول عده چهار ماه و ده روز) و در این مدت نفقه آنها نیز از مال متوفی داده شود و کسی آنها را از خانه بیرون نکند مگر اینکه خود آنها به رغبت خویش بیرون شوند پس اگر بیرون شدند و وفق قوانین شرع برای خویش همسر بر گزیدند گناهی بر نزدیکان متوفی یا نزدیکان زن نیست.

علماء در باره این آیت کریمه دو نظریه دارند اول اینکه حکم این آیت منسوخ است زیرا وصیت خاصی را که عبارت از یکسال نفقه و سکنا برای زن میباشد بر کسی که در شرف موت قرار دارد واجب میداند و زن را مخیر می سازد بین اینکه یکسال در مکان تعیین شده بماند و از نفقه بهره مند گردد یا اینکه از خانه خارج شده و از نفقه محروم شود، و گویا عده این زن را در صورت توافقش به باقی ماندن در خانه شوهر یکسال تعیین میکند، لذا این عده از مفسرین گفتند: این حکم در ابتداء اسلام بوده بعدها این حکم منسوخ گردید، بآیه مواریث یعنی به آیه که در آن میراث برنده گان و اندازه حقوق شان معلوم و مشخص شد و همچنان به آیه **﴿يَتَرَبَّصْنَ بَأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا﴾** که در آن عده متوفی عنها زوجها محدود به چهار ماه و ده روز شد، و به حدیث "ألا لا وصية لوارث" آگاه باشید وصیتی برای میراث بر نیست، یعنی جائز نیست که کسی حصه از مال خود را وصیت کند برای یکی از وارثین. و زن از جمله میراث بران مرد قرار گرفت پس برای او وصیت دیگری باقی نماند. و این نظریه را قولی از امام مفسرین عبد الله بن عباس - رضی الله عنه - تایید میکند که در آن تصریح بنسخ آیت شده است.

نظریه دوم این است که حکم آیت کریمه منسوخ نیست بلکه آیت قبلی بیان کننده عده فرضی است که عبارت از چهار ماه و ده روز باشد و این آیت بیان کننده امر غیر فرضی است یعنی بطور استحباب و کسب ثواب میگوید علاوه از عدت معینه اگر مرد چنین وصیت کند و نزدیکان مرد تا یکسال پوره مراعات حال زن را داشته باشند جائز است پس زن اگر خواهان باقی ماندن در خانه شوهر وفات شده اش بود او را مجبور به بیرون شدن نکنند، در این صورت جمله **﴿فَإِنْ خَرَجْنَ﴾** اشاره به ما بعد از عده مفروضه میکند چون در آن ایام زن حق بیرون شدن را بدون از ضرورت ندارد.

﴿وَالْمُطَلَّاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ...﴾ این آیه کریمه متاعی را برای زن مطلقه که تا مدتی از آن استفاده کند بالای مرد لازم قرار میدهد، این متاع هر آن چیزی خواهد بود که عقل او را مناسب به بیند و به هدف دور نمودن حالت دل شکستگی ایجاد شده در قلب زن نسبت به فراق و جدائی از شوهر انجام این کار مجاز قرار داده شده است. عده از علماء با استدلال به این آیت کریمه دادن چیزی را بحیث متعه بالای طلاق دهنده فرض میدانند، اما دیگران به این رأی و نظر اند که مراد از "متاع" همان نفقه است که در

ایام عده به دوش مرد قرار داده شده است علاوه از آن پرداخت چیز دیگری واجب و ضروری نیست.



در مورد نقش نماز در زنده‌گی مسلمان و تاثیرات مثبت التزام به جماعت با یکدیگر بحث و مناقشه کنید.

فواید درس

آیات مبارکه این درس مشتمل بر مجموعه‌ای از پند و اندرز هاست که ذیلاً به بعضی از آنها اشاره می‌گردد.

- ★ وجوب محافظت بر همه نمازها خاصاً نماز عصر .
- ★ منع سخن زدن و حرکات غیر ضروری در نماز که باعث ازبین رفتن خشوع می‌شود.
- ★ وجوب خشوع و تضرع در نماز.
- ★ بیان نماز خوف و جواز ادای آن در حال راه رفتن یا سواره.
- ★ امر به پای بندی به ذکر خدا و بجا آوردن شکر نعمت‌های وی.
- ★ اثبات دادن چیزی بنام متعه برای زن طلاق داده شده.
- ★ بیان اینکه نزول احکام از جانب خداوند فضل و کرم خداوند برای بشر است اگر انسان درک کند.



۱) کلمات ذیل را ترجمه کنید:

{قَاتِنِينَ} {فَرَجَالًا} {رُكْبَانًا} {الْحَوْلِ} {فَإِنْ خَرَجْنَ} {حَقًّا}

۲) مفسرین کرام در مورد حکمت یاد شدن نماز، در میان احکام فقهی دیگر چه فرموده اند؟

۳) چرا آیت کریمه بجای اینکه بگوید: نماز را ادا کنید، فرمود ﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ﴾ این تعبیر چه چیز را افاده میکند؟

۴) این آیه کریمه را به اختصار تفسیر نمائید ﴿فَإِنْ خِفْتُمْ فَرَجَلًا أَوْ رُكْبَانًا...﴾؟

۵) رأی علماء در مورد وجوب یا عدم وجوب دادن متعه به زن طلاق داده شده چیست؟



کارخانه‌گی

با استفاده از مأخذ دیگر مسأله نسخ یا عدم نسخ آیه مبارکه ﴿وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ﴾ را در یک صفحه بصورت کوتاه توضیح بدهید.

آیه (۲۴۳-۲۴۵) سوره بقره

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ (۲۴۳) وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۴۴﴾ مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۲۴۵﴾

معنای کلمات

{أَلَمْ تَرَ}	رؤیت قلبی مراد است یعنی آیا به علم تو نرسید و آگاه نشدی؟
{أُلُوفٌ}	هزار ها. (جمع ألف است و دلالت بر کثرت میکند)
{حَذَرَ الْمَوْتِ}	از ترس مرگ.
{ذُو فَضْلٍ}	صاحب بخشایش.
{سَبِيلِ اللَّهِ}	راهی که در آن رضای خدا است.
{يُقْرِضُ اللَّهَ}	قرض دهد خدا را. (به دادن چیزی از مال خود در راه جهاد و امور خیر دیگر)
{يَقْبِضُ}	تنگ می سازد روزی را.
{يَبْسُطُ}	فراخ میکند روزی را.

ترجمه

آیا ندیدی آنانی را که بیرون شدند از خانه‌های خویش از ترس مرگ و ایشان هزاران تن بودند، پس گفت ایشان را خدا بمیرید (همه شان مردند) سپس زنده گردانید ایشان را هر آئینه الله دارای بخشایش است بر مردم و لیکن بیشتر مردم سپاسگزاری نمی کنند (۲۴۳) و جهاد کنید در راه خدا و بدانید که هر آئینه خدا شنوای داناست (۲۴۴) کیست آنکه قرض دهد الله را قرض نیکو پس بیفزاید خدا آنرا برای وی افزودن بسیار و خدا می گیرد و می گشاید و به سوی او باز گردانیده می شوید (۲۴۵)

تفسیر مختصر

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ...﴾ کلمه "أَلَمْ تَرَ" چنانچه آلوسی - رحمه الله - گفته است گاهی برای مخاطبی گفته می شود که از موضوع خبر داشته باشد یا واقعه را دیده باشد پس در آن صورت

مقصد از آن تعجب و تذکیر میباشد یعنی با وجود علم مخاطب دوباره به او یاد دهانی میکند تا حیرتش را نسبت به خبر بر انگیزد، و گاهی برای آن مخاطبی گفته می‌شود که از موضوع خبر نداشته باشد پس در این صورت مقصد از آن با خبر ساختن شخص میباشد لیکن چون موضوعی که از آن خبر میدهد امری عجیب و دارای اهمیت بزرگ میباشد لذا حال کسیکه چیزی را ندیده به آن کسی تشبیه می‌شود که آن را دیده باشد گویا شهرت و معروف بودن آن موضوع و حیرت انگیزی آن بحدی است که از دید مخاطب مخفی نیست.

این آیه مبارکه خبر از رخدادی می‌دهد که بر اهل یکی از شهرهای بنی اسرائیل وقوع پیوست آنها خواسته بودند از مرض طاعون که در شهر شان پیدا شده بود فرار نمایند لذا از ترس موت همه شان که تعداد آنان به هزاران نفر می‌رسید از شهر خارج شدند، خدای متعال خواست به آنها نشان دهد که اگر خواست من رفته باشد کسی از مرگ نجات یافتنی نیست لذا همه آنها را به آن واحد هلاک ساخت باز دعای یکی از پیغمبران خویش را در حق آنها پذیرفت و ایشان را دوباره زنده گردانید. مقصود از ذکر این خبر در این جا این است که به آنچه در آیت بعدی ذکر می‌گردد مؤمنین را بر انگیزاند یعنی حرکت بسوی جهاد و پیکار با دشمنان دین تا اینکه کسی گمان نکند حضور در میدان جهاد سبب مرگ می‌گردد و اگر کسی در معرکه حاضر نشود از مرگ خلاصی می‌یابد.

جمهور علماء بر این اند که موت این افراد موت حقیقی بوده است و این موت با عقیده معروفی که در کتاب‌های آسمانی آمده است مبنی بر اینکه موت زنده گی دنیا یکبار است و دیگر بعد از آن رجوعی قرار ندارد مخالف نیست، زیرا ممکن است این موت بطور عقوبت و جزا بوده و اجل حقیقی آنها فرا نرسیده باشد، اما بعضی از مفسرین گفته اند که مراد از این موت، موت حقیقی نیست بلکه همان ذلت و خواری مراد است که خدای متعال برای این جماعت از بنی اسرائیل بعثت تخلف شان از جهاد نصیب گردانیده بود، چون بدست دشمن افتادند و همه افتخارات شان را از دست دادند گویا که هلاک شدند و باز چون همت در وجود شان پیدا شد و استقلال و عزت خویش را دوباره بدست آوردند گویا که زنده شدند.

﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ بعد از بیان قصه فوق امر به قتال در راه خدا آمد که شما ای مسلمانان در راه خدا و به خاطر دین خدا قتال کنید و خوب بدانید که خداوند شنوا بر اقوال شما و دانا بر کردار شماست پس شاید کسی این گفته را به زبان آورد که قتال در راه خدا سبب موت می‌شود و اگر فلان شخص در جنگ شرکت نمی‌نمود نمی‌مرد، و یا کسی از شرکت کردن در جهاد عملاً

ابا ورزد به همین دلیل، مگر برای جماعت بنی اسرائیل فرار شان از موت فائده رساند؟ چون مدت حیات پوره گردید در هر جائی که باشید مرگ به سراغ تان خواهد آمد.

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا...﴾ بدون از شک جهاد در راه خدا به و سائل و امکانات بزرگی ضرورت دارد و برای تهیه کردن آن به مال و ثروت هنگفت احتیاج است و یگانه راه آن این است که مسلمانان دست بدست یکدیگر داده با انفاق در راه خدا این ضرورت را مرتفع سازند، آیه کریمه در نهایت زیبایی انفاق در راه خدا را به دادن قرض به کسی تشبیه نمود و قرض گیرنده را ذات مقدس الهی معرفی نموده است. یعنی همچنانکه دادن قرض الحسنه به کسیکه به مشکلی دچار باشد او را خوشحال می‌سازد پس شما در انفاق تان خدای خویش را راضی و خوش می‌سازید و همچنان که قرض چیز گم شدنی نیست این انفاق تان نیز گم نخواهد شد بلکه خداوند چندین برابر آنرا به شما خواهد بخشید زیرا خزائن همه در ید قدرت آن ذات بزرگ است که برای آزمایش بنده گان اگر بخواهد فراخ دستی می‌آورد و اگر بخواهد تنگدستی.

امام قرطبی رحمه الله فرموده است قرض اسمی است برای هر آنچه که امید پاداش در آن می‌رود، همینکه گفته می‌شود فلانی به فلانی قرض داد یعنی به او چیزی داد که پاداش او را دوباره به دست خواهد آورد، اما تعبیریکه در این آیه کریمه از انفاق به قرض شده است برای افهام بهتر مردم است و گرنه خدای عالمیان مستغنی از قرض گرفتن است پس بطور تشبیه عطاء بنده در دنیا و امیدیکه در مقابل او از اجر و ثواب اخروی دارد به قرض تعبیر گردیده است. مراد از قرض حسن اخلاص نیت است که در آن هیچ گونه ریاء و خود نمائی نباشد یا اینکه چیزیکه قرض داده شده از مال حرام نباشد و مقصد از ﴿فِيضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا﴾ دادن چندین برابر اجر یا امثال انفاق است به این معنی که ثواب آن را یا بدیل آنرا خداوند به اندازه خواهد داد که خود میداند زیرا کلمه تضعیف معنی دو چندی را میدهد و باز این کلمه توصیف به "کثیره" نیز شده است.



شاگردان در مورد فضیلت انفاق در راه خدا و اهمیت تجهیز لشکر اسلام به مدرن‌ترین امکانات و اسلحه پیشرفته با یکدیگر به بحث و مناقشه بپردازند.

فواید درس

آیات مبارکه این درس مشتمل بر مجموعه‌ای از پند و اندرز هاست که ذیلاً به بعضی از آنها اشاره می‌گردد:

- ★ وجوب ذکر نعمت و شکر آن.
- ★ وجوب قتال در راه خدا در صورتیکه امیر مسلمانان لازم ببیند.
- ★ فضیلت انفاق در راه خدا، خصوصاً در راه جهاد.
- ★ بیان اینکه تنگدستی و فراخ دستی در زنده‌گی از جانب خدا و برای امتحان بنده گان است تا چه کسی صبر میکند و چه کسی شکر می‌نماید.



- (۱) معنی لغوی "أَلَمْ تَرَ" و فائده بلاغی آن را بیان کنید.
- (۲) عقیده معروف این است که انسان در دنیا یک حیات و یک موت دارد پس زنده شدن افرادی که قرآن مجید از آنها خبر داده است چگونه توجیه می‌شود؟
- (۳) موت جماعت مذکوره حقیقی بوده است یا کنایه از چیز دیگر است؟
- (۴) هدف از ذکر قصه فرار کننده گان از وباء در آیات این درس چی بوده است؟
- (۵) تشبیه انفاق فی سبیل الله به قرض چه چیزهای را افاده می‌نماید؟
- (۶) توصیف شدن قرض به "حسنه" چه چیز را میرساند؟



کارخانه‌گی

در باره عبرت‌هایی که از واقعه بنی اسرائیل در این درس بدست می‌آید و همچنان حکمت‌های دیگر این درس یک مقاله کوتاه بنویسید که از هشت سطر کم نباشد.

آیه (۲۴۶-۲۴۸) سوره بقره

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ اابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجَنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٢٤٦﴾ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٧﴾ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٤٨﴾﴾

معنای کلمات

{الْمَلَأَ}	ملاً در اصل برای بزرگان قوم گفته می‌شود و بمعنی مطلق گروه و جماعت هم می‌آید.
{عَسَى}	کلمه است که معنی توقع را میدهد.
{اصْطَفَاهُ}	برگزیده است آن را.
{بَسْطَةً}	وسعت و فراخی.
{آيَةُ مُلْكِهِ}	علامه اینکه او را خداوند بر شما پادشاه قرار داده است.
{التَّابُوتُ}	صندوق چوبی.
{سَكِينَةً}	آرامش قلبی.

ترجمه

آیا ندیدی جماعتی از بنی اسرائیل را بعد از موسی آنگاه که گفتند به پیغمبر شان: مقرر نمای برای ما پادشاهی تا (به سرکردگی او) بجنگیم در راه خدا، گفت پیغمبر: مبادا اگر جهاد بر شما فرض شود نافرمانی کنید، گفتند: چه شده است ما را که جنگ نکنیم در راه خدا حال آنکه ما و فرزندان ما بیرون کرده شده ایم از خانه‌های خویش، پس وقتیکه (طبق درخواست آنها) واجب شد بر ایشان جنگ روی گردانیدند مگر اندکی از ایشان و خدا آگاه است از کردار ستمکاران (۲۴۶) و گفت به آنها پیغمبر شان هر آینه خدا طالوت را به پادشاهی شما مقرر کرده است، گفتند چگونه او را پادشاهی بر ما باشد حال آنکه ما سزاوار تریم به پادشاهی از وی و او را مال فراوان نیست، گفت (پیغمبر شان) هر آینه خدا برگزیده است او را بر شما و افزوده او را فراخی در علم و جسم و الله ملک خویش را به هر که خواهد میدهد و خدا توانگر داناست (۲۴۷) و گفت پیغمبر شان

به ایشان هر آینه نشانه سلطنت طالوت آنست که بیاید نزد شما صندوقی که در آن تسلی خاطر شماست از جانب پروردگار شما، و [اشیاء] باقی مانده از آنچه که گذاشتند خانواده موسی و خانواده هارون بر میدارند اورا فرشتگان، هر آینه در این برای شما نشانه است اگر اهل ایمان باشید (۲۴۸)

تفسیر مختصر

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى...﴾ دوباره آیه کریمه به ذکر حال بنی اسرائیل آغاز میکند و یکی از وقعات دیگر آنها را بیان میدارد و مقصد کلی بر انگیختن همت مؤمنان است تا در آنچه که حیات و عزت شان در آن قرار دارد کوتاهی نکنند، این آیات کریمه زمانی نازل گشت که معرکه های جنگ بین مسلمانان و مشرکین شدیداً گرم بود و با وجود کمی عدد مؤمنان بیرق جهاد علیه هر طغیان گریکه مانع از رسیدن دین خدا به مردم می شد بلند شده بود لذا در چنین حالتی اسلام به مردهای قوی و شجاع ضرورت داشت که از میدان عقب نشینی نکنند و از مرگ نهرا سند پس برای از بین بردن هر گونه ترس و بزدلی و بخاطر تقویۀ نفوس، اولاً قصۀ جماعت فوق الذکر بیان شد و بعد از امر به قتال و انفاق در راه خدا بار دیگر از واقعۀ دیگری به تفصیل یاد آوری گردید که مجموعه از درس های معنوی را برای مؤمنان صدر اسلام و آنانیکه در حالات مشابه به حالت ایشان قرار دارند تقدیم نمود.

واقعۀ چنان بود که بعد از وفات حضرت موسی مجموعه از اشراف بنی اسرائیل نزد پیغمبر زمان خویش رفتند و خواهان آن شدند تا کسی را برای پیشبرد کارهای جهادی تعیین و مشخص سازد، در این شکی نیست که پیغمبر، قائد و فرمان روای حقیقی امت خویش می باشد اما آنها فقط برای نشان دادن شوق و اشتیاق زیاد شان به جهاد خواهان امیری شدند که امارت جنگ را بدست بگیرد، نبی شان چون آنها را خوب می شناخت و از ضعف نفوس عدۀ زیادی از ایشان مطلع بود از آنها بطور اقرار پرسید: آیا گمان می رود اگر جهاد بر شما فرض شود اینکه از ادای این فریضه سر باز زنید؟ در جواب برای اظهار تعجب خویش از این سؤال گفتند: چه شده است که در راه خدا جهاد نکنیم در حالیکه ما را دشمنان ما از خانه و کاشانه ما بیرون راندند و بین ما و فرزندان ما جدائی آوردند، آمده است که عمالقه اتباع جالوت بعد از اینکه فسق بنی اسرائیل به اوج خود رسیده بود و عمل به کتاب را ترک گفته رو به فساد اخلاقی آورده بودند از این ضعف بنی اسرائیل استفاده کرده سرزمین فلسطین را تسخیر نمودند و اهل آن را خوار و ذلیل نموده از آن بیرون راندند پس اشاره این قوم به این واقعۀ بود. همان بود که به دستور خداوند فردی بنام طالوت بحیث امیر تعیین گشت و جهاد بر این مردم فرض شد آنها اولاً بهانه گیری ها را در سپرده شدن این سمت به طالوت آغاز نمودند تا آنکه خداوند نشانه خاصی را برای تایید پادشاهی اش فرستاد از این معلوم می شود که آنها به کلام نبی خویش اعتماد کامل نداشتند و در ثانی از قیام به امر جهاد تحت قیادت این امیر سر باز زدند مگر عدۀ قلیلی از ایشان، تفصیل بیشتر این واقعۀ ضمن تفسیر آیات این درس خواهد آمد.

"من بعد موسی" مجملاً بیان کننده وقتی است که این گروه از بنی اسرائیل در آن زنده گی میکردند یعنی از نظر زمانی این واقعه بعد از حضرت موسی بوقوع پیوسته است. و پیغمبر این قوم بقول راجح حضرت "شمویل بن حنة" بوده است و حکمت از عدم ذکر نام آن در آیت احتمالاً این است که مقصود اصلی معرفت حال این قوم است نه شناخت شخص نبی، چنانچه طریقه قرآن مجید در بیان قصص همین است که به افراد و تواریخ و دیگر جزئیات توجه نمی کند بلکه به آن جایی از قصه توجه می کند که در آن پند و عبرت برای انسانها نهفته است.

"عسی" ضمن اینکه معنی توقع را میدهد معنی نزدیکی را نیز میدهد پس معنی ﴿هَلْ عَسَيْتُمْ﴾ چنین می شود ﴿هَلْ قَارِبْتُمْ أَلَا تَفَاتِلُوا؟﴾ در اخیر آیت قرآن مجید توقع نبی این قوم را در شأن ایشان تصدیق میکند ﴿فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ﴾ یعنی امر در حقیقت آنچنان شد که شمویل علیه السلام توقع داشت آنها از قتال روی گردانیدند مگر عده کمی از ایشان.

﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلَكًا...﴾ در این آیه کریمه به چند چیز اشاره می گردد اول اینکه تعیین ملک از جانب شخص نبی نبوده بلکه به وحی خداوندی صورت پذیرفته بود چرا که نبی این قوم فرمود: خدا طالوت را پادشاه برای شما مقرر کرده است، دوم اینکه بنی اسرائیل مقیاس فضیلت و برتری را فقط مال و منال دنیا میدانستند چرا که به انتخاب خداوندی اعتراض نمودند و یکی از دلایل شان این بود که: ﴿وَلَمْ يُؤْتِ سَعَةً مِنَ الْمَالِ﴾ طالوت از ثروت زیاد بر خور دار نیست چگونه بر ما امیر و پادشاه تعیین می گردد؟! سوم اینکه پیغمبر آن زمان، این طرز تفکر باطل را اصلاح نموده فضیلت و برتری را در انتخاب خداوندی که ملک خویش را به هر آنکس که لائق به بیند عطا میکند و در قوت علمی که مهمترین وسیله غلبه بر دشمنان است و قوت جسمی که امر لازمی در پیشبرد امور جهاد است دانست و اعلان نمود.

﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ...﴾ این آیه کریمه نشان دهنده آن است که نبی این قوم تنها به دلایل فوق بسنده نکرد بلکه به خواست خداوند نشانه های مهمی را که دلالت بر صحت و حقیقت پادشاهی طالوت میکردند و هرگونه شک و شبهه را ازاله می نمودند نیز آورد از آن جمله این بود که بنی اسرائیل مدت ها صندوقی را که در آن لوحه های از تورات نازل شده به حضرت موسی و مانده گارهای دیگری قرار داشت با خود حفظ کرده بودند و در معرکه های جنگ بعنوان تبرک و وسیله برای بلند بردن روحیه مقاتلین آن را با خویش حمل میکردند اما این صندوق بعد از غالب آمدن دشمنان بر آنها از ایشان گرفته شده بود یا اینکه خداوند آن را از میان شان بر داشته بود. پیغمبر شان گفت: همان صندوق مبارک دوباره به شما برگشته می شود ملائکه خداوند آنرا نزد شما می آورند پس اگر شما مؤمن باشید این علامت بزرگ برای شما کافیت.

اینکه در آن صندوق چی قرار داشت در نص آیت چیزی ذکر نشده، بهرحال مشهور است که در آن

تخته‌های مذکور، عصای موسی، لباسهای وی و نسخه‌های از تورات بوده است و مراد از آل موسی و آل هارون حضرات ایشان است و لفظ آل برای تعظیم شأن آنها آمده است اما بعضی از مفسرین گفتند ممکن است اشاره به موسی و هارون و انبیای بعد از ایشان باشد.



شاگردان به کمک استاد محترم مضمون در مورد فضیلت علم و دانش و اینکه بنابه اشاره قرآن مجید علم سبب پشرفت و پیروزی امت‌ها می‌شود با یکدیگر مباحثه و مناقشه کنند.

فواید درس

- آیات مبارکه این درس مشتمل بر مجموعه‌ای از پند و اندرز هاست که به بعضی از آنها اشاره می‌گردد:
- ★ ضرورت وجود امام برای قیادت و رهبری جهاد.
- ★ برای امارت کفایت و شایستگی شرط است که از مهمترین خصائص آن علم و سلامت عقل و جسم باشد.
- ★ بیان قباحت حال بسیاری از بنی اسرائیل مانند فرار از میدان جهاد، عدم وفا به عهد و شک و شکوک در گفتار پیغمبران.
- ★ بیان اینکه ترک جهاد و روی آوردن به فسق و فساد ذلت و خواری را ببار می‌آورد.



- (۱) کلمات ذیل را ترجمه کنید:
{الْمَلَأَ} {اصْطَفَاهُ} {بَسْطَةً} {التَّابُوتُ} {سَكِينَةً} {وَبَقِيَّةٌ}
- (۲) مقصد کلی از بیان این قصه در قرآن مجید چیست؟
- (۳) واقعه‌ای که آیات این درس به آن اشاره دارد مختصراً بیان کنید؟
- (۴) نام پیغمبر این قوم چه بود و حکمت ذکر نشدن آن در آیت چیست؟
- (۵) "عسی" چه چیز هارا معنی میدهد؟
- (۶) قصه تابوت چگونه بود و چه چیزهای در آن قرار داشت؟
- (۷) مراد از آل موسی و آل هارون چیست؟



کارخانه‌گی

در یک صفحه صفات بنی اسرائیل را با استفاده از آیات این درس و درس قبلی آن تحریر کنید.

آیه (۲۴۹-۲۵۲) سوره بقره

﴿فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٢٤٩﴾ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٥٠﴾ فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٢٥١﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٥٢﴾﴾

معنای کلمات

{فَصَلَ}	بیرون شد و خارج گردید.	{قَلِيلَةً}	اندک، کم.
{الْجُنُودِ}	عساکر، لشکر	{بَرَزُوا}	ظاهر شدند در میدان معرکه.
{مُبْتَلِيكُمْ}	آزمایش کننده است شمارا.	{أَفْرِغْ}	بریزان.
{غُرْفَةً}	یک کف آب.	{هَزَمُوهُمْ}	شکست دادند آنها را.
{فِئَةً}	گروه، طائفه، جماعتی.	{آتَاهُ اللَّهُ}	داد او را خداوند.

ترجمه

پس هنگامیکه بر آمد طالوت با لشکرها گفت: هر آیینی که الله آزمایش کننده است شمارا به نهر آبی پس هر که بنوشد از این نهر نیست از من (هم آیین من) و هر که هیچ نیاشامد پس هر آیینی او از من است مگر کسیکه بر دارد یک کف آب بدست خویش، پس همه سپاهش آشامیدند بجز عده قلیلی از آنها، و چون طالوت و مؤمنان همراه وی گذشتند از نهر گفتند (نوشنده گان) نیست میان را امروز تاب مقابله با جالوت و لشکرهای او، گفتند آنانیکه به ملاقات خداوند (و ثواب آخرت) یقین داشتند بسا گروه اندک بیاری خدا غالب آمده جماعت بسیاری را، و الله همراه صبر کننده گان است (۲۴۹) و چون به میدان مبارزه جالوت و لشکریانش آمدند گفتند: پروردگارا بریزان (نصیب فرما) بر ما شکیبائی و استوار دار قدمهای مارا و مدد ده مارا بر گروه کافران (۲۵۰) پس شکست دادند مؤمنان ایشان (جالوت و لشکرش) را بیاری خدا و کشت داود جالوت را و عطا فرمود خدا داود را پادشاهی و حکمت و بیاموخت او را از آنچه میخواست، و اگر نمی بود دفع کردن الله مردمان را گروهی بدست گروهی هر آیینی تباه می شد زمین و لیکن الله صاحب بخشایش است بر عالمیان (۲۵۱) اینها آیات خداست که براستی میخوانیم آنها بر تو و هر آیینی تو (ای محمد) از جمله پیغمبرانی (۲۵۲)

تفسیر مختصر

﴿فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ...﴾ این آیه کریمه بیان کننده مراحل بعدی این قصه است که بعد از مقرر شدن طالوت به سرکرده گی این قوم بر او و لشکریانش چه گذشت، میفرماید: چون از منطقه به قصد جهاد بیرون شدند و در میان شان همان گروه ضعیف الایمان نیز قرار داشت خواست خداوند بر این رفته بود که همراهان طالوت را به نهری که عده از مفسرین و تاریخ نگاران آن را بطور احتمالی نهر اردن امروزی می دانند بیازد، لذا طالوت را از این امتحان خبر داد و او نیز قوم خویش را مطلع ساخت بر اینکه شما به زودی به نهری آزمایش می شوید به این معنی که در حال شدت تشنگی به آن نهر می رسید پس نباید از آب آن بیاشامید و متوجه باشید هر آنکس که بنوشد از آب آن او از جمله مؤمنان نیست مگر اینکه نوشیدن آن اندک و بعد یک مشت دست باشد و هر آنکس که ننوشد از آن او از ماست، همان بود که این امتحان تحقق پذیرفت و بدبختانه اکثریت قوم با وجود اطلاع قبلی از آن آب نوشیدند لذا همین گروه ناکام چون در مقابل دشمنان خویش که جالوتیان بودند و تعداد شان به هزاران تن می رسید ایستاده شدند فریاد بر آوردند که مارا طاقت مقابله با این دشمن قوی نیست و از میدان فرار نمودند. اما گروه اندکی که از امتحان خداوندی کامیاب بر آمده بودند و تعداد شان را بعضی از مفسرین به اندازه تعداد مجاهدین بدر یعنی سیصد و سیزده نفر گفتند آنها روحیه همدیگر را تقویه کرده آواز سر دادند که بسا گروه های اندک را خداوند بر جماعات بزرگ غالب آورده است لذا ما از کمی عدد و فرار یاران نمی هراسیم و باز از خدای متعال خواستار استقامت و پایداری شدند چنانچه خدای قادر و توانا دعای آنان را پذیرفت و نصرت و پیروزی را نصیب شان گردانید و سرلشکر دشمن را که جالوت نام داشت بوسیله یکی از بنده گان مخلص خویش که در این جماعت اندک قرار داشت یعنی داود که بعدها خداوند مقام پیغمبری را به وی نصیب کرد هلاک ساخت.

"طعم" بمعنی چشیدن چیزی می آید برابر است که شیء ماکول باشد یا مشروب، و از قرینه کلام معلوم می شود که مقصود از آن آشامیدن است. "غرفة" به ضم غین اسمی است برای چیزیکه به کف برداشته شود و بفتح غین گرفتن یک مرتبه ای چیزی را گویند بکف دست.

﴿وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ...﴾ بروز به ظاهر و هویدا شدن گفته می شود مراد این است که چون هردو لشکر به زمینی فراخ رسیدند قسمیکه یکدیگر را مشاهده میکردند و از همین اصل و معنی کلمه مبارزه گرفته شده است. این آیت کریمه نشان دهنده آن است که در مبارزه حق علیه باطل تنها به زور و قوت انسانی اکتفا نباید گردد و مسلمان هیچ گاه نباید مغرور به مادیات شود بلکه مهمترین چیزیکه مسلمان باید به آن توجه داشته باشد نصرت و یاری خداوندیست که بوسیله کسب رضای خدا و دعا و نیایش بسوی او بدست می آید،

البته مادیات و امکانات را نباید نادیده گرفت و این دستور خداوندیست که میفرماید: برای مقابله با دشمن هر آنچه میتوانید آماده‌گی بگیرید، [الأنفال: ۶۰] لیکن مسلمان نباید به مادیات مغرور شود، لذا این جماعت مؤمن هم زمانیکه با دشمن رو برو شدند از خدای خویش درخواست صبر و ثابت قدمی را کردند.

"إفراغ" چنانچه امام رازی رحمه الله گفته است به ریختن چیزی گفته می‌شود و استعمال این کلمه در دعا نشان دهنده مبالغه بسیار ایشان در خواستن صبر و استقامت است زیرا در عربی به ریختن مکمل آنچه که در ظرف قرار داشته باشد "إفراغ الإناء" گفته می‌شود پس معنی چنین می‌شود که ای خدا بطور کامل و زیاد از خزائن خویش صبر و پایداری را بر ما بریزان، در جمله مبارکه ﴿وَبَيَّنَّا أَفْدَامَنَا﴾ تعبیر به جزء از کل شده است چون قدم وسیله ثبات یا فرار جسم است که اگر ثابت بماند همه بدن ثابت می‌ماند و اگر فرار کند بدن را با خود میکشاند لذا بطور خاص ذکر آن در دعا می‌آید.

﴿فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ...﴾ در نتیجه آن دعا و اخلاص نصرت خداوندی نازل گشت و شکست دشمنان به اذن و اجازه خداوند حتمی شد. "فا" در کلمه "فَهَزَمُوهُمْ" سببیه است و "هزم" بمعنی کسر می‌آید یعنی بالاخره دعای مخلصانه شان و ایمان قوی شان به اراده خدا سبب شکسته شدن لشکر دشمن گردید و داود بن ایشا فرمان روای دشمن (جالوت) را از پای در آورد و با کشته شدن آن لشکر به هزیمت مواجه شد. آیت کریمه ضمنا به نعمت‌هاییکه خدای متعال برای داود علیه السلام ارزانی فرمود اشاره میکند که از آن جمله نعمت پادشاهی و بالاتر از آن نعمت رسالت که در آیت تعبیر به حکمت شده و نعمت علم به فنون مختلف و غیره است. و در اخیر به سنت حکیمانه خداوند اشاره دارد که بعضی از مردم را چون طغیان شان از حد تجاوز کند بوسیله بعضی دیگر از بین می‌برد و شر شان را از سر بنده گان دفع می‌نماید که اگر چنین روشی از جانب خدای عالمیان نمی‌بود یقینا زمین را فتنه و فساد فرا می‌گرفت.

﴿تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾. کلمه "تلك" اشاره بطرف این قصه و قصه قبلی آن است، میفرماید بیان این قصص بصورت درست و عبرت انگیز آن یقینا از آیات خداوند است که بر تو ای محمد - صلی الله علیه وسلم - تلاوت میکنیم بگونه‌ای که هیچ نوع باطل در آن راه ندارد و تو چون از این قصص ماضی خبر نبودی و اطلاعی نداشتی چون قرائت و کتابت را تعلیم نگرفته بودی تا در کتب پیشینیان بخوانی علاوه بر آن در کتب گذشته این قصص بگونه وارونه و غلط آمده است پس تلاوت این آیات بر تو و اطلاع دهی تو دیگران را بر این خبرهای غیبی علامت و نشانه صحت و راستی رسالت توست ﴿وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ و بتحقیق که تو از جمله مرسلین یعنی پیامبران هستی.



شاگردان در مورد اهمیت ثبات و استقامت در کارهای دین با یکدیگر مباحثه و مناقشه کنند.

فواید درس

- آیات مبارکه این درس مشتمل بر مجموعه‌ای از پند و اندرز هاست که به بعضی از آنها اشاره می‌گردد:
- ★ جواز امتحان کردن سپاهیان به مقصد معلوم کردن حد و اندازه آماده‌گی جنگی و صبر و استقامت شان.
- ★ بیان فضیلت ایمان به لقاء خدا و فضیلت صبر در جهاد.
- ★ بیان حکمت مشروع شدن جهاد که همانا دفع اهل کفر و ظلم و جانشین کردن اهل ایمان و عدالت بجای آنهاست تا زمین خدا را از نظر مادی و معنوی آباد سازند.
- ★ ارزش دعا و نیایش به بار گاه خداوند و نقش مهم آن در نزول فتح و کامیابی.
- ★ بیان سنت تکوینی خداوند در زمین که عبارت از دفع کردن بعضی از مردم بوسیله بعضی دیگر است.
- ★ اثبات رسالت نبی کریم حضرت محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - .



(۱) کلمات ذیل را ترجمه کنید:

{فَصَلَ} {الْجُنُودُ} {مُبْتَلِيكُمْ} {فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ} {بَرَزُوا} {فَهَزَمُوهُمْ}

(۲) خداوند متعال لشکریان طالوت را چگونه مورد امتحان قرار داد؟

(۳) کلمه "غرفة" را مفسرین چگونه تفسیر نمودند؟

(۴) معنی "بروز" چیست و طبق آن آیت کریمه چگونه تفسیر می‌شود؟

(۵) اعتماد انسان مسلمان در بدست آوردن پیروزی بیشتر به مادیات باید باشد یا به معنویات؟

(۶) از نظر بیانی کلمه "أفرغ" در جمله «أَفْرَغْ عَلَيْنَا صَبْرًا» چه چیز را افاده می‌دهد؟

(۷) چند نعمت از جمله نعمت‌های را که خدای متعال برای داود علیه السلا ارزانی فرموده بود نام ببرید؟